

# امام علی مہتمم

در آئینہ روایات شیعہ و اہل سنت

تألیف

محمد امیر ناصری

ترجمہ

محمد مہدی رضایی

سرشناسه	: ناصری، محمدا میر.
عنوان قراردادی	: الاحادیث المشتركة حول الامام المهدي .فارسی.
عنوان و نام پدیدآور	: امام مهدی در آینه روایات شیعه و اهل سنت / تألیف محمدا میر ناصری؛ تصحیح و ترجمه محمدا مهدی (احسان) رضائی؛ زیر نظر محمد علی تسخیری.
مشخصات نشر	: تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی - ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۶ص: ۲۱×۱۷س.م.
شابک	: 978-964-167-089-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: عنوان به عربی: الامام المهدي في الاحاديث المشتركة بين السنة والشيعة.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: واژه نامه.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- احادیث.
موضوع	: مهدویت - احادیث.
شناسه افزوده	: رضایی، محمد مهدی، مترجم.
شناسه افزوده	: تسخیری، محمد علی، ۱۳۲۳ - ناظر.
شناسه افزوده	: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ۳۰۴۱ الف ۱۶/ن ۵۱/ BP.
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۹.
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۱۲۰۱۴.



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

نام کتاب:	امام مهدی در آینه روایات شیعه و اهل سنت
تألیف:	محمدا میر ناصری
مترجم:	محمد مهدی رضایی
ناشر:	مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۸۸ هـ. ش
شمارگان:	۲۰۰۰ نسخه
شابک:	ISBN: 978-964-167-089-6 ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۷-۰۸۹-۶
قیمت:	۴۵/۰۰۰ ریال
آدرس:	تهران - ص. پ: ۶۹۹۵ - ۱۵۸۷۵ تلفکس: ۸۸۳۲۱۴۱۲
	www.info@taghrib.ir

حق چاپ و نشر محفوظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا  
مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ  
فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ  
وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ  
لِيُدْخِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا  
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

## فهرست

۱۱	مقدمه مرکز تحقیقات
۱۵	مقدمه مترجم
۱۹	باب اول: ضرورت پیروی از «امام»
۲۳	باب دوم: دوازده امام، از قریش
۲۷	باب سوم: بشارت رسول خدا ﷺ به آمدن مهدی
۳۱	باب چهارم: نام و کنیه مهدی
۳۳	باب پنجم: نسب مهدی
۳۳	فصل اول: مهدی از اهل بیت است
۳۸	فصل دوم: مهدی از فرزندان رسول خدا ﷺ است
۳۹	فصل سوم: مهدی از عترت رسول خدا ﷺ است
۴۱	فصل چهارم: مهدی از فرزندان فاطمه است
۴۴	فصل پنجم: مهدی از نسل امام حسین است
۴۷	فصل ششم: نام پدر مهدی
۵۱	باب ششم: منزلت و فضایل مهدی
۵۱	فصل اول: از سروران اهل بهشت
۵۲	فصل دوم: همراهی فرشتگان
۵۵	فصل سوم: مقام والای مهدی در پیشگاه خداوند
۵۶	فصل چهارم: اقتدای عیسی به مهدی
۶۱	باب هفتم: ویژگی‌های ظاهری و رفتاری مهدی
۶۱	فصل اول: ویژگی‌های جسمی

۶۵	فصل دوم: شبیه‌ترین مردم به پیامبران
۶۸	فصل سوم: جود و کرم
۷۱	فصل چهارم: عدالت و برکت
۷۷	<b>باب هشتم: جهان اسلام هنگام ظهور</b>
۷۷	فصل اول: غربت اسلام و دوری مسلمانان از دین
۸۶	فصل دوم: دانش و دانشمندان
۸۹	فصل سوم: قرآن و قاریان
۹۱	فصل چهارم: ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی
۹۵	فصل پنجم: روابط خانوادگی
۹۷	فصل ششم: مساجد و اهل مساجد
۹۹	فصل هفتم: بی‌اعتنایی به حج
۱۰۰	فصل هشتم: بازگشت کفر و جاهلیت
۱۰۳	<b>باب نهم: اوضاع سیاسی جهان اسلام هنگام ظهور</b>
۱۰۳	فصل اول: سلطه طاغوت و ظلم بر مسلمانان
۱۱۰	فصل دوم: اختلاف‌های شدید بین مسلمانان
۱۱۴	فصل سوم: هجوم و حشیانه کفار بر مسلمانان
۱۱۶	فصل چهارم: شیوع قتل، مرگ، گرسنگی و ترس
۱۱۹	<b>باب دهم: اوضاع اقتصادی جهان اسلام هنگام ظهور</b>
۱۲۳	<b>باب یازدهم: پدیده‌های طبیعی پیش از ظهور و قیامت</b>
۱۲۳	فصل اول: طلوع خورشید از مغرب، دجال، خسف و آتش
۱۲۸	فصل دوم: نشانه‌ای با خورشید
۱۲۹	فصل سوم: طلوع ستاره دنباله‌دار
۱۳۰	فصل چهارم: ندایی از آسمان
۱۳۵	فصل پنجم: زلزله و قذف
۱۳۶	فصل ششم: کسوف و خسوف در ماه رمضان
۱۳۸	فصل هفتم: ظهور نشانه‌ای بزرگ در مشرق

۱۴۱	باب دوازدهم: فتنه‌ها و حوادث نزدیک به زمان ظهور
۱۴۱	فصل اول: فتنه‌های پیش از ظهور
۱۴۵	فصل دوم: فتنه‌های همزمان با ظهور
۱۴۷	باب سیزدهم: منتظران و زمینه‌سازان ظهور
۱۴۷	فصل اول: جنبش‌های مقدماتی و دائمی
۱۴۸	فصل دوم: زمینه‌سازان قیام در مشرق
۱۵۱	فصل سوم: زمینه‌سازان قیام در مغرب
۱۵۲	باب چهاردهم: اصحاب و یاران خاص مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۵۲	فصل اول: تعداد اصحاب
۱۵۶	فصل دوم: نام و وطن اصحاب
۱۶۷	فصل سوم: اصحاب کهف
۱۶۸	فصل چهارم: تعدادی از اصحاب خاص
۱۷۲	فصل پنجم: فضایل و خصوصیات اصحاب
۱۷۵	فصل ششم: زنان، بین اصحاب مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۷۷	باب پانزدهم: سفیانی
۱۷۷	فصل اول: خروج حتمی سفیانی
۱۷۹	فصل دوم: ویژگی‌های جسمی سفیانی
۱۸۱	فصل سوم: مدت حکومت سفیانی
۱۸۲	فصل چهارم: وطن سفیانی
۱۸۳	فصل پنجم: خشونت و اعمال زشت سفیانی
۱۸۵	فصل ششم: سرنوشت سفیانی
۱۹۱	باب شانزدهم: سپاه خسف
۱۹۵	باب هفدهم: دجال
۱۹۵	فصل اول: خروج دجال پیش از قیام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۹۶	فصل دوم: اولین محلّ خروج دجال
۱۹۸	فصل سوم: اسم دجال

- ۱۹۹ ..... فصل چهارم: مشخصات ظاهری دجال
- ۲۰۰ ..... فصل پنجم: وارد نشدن دجال به مکه و مدینه
- ۲۰۱ ..... فصل ششم: سرنوشت دجال
- ۲۰۳ ..... فصل هفتم: قتل دجال در قدس
- ۲۰۴ ..... فصل هشتم: قتل دجال بعد از نماز
- ۲۰۵ ..... فصل نهم: برخی حیلہ گری ها و حالات دجال
- ۲۰۹ ..... فصل دهم: ویژگی های پیروان دجال
- ۲۱۰ ..... فصل یازدهم: نزول برکت بعد از قتل دجال
- ۲۱۱ ..... **باب هجدهم: مهدی علیه السلام و میراث پیامبران**
- ۲۱۱ ..... فصل اول: ذخیره های پیامبران را می آورد
- ۲۱۲ ..... فصل دوم: پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۲۱۵ ..... فصل سوم: میراث دار پیامبران
- ۲۱۸ ..... فصل چهارم: سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۲۱۹ ..... **باب نوزدهم: ظهور امام مهدی علیه السلام**
- ۲۱۹ ..... فصل اول: ظهور پس از خواست مردم
- ۲۲۲ ..... فصل دوم: ظهور از مکه
- ۲۲۴ ..... فصل سوم: بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام
- ۲۲۵ ..... فصل چهارم: ظهور کنار کعبه
- ۲۲۶ ..... فصل پنجم: ظهور در وقت عشا
- ۲۲۶ ..... فصل ششم: قیام با حضور سیصد و سیزده نفر
- ۲۲۷ ..... فصل هفتم: خروج مهدی علیه السلام از یمن
- ۲۲۹ ..... **باب بیستم: نزول حضرت عیسی علیه السلام**
- ۲۲۹ ..... فصل اول: نزول عیسی علیه السلام برای امیر و امت اسلام
- ۲۳۱ ..... فصل دوم: مشخصات ظاهری عیسی علیه السلام هنگام نزول
- ۲۳۲ ..... فصل سوم: نزول عیسی علیه السلام نزد مسلمانان راستین
- ۲۳۴ ..... فصل چهارم: اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام

۲۳۸	فصل پنجم: مسیح <small>علیه السلام</small> وزیر مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۳۸	فصل ششم: نزول مسیح <small>علیه السلام</small> در دمشق
۲۳۹	فصل هفتم: نزول عیسی <small>علیه السلام</small> در وقت فجر
۲۴۰	فصل هشتم: نزول عیسی <small>علیه السلام</small> در قدس
۲۴۱	فصل نهم: عیسی <small>علیه السلام</small> قاتل خنزیر و شکننده صلیب
۲۴۲	فصل دهم: قتل دجال توسط عیسی <small>علیه السلام</small>
۲۴۳	فصل یازدهم: حکومت عادلانه عیسی <small>علیه السلام</small>
۲۴۴	فصل دوازدهم: ازدواج عیسی <small>علیه السلام</small> با زنی از غسان
۲۴۵	<b>باب بیست و یکم: بیعت مهدی <small>علیه السلام</small></b>
۲۴۵	فصل اول: بیعت مردم با مهدی از نقاط مختلف
۲۴۸	فصل دوم: بیعت با مهدی <small>علیه السلام</small> در مکه
۲۴۹	فصل سوم: بیعت با مهدی <small>علیه السلام</small> بین رکن و مقام
۲۵۱	فصل چهارم: بیعت سیصد و ده و اندی نفر با مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۵۲	<b>باب بیست و دوم: جنگ‌های داخلی مهدی <small>علیه السلام</small></b>
۲۵۲	فصل اول: نبرد با سفیانی
۲۵۷	فصل دوم: نبرد با دجال
۲۵۸	فصل سوم: لشکرکشی مهدی به قدس
۲۵۹	فصل چهارم: فتح مکه و مدینه
۲۶۰	فصل پنجم: فتح شام
۲۶۲	<b>باب بیست و سوم: جنگ‌های خارجی مهدی <small>علیه السلام</small></b>
۲۶۲	فصل اول: نبرد با رومیان
۲۶۶	فصل دوم: فتح قسطنطنیه
۲۶۸	فصل سوم: فتح کره زمین
۲۷۱	<b>باب بیست و چهارم: احوال و اوصاف سپاه مهدی <small>علیه السلام</small></b>
۲۷۱	فصل اول: آمادگی و توان سپاه مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۷۴	فصل دوم: افسران و افراد سپاه مهدی <small>علیه السلام</small>



۲۷۸	فصل سوم: بیرق‌ها و علم‌ها در سپاه مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۸۱	فصل چهارم: ویژگی‌های هنگ و نفرهای سپاه مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۸۵	باب بیست و پنجم: استقرار یک شبه حکومت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۸۷	باب بیست و ششم: دولت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۸۷	فصل اول: مدت حکومت
۲۸۹	فصل دوم: حکومت جهانی
۲۹۲	فصل سوم: رضایت همگان از حکومت
۲۹۳	فصل چهارم: اصحاب کهف جزء سران حکومت
۲۹۵	فصل پنجم: تسخیر طبیعت در سایه حکومت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۹۷	فصل ششم: عیسی <small>علیه السلام</small> وزیر اعظم دولت
۲۹۸	فصل هفتم: عدالت در قضاوت و حقوق
۳۰۰	فصل هشتم: عیسی <small>علیه السلام</small> ، قاضی حکومت
۳۰۰	فصل نهم: صلح و آرامش جهانی
۳۰۳	فصل دهم: حکومتی سرشار از خیر و برکت
۳۰۵	فصل یازدهم: تقسیم عادلانه اموال
۳۰۶	فصل دوازدهم: سخاوت و بخشش فراوان به مردم
۳۰۸	فصل سیزدهم: بعد از مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۰۹	پی‌نوشت‌های مترجم
۳۱۸	فهرست آیات
۳۱۹	فهرست اعلام
۳۲۹	فهرست مکانها
۳۳۵	کتابنامه

## مقدمه مرکز تحقیقات

در اندیشه و میراث بشریت، هیچ موضوعی به اندازه مسئله منجی جهانی و «مهدی موعود» که اسلام و همه ادیان آسمانی نوید آمدنش را داده‌اند مورد توجه فراوان و عمیق و بررسی‌های گوناگون قرار نگرفته است.

منجی جهانی و «موضوع مهدویت» پیش از آنکه مسئله‌ای دینی یا اسلامی باشد، مسئله‌ای انسانی است؛ چرا که با ایجاد امنیت و آرامش جهانی، نقش مهمی در مسیر تحقق آرزوهای بشر و رسیدن به خوشبختی ایفا می‌کند. بویژه که ستم و سلطه و برده‌داری در سده‌های پیاپی، انسان را بر آن داشته است تا برای رسیدن به این هدف والای خود به هر دری بزند، از این روی با همه توان خود از هر جریان فرهنگی که سر برآورد پیروی نمود، و هر داعیه‌ای پیدا شد به دامنش چنگ آویخت، فقط به این امید که بتواند به وسیله آن آرزوهایش را محقق ساخته و درد و رنج‌هایش را مرتفع سازد.

اما هر بار پیش از آنکه به آرامش دست یابد و همت در آن بندد، خود را در برابر مسیری فرساینده و ضد فرهنگ‌هایی دید که از رساندن او به اهداف و حتی محقق ساختن ساده‌ترین خواسته‌هایش ناتوان بود.

بنابراین، ایمان به حتمی بودن ظهور مصلح دینی و جهانی، و تشکیل حکومت عدل در سراسر کره خاکی، به یکی از نیازهای ضروری و نقاط مشترک بشریت و تمامی ادیان آسمانی مبدل گشت، و تنها اختلاف در این مورد بر سر تعیین «هویت» آن مصلح و کسی است که اهداف و اصول همه پیامبران از آدم علیه السلام تا خاتم صلوات الله علیه را محقق خواهد ساخت.

این حقیقت از مسائل بدیهی و تردید ناپذیری است که هر کس در مورد «مصلح

جهانی» مطالعه یا تحقیقی کرده به آن اعتراف دارد، و حتی همان‌هایی هم که منکر صحت آن بوده و در آن تشکیک داشتند - مثل بعضی مستشرقان - هنگامی که علاوه بر ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام، اصول و اشاره‌هایی در کتاب‌های دینی قدیمی مردمان مصر، چین، بودایی، زرتشتی و حبشی درباره آن یافتند از عقیده خود برگشته و به حقانیت آن اعتراف کردند.

عقاید پیروان این ادیان، آنقدر که مستند به متون صریح و واضح کتاب‌های مقدس و دینشان می‌باشد، برگرفته از تفاسیر علمایشان نیست، که همین از عوامل اطمینان به ریشه‌دار بودن و مطرح شدن این عقیده به عنوان اصل مشترک در دعوت پیامبران علیهم السلام و تعالیم آسمانی آنهاست. بنابراین می‌بینیم که مژده به این عقیده و دعوت به انتظار ظهور این مصلح عظیم، به عنوان دو عنصر اساسی بیشترین برآیند را در سخنان علمای ادیان مختلف سراسر دنیا دارد، و طیف برجسته‌ای از خطابه‌های مبلغینشان را شامل می‌شود.

ایمان به قطعی بودن ظهور مصلح جهانی و تشکیل حکومتی عظیم فقط مختص ادیان نیست، بلکه مکاتب فکری و فلسفی غیر دینی نیز از آن بهره برده‌اند، چرا که می‌بینیم در میراث فکری بشر در موارد متعدد کاملاً صریح و بی‌پرده به حتمیت آن اذعان شده، و به عنصری مبدل گشته که در نوشته‌های مشاهیر ادب و اندیشه و فلسفه جهان نسبت به دیگر عناصر، پررنگ‌تر به چشم می‌آید، از جمله آثار «برتراند راسل» فیلسوف انگلیسی، «آلبرت اینشتین» دانشمند معروف، و «برنارد شاو» اندیشمند و ادیب ایرلندی و...

ایمان به این اندیشه، و پیشرفت آن در این سطح وسیع، از وجود اصولی پایدار و ریشه‌دار در اعماق فطرت انسان پرده برمی‌دارد، به این معنی که بیانگر نیازی فطری، اصیل و مشترک بین همه انسان‌هاست، نه اینکه مخصوص یک دین یا اندیشه و فلسفه باشد. اصل این نیاز هم، عدالت و صلح به تمام معناست.

اما اسلام در اهتمام به این مسئله از همه سرآمد بوده و بیان می‌کند که مهدی موعود از ذریه نبی اکرم صلی الله علیه و آله است، در آخر الزمان ظاهر می‌گردد و زمین را که پر از ظلم و ستم شده، از عدالت و مساوات پر می‌سازد. اگر هر پژوهشگری بتواند نگاهی گذرا به قفسه کتابخانه‌های علوم اسلامی و عناوین کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها در مورد مهدی موعود بیندازد، از فراوانی و بیشماری آنها متحیر و مبهور خواهد شد. چه؛

همان‌گونه که بزرگان حدیث چون کلینی، بخاری، مسلم، صدوق، ابوداود، ترمذی، طوسی، نسایی و طبرسی روایات مهدی را در مجامع خود آورده‌اند، بزرگانی از حفاظ چون امام احمد، طبرانی، عاملی، نوری و حاکم نیشابوری نیز روایت کرده‌اند، و حتی برخی یک کتاب ویژه آن نگاشته‌اند، از جمله: «مناقب المهدی» و «چهل حدیث از مهدی» ابونعیم اصفهانی، «البيان في اخبار صاحب الزمان» ابو عبدالله گنجی، «البرهان فيما جاء في صاحب الزمان» ملاء علی متقی هندی، «علامات المهدی» و «العرف الوردی فی أخبار المهدی» جلال الدین سیوطی و «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر و...

بنابراین اگر ایمان به این عقیده، راسخ و مستند به ریشه‌های عمیقی در میراث اسلام یعنی قرآن و سنت نبود، شاهد چنین رویکرد پرشوری از طرف علمای مسلمان علی‌رغم اختلاف مذاهب و گرایش‌هایشان نمی‌بودیم.

در پهنای اقیانوس عظیم احادیث و آثار درباره مهدی، بخشی از آن بین دو فرقه شیعه و سنی مشترک می‌نماید، به این صورت که در کتب و مصنّفات هر دو فرقه، در لفظ و معنا عیناً مثل هم، یا نزدیک به هم بوده، و یا در معنا مشابه یکدیگر آمده، که حتی سند بخشی از آن نیز متحد است. این نقطه روشنی است که به عنوان شاخصی تاریخی، ملموس و مهم، نشان‌گر میزان روابط شیعه و سنی می‌باشد، که هر دو در ارائه بهترین‌ها جهت اعلای کلمه و تقویت اسلام تنگ‌نظری را کنار گذاشتند. همچنین قرینه‌ای است تا عمق روابط و همبستگی مردمان شیعه و سنی به یکدیگر را به تصویر کشد؛ چیزی که همه مسلمانان باید در نظر داشته باشند تا حقایق بر آنها آشکار گشته، غبارها کنار رود.

گسترش دوستی و همکاری بین تمامی اقشار جامعه مسلمان و تحکیم این روابط، یکی از مطالب مورد تأکید اهل بیت علیهم‌السلام و فقهای مسلمان از صدر اسلام و دوره‌های پس از آن بوده، و خود آن بزرگواران نمونه والا و برتر آن را به بشریت نشان داده و آموخته‌اند.

با این رویکرد و با توجه به احساس مسئولیتی که «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در مورد تحکیم وحدت، همکاری و برادری بین مسلمانان دارد، به مرکز تحقیقات خود - که موظف به انجام امور علمی و فرهنگی هماهنگ با اهداف مجمع

است - سفارش کاوش در این میدان را صادر نمود. مرکز تحقیقات نیز از طریق همکاری ثمربخش با مؤلف محترم کتاب حاضر را تهیه نمود که به این شکل به خوانندگان محترم تقدیم می‌گردد.

به این ترتیب حلقه دیگری به زنجیره طلایی «سلسله احادیث مشترک» تهیه شده توسط مرکز تحقیقات و با اشراف دبیر کل محترم مجمع حضرت آیت الله محمدعلی تسخیری (دام عزه) متصل گردید.

در پایان، ضمن تقدیر از جناب حجت الاسلام محمدامیر ناصری مؤلف محترم، و جناب حجت الاسلام محمد مهدی رضائی، مصحح و مترجم این کتاب ارزشمند، اهل علم و قلم را به ادامه این راه پربرکت جهت تحکیم وحدت برادران مسلمانان، فرامی‌خوانیم. والله ولی التوفیق.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

## مقدمه مترجم

درود و سلام بر پیامبر خاتم ، حضرت محمد مصطفی ﷺ و آل پاکش علیهم السلام. در مورد ظهور و قیام موعود و فواید دنیوی این قیام عظیم سخن زیادی گفته شده است، اما بزرگترین و مهمترین هدف از ارسال پیامبران و اولیا و کتاب‌های آسمانی، هدایت انسانها در مسیر توحید و خدامحوری، یعنی تعالی روحی انسان‌ها است که بی‌تردید طالبان معرفت خدا، در حضور ولی خدا و در کنار او بهتر و راحت‌تر می‌توانند به مقصد راه یابند.

همه مسلمانان به مهدی موعود و این که در آخرالزمان شخصی از فرزندان پیامبر برای گسترش عدالت در زمین خواهد آمد اعتقاد دارند در نهایت برخی از اهل سنت مانند شیعیان معتقدند آن حضرت متولد شده و هم‌اکنون زنده است و برخی دیگر معتقدند هنوز متولد نشده است ولی اصل اعتقاد به مهدی موعود در میان مسلمانان همگانی است و این نقطه مشترک و اتحاد خوبی است. براساس این امید و اعتقاد، همواره مسلمانان در جهت رسیدن به عدالت مبارزه کرده‌اند و تلاش نموده‌اند تا در حد توان، عدالت را در جامعه خود پیاده کنند و ظلم و ستم را ریشه کن سازند.

در معرفی امام زمان تألیفات بسیاری نگاشته شده است اما کتاب حاضر با جمع‌آوری مهم‌ترین ویژگی‌های آن حضرت و بهره‌بردن فراوان از «معجم

احادیث الامام المهدی (عج) تألیف جناب استاد کورانی، با گزیده گویی و ترتیب جدید، اثری شایسته در این موضوع پدید آورده است.

بر آن شدیم تا در جهت شناخت هر چه بیشتر این نتیجه بزرگ آفرینش و موعود الهی و نمایش یکی دیگر از اعتقادات مشترک مسلمانان و بهره‌مندی هرچه بیشتر مشتاقان فارسی زبان این کتاب را ترجمه نماییم.

دشواری ترجمه متون مقدّس بر اهل فن واضح است، تا آنجا که برخی نظریه پردازان ترجمه آن را غیرممکن می‌دانند، بدین معنا که ترجمه هیچ‌گاه حقّ مطلب را در این گونه متون ادا نخواهد کرد.<sup>۱</sup> لذا علیرغم دقت فراوانی که در انتقال مطالب صورت گرفته، بی‌شک کاستی‌هایی خواهید دید که یا از عجز مترجم و یا از برنتافتن زبان فارسی است. در هر حال لازم است توجه خوانندگان محترم را به نکاتی درباره این ترجمه جلب نمایم:

۱ - گرچه در ترجمه متون قرآن و حدیث، همراهی متن اصلی با ترجمه ضروری به نظر می‌رسد، اما از آنجا که موجب حجیم شدن کار می‌گردید، این امر میسر نشد. با این حال، در موارد بسیار ضروری، عباراتی از متن اصلی احادیث در پاورقی مندرج گردیده است.

۲ - پاورقی‌های مترجم با علامت □ از پاورقی‌های اصل کتاب متمایز شده است. همچنین در مواردی که برخی اصطلاحات و عبارات نیاز به توضیح داشته و احیاناً تکرار شده است، آنها را در متن با شماره‌های مجزاً داخل کروشه [ ] مشخص نموده و به قسمت «پی‌نوشت‌های مترجم» در آخر کتاب ارجاع داده‌ایم.

۳ - جزئیاتی در پاورقی‌های متن اصلی کتاب بود از جمله تفاوت اسناد

۱. نک: فصلنامه یّئات، شماره ۴۹ و ۵۰ (ویژه ترجمه قرآن)، سال سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۵.

روایات، که از آوردن آنها چشم پوشیده و به ذکر مراجع بسنده کردیم.

۴ - در ترجمه عباراتی چون «خروج قائم» همیشه یک معادل را نیاورده‌ایم، بلکه به صورت «خروج قائم»، «قیام قائم» و گاهی به «ظهور قائم» ترجمه شده است. به دلیل ظرافتها و حساسیتی که متون دینی دارد، این شیوه را به عمد برای خودداری از تحمیل برداشت مترجم از متن حدیث بر خواننده، در پیش گرفته‌ایم.

۵ - عباراتی چون «حَدَّثَنَا» (حدیث گفت برای ما)، «عَنْ» (به نقل از)، «أَخْبَرَنَا» (به ما خبر داد) و... که در سند احادیث بین اسامی راویان وجود دارد، به دلیل نداشتن کاربرد برای خواننده فارسی زبان، ترجمه نشده و تنها به ذکر رجال سند به ترتیب، و با استفاده از ویرگول «،» به جای آن عبارات بسنده شده است.

۶ - با توجه به نواقصی که در فهرست منابع بود و نیازی که به دیگر فهرست‌ها احساس می‌شد، فهرست منابع جدید و کامل افزون بر فهرست آیات، اعلام و اماکن تهیه گردید.

۷ - در فهرست اعلام، تنها اعلام موجود در متن حدیث را آورده و برای اختصار از ذکر اعلام موجود در سند روایات خودداری نمودیم.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر فراوان از اساتید و دوستانی که در تهیه این کار، حقیر را یاری نمودند، از خداوند متان تعجیل در ظهور آن منجی موعود را خواستارم، و امید دارم این عمل ناچیز «آن یار غایب از نظر» را پسند افتد.

محمد مهدی (احسان) رضائی

تابستان ۱۳۸۸



## باب اوّل

### ضرورت پیروی از «امام»<sup>[۱۲]</sup>

□ روایات اهل سنت:

(۱) صحیح ابن حبان: ابو یعلیٰ، محمد بن یزید بن رفاعه، ابو بکر بن عیاش، عاصم بن ابی النجود، ابو صالح، معاویه: رسول خدا ﷺ فرمود:

«کسی که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد، به حال جاهلیت<sup>[۳۲]</sup> مرده»<sup>۱</sup>.

(۲) طبقات ابن سعد: عبدالله بن نافع بن ثابت بن عبدالله بن زبیر، عطف بن خالد، امّیه بن محمد بن عبدالله بن مطیع: در یکی از شب‌های فتنه یزید بن معاویه، عبدالله بن مطیع خواست از مدینه فرار کند. چون عبدالله بن عمر از تصمیم او آگاه شد، نزد وی رفت و گفت: پسر عمو کجا می‌روی؟ پاسخ داد: من هیچ‌گاه دست اطاعت به آنها نخواهم داد. عبدالله بن عمر گفت: پسر عمو، این کار را نکن، شهادت می‌دهم از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«کسی که بمیرد و [با امامی] بیعت نداشته باشد، به حال جاهلیت<sup>[۳۲]</sup> مرده است»<sup>۲</sup>.

(۳) مسند طیالسی: خارجه بن مصعب، زید بن اسلم، ابن عمر: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«کسی که بمیرد و امام<sup>[۱۲]</sup> نداشته باشد به حال جاهلیت<sup>[۳۲]</sup> مرده، و کسی

۲. الطبقات الكبرى ۵: ۱۴۴.

۱. صحیح ابن حبان ۷: ۳۵، ح ۴۵۷۹.

که دست از اطاعت امام بردارد، روز قیامت حجتی<sup>[۳۴]</sup> نخواهد داشت [و محکوم است].<sup>۱</sup>

(۴) تاریخ بخاری: علی بن حفص، شریک، عاصم بن عبیدالله، عبدالله بن عامر بن ربیع به نقل از پدرش روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که بمیرد و فرمانبردار [امامی] نباشد، به حال جاهلیت<sup>[۳۲]</sup> مرده است، و کسی که عقد اطاعت [با امام] ببندد و بعد آن را رها کند، حجتی<sup>[۳۴]</sup> نخواهد داشت.»<sup>۲</sup>

#### ■ روایات شیعه:

(۵) محاسن برقی: احمد بن عبدالله برقی به نقل از پدرش، نصر بن سويد، یحیی حلبی، بشیر دهمان: امام جعفر صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که بمیرد و امام خود را نشناسد، به حال جاهلیت<sup>[۳۲]</sup> مرده است.»<sup>۳</sup>

(۶) تفسیر عیاشی: عمار ساباطی: حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه السلام فرمود:

«همیشه روی زمین امامی هست که به حلال خدا عمل و امر می کند، و حرام خدا را ترک و از آن نهی می کند.<sup>۴</sup> خداوند می فرماید: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»<sup>۵</sup>. بعد [امام صادق علیه السلام] ادامه داد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بمیرد و امام<sup>[۳۲]</sup> نداشته باشد، به حال جاهلیت<sup>[۳۲]</sup> مرده است.»<sup>۶</sup>

(۷) عیون اخبار الرضا علیه السلام: محمد بن عمر بن محمد بن سلم بن براء جعابی، ابو محمد

۱. مسند الطیالسی: ۱۲۵۹، ح ۱۹۱۳.

۲. التاريخ الكبير ۶: ۴۴۵، ح ۲۹۴۳. المصنف ۱۵: ۳۸، ح ۱۹۰۴۷. مسند احمد ۳: ۴۴۶.

۳. المحاسن ۱: ۱۵۳، ب ۲۲، ح ۷۸.

۴. «يُحِلُّ حلالَ الله، و يُحَرِّمُ حرامَ الله» که ترجمه لفظی آن: «حلال خدا را حلال، و حرام خدا را حرام می کند.» می باشد.

۵. «(قیامت) روزی (است) که هر گروهی از مردم را با امامشان فرامی خوانیم.» (اسراء: ۷۱)

۶. تفسیر العیاشی ۲: ۳۰۳، ح ۱۱۹.

حسن بن عبدالله بن محمد بن عباس رازی تمیمی، علی بن موسی الرضا علیه السلام، موسی بن جعفر علیه السلام، جعفر بن محمد علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام، علی بن الحسین علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس بمیرد و یکی از فرزندان من امام او نباشد به حال جاهلیت<sup>[۳۲]</sup> مُرده، و به خاطر اعمال قبل از اسلام و بعد از اسلامش مؤاخذه<sup>[۱۰۶]</sup> و توبیخ می شود»<sup>۱</sup>.

(۸) کمال الدین: علی بن عبدالله و راق، ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی، موسی بن عمران نخعی، حسین بن یزید نوفلی، غیاث بن ابراهیم: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس قائم را - که از فرزندان من است - در زمان غیبتش انکار کند، همانند مردم زمان جاهلیت مرده است»<sup>۲</sup>.

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام ۲: ۵۸، ب ۳۱، ح ۲۴۱.

۲. کمال الدین ۲: ۴۱۳، ب ۳۹، ح ۱۲.

## باب دوم دوازده امام، از قریش

□ روایات اهل سنت:

(۹) مسند طیالسی: حماد بن سلمه، سماک، جابر بن سمره، از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«همواره تا وقتی که [یکی از] دوازده خلیفه [در دنیا] باشد، اسلام عزیز<sup>۱</sup> می ماند».

بعد پیامبر ﷺ چیزی فرمود که من متوجه نشدم. به پدرم گفتم: رسول خدا ﷺ چه گفت؟ او گفت: پیامبر ﷺ فرمود:  
«همه آنها از قریش هستند».<sup>۲</sup>

(۱۰) مسند احمد: حماد بن خالد، ابن ابی ذئب، مهاجر بن مسمار، عامر بن سعد، جابر بن سمره: رسول خدا ﷺ فرمود:

«تا وقتی دوازده خلیفه باشند، این دین همواره استوار و برپاست. آنها همه از قریشند».<sup>۳</sup>

(۱۱) تاریخ بخاری: جابر بن سمره:

□ «عزیز» معانی متعددی دارد، از جمله: قوی، محترم، استوار و غیر قابل شکست.

۳. مسند احمد ۵: ۸۶-۸۸

۲. مسند طیالسی: ۲۷۸، ح ۷۶۷.

«تا دوازده امیر هستند، امر [دین] همواره برقرار خواهد بود».<sup>۱</sup>

(۱۲) مسند احمد: حسن بن موسی، حماد بن زید، مجالد، شعبی، مسروق: در مجلس عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن می آموخت. شخصی گفت: ای پدر عبدالرحمن! آیا شما از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدید چند نفر از این امت به خلافت می رسند؟ عبدالله گفت: از وقتی به عراق آمده ام هیچ کس پیش از تو چنین سؤالی از من نکرده است. بعد گفت: بله، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دوازده نفر، به تعداد نقبای بنی اسرائیل».<sup>۲</sup>

(۱۳) سنن دانی: عبدالله بن عمرو مکتب، عتاب بن هارون، عبیدالله بن فضل، محمد بن فضل همدانی، ابونعیم محمد بن یحیی طوسی، ابراهیم بن موسی القراء رازی، زید بن حباب، عیسی بن اشعث، جویر، نزال بن سبره، علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و خطبه می گفت. بعد از حمد و ثنای خداوند سخن از دجال به میان آورد و آنگاه فرمود:

«از اینکه پس از آن، چه خواهد شد پرسید؛ حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله از من عهد گرفته که غیر از عترتم کسی را بر آن آگاه نسازم».

نزال بن سبره گوید: من به صعصعه بن صوحان گفتم: صعصعه! منظور امیر مؤمنان علیه السلام چه بود؟ صعصعه گفت: ای پسر سبره! آن کسی که عیسی بن مریم علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند، دوازدهمین نفر از عترت و نهمین نسل حسین بن علی علیه السلام است. او خورشیدی است که از مغرب طلوع می کند، بین رکن و مقام ظاهر می گردد، زمین را پاک کرده و میزان عدالت را برپا می نماید، طوری که هیچ کس به دیگری ظلم نکند. امیر مؤمنان علیه السلام هم فرمود که حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله از او عهد گرفته که اتفاقات پس از آن را برای کسی جز عترتش یعنی ائمه - صلوات الله علیهم اجمعین - بیان نکند.<sup>۳</sup>

۱. التاريخ الكبير ۹: ۱۰۱، ح ۳۸۴۲.

۲. مسند احمد ۱: ۳۹۸ و ۴۰۶. مسند ابی یعلی ۸: ۴۴۴، ح ۵۰۳۱، و ۹: ۲۲۲، ح ۵۳۲۲.

۳. السنن الواردة في الفتن: ۱۳۵ و ۱۳۶. عقد الدرر: ۲۹۱، ب ۱۲، ف ۳.

### □ روایات شیعه:

(۱۴) مقتضب الاثر: ابوالحسین علی بن ابراهیم بن حماد آزدی به نقل از پدرش، محمد بن مروان، عبدالله بن امیه مولى [۱۰۵] بنی مجاشع، یزید رقاشی، انس بن مالک: رسول خدا ﷺ فرمود:

«این دین همواره تا زمانی که دوازده نفر از قریش موجود باشند استوار و برپاست، و چون آنها درگذرند، زمین و هرچه در آن است به تلاطم و لرزه در آمده و به هم می ریزد».<sup>۱</sup>

(۱۵) کفایة الاثر: محمد بن عبدالله شیبانی، صالح بن احمد بن ابی مقاتل، زکریا، سلیمان بن جعفر جعفری، مسکین بن عبدالعزیز، ابوسلمه، ابوهریره: رسول خدا ﷺ فرمود:

«اهل بیت من عترت من و از گوشت و خون من هستند، آنها بعد از من امام و به تعداد نقبای بنی اسرائیل خواهند بود».<sup>۲</sup>

(۱۶) مناقب ابن شهر آشوب: ابو صالح سمان، ابوهریره: رسول خدا ﷺ برای ما خطبه می گفت و می فرمود:

«ای مردم، هر کس بخواهد زندگی و مرگش مثل زندگی و مرگ من باشد باید علی بن ابی طالب را ولی خود قرار دهد<sup>۳</sup> و به امامان بعد از او اقتدا کند».

شخصی گفت: ائمه بعد از شما چند نفرند؟ فرمود:

«به تعداد اسباط [۹]».

ابن شهر آشوب گوید: برای حضرت موسی علیه السلام هم دوازده چشمه جوشید.<sup>۴</sup>

(۱۷) کفایة الاثر: ابوالفضل، جعفر بن محمد ابوالقاسم علوی رویانی، عبیدالله بن احمد بن نهیک، محمد بن عصام السمین به نقل از پدر و عمویش، عبدالرحمن بن مسعود عبیدی، علیم

۲. کفایة الاثر: ۸۶

۱. مقتضب الاثر: ۳

۳ □ در روایت «فَلْيَتَوَلَّ» است، به معنی: دوست داشتن، ملازم شدن و ولایت دادن.

۴. مناقب ابن شهر آشوب: ۱: ۳۰۱

ازدی، سلمان فارسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ائمه بعد از من دوازده نفرند» و ادامه داد: «همه آنها از قریشند، و سرانجام قائم ما قیام می کند و دل های<sup>۱</sup> مؤمنان را شفا<sup>۲</sup> می دهد»<sup>۳</sup>.

---

۱ در روایت «صدور» (به معنای سینه ها) است که «دل ها» ترجمه شده.

۲ رک: تفسیر نمونه، ذیل آیه شریفه: ﴿... وَ يَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ﴾. (توبه: ۱۴)

۳. کفایة الاثر: ۴۴. خصال الصدوق ۲: ۴۷۵ - ۴۶۹ (بیست و چهار روایت با سندهای مختلف).

کمال الدین ۱: ۲۷۲ و ۲۷۳، ب ۲۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام ۱: ۵۰۷، ب ۶، ح ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵.

الآمالی ۱: ۲۵۵، ب ۵۱، ح ۸ و ۹.

## باب سوم

### بشارت<sup>[۲۳]</sup> رسول خدا ﷺ به آمدن مهدی

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۸) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا ﷺ فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید<sup>۱</sup>، که در امت من برانگیخته<sup>[۲۰]</sup> می شود.»<sup>۲</sup>

(۱۹) مسند احمد: محمد بن جعفر، عوف، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا ﷺ فرمود:

«قیامت زمانی برپا می شود که زمین پر از ظلم و ستم شده باشد - و فرمود: - مردی از عترت و اهل بیت من قیام کند.»<sup>۳</sup>

(۲۰) مُسند بزّار: سفیان بن عُثَیْنَه، عاصم، زرّ بن حُبَیْش، عبدالله: پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«قیامت نخواهد شد تا مردی از اهل بیت من بیاید.»<sup>۴</sup>

(۲۱) مسند احمد: ابوالنصر، ابو معاویه شیبان، مطر بن طهمان، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا ﷺ فرمود:

«قیامت نخواهد شد، تا مردی از اهل بیت من به حکومت رسد.»<sup>۵</sup>

(۲۲) مسند ابی یعلی: قطن بن نسیر، عدی بن ابی عماره، مطر وراق، ابوالصدیق،

۱ □ «أبشركم بالمهدي».

۲ مسند احمد ۳: ۳۶.

۳ مسند احمد ۳: ۱۷.

۴ مسند احمد ۳: ۳۷.

۵ مسند البزار ۱: ۲۸۱. مسند احمد ۱: ۳۷۶.



ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بی شک یک نفر از اهل بیت من در اتم قیام خواهد کرد»<sup>۱</sup>.

(۲۳) مسند احمد: عبدالصمد، حماد بن سلمه، مطرف مَعْلَى، ابوالصدیق، ابوسعید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمین پر از ظلم و تجاوز می شود، اما سرانجام مردی از عترت من قیام، و هفت یا نه<sup>[۱۱۲]</sup> سال حکومت می کند»<sup>۲</sup>.

(۲۴) عقد الدرر: عبدالله بن عمر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان مردی از فرزندانم قیام خواهد کرد»<sup>۳</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۲۵) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابوعلی

نهاوندی، اسحاق، یحیی بن سلیم، هشام بن حسان، مَعْلَى بن ابی مَعْلَى، ابوالصدیق ناجی،

ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید که در آخر الزمان می آید»<sup>۴</sup>.

(۲۶) غیبة الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، مقانعی، بکار بن احمد، حسن بن حسین،

تلید، ابوالجحاف<sup>[۳]</sup>، خالد بن عبدالملک، مطر وراق، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید - این جمله را سه بار تکرار فرمود - در شرایطی

قیام می کند که مردم با هم اختلاف دارند و زمین لرزه شدیدی می آید، او

عدالت را در سراسر زمین - که در آن موقع آکنده از ظلم و ستم است -

برقرار سازد و دل مطیعان خود را سرشار از بندگی خدا کند<sup>۵</sup>، و عدالتش

همه را فراگیرد»<sup>۶</sup>.

۱. مسند ابی یعلی ۲: ۳۶۷، ح ۱۱۲۸.

۲. مسند احمد ۳: ۲۸.

۳. عقد الدرر: ۳۲، ب ۲.

۴. دلائل الامامة: ۲۴۹ و نک: ۲۵۲.

۵. «یملأ قلوب عباده عبادة».

۶. غیبة الطوسی: ۱۱۱.

(۲۷) غيبة الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، مقانعی، جعفر بن محمد زهری، اسحاق بن منصور، قیس بن ربیع و غیره، عاصم، زر، عبدالله بن مسعود: رسول خدا ﷺ فرمود: «دنیا تمام نمی شود تا مردی از اهل بیت من بر امتم حکومت کند، که او را مهدی گویند».<sup>۱</sup>

(۲۸) دلائل الامامة: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبدالله بن خالد کابلی، ابو الحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد الخلال، محمد بن اسکاف و حسن بن منصور الجصاص، ابو النصر، شیبان بن مطر و راق، ابو الصدیق، ابو سعید: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «قیامت نشود تا مردی از اهل بیت من به حکومت رسد».<sup>۲</sup>

(۲۹) ملاحم ابن طاووس: ابو منصور ابن عمر، احمد بن محمد، اسماعیل بن میمون، نباته، حذیفة بن یمان، جابر انصاری: روزی پیامبر ﷺ با اصحاب نشسته بود که جبرئیل نازل شد و گفت:

«خداوند سلام بر تو سلام رسانده و به واسطه اسلام، تحیت و اکرام را مخصوص تو گردانده<sup>۳</sup> ... - بعد گفت: - ای رسول خدا، شما را به قائم که از فرزندانان است بشارت می دهم».<sup>۴</sup>

۱. غيبة الطوسی: ۱۱۳. ۲. دلائل الامامة: ۲۵۱.

۳. «السلام یقرؤك السلام و یخصک بالتحیة و الاکرام بالاسلام».

۴. الملاحم و الفتن: ۱۴۷.

## باب چهارم نام و کنیه مهدی

### □ روایات اهل سنت:

(۳۰) مسند احمد: عمر بن عبید، عاصم بن ابی النجود، زر بن حبیش، عبدالله: رسول خدا ﷺ فرمود:

«دنیا به پایان نرسد<sup>۱</sup> تا مردی از اهل بیت که همنام من است، حاکم عرب گردد»<sup>۲</sup>.

(۳۱) ذخائر العقبی: حذیفه: پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«اگر از دنیا یک روز هم مانده باشد، آن را خداوند - عزوجل - طولانی گرداند تا مردی از فرزندانم را که همنام من است برانگیزد»<sup>۳</sup>.

(۳۲) فتن ابن حماد: عبدالله بن مروان، هشام بن عبدالرحمن به نقل از شخصی، علی بن

ابی طالب رضی الله عنه: رسول خدا ﷺ فرمود:  
«او همنام پدرم است»<sup>۴</sup>.

(۳۳) مسند احمد: سفیان بن عیینه، عاصم، زر، عبدالله: پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«قیامت برپا نگردد، تا مردی از اهل بیت که همنام من است به حکومت رسد»<sup>۵</sup>.

(۳۴) عقد الدرر: عبدالله بن عمر: رسول خدا ﷺ فرمود:

۱ □ «لا تنقضي الأيام ولا يذهب الدهر...» ۲. مسند احمد ۱: ۳۷۶ و ۳۷۷.

۳. ذخائر العقبی: ۱۳۶ و ۱۳۷. ۴. الفتن: ۱۰۱.

۵ □ «لا تقوم الساعة حتى يلي رجل...» يلي: تسلط یابد، به حکومت رسد، فرمانروا شود.

۶. مسند احمد ۱: ۳۷۶.

«در آخرالزمان مردی از فرزندانم قیام کند که نام و کنیه‌اش چون نام و کنیه من است»<sup>۱</sup>.

(۳۵) فرائد الفوائد: ابن مسعود:

«نام مهدی، محمد است»<sup>۲</sup>.

(۳۶) فتن ابن حماد: عبدالرزاق، معمر، مطر و راق به نقل از شخصی، کعب:

«او را مهدی نامیده‌اند؛ چون به امری مخفی هدایت می‌کند»<sup>۳</sup>.

### ❑ روایات شیعه:

(۳۷) غيبة الطوسی: فضل بن شاذان، موسی بن سعدان، عبدالله بن قاسم حضرمی،

ابوسعید خراسانی: به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی همان قائم است؟ فرمود: «بله».

گفتم: چرا او را مهدی نامیده‌اند؟ فرمود:

«چون هدایتگر به هر امر پنهانی است»<sup>۴</sup>.

(۳۸) إعلام الوری: محمد بن عجلان: امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم قیام کند دوباره مردم را به اسلام فرامی‌خواند و آنها را به

چیزی که مدفون و مهجور شده و همگی از آن گمراه گشته‌اند، هدایت

می‌نماید، و دلیل نامیده شدنش به «مهدی» این است که [مردم را] در هر

چیزی که نسبت به آن گمراه شده‌اند هدایت می‌کند، و چون قیامش به حق

است او را «قائم» نامیده‌اند»<sup>۵</sup>.

(۳۹) غيبة الطوسی: محمد بن اسحاق، مقامعی، جعفر بن محمد زهری، اسحاق بن

منصور، قیس بن ربیع و غیره، عاصم، زر، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به پایان نرسد تا مردی از اهل بیت من که او را «مهدی» خوانند، بر

امم حاکم گردد»<sup>۶</sup>.

۲. فرائد فوائد الفکر: ۲۳۷، ب ۲.

۴. غيبة الطوسی: ۲۸۲.

۶. غيبة الطوسی: ۱۱۳.

۱. عقد الدرر: ۳۲، ب ۲.

۳. الفتن: ۲۲۰.

۵. إعلام الوری: ۴۶۱.

## باب پنجم نسب مهدی

این باب شامل شش فصل است:

### فصل اول

#### مهدی از اهل بیت علیهم السلام است

□ روایات اهل سنت:

(۴۰) مصنف ابن ابی شیبیه: فطر، زر، عبدالله: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به آخر نرسد تا خداوند مردی از اهل بیت را برانگیزد»<sup>[۲۰]</sup> ۱.

(۴۱) مسند احمد: عمرو بن عبید، عاصم بن ابی النجود، زر بن حبیش، عبدالله:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به پایان نرسد<sup>۲</sup> تا مردی از اهل بیت حاکم عرب گردد»<sup>۳</sup>.

(۴۲) فتن ابن حقاد: ابن عیینه، عمرو، ابی معبد، ابن عباس:

«مهدی جوانی از ما اهل بیت است»<sup>۴</sup>.

(۴۳) مصنف ابن ابی شیبیه: ابن عیینه، عمرو، ابی معبد، ابن عباس:

«روزها و شبها (دنیا) تمام نشود تا جوانی از ما اهل بیت بیاید که

فتنه‌ها نمی‌توانند او را مخفی کنند و او نیز فتنه‌ها را مخفی نمی‌دارد [و به

مردم می‌شناساند]».

۲ □ «لاتنقضی الأيام و لایذهب الدهر...».

۴. الفتن: ۱۰۶.

۱. المصنف ۱۵: ۱۹۸، ح ۱۹۴۹۳.

۳. مسند احمد ۱: ۳۷۶ و ۳۷۷.

راوی گوید: به ابن عباس گفتیم: پیران شما به حکومت نرسیدند، چطور جوانانتان بر آن دست می‌یابند؟

ابن عباس گفت: «خداوند امر خود را به هر کس بخواهد می‌دهد».<sup>۱</sup>

(۴۴) سنن دانی: ابن عقیل، قاسم، احمد، ابراهیم بن بشار، سفیان، عمرو بن دینار، ابی معبد، ابن عباس:

«امید دارم روزگار تمام نشود تا خداوند از ما اهل بیت جوانی نورسته برانگیزد»<sup>[۲۰]</sup> که فتنه‌ها او را نمی‌پوشاند و او نیز فتنه‌ها را نمی‌پوشاند [و آنها را به مردم می‌شناساند]، او کار این امت را درست می‌کند. امید دارم همان‌طور که خداوند اسلام را به وسیله ما آغاز نمود، به وسیله او به نهایت [کمال] خود برساند».

ابومعبد گوید: به ابن عباس گفتم: بزرگان و پیران شما نتوانستند این کار را بکنند، تو امید داری جوانانتان از عهده آن برآیند؟

ابن عباس گفت: «خداوند هر چه بخواهد می‌گوید».<sup>۲</sup>

(۴۵) مسند ابی یعلی: ابوبکر بن ابی النصر، ابوالنضر، مرجی بن رجاء، یشگری، عیسی بن هلال، بشیر بن نهیک، ابوهریره: حضرت ابوالقاسم علیه السلام فرمود:

«قیامت برپا نگردد تا اینکه مردی از اهل یتیم علیه آنها قیام می‌کند و آنها را می‌زند تا به راه حق بازگردند».<sup>۳</sup>

(۴۶) صحیح ابن حبان: فضل بن الحباب، مسد بن مسرهد، محمد بن ابراهیم ابوشهاب، عاصم بن بهدله، ابوصالح، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر از دنیا یک شب هم مانده باشد، مردی از اهل بیت پیامبر به حکومت خواهد رسید».<sup>۴</sup>

(۴۷) مسند احمد: عبدالله به نقل از پدرش، حجاج و ابونعیم، فطر، قاسم بن ابی بزة.

۱. المصنّف ۱۵: ۱۹۶، ح ۱۹۴۸۷.

۲. السنن الواردة في الفتن: ۹۵ و ۹۶.

۳. مسند ابی یعلی ۱۲: ۱۹، ح ۶۶۶۵.

۴. صحیح ابن حبان ۷: ۵۷۶، ح ۵۹۲۲.

ابو الطفیل، علی علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر پیش از یک روز به آخر دنیا نمانده باشد، خداوند مردی از ما [اهل بیت] بر می‌انگیزد»<sup>۱</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۴۸) غیبة الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، علی بن عباس مقانعی، علی بن بگاری بن

احمد، حسن بن حسین، سفیان جریری، عبدالمؤمن، حارث بن حصیرة، عمارة بن جویین عبدی، ابوسعید خدری: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله روی منبر می‌فرمود:

«مهدی از عترت و از اهل بیت من است و در آخرالزمان قیام می‌کند»<sup>۲</sup>.

(۴۹) غیبة الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، علی بن عباس مقانعی، بگاری بن احمد،

مصباح، قیس، ابو حصین، ابو صالح، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند... مردی از اهل بیتم را می‌آورد که زمین را همان‌طور که پر از

ظلم و ستم شده، از عدالت و مساوات پُر می‌نماید»<sup>۳</sup>.

(۵۰) غیبة الطوسی: محمد بن اسحاق، مقانعی، جعفر بن محمد زهری، اسحاق بن

منصور، قیس بن ربیع و غیره، عاصم، زر، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به پایان نرسد، تا مردی از اهل بیتم که او را «مهدی» خوانند، بر امتم

حاکم شود»<sup>۴</sup>.

(۵۱) بشارة المصطفی: عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«روزگار (دنیا) به پایان نرسد، تا مردی از اهل بیتم بر عرب حاکم گردد»<sup>۵</sup>.

(۵۲) مهذب البارع: معلی بن خنیس: امام صادق علیه السلام فرمود:

«نوروز، روزی است که قائم ما در آن ظهور می‌کند»<sup>۶</sup>.

(۵۳) فقیه: ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی، موسی بن عمران نخعی به نقل از عمویش

۱. مسند احمد ۱: ۹۹. ۲. غیبة الطوسی: ۱۱۱.

۳. غیبة الطوسی: ۱۱۲. ۴. غیبة الطوسی: ۱۱۳.

۵. بشارة المصطفی: ۲۸۱. ۶. المهذب البارع ۱: ۱۹۴ و ۱۹۵.

حسین بن یزید نوفلی، علی بن سالم به نقل از پدرش روایت کرد: از امام صادق علیه السلام در مورد این روایت که نقل می‌کنند «هر کس در رهن (گرو) به خودش بیش از برادر مؤمنش اطمینان داشته باشد من از او دوری می‌کنم» پرسیدم. آن حضرت فرمود:

«این [حدّ اطمینان برای] وقتی است که حق ظاهر شود و قائم ما اهل بیت قیام کند».<sup>۱</sup>

(۵۴) کفایة الاثر: ابوالمفضل محمد بن عبدالله شیبانی، عبدالرزاق بن سلیمان بن غالب آزدی، ابو عبدالله غنی حسن بن معانی، عبدالوهاب بن همام حمیری، ابن ابی شیبہ، شریک‌الدین بن ربیع، قاسم بن حسان، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی این امت از ما [اهل بیت] است».<sup>۲</sup>

(۵۵) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی، ابوعلی حسین بن محمد نهاوندی، جریر، مطر و راق، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیت من بر<sup>۳</sup> امتم قیام می‌کند».<sup>۴</sup>

(۵۶) دلائل الامامة: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبدالله بن خالد کابلی، ابو الحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد الخلال، محمد بن اسکاف و حسن بن منصور الجصاص، ابو النصر، شیبان بن مطر و راق، ابو الصدیق، ابو سعید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا مردی از اهل بیتم به حکومت رسد».<sup>۵</sup>

(۵۷) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابوعلی نهاوندی، ابو القاسم بن ابی حبه، اسحاق بن ابی اسرائیل، ابو عبیده حداد، عبدالواحد بن واصل سدوسی، عرعون، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از عترت و اهل بیت من قیام می‌کند».<sup>۶</sup>

۱. من لایحضره الفقیه ۳: ۳۱۳، ح ۴۱۱۹. تهذیب الاحکام ۷: ۱۷۸، ب ۱۵، ح ۴۲.

۲. کفایة الاثر: ۶۲.

۳. در متن حدیث «لیقومن علی امتی...» است، شاید «علی امتی» را بتوان «در امتم» ترجمه کرد، اما

«بر امتم» هم درست به نظر می‌رسد. ۴. دلائل الامامة: ۲۵۶.

۵. دلائل الامامة: ۲۵۸. ۶. دلائل الامامة: ۲۴۹.



(۵۸) اصول کافی: جمعی از اصحاب ما، احمد بن محمد برقی به نقل از پدرش، محمد بن یحیی خزاز، حماد بن عثمان: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که شخصی به ایشان گفت: خداوند شما را سلامت بدارد! فرمودید که علی بن ابی طالب علیه السلام لباس های زیر و خشن و پیراهنی به ارزش چهار درهم و امثال آن می پوشید، ولی شما خودتان لباس های نو می پوشید! امام صادق علیه السلام به او فرمود:

«علی بن ابی طالب علیه السلام آن لباس را در زمانی می پوشید که برای او عیب نبود، در حالی که اگر همان لباس ها را در این زمان می پوشید زشت و سبک بود، بهترین لباس در هر دوره ای لباسی است که مردم آن دوره می پوشند، اما وقتی قائم ما اهل بیت قیام می کند، لباس علی علیه السلام را بر تن، و سیره و روش علی علیه السلام را دارد.»<sup>۱</sup>

(۵۹) اصول کافی: جمعی از اصحاب ما، احمد بن محمد، علی بن الحکم، ابن بکیر، حسین شیبانی: به امام صادق علیه السلام گفتم: یک نفر از دوستان شما اموالی را که بنی امیه نزد او به ودیعه نهاده اند برای خود حلال شمرده و در آن تصرف می نماید. حضرت فرمود:

«امانت ها را به صاحبانش برگردانید هر چند مجوس باشند، البته این وقتی است که قائم ما اهل بیت قیام می کند و حلال و حرام را [کاملاً] اجرا می نماید.»<sup>۲</sup>

۱. الکافی ۱: ۴۱۱، ح ۴.

۲. الکافی ۵: ۱۳۲ و ۱۳۳، ح ۲. تهذیب الاحکام ۶: ۳۵۱، ب ۹۳، ح ۱۱۴.

## فصل دوم

### مهدی علیه السلام از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۰) عقد الدرر: عبدالله بن عمر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان مردی از فرزندان من قیام می کند».<sup>۱</sup>

(۶۱) فردوس الأخبار: حذیفه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی مردی از نسل من است».<sup>۲</sup>

(۶۲) عقد الدرر: حذیفه: رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه‌ای برایمان از اتفاقات آینده بیان کرد

و فرمود:

«اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد خداوند آن را به قدری طولانی

می کند تا مردی از فرزندانم را برانگیزد».<sup>۳</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۶۳) دلائل الامامة: ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد طبری، ابوالحسن

محمد بن مظفر حافظ، عبدالرحمن بن اسماعیل، علی بن ابراهیم صوری، داود، سفیان، منصور،

ربیع بن خراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است».<sup>۴</sup>

(۶۴) دلائل الامامة: ابوالفضل، محمد بن حسن الکوفی، محمد بن عبدالله فارسی، یحیی

بن میمون خراسانی، عبدالله بن سنان عن أخیه محمد بن سنان زهری، سید ما حضرت

ابو عبدالله جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش از جدش از عموی گرامیش امام حسن و

ایشان از امیرالمؤمنین علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۲. فردوس الاخبار ۴: ۴۹۶، ح ۶۶۶۷.

۴. دلائل الامامة: ۲۳۳.

۱. عقد الدرر: ۳۲، ب ۲.

۳. عقد الدرر: ۲۴، ب ۱.

«هرگاه چهار نفر از فرزندان من به نام‌های محمد، علی و حسن پشت سر هم به امامت رسیدند، چهارم ایشان مهدی منتظر خواهد بود».<sup>۱</sup>

(۶۵) کمال الدین: علی بن محمد بن حسن قزوینی، محمد بن عبدالله خضرمی، احمد بن یحیی آحول، خلاد مقری، قیس بن ابی حصین، یحیی بن وثاب، عبدالله بن عمر: از حسین بن علی علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«اگر از دنیا تنها یک روز مانده باشد، خداوند آنقدر آن را طولانی می کند تا مردی از فرزندان من قیام کند».<sup>۲</sup>

## فصل سوم

### مهدی علیه السلام از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله است

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۶) مسند احمد: حسن بن موسی، حماد بن سلمه، ابوهارون عبدی و مطر وراق، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ظلم و ستم همه زمین را فرا می گیرد، تا اینکه مردی از عترت من قیام می کند».<sup>۳</sup>

(۶۷) مسند احمد: محمد بن جعفر، عوف، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... مردی از عترت یا اهل بیت <sup>۴</sup> من قیام می کند».<sup>۵</sup>

(۶۸) سنن دانی: حمزة بن علی، عبدالله بن محمد، علی بن حسین جهنی، هشام بن عمار، اسماعیل بن عیاش، عطاء بن عجلان، ابونضرة، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان مردی از عترتم قیام می کند».<sup>۶</sup>

۲. کمال الدین ۱: ۳۱۷ و ۳۱۸، ب ۳۰، ح ۴.

۴ □ تردید از راوی است.

۶. السنن الواردة في الفتن: ۹۴.

۱. دلائل الامامة: ۲۳۶.

۳. مسند احمد ۳: ۲۸، ۷۰.

۵. مسند احمد ۳: ۳۶.

(۶۹) فتن ابن حمّاد: محمّد بن حمیر، السقر بن رستم به نقل از پدرش روایت کرد:  
«مهدی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است».<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۷۰) ملاحم ابن طاووس: حسن بن علی، هدیه، عمر بن عبدالوهاب، خالد، حمّاد بن سلّمه، ابوهارون العبیدی و مطر، ابوالصدیق، ابوسعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مهدی نام برد و فرمود:

«ظلم و ستم زمین را فرا گیرد، آنگاه مردی از عترت من قیام می کند».<sup>۲</sup>

(۷۱) دلائل الامامة: ابوالحسین محمّد بن هارون بن موسی از پدرش، ابوعلی نهاوندی، ابوالقاسم بن ابی حنّیة، اسحاق بن ابی اسرائیل، ابو عیّیبه حدّاد، عبدالواحد بن واصل السدوسی، عرعون، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت برپا نشود تا وقتی ظلم و تجاوز زمین را پر کند، آنگاه مردی از عترت یا اهل بیت من <sup>۳</sup> قیام می کند».<sup>۴</sup>

(۷۲) غیبة الطوسی: محمّد بن اسحاق مقرئ، علی بن عباس مقانعی، بکار بن احمد، حسن بن حسین، سفیان جریری، عبدالؤمن، حارث بن حصیرة، عمارة بن جوین عبیدی، ابوسعید خدری: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که روی منبر فرمود:  
«مهدی از عترت من است».<sup>۵</sup>

۲. الملاحم والفتن: ۹۸، ب ۶۱.

۴. دلائل الامامة: ۲۴۹.

۱. الفتن: ۱۰۳.

۳. تردید از راوی است.

۵. غیبة الطوسی: ۱۱۱.

## فصل چهارم

### مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام است

#### □ روایات اهل سنت:

(۷۳) بیان شافعی: حافظ ابو حجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی، ابو الفتح ناصر بن محمد بن ابی الفتح اسماعیل بن فضل سراج، ابو طاهر محمد بن احمد بن عبدالرحیم، حافظ ابو الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود شافعی معروف به دارقطنی، احمد بن محمد بن سعید، ابراهیم بن محمد بن اسحاق بن یزید، سهل بن سلیمان، ابو هارون عبدی: نزد ابوسعید خدری رفته و به او گفتم: در جنگ بدر شرکت کردی؟ گفت: بله. گفتم: اگر چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضایل او شنیده‌ای برای من نقل می‌کنی؟! گفت: بله، برایت می‌گویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری مختصری گرفته بود که بعداً از آن شفا یافت. در حال مرض، فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد. من سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم. وقتی فاطمه علیها السلام ضعف و ناتوانی آن حضرت را مشاهده کرد بغض گلویش را فشرده و اشک از گونه‌هایش فروریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«فاطمه!... دو سبط این امت از ما و همین دو پسر تو هستند، مهدی امت که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می‌کند از ماست.»

بعد بر شانه‌های حسین علیه السلام زد و فرمود:

«مهدی از نسل این است.»<sup>۱</sup>

(۷۴) تاریخ بخاری: عبدالغفار بن داود، ابوالملیح الرقی، زیاد بن بیان، علی بن نفیل جد

النفیلی، سعید بن مسیب، امّ سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی بر حق و از فرزندان فاطمه است.»<sup>۲</sup>

(۷۵) معجم کبیر: محمد بن رزیق بن جامع مصری، هشام بن حبیب، سفیان بن عثینه.

علی بن علی مکی هلالی به نقل از پدرش: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری بود که به

۱. البیان فی أخبار صاحب الزمان: ۵۰۱ و ۵۰۲، ب. ۹. المناقب لابن المغازلی: ۱۰۱، ح. ۱۴۴.

۲. التاريخ الكبير: ۳، ۳۴۶.

المعجم الصغير: ۱، ۳۷.

وفاتش انجامید، نزد او رفتم. فاطمه علیها السلام کنار سر مبارک آن حضرت نشسته بود که ناگهان صدای گریه‌اش بلند شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده به سمت او کرد و فرمود:

«فاطمه! ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت ویژگی به ما داده که قبل و بعد از ما آنها را به هیچ کس نداده... فاطمه! قسم به خدایی که مرا به حق برگزید مهدی این امت از دو فرزند تو (حسن و حسین) است.»<sup>۱</sup>

(۷۶) **فتن ابن حماد:** ابن مبارک و ابن ثور و عبدالرزاق عن معمر عن قتادة، و قال عبدالرزاق عن معمر عن سعید بن ابی عروبة عن قتادة قال: به سعید بن مسیب گفتم: مهدی حقیقت دارد؟ گفت: حقیقت دارد. گفتم: از کدام قبیله است؟ گفت: از قریش. گفتم: از کدام طایفه؟ گفت: از بنی هاشم. گفتم: از کدام خاندان؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب. گفتم: از کدام فرزند عبدالمطلب؟ گفت: «از فرزندان فاطمه علیها السلام».<sup>۲</sup>

(۷۷) **فتن ابن حماد:** ابوهارون، عمرو بن قیس ملائی، منهال بن عمرو، زر بن حبیش از علی علیه السلام شنیده بود که فرمود:

«مهدی مردی از ما و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»<sup>۳</sup>

### □ روایات شیعه:

(۷۸) **غیبة الطوسی:** محمد بن علی، عثمان بن احمد سماک، ابراهیم بن عبدالله هاشمی، ابراهیم بن هانی، نعیم بن حماد مروزی، بقیة بن ولید، ابوبکر بن ابی مریم، فضل بن یعقوب رخامی، عبدالله بن جعفر، ابوالملیح، زیاد بن بنان، علی بن نفیل، سعید بن مسیب، أم سلمه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«مهدی بر حق و از فرزندان فاطمه است.»<sup>۴</sup>

(۷۹) **کفایة الاثر:** ابوالمفضل محمد بن عبدالله شیبانی، عبدالرزاق بن سلیمان بن غالب

۱. المعجم الكبير ۳: ۵۲، ح ۲۶۷۵. بیان الشافعی: ۴۷۸، ب ۸.

۲. الفتن: ۱۰۱. ۳. الفتن: ۱۰۳.

۴. غیبة الطوسی: ۱۱۴ و ۱۱۵.

آزدی، أبو عبدالله غنی حسن بن معالی، عبدالوهاب بن همام حمیری، ابن ابی شیبہ، شریک الدین بن ربیع، قاسم بن حسان، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا ﷺ در بستر بیماری بود که به وفاتش انجامید. فاطمه علیها السلام کنار سر آن حضرت نشسته بود که ناگهان صدای گریه اش بلند شد. رسول خدا ﷺ چشمانش را به سمت او کرد و ضمن حدیثی طولانی فرمود:

«... دو سبط این امت از ما و همین حسن و حسین فرزندان تو هستند، خداوند از پشت حسین نه تن از ائمه را به دنیا خواهد آورد که همگی امین و معصومند، و مهدی این امت از ماست...»<sup>۱</sup>

(۸۰) کمال الدین: محمد بن حسن بن احمد بن ولید، محمد بن حسن الصفار، یعقوب بن زید، حماد بن عیسی، عمر بن اذینه، ابان بن ابی عیاش، ابراهیم بن عمر یمانی، سلیم بن قیس هلالی: از سلمان فارسی شنیدم که گفت: رسول خدا ﷺ در آخرین روزهای عمر شریفش در بستر بیماری بود. [روزی] من مقابل آن حضرت نشسته بودم که فاطمه علیها السلام وارد شد. با دیدن ضعف و بی حالی پدرش گریست و اشک بر گونه هایش جاری گشت. رسول خدا ﷺ فرمود: دخترم چرا گریه می کنی؟ فاطمه علیها السلام گفت: ای رسول خدا، از بلاهایی که بعد از شما بر سر خودم و فرزندانم می آید می ترسم.

پیامبر مفضل با او صحبت کرد و ضمن سخنانش فرمود:

«فاطمه! مگر نمی دانی ما خانواده ای هستیم که خداوند آخرت و دنیا را برایمان برگزیده... تو سرور زنان بهشتی و دو پسر - حسن و حسین - سرور جوانان بهشتی هستند، به جان خودم قسم که مهدی این امت از ماست»<sup>۲</sup>.

۲. کمال الدین ۱: ۶۲۶، ب ۲۴، ح ۱۰.

۱. کفایة الاثر: ۶۲.

## فصل پنجم

### مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است

#### □ روایات اهل سنت:

(۸۱) عقد الدرر: ابونعیم، حذیفه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ما سخنرانی می کرد و از کائنات می گفت، تا اینکه فرمود:

«اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی را برانگیزد [۲۰]...».

سلمان فارسی برخاست و گفت: ای رسول خدا، او از نسل کدام فرزند شماست؟  
فرمود: «از این پسر» و با دست به حسین علیه السلام زد.<sup>۱</sup>

(۸۲) بیان شافعی: حافظ ابو حجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی، ابو الفتح ناصر بن محمد بن ابی الفتح اسماعیل بن فضل سراج، ابو طاهر محمد بن احمد بن عبدالرحیم، حافظ ابو الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود شافعی معروف به دارقطنی، احمد بن محمد بن سعید، ابراهیم بن محمد بن اسحاق بن یزید، سهل بن سلیمان، ابوهارون عبدی: نزد ابوسعید خدری رفته و به او گفتم: در جنگ بدر شرکت کردی؟ گفت: بله. گفتم: اگر چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضایل او شنیده‌ای برای من نقل می کنی؟! گفت: بله، برایت می گویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری مختصری گرفته بود که بعداً از آن شفا یافت. در حال مرض، فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد. من سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم. وقتی فاطمه علیها السلام حالت ضعف و ناتوانی آن حضرت را مشاهده کرد بغض گلویش را فشرده و اشک از گونه هایش فروریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«فاطمه!... دو سبط این امت از ما و همین دو پسر تو هستند، مهدی امت که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند از ماست».

بعد بر شانه های حسین علیه السلام زد و فرمود:



«مهدی از نسل این است»<sup>۱</sup>.

(۸۳) سنفن دانی: عبدالله بن عمرو مکتب، عتاب بن هارون، عبیدالله بن فضل، محمد بن فضل همدانی، ابونعیم محمد بن یحیی طوسی، ابراهیم بن موسی الفراء رازی، زید بن الحباب، عیسی بن الاشعث، جویری، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و برای ما خطابه می گفت. بعد از حمد و ثنای خداوند و سخنانی در مورد دجال فرمود:

«از اینکه پس از آن چه خواهد شد نپرسید؛ حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله از من عهد گرفته که غیر از عترتم کسی را بر آن آگاه نسازم».

نزال بن سبره گوید: به صعصعه بن صوحان گفتم: صعصعه! منظور امیرالمؤمنین علیه السلام چه بود؟ صعصعه گفت: ای پسر سبره! آن کسی که عیسی بن مریم علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند، دوازدهمین نفر از عترت و نهمین نسل حسین بن علی علیه السلام است. او خورشیدی است که از مغرب طلوع می کند، بین رکن و مقام ظاهر می گردد، زمین را پاک کرده و میزان عدالت را برپا می نماید، طوری که هیچ کس به دیگری ظلم نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام هم فرمود که حبیبش رسول خدا صلی الله علیه و آله از او عهد گرفته که اتفاقات پس از آن را برای کسی جز عترتش که ائمه - صلوات الله علیهم اجمعین - هستند بیان نکند.<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۸۴) کشف الیقین: ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله به حسین علیه السلام فرمود:

«مهدی از فرزندان تو است»<sup>۳</sup>.

(۸۵) کشف الیقین: پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«این فرزند من، امام و برادر امام و پدر نه امام است که نهمین آنها قائم است»<sup>۴</sup>.

۱. البیان فی أخبار صاحب الزمان: ۵۰۱ و ۵۰۲، ب. ۹. مناقب ابن المغازلی: ۱۰۱، ح. ۱۴۴. المعجم الصغير: ۱: ۳۷.

۲. السنن الواردة فی الفتن: ۱۳۵ و ۱۳۶. عقد الدرر: ۲۹۱، ب. ۱۲، ف. ۳.

۳. کشف الیقین: ۱۱۷. ۴. کشف الیقین: ۱۱۸.

(۸۶) **دلائل الامامة:** أبو اسحاق محمد بن احمد طبری، عبد الجبار بن سیراب، محمد بن زکریا، الحكم بن أسلم و شعيب بن واقد، جعفر بن سليمان، ابو هارون عبدی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به آن که جانم دست اوست، مهدی این امت که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند از ماست».

بعد با دست بر شانه حسین علیه السلام زد و فرمود:

«از این است، از این است».<sup>۱</sup>

(۸۷) **کفایة الاثر:** ابوالمفضل محمد بن عبدالله شیبانی، عبدالرزاق بن سلیمان بن غالب

ازدی، ابو عبدالله غنی حسن بن معانی، عبدالوهاب بن همام حمیری، ابن ابی شیبہ، شریک الدین بن ربیع، قاسم بن حسان، جابر بن عبدالله انصاری: ... رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای عمر شریفش وقتی دید فاطمه علیها السلام کنار بستر در حال گریستن است به او فرمود:

«دو سبط این امت از ما و همین دو پسر تو هستند، مهدی این امت از ماست».<sup>۲</sup>

(۸۸) **کمال الدین:** احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن ابراهیم بن هاشم به نقل از

پدرش، عبدالسلام بن صالح هروی، وکیع بن الجراح، ربیع بن سعد، عبدالرحمن بن سلیط: حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«ما دوازده [امام، همگی] مهدی هستیم، اولین ما امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و آخرین ما نهمین فرزند من و همان امام قائم به حق است».<sup>۳</sup>

۱. دلائل الامامة: ۲۳۴. غیبة الطوسی: ۱۱۶.

۲. کفایة الاثر: ۶۲.

۳. کمال الدین: ۱: ۳۱۷، ب: ۳۰، ح: ۳.

## فصل ششم

### نام پدر مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۸۹) صحیح ابن حبان: حسین بن احمد بن بسطام، عمرو بن علی بن بحر، ابن مهدی، سفیان، عاصم، زر، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«قیامت نشود تا مردی از اهل بیت من که اسم او اسم من، و اسم پدرش اسم پدر من است<sup>۱</sup>، بر مردم حکومت کند»<sup>۲</sup>.

۱. احادیث و روایات متواتر از شیعه و سنی رسیده که مهدی علیه السلام، هم نام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله است، و ظاهراً بین علما و محدثان در اسم و کنیه آن حضرت اختلافی وجود ندارد، و تنها در بعضی احادیث که در مورد نام پدر او وارد شده اشکال و اختلاف است. جالب آن که جمعی از علمای شیعه مانند شیخ طوسی و سید ابن طاووس نیز این احادیث را آورده‌اند، با اینکه نظر قطعیشان بر آن است که مهدی علیه السلام همان امام دوازدهم، نامش محمد و نام پدرش حسن است، بلکه این مطلب از ضروریات مذهب شیعه به شمار می‌رود، ولی آن بزرگواران جهت رعایت در امانت نسبت به الفاظ روایات و کتب روایی، این حدیث مخالف با مذهبشان را عیناً ذکر نموده‌اند.

تعدادی از دانشمندان حدیث فریقین به نقد این جمله اضافی «اسم ابیه کاسم ابي» (و پدرش همانم پدر من است) پرداخته‌اند، و شاید بتوان گفت قوی‌ترین نقدی که علمای اهل سنت ارائه داده‌اند، سخن شافعی صاحب کتاب «البيان» باشد که خلاصه آن چنین است: «امام احمد و ترمذی و سایر حفاظ این روایت را تا «او همانم من است» نقل کرده‌اند و جمله بعدی را ذکر ننموده‌اند. حافظ ابونعیم اصفهانی نیز آن را با بیش از سی طریق سند نقل کرده که هیچ کدام جمله بعدی (و پدرش همانم پدر من است) را ندارد، بنابراین معلوم می‌شود که این عبارت را «زائده» (یکی از روایان این حدیث) اضافه نموده که کارشناسان او را در نقل روایت ضعیف دانسته و شهادت داده‌اند که وی مطالبی را از خودش به احادیث اضافه می‌کرده. و سخن نهایی و قطعی در مورد آن، این است که امام احمد با آن دقت و اتقانی که دارد، این حدیث را در جای جای مسند خود بدین صورت آورده: «او همانم من است». بعضی علما امثال شبلی، اربلی، هروری، نوری و مجلسی هم خواسته‌اند این زیادی را توجیه نمایند، که بهترین قول در میان آنها چنانچه در روایت حماد آمده این است که شاید در اصل «اسم ابیه اسم نبی» و یا «اسم ابني» بوده که اشتباهاً در نسخه برداری

(۹۰) فتن ابن حمّاد: ابن عُثَیْنَه، عاصم، زرّ، عبدالله عن النبی صلی الله علیه و آله - و یحیی بن یمان، سفیان ثوری و زائده، عاصم، ابو وائل، زرّ، عبدالله بن مسعود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:  
«مهدی همنام من و نام پدرش، نام پدر من است».<sup>۳</sup>

(۹۱) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، هشام بن عبدالرحمن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«مهدی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، در مدینه متولد می شود، و همنام پدر من است».<sup>۴</sup>

### □ روایات شیعه:

(۹۲) غیبة الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، علی بن بکار، علی بن قادم، فطر، عاصم، زرّ بن حبیش، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد خداوند آن را طولانی می کند تا مردی از [اهل بیت] مرا برانگیزد»<sup>[۲۰]</sup>، او همنام من و نام پدرش، نام پدر من است».<sup>۵</sup>

(۹۳) امالی طوسی: الحفّار، ابوبکر محمد بن عمر جعابی حافظ، ابوالحسن علی بن موسی الخزاز، حسن بن علی هاشمی، اسماعیل بن أبان، ابومریم، ثویر بن ابی فاخته، عبدالرحمن بن ابی لیلی به نقل از پدرش روایت کرد: روز جنگ خیبر پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را به علی بن ابی طالب علیه السلام داد و خداوند او را پیروز فرمود. روز غدیر خم نیز پیامبر صلی الله علیه و آله او را [مقابل مردم] واداشت و به آنها اعلام نمود که او مولای هر زن و مرد مؤمنی است، و به علی علیه السلام گفت:

«... در آن موقع قائم آنها قیام می کند».

---

۳ «نبی» یا «ابنی» به کلمه «أبی» (پدرم) تبدیل شده، و چنین اتفاق هایی طی صدها سال برای نسخ خطی بسیاری پیش آمده است. والله العالم.

۲. صحیح ابن حبان ۸: ۲۹۱. المصتف ۱۵: ۱۹۸، ح ۱۹۴۹۳.

۳. الفتن: ۱۰۱. ۴. الفتن: ۱۰۱.

۵. الغیبة: ۱۱۲.

به آن حضرت گفتند: اسم قائم چیست؟  
پیامبر ﷺ فرمود:

«او همان من، و پدرش همان پدر من است»<sup>۱</sup>.

(۹۴) کفایة الاثر: ابوالفضل محمد بن عبدالله بن المطلب شیبانی، ابومزاحم موسی بن عبدالله بن یحیی بن خاقان مقری، ابوبکر محمد بن عبدالله بن ابراهیم شافعی، محمد بن حماد بن ماهان الدباغ ابوجعفر، عیسی بن ابراهیم، حارث بن نبهان، عیسی بن یقطان، ابوسعید، مکحول و وائلة بن اسقع، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا ﷺ فرمود:

«اوصیای من بعد از من به تعداد نقبای بنی اسرائیل خواهند بود... تا اینکه امامشان از آنها پنهان می شود».

جابر گوید: گفتم: ای پیامبر، آنکه از مردم پنهان می شود همان حسن است؟  
فرمود:

«نه، فرزند او، حجت [پنهان می شود]»<sup>۲</sup>.

(۹۵) کمال الدین: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن ابراهیم، عبدالله بن احمد الموصلی، صقر بن ابی دلف: از علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا ﷺ (امام علی نقی ﷺ) شنیدم که فرمود:

«بعد از من فرزندانم «حسن» امام خواهد بود و بعد از او فرزندش امام و قائمی است که چون زمین پر از ظلم و ستم شود عدالت را در آن فراگیر خواهد کرد»<sup>۳</sup>.

۱. آمالی ۱: ۳۶۱ و ۳۶۲.

۲. کفایة الاثر: ۵۸. اثبات الهداة ۱: ۵۷۷، ب ۹، ف ۲۷، ح ۴۹۲.

۳. کمال الدین ۲: ۳۸۳، ب ۳۸، ح ۱۰.

## باب ششم

### منزلت و فضایل مهدی علیه السلام

این باب شامل چهار فصل است:

#### فصل اول

#### از سروران اهل بهشت

#### □ روایات اهل سنت:

(۹۶) سنن ابن ماجه: هدیه بن عبدالوهاب، سعد بن عبدالحمید بن جعفر، علی بن زیاد یمامی، عکرمه بن عمار، اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه، آنس بن مالک: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم: من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی».<sup>۱</sup>

(۹۷) فردوس الاخبار: ابن عباس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:  
«مهدی طاووس بهشتیان است».<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۹۸) کتاب سلیم بن قیس: ابان، سلیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضل اهل بیتش فرمود:

۱. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۶۸، ب ۳۴، ح ۴۰۸۷. تاریخ بغداد للخطیب ۹: ۴۳۴، شماره ۵۰۵۰.

۲. فردوس الاخبار ۴: ۴۹۷، ح ۶۹۴۱.

«ما فرزندان عبدالمطلب سادات اهل بهشتیم: من، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه و مهدی».<sup>۱</sup>

(۹۹) **أمالی صدوق:** احمد بن محمد بن اسحاق، اسماعیل بن ابراهیم حلوانی، احمد بن منصور زاج، هدیه بن عبدالوهاب، سعد بن عبدالحمید بن جعفر، عبدالله بن زیاد یمانی، عکرمه بن عمار، اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه، انس بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ما فرزندان عبدالمطلب بزرگان اهل بهشتیم: رسول خدا، حمزه سیدالشهدا، جعفر ذوالجناحین، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی».<sup>۲</sup>

(۱۰۰) **کشف الیقین:** جابر، عبدالله: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بهشت مشتاق چهار تن از خاندان من است که خدا دوستشان دارد و به من هم امر کرده آنها را دوست بدارم: علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی».<sup>۳</sup>

(۱۰۱) **تفسیر فرات:** حسن بن علی بن بزیع، اصبع بن نباته: علی بن ابی طالب علیه السلام به من فرمود:

«اگر خداوند همه انسانها را از اول تا آخر جمع کند بهترینشان هفت نفر از ما فرزندان عبدالمطلب هستند: ... و دو سبط [پیامبر] حسن و حسین، و مهدی که خداوند به مشیت خود او را در پشت یکی از اهل بیت قرار داده است».<sup>۴</sup>

(۱۰۲) **اصول کافی:** محمد بن یحیی، احمد بن محمد، ابن فضال، حسین بن علوان کلبی، علی بن حزور غنوی، اصبع بن نباته حنظلی: روزی که بصره فتح شد، امیر مؤمنان علیه السلام را دیدم که بر مرکب رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بود. فرمود:

«روزی که خداوند همه خلق را جمع می کند، بهترین آنها پیامبرانند، و برتر پیامبران محمد صلی الله علیه و آله است، ... و برتر شهدا حمزه بن عبدالمطلب و جعفر

۱. کتاب سلیم بن قیس: ۲۴۶، ح ۴۵.

۲. أمالی الصدوق: ۳۸۴: مجلس ۷۲، ح ۱۵.

۳. کشف الیقین: ۱۱۷. کشف الغمّة ۱: ۵۲.

۴. تفسیر فرات الکوفی: ۳۵.

بن ابی طالب هستند، و جعفر دو بال خضاب شده دارد که با آنها در بهشت پرواز می‌کند، غیر او هیچ کس از این امت نیست که دو بال به او پیشکش شده باشد، و خداوند به وسیله آن محمد صلی الله علیه و آله را احترام کرده و مشرف فرموده، و دو سبط [رسول خدا] حسن و حسین، سرور جوانان اهل بهشت، و مهدی که به مشیت خداوند یکی از ما اهل بیت خواهد بود.<sup>۱</sup>

(۱۰۳) کفایة الاثر: علی بن حسن، هارون بن موسی، ابو عبدالله حسین بن احمد بن شیبان قزوینی، ابو عمر احمد بن علی فیدی، سعد بن مسروق، عبد الکریم بن هلال مکی، ابو طفیل، ابوذر: از حضرت فاطمه علیها السلام شنیدم که فرمود:

«از پدرم در مورد این آیه سؤال کردم که خداوند می‌فرماید: ﴿بِرِاعِرَافِ مَرْدَانِی هَسْتَنْدَ کَه هَمَه رَا اَز سِیْمَايشَان مِی شِنَاسَنْد﴾<sup>۲</sup>. فرمود: آنها امامان بعد از من: علی، دو سبطم و نه نفر از پشت حسین هستند. آنها «مردان اعرافند»، هر کس وارد بهشت می‌شود آنها را می‌شناسد و آنها او را می‌شناسند، و هر کس وارد جهنم می‌شود از آنها بیزار است و آنها هم از او بیزارند، و تنها راه معرفت خداوند، شناخت آنهاست»<sup>۳</sup>.

## فصل دوم

### همراهی فرشتگان

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۰۴) بیان شافعی: حافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد بن احمد مقدسی، ابو الفرج یحیی بن محمود بن سعد ثقفی بدمشق و صیدلانی، ابو علی الحسن، ابو نعیم حافظ، ابو احمد عطریفی، محمد بن سلیمان باغندی، عبدالوهاب بن ضحاک، اسماعیل بن عیاش، صفوان بن

۱. الکافی ۱: ۴۵۰، ح ۳۴.

۲. ﴿وَ عَلَی الْأَعْرَافِ رِجَالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیْمَاهُمْ﴾. (اعراف، ۴۶)

۳. کفایة الاثر: ۱۹۴.



عمرو، عبدالرحمن بن جبیر، کثیر بن مَرّة، عبدالله بن عمرو: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«وقتی مهدی قیام می کند بالای سرش ابری است که فرشته‌ای در آن  
است و ندا می دهد: این همان مهدی و خلیفه خداست، از او اطاعت  
کنید.»<sup>۱</sup>

(۱۰۵) بیان شافعی: ابوالفرج عبدالسلام بن عبدالوهاب قرشی، سلیمان بن احمد  
طبرانی، ابراهیم بن محمد بن عون، عبدالوهاب بن ضحاک، اسماعیل بن عیاش، صفوان بن  
عمرو، عبدالرحمن بن جبیر بن نقیر، کثیر بن مَرّة، عبدالله بن عمرو: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:  
«وقتی مهدی قیام می کند فرشته‌ای بالای سر اوست و ندا می دهد: این  
مهدی است، از او پیروی کنید.»<sup>۲</sup>

(۱۰۶) کنز العمال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... مردی از اهل یتیم می آید که فرشتگان پیشاپیش اویند و اسلام را  
ظاهر می کند.»<sup>۳</sup>

#### ■ روایات شیعه:

(۱۰۷) موالید الأئمة: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی درباره مهدی علیه السلام فرمود:  
«در آخر الزمان ظاهر می شود و بالای سرش ابری است که بر او سایه  
می افکند، و هر جا می رود با اوست و با صدایی شیوا ندا می دهد: این  
مهدی است.»<sup>۴</sup>

(۱۰۸) تفسیر عیاشی: عبدالاعلی جبلی (حلبی): امام باقر علیه السلام فرمود:  
«... گویی اکنون آنها (قائم و اصحابش) را می بینم که سیصد و ده و اندی

۱. البيان في أخبار صاحب الزمان: ۵۱۱، ب ۱۵. عقد الدرر: ۱۳۵، ب ۶. فرائد السمطين ۲: ۳۱۶،  
ب ۶۱، ح ۵۶۶ و ۵۶۹. تلخیص المتشابه للخطیب ۱: ۴۱۷.  
۲. البيان في أخبار صاحب الزمان: ۵۱۲، ب ۱۶.  
۳. كنز العمال ۱۴: ۲۶۹، ح ۳۸۶۸۴.  
۴. مواليد الأئمة ووفياتهم: ۲۰۱. الصراط المستقيم ۲: ۲۶۰، ف ۱۲. اثبات الهداة ۳: ۶۱۵، ب ۳۲،  
ف ۱۵، ح ۱۶۳.

مرد هستند و از بلندی‌های کوفه (نجف) عبور می‌کنند، دل‌هایشان چون پاره‌های آهن است، و جبرئیل سمت راست مهدی و میکائیل سمت چپ اوست»<sup>۱</sup>.

## فصل سوم

### مقام والای مهدی در پیشگاه خداوند

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۰۹) کشف الیقین: جابر بن عبدالله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خداوند دوستشان دارد و مرا نیز به محبت آنها امر فرموده: علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی»<sup>۲</sup>.

(۱۱۰) فتن ابن حمّاد: ابویوسف، صفوان بن عمرو، عبدالله بن بشیر، کعب:

«مهدی چون عقاب که بالهای خود را پایین می‌آورد<sup>۳</sup>، برای خداوند خاشع است»<sup>۴</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۱۱۱) غیبة النعمانی: محمد بن همام به نقل از پدرش و عبدالله بن جعفر حمیری،

احمد بن هلال، محمد بن ابی عمیر، سعید بن غزوان، ابوبصیر، حضرت ابو عبدالله علیه السلام از پدران گرامیش علیه السلام روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند از هر چیزی یکی را برگزید... و از من و علی، حسن و حسین را، و دوازده امام که [نه نفر آنها] از فرزندان حسین هستند این [تعداد] را

۱. تفسیر العیاشی ۲: ۵۹ و ۶۰. الصراط المستقیم ۲: ۲۶۰، ف ۱۲.

۲. کشف الیقین: ۱۱۷.

۳. «خفض جناح» یعنی پایین آوردن بال، در عرب اصطلاحی است برای خضوع، خشوع و تسلیم.

۴. الفتن: ۱۰۰.

کامل می‌کنند، نهمین آنها باطن و ظاهر و برتر و قائم آنهاست، که بقیه [ائمّه]، تحریفهای افراد زیاده‌رو (غلوکنندگان) و ادعاهای ناروای دشمن و تاویل‌های جاهلان را نسبت به او برطرف می‌سازند.<sup>۱</sup>

## فصل چهارم

### اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۱۲) کشف الیقین: جابر بن عبدالله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی همان کسی است که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سرش نماز می‌خواند».<sup>۲</sup>

(۱۱۳) بیان شافعی: حافظ ابو حجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی، ابو الفتح

ناصر بن محمد بن ابی الفتح اسماعیل بن فضل سراج، ابو طاهر محمد بن احمد بن عبدالرحیم، حافظ ابو الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود شافعی معروف به دارقطنی، احمد بن محمد بن سعید، ابراهیم بن محمد بن اسحاق بن یزید، سهل بن سلیمان، ابوهارون عبدی: نزد ابوسعید خدری رفته و به او گفتم: در جنگ بدر شرکت کردی؟ گفت: بله. گفتم: اگر چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضایل او شنیده‌ای برای من نقل می‌کنی؟! گفت: بله، برایت می‌گویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری مختصری گرفته بود که بعداً از آن شفا یافت. در حال مرض، فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد. من سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم. وقتی فاطمه علیها السلام حالت ضعف و ناتوانی آن حضرت را مشاهده کرد، بغض گلویش را فشرده و اشک از گونه‌هایش فروریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او سخنانی فرمود و از جمله گفت:

«... مهدی امت که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می‌کند از ماست».<sup>۳</sup>

۱. الغیبة: ۶۷، ب ۴، ح ۷.

۲. کشف الیقین: ۱۱۷.

۳. البیان فی أخبار صاحب الزمان: ۵۰۱ و ۵۰۲، ب ۹.

(۱۱۴) فتن ابن حمّاد: نعیم، ضمرة بن ربیعة، یحیی بن ابی عمرو شیبانی، عمرو بن عبدالله حضرمی، ابوامامة باهلی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آن موقع امام مردم مردی صالح (مهدی) است، به او می گویند: نماز صبح را بخوان. وقتی تکبیر می گوید و نماز را شروع می کند، عیسی بن مریم نازل می شود. چون آن مرد، عیسی علیه السلام را می بیند، او را می شناسد و عقب می رود تا عیسی علیه السلام امام جماعت شود. عیسی علیه السلام دستانش را بین دو کتف [و پشت او] گذارده و می گوید: شما نماز بخوانید؛ جماعت به خاطر شما برپا شده. [او نماز را ادامه می دهد] و عیسی علیه السلام به او اقتدا می کند»<sup>۱</sup>.

(۱۱۵) فتن ابن حمّاد: ولید، ابو عبدالله مولی <sup>[۱۱۰۵]</sup> بنی امیه، محمد بن الحنفیه:

«خلیفه ای از بنی هاشم در بیت المقدس مقیم می گردد و عدالت را در دنیا فراگیر می نماید... دجال در زمان او قیام می کند، عیسی بن مریم علیه السلام نازل می شود و پشت سر آن خلیفه نماز می خواند»<sup>۲</sup>.

(۱۱۶) فتن ابن حمّاد: حمّاد بن سّلمه، علی بن زید به نقل از شخصی، عبدالله بن عمرو: «مهدی همان کسی است که عیسی بن مریم بر او نازل می شود و در نماز به او اقتدا می کند»<sup>۳</sup>.

(۱۱۷) بیان شافعی: نقیب النقباء فخر آل رسول الله صلی الله علیه و آله ابو الحسن علی بن محمد بن ابراهیم حسنی، ابو الفرج یحیی بن محمود، ابو علی حسن بن احمد، حافظ ابو نعیم، ابو المظفر، محمد بن یوسف بن بشر، ابراهیم بن منقذ خولانی، ابو حازم عبدالغفار بن حسن بن دینار، سفیان ثوری، منصور، ربیع، حذیفه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... مهدی به عیسی - که آن زمان نازل شده و گویی از موهایش آب می چکد - رو کرده و می گوید: شما جلو بایستید تا مردم اقتدا کنند! عیسی علیه السلام می گوید: نماز جماعت برای [امامت] شما برپا شده، و خودش

۲. الفتن: ۱۱۰.

۱. الفتن: ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳. الفتن: ۱۰۳.

(عیسی علیه السلام) پشت سر [مهدی که] مردی از فرزندان من [است] اقتدا می‌کند. بعد از نماز عیسی علیه السلام بلند می‌شود و کنار مقام [ابراهیم علیه السلام] با مهدی بیعت نموده و پس از آن چهل سال زنده خواهد بود.<sup>۱</sup>

(۱۱۸) عقد الدرر: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن بیان ماجرای دجال فرمود: «مهدی وارد بیت المقدس شده و برای مردم نماز جماعت می‌خواند. روز جمعه هنگام نماز عیسی بن مریم علیه السلام با دو جامه سرخ و برآق نازل می‌شود، موهایش شانه زده و فروهشته است و چنان برق می‌زند که گویی از سرش روغن می‌چکد، خوش سیما و شبیه‌ترین خلق خدا به ابراهیم خلیل علیه السلام است، مهدی متوجه می‌شود و او را می‌نگرد و می‌گوید: ای فرزند مریم عذرا، جلو بایستید تا مردم به شما اقتدا کنند! عیسی علیه السلام می‌گوید: نماز و جماعت برای [امامت] شما برپا شده؛ [شما جلو بایستید]. [مهدی جلو می‌رود و نماز به امامت او برگزار می‌شود. عیسی علیه السلام نیز پشت سر او ایستاده، و بعد بیعت می‌نماید...»<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۱۱۹) تفسیر فرات: جعفر بن محمد فزاری: امام باقر علیه السلام ضمن روایتی فرمود: «خیثمه!... مگر نمی‌دانی عیسی علیه السلام با اینکه پیامبر است، پشت سر ما (اهل بیت) نماز می‌خواند؟! آری، ما از او برتریم...»<sup>۳</sup>

(۱۲۰) اصول کافی: بعض اصحابنا، سهل بن زیاد، محمد بن سلیمان، عیثم بن آشیم، معاویه بن عمار، ابو عبدالله علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... جبرئیل نزد من آمد و گفت:... وقتی خداوند عیسی بن مریم را به زمین می‌آورد، قائم [موعودی] که عیسی در نماز به او اقتدا می‌کند از شما

۱. البیان فی أخبار صاحب الزمان: ۵۰۰، ب ۷.

۲. عقد الدرر: ۲۷۴ و ۲۷۵، ف ۲.

۳. تفسیر فرات الکوفی: ۴۴.

(اهل بیت) و از نسل علی و فاطمه و از فرزندان حسین است.<sup>۱</sup>

(۱۲۱) دلائل الامامة: ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبری، عبدالجبار بن سیراب، محمد بن زکریا، الحکم بن أسلم و شعیب بن واقد، جعفر بن سلیمان، ابوهارون عبدی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به خداوندی که جانم به دست اوست، مهدی این امت که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند از ما (اهل بیت) است...»<sup>۲</sup>

(۱۲۲) تفسیر فرات: محمد بن قاسم عبید، عبدالله بن عباس: از سلمان فارسی شنیدم که به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفت:

«مهدی همان است که عیسی پشت سرش نماز می خواند».<sup>۳</sup>

(۱۲۳) أمالی صدوق: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن قاسم، احمد بن هلال، فضل بن دکین، معمر بن راشد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... و [دیگر] از نسل من مهدی است، همان که وقتی قیام می کند عیسی بن مریم برای یاریش نازل می شود و او را مقدم داشته و در نماز به او اقتدا می کند».<sup>۴</sup>

۲. دلائل الامامة: ۲۳۴.

۴. أمالی الصدوق: ۱۸۱، المجلس ۳۹، ح ۴.

۱. الکافی ۸، ۴۹، ح ۱۰.

۳. تفسیر فرات الکوفی: ۱۷۹.

## باب هفتم

### ویژگی‌های ظاهری و رفتاری مهدی علیه السلام

این باب شامل چهار فصل است:

#### فصل اول

#### ویژگی‌های جسمی

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۲۴) مسند احمد: ابوالنصر، ابو معاویه شیبان، مطر بن طهمان، ابوالصدیق ناجی،

ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا اینکه مردی از اهل بیت من، بلند پیشانی با بینی باریک و

قلمی که در وسطش برآمدگی دارد، به حکومت رسد»<sup>۱</sup>.

(۱۲۵) مسند ابی‌یعلی: قطن بن نسیر، عدی بن ابی‌عمار، مطر وراق، ابوالصدیق،

ابوسعید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیتم بر امتم حکومت خواهد کرد که پیشانیش فراخ و

نورانی و بینیش باریک و قلمی با مقداری برآمدگی در وسط آن است»<sup>۲</sup>.

(۱۲۶) الدر المنثور: ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن سخنانش در مورد مهدی

فرمود:

«... مهدی از من است، پیشانیش بلند و تابناک، و بینیش باریک و قلمی با

۱. مسند احمد ۳: ۱۷.

۲. مسند ابی‌یعلی ۲: ۳۶۷، ح ۱۱۲۸. فتن ابن حماد: ۱۰۰.

### مقداری برآمدگی در وسط آن است»<sup>۱</sup>.

(۱۲۷) سنن دانی: حمزة بن علی، عبدالله بن محمد، علی بن حسین جهنی، هشام بن عمار، اسماعیل بن عیاش، عطاء بن عجلان، ابونضرة، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخرالزمان مردی جوان و خوش سیما از عترتم قیام می کند که پیشانی بلند و تابان و بینی باریک با مقداری برآمدگی در وسط آن دارد»<sup>۲</sup>.

(۱۲۸) مصنف عبدالرزاق: معمر، مطرب به نقل از شخصی، ابوسعید خدری (بدون اسناد به پیامبر صلی الله علیه و آله):

«مهدی پیشانی بلند و سفید و دارای بینی باریک و قلمی با مقداری برآمدگی در وسط آن است»<sup>۳</sup>.

(۱۲۹) فتن ابن حقاد: ابن وهب، اسحاق بن یحیی بن طلحه تمیمی، طاووس: عمر بن خطاب هنگام وداع با کعبه گفت: به خدا قسم نمی دانم سلاح ها و اموال موجود در کعبه را همان جا بگذارم یا آن را در راه خدا تقسیم کنم؟ علی بن ابی طالب رضی الله عنه به او فرمود: «امیر مؤمنین! به آنها کاری نداشته باش؛ چون تو صاحب آنها نیستی. صاحب آنها یکی از ماست: جوانی از قریش که در آخرالزمان آنها را در راه خدا تقسیم می کند»<sup>۴</sup>.

(۱۳۰) فردوس الاخبار: حذیفه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی مردی از فرزندان من و صورتش چون ماه تابان است»<sup>۵</sup>.

(۱۳۱) الحاوی للفتاوی: حذیفه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی مردی از فرزندان من است که بر گونه راستش خالی دارد و چون ماه می درخشد»<sup>۶</sup>.

۱. الدر المنثور ۶: ۵۷.

۲. السنن الواردة في الفتن: ۹۴.

۳. المصنف ۱۱: ۳۷۲، ح ۲۰۷۷۳. فتن ابن حقاد: ۱۰۰.

۴. الفتن: ۱۰۱. ۵. فردوس الاخبار ۴: ۴۹۶، ح ۶۶۶۷.

۶. الحاوی للفتاوی ۲: ۶۶.



(۱۳۲) فرائد الفوائد: ابن عباس:

«نام مهدی: «محمد بن عبدالله»<sup>۱</sup> است، او مردی میانه قامت و شمایلش سفید آمیخته با سرخی است»<sup>۲</sup>.

(۱۳۳) فتن ابن حماد: ابن عیینه، عمرو، ابی معبد، ابن عباس:

«مهدی جوان است»<sup>۳</sup>.

(۱۳۴) فتن ابن حماد: محمد بن حمیر، صقر بن رستم به نقل از پدرش روایت کرد:

«مهدی مردی کمان ابرو، گشاده رو و درشت چشم است، از جانب حجاز می آید تا بر منبر دمشق قرار می گیرد، او هجده ساله است»<sup>۴</sup>.

(۱۳۵) معجم کبیر: علی بن سعید رازی، علی بن حسین، عنبسة بن ابی صغیرة، اوزاعی، سلیمان بن حبیب: از ابو امامه شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی که در آن مهدی را توصیف می کرد، فرمود:

«... صورتش چون ستاره درخشان است، بر گونه راستش خال سیاهی دارد، دو عبا قطوانی<sup>[۸۹]</sup> به دوش انداخته، گویی از مردان بنی اسرائیل است»<sup>۵</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۱۳۶) دلائل الامامة: ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد طبری، ابوالحسن محمد بن مظفر حافظ، عبدالرحمن بن اسماعیل، علی بن ابراهیم صوری، داود، سفیان، منصور، ربیع بن خراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است، رنگ و رویش عربی و بدنش اسرائیلی است، بر گونه راستش خالی دارد، (و صورتش) چون ستاره درخشان است»<sup>۶</sup>.

۲. فرائد فوائد الفکر: ۳، ب ۲.

۴. الفتن: ۱۰۱.

۶. دلائل الامامة: ۲۳۳.

۱ □ رک: حاشیه حدیث (۸۹).

۳. الفتن: ۱۰۲.

۵. المعجم الکبیر ۸: ۱۲۰، ح ۷۴۹۵.

(۱۳۷) دلائل الامامة: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبدالله بن خالد کابلی، ابو الحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد الخلال، محمد بن اسکاف و حسن بن منصور الجصاص، ابو النصر، شیبان بن مطر و زراق، ابو الصدیق، ابو سعید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیتم بر اتم حکومت خواهد کرد که بلندپیشانی و دارای بینی باریکی است که در وسط آن مقداری برآمدگی دارد»<sup>۱</sup>.

(۱۳۸) غیبة النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هوزة، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، عبدالله بن بکیر، حمران بن أعین: امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی در وصف قائم علیه السلام فرمود:

«رنگ صورتش سرخ و سفید، چشمانش گود و فرورفته، ابروانش پُر و به هم پیوسته، و چهارشانه است، میانه سرش فرق باز کرده<sup>۲</sup>، و در چهره اش نشانه‌ای است»<sup>۳</sup>.

(۱۳۹) اثبات الهداة: عبدالواحد بن عبدالله، احمد بن محمد بن رباح زهری، احمد بن علی حمیری، حسن بن ایوب، عبدالکریم بن عمرو خثعمی، اسحاق بن جریر، حجر بن زائدة، حمران بن أعین: به امام باقر علیه السلام گفتم: قائم شما هستید؟ فرمود:

«... منظورت را دانستم، صاحب (موعود) تو بلندقامت و شکم برآمده است و میانه سرش فرق باز کرده<sup>۴</sup>، و پسر زیبارویانِ باهیت است...»<sup>۵</sup>.

(۱۴۰) بحار الانوار: امام باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی ابروان پُر و به هم پیوسته دارد»<sup>۶</sup>.

(۱۴۱) غیبة النعمانی: عبدالواحد بن عبدالله، احمد بن محمد بن رباح زهری، احمد بن علی حمیری، حسن بن ایوب، عبدالکریم بن عمرو خثعمی، محمد بن عصام، وهیب بن حفص، ابوبصیر: امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام (تردید از ابن عصام است) فرمود:

۱. دلائل الامامة: ۲۵۸. □ ۲ «برأسه حزاز».

۳. الغیبة: ۲۱۵، ب ۱۳، ح ۳. □ ۴ «صاحبك المبدح البطن، ثم الحزاز برأسه».

۵. اثبات الهداة ۳: ۵۳۸، ب ۳۳، ف ۲۷، ح ۴۹۴.

۶. بحار الانوار ۵۱: ۴۰، ب ۴، ح ۲۱.

«ای ابومحمد، قائم دو نشانه دارد: نشانه‌ای (لکه‌ای) در سرش است و بیماری شوره سر دارد، و نشانه‌ای (لکه‌ای) بین دو کتفش از طرف چپ، و زیر کتف چپش پوسته‌ای چون برگ درخت مُورد است»<sup>۱</sup>.

## فصل دوم

### شبه‌ترین مردم به پیامبران

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۴۲) فتن سلیلی: حسن بن علی مالکی، ابوالنصر علی بن حمید رافعی، محمد بن هشام بصری، سلیمان بن عثمان نخعی، سعید بن طارق، سلمة بن انس، اصبع بن نباته: امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای از مهدی و قیام همراهانش سخن به میان آورد و نام‌های آنها را ذکر فرمود. ابو خالد حلبی به آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! خصوصیات او را برای ما بگویند. علی علیه السلام فرمود:

«مهدی در ظاهر و خلق و خوی و محاسن شبه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله است...»<sup>۲</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۱۴۳) کمال الدین: جعفر بن محمد بن مسرور، حسین بن محمد بن عامر، عبدالله بن عامر، محمد بن ابی عمیر، ابو جمیل مفضل بن صالح، جابر بن یزید جعفی، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من، هم‌نام و هم‌کنیه من، و در صفات ظاهری و اخلاق شبه‌ترین مردم به من است»<sup>۳</sup>.

(۱۴۴) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن محمد دینوری، علی بن حسن الکوفی، عمیره بنت اوس، الحصین بن عبدالرحمن، عبدالله بن ضمرة، کعب الاحبار:

۲. الفتن: ۱۴۵، ب ۷۹.

۱. الغیبة: ۲۱۶، ب ۱۳، ح ۵.

۳. کمال الدین ۱: ۲۸۶، ب ۲۵، ح ۱.

«... و از نسلِ علی، مهدی قائم است، همو که زمین را دگرگون سازد، و دلیل و برهان عیسی بن مریم در بحث و جدل با نصارای روم و چین باشد، مهدی قائم از نسل علی و شبیه‌ترین مردم به عیسی بن مریم در صفات ظاهری و اخلاق و وقار و هیبت است، خداوند آنچه را به پیامبران داده بیشتر و بهترش را به او می‌دهد، قائم نسلِ علی غیبتی چون غیبت یوسف و رجعتی چون رجعت عیسی بن مریم دارد».<sup>۱</sup>

(۱۴۵) غیبة الطوسی: ابوبصیر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم به یوسف علیه السلام شباهت دارد. گفتم: چه شباهتی؟ فرمود: حیرت و غیبت».<sup>۲</sup>

(۱۴۶) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق

بن سعید و احمد بن حسین و محمد بن احمد بن حسن قطوانی، حسن بن محبوب، هشام بن سالم جوالبقی، یزید کناسی: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

«صاحب امر به یوسف علیه السلام شباهت دارد و فرزند کنیزی سیاه‌پوست است».<sup>۳</sup>

(۱۴۷) غیبة النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی، عبدالله بن جبلة، حسن بن علی

ابی حمزه، ابوبصیر: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

«صاحب امر چهار سنت از چهار پیامبر دارد: موسی، عیسی، یوسف و

محمد صلوات الله علیهم اجمعین.

گفتم: سنت موسی علیه السلام چه بود؟

فرمود: هر لحظه با ترس منتظر حادثه‌ای بود.<sup>۴</sup>

گفتم: سنت عیسی علیه السلام چه بود؟

۱. الغیبة: ۱۴۶، ب ۱۰، ح ۴.

۲. غیبة الطوسی: ۱۰۳. اثبات الهداة ۳: ۵۰۱، ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۲۸۴.

۳. الغیبة: ۱۶۳، ب ۱۰، ح ۳.

۴. «خَائِفًا يَتَرَقَّبُ». (قصص: ۱۸)

فرمود: همان چیزی که در مورد عیسی گفتند در مورد او می‌گویند.<sup>۱</sup>

گفتم: سنت یوسف علیه السلام چه بود؟

فرمود: زندان و غیبت.

گفتم: سنت محمد صلی الله علیه و آله چه بود؟

فرمود: وقتی قیام می‌کند به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌نماید با این

تفاوت که آثار محمد صلی الله علیه و آله را تبیین می‌کند [نه اینکه دین جدیدی بیاورد] و

هشت ماه شمشیر به دوش چنان آشوبی به پا می‌کند تا خداوند راضی شود.

گفتم: رضایت خدا را از کجا می‌فهمد؟

فرمود: خداوند به دلش رحمت می‌اندازد.<sup>۲</sup>

(۱۴۸) کمال الدین: محمد بن محمد بن عصام، محمد بن یعقوب کلینی، قاسم بن علاء،

اسماعیل بن علی قزوینی، علی بن اسماعیل، عاصم بن حمید حنّاط، محمد بن مسلم ثقفی

طحان:

خدمت امام محمد باقر علیه السلام رفتم تا از آن حضرت در مورد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله سؤال

کنم. ولی پیش از آنکه من حرفی بزنم آن حضرت بی‌مقدمه فرمود:

«محمد بن مسلم! قائم آل محمد به پنج پیامبر شباهت دارد: یونس بن مَتّٰ،

یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی و محمد صلوات الله علیهم. اما شباهتش

با یونس بن مَتّٰ علیه السلام در این است که بعد از مدتی غیبت باز می‌گردد و

علیرغم سنّ زیاد، هنگام بازگشت جوان است. و شباهتش با یوسف بن

یعقوب علیه السلام در این است که او از غریب و آشنا غائب شد و از برادرانش

پنهان گردید و پدرش یعقوب با اینکه یوسف در مسافتی نزدیک با او و

خانواده و پیروانش بود، از او بی‌خبر ماند. و شباهتش با موسی علیه السلام ادامه‌دار

بودن ترس و طولانی شدن غیبت، و ولادت در خفا و خستگی شیعیان پس

از او به خاطر اذیت‌ها و ذلت‌هایی که می‌بینند، تا وقتی خداوند اذن به

ظهور و یاری و غلبه او بر دشمنش دهد. و شباهتش با عیسی علیه السلام اختلاف

نظرها در مورد اوست به حدی که عده‌ای می‌گویند: به دنیا نیامده، دیگران می‌گویند: مُرده، و برخی می‌گویند: او را کشته و به صلیب کشیده‌اند. و شباهتی که با جدش مصطفی صلی الله علیه و آله دارد، قیام با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و پیامبر، و زورگویان و بیدادگران است، و هیچ کدام از لشکرهای او شکست نمی‌خورد.<sup>۱</sup>

(۱۴۹) دلائل الامامة: ابوالفضل محمد بن عبدالله، ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید بن عقده، یحیی بن زکریا، حسن بن محبوب، هشام بن سالم، زید کناسی: از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«... شباهت مهدی علیه السلام با یوسف علیه السلام این است که برادرانش با او معامله و صحبت می‌کنند اما او را نمی‌شناسند، و شباهتش با موسی علیه السلام در خوف، و با عیسی علیه السلام در حیرت و سفر است، و با محمد صلی الله علیه و آله در استفاده از شمشیر شباهت دارد.»<sup>۲</sup>

## فصل سوم

### جود و کرم

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۵۰) فتن ابن حماد: محمد بن مروان، عمارة بن ابی حفصة، زید عقی، ابوالصدیق، ابوسعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«امت من در زمان مهدی چنان از نعمت بهره‌مند می‌شوند که هیچ گاه سابقه نداشته، از آسمان باران فراوان و مکرر می‌بارد، هر چیز در زمین کاشته شود زمین آن را می‌رویاند، مال و ثروت انبوه و فراوان می‌شود، و هر که نزد مهدی بیاید و بگوید به من پول بده، می‌گوید: بگیر.»<sup>۳</sup>

۱. کمال الدین ۱: ۳۲۷، ب ۳۲، ح ۷. ۲. دلائل الامامة: ۲۹۱.

۳. الفتن: ۹۹.

(۱۵۱) **فرائد الفوائد:** ابونعیم: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی در امتم قیام می‌کند، خداوند او را برای فریادرسی مردم می‌فرستد، و (به برکت او) مردم از فراوانی نعمت‌ها برخوردار می‌گردند، دام‌ها مرگ و میر ندارند و زیاد می‌شوند<sup>۱</sup>، و زمین رویاندنی‌های خود را می‌رویاند. مهدی همهٔ اموال را به طور مساوی تقسیم می‌کند»<sup>۲</sup>.

(۱۵۲) **صحیح مسلم:** واصل بن عبدالاعلی و ابوکریب و محمد بن یزید رفاعی، محمد

بن فضیل به نقل از پدرش، ابوحازم، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمین گنجهای خود را به صورت ستون‌های طلا و نقره بیرون می‌ریزد<sup>۳</sup>. شخص قاتل می‌گوید: به خاطر این طلا و نقره بود که من مرتکب قتل شدم. کسانی که قطع رحم کرده‌اند می‌گویند: به خاطر اینها بود که ما قطع رحم کردیم. دزدها می‌گویند: به خاطر این طلا و نقره بود که دست ما قطع شد. آنها به دنبال طلا و نقره می‌روند، ولی نمی‌توانند چیزی از آن بردارند»<sup>۴</sup>.

(۱۵۳) **مسند احمد:** عَفَّان، حَمَاد بن سَلَمَه، عَلی بن زید، ابونضره، ابوسعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند خلیفه‌ای در این امت برمی‌انگیزد<sup>۵</sup> که اموال را بدون شمارش و حساب توزیع می‌کند»<sup>۵</sup>.

(۱۵۴) **فتن ابن حماد:** معمر، ابوهارون، معاویه، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اهل آسمان و زمین از مهدی راضی می‌شوند، هر چه ابر در آسمان است می‌بارد، و هر چه رویدنی در زمین است می‌روید، به حدی که مردگان رشک زندگان می‌برند»<sup>۶</sup>.

۱. «تعیش الماشية».

۲. فرائد فوائد الفكر: ۱۱، ب ۴.

۳. «تقی الأرض أفلاذ كبدها أمثال الأسطوان من الذهب والفضة...».

۴. صحیح مسلم ۲: ۷۰۱، ب ۱۷، ح ۱۰۱۳. ۵. مسند احمد ۳: ۹۶.

۶. الفتن: ۹۹.

### □ روایات شیعه:

(۱۵۵) غیبة النعمانی: ابو علی حسن بن علی بن عیسی قوهستانی، بدر بن اسحاق بن بدر أنماطی، ابواسحاق بن بدر، بدر بن عیسی: از پدرم عیسی بن موسی که مردی با اُبْهت بود پرسیدم: در طول عمرت کدام یک از تابعین<sup>[۲۷]</sup> را دیده‌ای؟  
گفت: نمی‌دانم چه می‌گویی (نمی‌دانم مقصودت چیست!) ولی زمانی در مسجد کوفه بودم که شنیدم پیری از شخص خیری صحبت می‌کرد و می‌گفت: از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من گفت:  
«ای علی، امامان معصوم که از نسل تو و هدایت شده و هدایتگرند یازده نفر هستند. تو بر آنها مقدمی و آخرین آنها همانم من است. او قیام می‌کند و زمین را همان‌طور که از ظلم و ستم پر شده، از عدل و داد پر می‌نماید. هر شخصی نزد او می‌آید و می‌گوید: ای مهدی، به من پول بده، از اموال انبوه و فراوان به او می‌دهد و می‌گوید: بگیر»<sup>۱</sup>.

(۱۵۶) أمالی طوسی: گروهی به نقل از ابوالفضل، احمد بن محمد بن بشار بن ابی‌العجوز سمسار، مجاهد بن موسی ختلی، عبّاد بن عبّاد، مجالد بن سعید، جبر بن نوف ابوالوداک: به ابوسعید خدری گفتم: به خدا هر سال که می‌آید از سال قبل بدتر، و هر حکومتی بر سر کار می‌آید از حکومت قبلی شرّش بیشتر است.  
ابوسعید گفت: اگر آنچه که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم نبود نظرم با تو موافق بود، اما از آن حضرت شنیدم که فرمود:

«خداوند مردی از من و از عترتم برمی‌انگیزد<sup>[۲۰]</sup> که زمین را همان‌طور که حکومت‌های قبل از او پر از ظلم و ستم کرده‌اند، از عدالت پر می‌کند، و زمین به برکت او گنج‌های خود را بیرون می‌ریزد، و او اموال را بدون شمارش و حساب توزیع می‌کند»<sup>۲</sup>.

۲. أمالی الطوسی ۲: ۱۲۶.

۱. الغیبة: ۹۲، ب ۴، ح ۲۳.



## فصل چهارم عدالت و برکت

### □ روایات اهل سنت:

(۱۵۷) فرائد الفوائد: ابونعیم، ابوسعید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی در امت قیام می‌کند، خداوند او را برای فریادرسی مردم می‌فرستد، امت (همگی) متنعم و برخوردار می‌شوند، چهارپایان مرگ و میر ندارند و زیاد می‌شوند، زمین رویاندنی‌های خود را می‌رویاند، و مهدی اموال را به طور مساوی تقسیم می‌کند».<sup>۱</sup>

(۱۵۸) فتن ابن حمّاد: رشدین، ابن لهیعة، ابوزرعه، صباح:

«در زمان حکومت مهدی کودکان آرزو می‌کنند بالغ باشند، و افراد بالغ آرزو می‌کنند کودک شوند».<sup>۲</sup>

(۱۵۹) فتن ابن حمّاد: معمر، ابوهارون، معاویه، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اهل آسمان و زمین از مهدی راضی می‌شوند، هر چه ابر در آسمان است می‌بارد، و هر چه رویدنی در زمین است می‌روید، به حدی که مردگان رشک زندگان می‌برند».<sup>۳</sup>

(۱۶۰) فتن ابن حمّاد: نعیم، ابن عیاش، سالم بن عبدالله، ابو محمد، رجل من اهل

المغرب (بدون اسناد به پیامبر صلی الله علیه و آله).

«وقتی مهدی قیام می‌کند خداوند غنی بر دل بندگان می‌افکند، [و مردم آنقدر احساس بی‌نیازی می‌کنند] که وقتی مهدی می‌فرماید: چه کسی پول می‌خواهد؟ هیچ کس جواب نمی‌دهد جز یک نفر که می‌گوید: من می‌خواهم. می‌فرماید: بگیر! می‌گیرد و بر پشت خود حمل می‌کند. چون به

۲. الفتن: ۹۹.

۱. فرائد فوائد الفکر: ۲۸۶، ب ۴.

۳. الفتن: ۹۹.

آخرین افرادِ حاضر می‌رسد، می‌گوید: با این کارم خود را بدترین شخص در اینجا می‌بینم. باز می‌گردد و پول‌ها را به مهدی می‌دهد و می‌گوید: پول‌ها را بگیر، من نیازی به آن ندارم»<sup>۱</sup>.

(۱۶۱) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، معلى بن زیاد، علاء بن بشیر، ابوالصدیق ناجی،

ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«شما را به مهدی بشارت می‌دهم! او در وضعی که اختلاف بین مردم درگرفته و زمین لرزه زیاد شود، برانگیخته<sup>۱</sup> می‌گردد و زمین را همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده، از عدالت و مساوات پُر می‌نماید، و اهل آسمان و زمین از او راضی می‌شوند. او اموال را درست تقسیم می‌کند.

شخصی گفت: تقسیم درست چگونه است؟ فرمود:

یعنی تقسیم به طور مساوی بین مردم. و دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را پُر از غنی (بی‌نیازی) می‌کند، و عدالت او همه را فرا می‌گیرد»<sup>۲</sup>.

(۱۶۲) مسند احمد: محمد بن جعفر، عوف، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نخواهد شد تا زمین پر از ظلم و تجاوز گردد، [اما] مردی از عترت من قیام نموده و زمین را همان‌طور که پر از ظلم و تجاوز شده از عدالت و مساوات پُر می‌کند»<sup>۳</sup>.

(۱۶۳) فتن ابن حماد: ولید، ابورافع اسماعیل بن رافع به نقل از شخصی، ابوسعید

خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی درباره مهدی فرمود:

«همان‌گونه که زنبورهای عسل به رئیس خود پناه می‌برند، مردم به مهدی پناه می‌برند، او زمین را همان‌طور که پر از ستم شده، از عدالت پُر می‌نماید، تا اینکه وضع مردم به حالت اولیه خود برگردد، [در آن وقت دیگر] نه شخص خوابی را بیدار می‌کند و نه خونی می‌ریزد»<sup>۴</sup>.

۲. مسند احمد ۳: ۳۷.

۴. الفتن: ۹۹.

۱. الفتن: ۱۰۰.

۳. مسند احمد ۳: ۳۶.

(۱۶۴) فتن ابن حمّاد: یحیی، سیف بن واصل، ابویونس، ابورؤبه:

«مهدی چنان است که گویی عیش و نعمت به تهیدستان می‌چشاند»<sup>۱</sup>.

(۱۶۵) فتن ابن حمّاد: معتمر بن سلیمان، جعفر بن سیار شامی (بدون اسناد به

پیامبر صلی الله علیه و آله).

«مهدی حقوق را به صاحبانش برمی‌گرداند، حتی اگر حق کسی در دهان

دیگری و بین دندان‌هایش باشد آن را از او گرفته و به صاحبش می‌دهد»<sup>۲</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۱۶۶) کمال الدین: جعفر بن محمد بن مسرور، حسین بن محمد بن عامر، عبدالله بن

عامر، محمد بن ابی عمیر، ابو جمیل مفضل بن صالح، جابر بن یزید جعفی، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است... او دچار حیرت و غیبتی خواهد شد که

مردم هم عصرش گمراه می‌شوند، تا وقتی که مثل شهاب درخشان بیاید و

زمین را همان‌طور که از ستم و ظلم پر شده، از عدالت و مساوات پر

نماید»<sup>۳</sup>.

(۱۶۷) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابوعلی

نہاوندی، اسحاق، یحیی بن سلیم، هشام بن حسان، مُعلی بن ابی مُعلی، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید<sup>۴</sup>، او در آخرالزمان در وضعی می‌آید که سختی

و زلزله زیاد شود، خداوند به برکت او عدالت و مساوات را در زمین فراگیر

می‌کند»<sup>۵</sup>.

۱. «المهدی کأثما یلعق (یعلق: هر دو در منابع آمده) المساکین الزبید».

۲. الفتن: ۹۸.

۳. الفتن: ۹۸.

۴. کمال الدین ۱: ۲۸۶، ب ۲۵، ح ۱.

۵. «أبشركم بالمهدی» ترجمه لفظی آن «بشارت می‌دهم شما را به مهدی» می‌باشد.

۶. دلائل الامامة: ۲۴۹.

(۱۶۸) دلائل الامامة: ابو علی نهاوندی، ابو علی هشام بن علی السیرافی، عبدالله بن رجاء، همام، معلی بن زیاد، معلی به نقل از شخصی، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

«مهدی وقتی قیام می کند که اختلافات شدید بین مردم و زلزله زیاد گردد، اما او همان طور که ظلم و ستم فراگیر شده، عدالت و مساوات را در زمین می گستراند و اموال را به طور صحیح تقسیم می کند.

راوی گوید: گفتم: روش صحیحش چیست؟ حضرت فرمود:

یعنی به طور مساوی. مردم چنان بهره می برند که دیگر هیچ کس محتاج دیگری نیست. هرچه منادیان فریاد می زنند: کسی هست که حاجت و نیازی داشته باشد؟ کسی پاسخ نمی دهد جز یک نفر. خزانه دار حاجتش را به او می دهد و می گوید: بگیر.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن شخص آن قدر در لباسش پول جمع می کند که توانایی حمل آن را ندارد. به خزانه دار می گوید: آن را بر پشتم بگذار. ولی او نمی گذارد. در نهایت آن قدر از اموال کم می کند تا بتواند آن را حمل نماید. خزانه دار می گوید: این شخص حریص ترین مردم بود!

اما بعد از مدت اندکی آن مرد نزد خزانه دار بازگشته و می گوید: تصمیم گرفتم اموال را برگردانم. خزانه دار از او قبول نمی کند و می گوید: ما چیزی را که دادیم پس نمی گیریم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی هفت تا نه سال حکومت می کند، اما بعد از او دیگر زندگی ارزشی ندارد و خیری در آن نیست.<sup>۱</sup>

(۱۶۹) غیبة الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، مقانعی، بکار بن احمد، حسن بن حسین، تلید، ابوالجحاف<sup>[۳]</sup>، خالد بن عبدالملک، مطر وراق، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید - این جمله را سه بار تکرار فرمود - در شرایطی قیام می‌کند که مردم با هم اختلاف دارند و زمین لرزه شدیدی می‌آید، او عدالت را در سراسر زمین - که در آن موقع آکنده از ظلم و ستم است - برقرار سازد و دل مطیعان خود را سرشار از بندگی خدا کند<sup>۱</sup>، و عدالتش همه را فراگیرد»<sup>۲</sup>.

(۱۷۰) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی، ابوعلی حسین بن محمد نهاوندی، جریر، معد و زاق، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیتم بر امتم قیام خواهد کرد که پیشانیش فراخ و نورانی و بینش باریک و قلمی با برآمدگی اندکی در وسط آن است. او همان‌طور که ستم در زمین فراگیر شود، عدالت را [به جای آن] برقرار سازد، و مدت حکومتش هفت سال خواهد بود»<sup>۳</sup>.

۱ «يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً».

۲. غيبة الطوسی: ۱۱۱.

۳. دلائل الامامة: ۲۵۱.

## باب هشتم جهان اسلام هنگام ظهور

این باب شامل هشت فصل است:

### فصل اول

#### غربت اسلام و دوری مسلمانان از دین

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۷۱) مسند احمد: هارون بن معروف، عبدالله بن وهب، ابو صخر، ابو عبدالرحمن عبدالله بن احمد، ابو حازم، ابن سعد بن ابی وقاص به نقل از پدرش روایت کرد: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود:

«ایمان با غربت شروع شد و باز هم غریب خواهد شد، خوشا به حال غریبان (مؤمنان) وقتی که مردم فاسد شده اند! قسم به خدایی که جان ابوالقاسم دست اوست، ایمان بین مسجد الحرام و مسجد النبی چون ماری که در لانه خود می خزد مخفی خواهد شد.»<sup>۱</sup>

(۱۷۲) فتن ابن حقاد: ابن مبارک، محمد بن مسلم، عثمان بن اوس، سلیم بن هرمز، عبدالله بن عمرو:

«خداوند غریبان را از همه چیز و همه کس بیشتر دوست دارد.»

۱. مسند احمد ۱: ۱۸۴ و ۲/ ۳۹۸ و ۱۷۷: ۲ و ۴/ ۳۸۹ با سندهای متعدد.

گفتند: مقصودت از غریبان کیست؟ گفت:

کسانی که به خاطر حفظ دینشان فرار کرده و گرد عیسی بن مریم علیه السلام جمع می شوند.<sup>۱</sup>

(۱۷۳) مسند احمد: ولید بن مسلم، عبدالعزیز بن اسماعیل بن عبیدالله، سلیمان بن حبیب، ابوامامه باهلی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دستگیره‌های اسلام<sup>۲</sup> یکی یکی پاره می شود، و هر کدام که پاره شد مردم به یکی دیگر دست می آویزند، اولین آنها حکومت و قضاوت، و آخر آنها نماز است.»<sup>۳</sup>

(۱۷۴) مسند احمد: میثم بن خارجة، ضمرة، یحیی بن ابی عمرو، ابن فیروز دیلمی به نقل از پدرش چنین روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دستگیره‌های اسلام یکی یکی [سست و] پاره خواهد شد، همچون طنابی که رشته رشته می شود.»<sup>۴</sup>

(۱۷۵) أمالی شجری: ابومحمد عبدالله بن عمر بن عبدالله بن رشته، ابوالطیب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله عطار، عباس بن حماد بن فضاله، عمرو بن ابی حارث، عبدالملک بن عبدالعزیز، کوثر بن حلیم، نافع، ابن عمر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... قیامت نشود، تا وقتی که دستگیره‌های اسلام یکی یکی نقض (رها) شود، و سرانجام دیگر کسی «خدا، خدا» نگوید.»<sup>۵</sup>

(۱۷۶) فتن ابن حماد: ابومعاویه و ابواسامة و یحیی بن یمان، اعمش، ابراهیم تیمی به نقل از پدرش روایت کرد: علی علیه السلام فرمود:

«آنقدر دین نقض (پایمال) می شود که دیگر کسی «لا اله الا الله» نمی گوید، تا اینکه پادشاه دین قیام کند و خداوند افرادی چابک و چالاک

۱. الفتن: ۱۵.

۲. شاید مقصود از «دستگیره‌های اسلام» بهانه‌ها و نشانه‌های مسلمانی باشد.

۳. مسند احمد ۵: ۲۵۱.

۴. مسند احمد ۴: ۲۳۲.

۵. الأمالی الشجرية ۲: ۲۵۷.

بفرستد، من اسم امیر آنها را می دانم و حتی می دانم مرکب هایشان در کجا توقف می کنند»<sup>۱</sup>.

(۱۷۷) مسند طیالسی: قیس، جابر جعفی، ابو عازب، نعمان بن بشیر، همراه پیامبر اکرم ﷺ بودیم که فرمود:

«قبل از وقوع قیامت فتنه‌هایی چون پاره‌های شب سیاه پدیدار می‌گردد که [در اثر آن] شخصی که اول روز مؤمن است، آخر روز کافر شده، یا کسی که شب مؤمن است تا صبح کافر می‌شود، (در این فتنه) اقوامی سهم خود از خیر و صلاح را به بهره‌کمی از دنیا می‌فروشند»<sup>۲</sup>.

(۱۷۸) فتن ابن حماد: ابن مبارک، مبارک بن فضاله، الحسن، نعمان بن بشیر: رسول خدا ﷺ فرمود:

«سوگند به خداوند یکتا! مسلمانان آخرالزمان را دیدم که در ظواهر دنیا گرفتار و از عقل و تفکر بی‌بهره‌اند، به جسم خود پرداخته و به جانشان توجه ندارند، چون شب‌پره‌های دور آتش و مگس‌های طمع، با دو درهم روزشان را شروع و با دو درهم به پایان می‌برند، و دینشان را به بهای ماده‌بزی می‌فروشند»<sup>۳</sup>.

(۱۷۹) عقد الدرر: حَدِيقَه: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود:

«وای بر این امت!... اگر خداوند اراده کند که دوباره به اسلام عزت بخشد همه زورگویان را در هم می‌کوبد، او قادر است که یک امت را از فساد به صلاح بکشاند و بر هر چیز دیگری که بخواهد تواناست»<sup>۴</sup>.

(۱۸۰) أمالی شجری: ابوبکر احمد بن محمد جوزدانی مقری، ابومسلم عبدالرحمن بن محمد بن شهدل مدینی، ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید، احمد بن حسن ابوعبدالله به نقل از

۱. الفتن: ۱۰۸. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۲۳، ح ۱۹۰۰۰. النهایة ۲: ۱۷۰.

۲. مسند طیالسی: ۱۰۸، ح ۸۰۳.

۳. الفتن: ۶.

۴. عقد الدرر: ۶۲، ب ۴، ف ۱.



پدرش، حصین بن مخارق<sup>[۳۷۱]</sup> موسی بن جعفر از پدران بزرگوارش علیه السلام از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود:

«من بین دو [دوره] جاهلیت مبعوث شدم که جاهلیت دوم بدتر از جاهلیت اول است»<sup>۱</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۱۸۱) تفسیر قمی: پدرم به نقل از سلیمان بن مسلم خشاب، عبدالله بن جریح مکی، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن عباس:

در حجّة الوداع که با رسول خدا صلی الله علیه و آله به حجّ رفته بودیم، آن حضرت حلقه در کعبه را گرفت، بعد رو به ما کرد و فرمود:

«می‌خواهید از مقدمات وقوع قیامت برایتان بگویم؟»

سلمان که آن روز از همه به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیکتر ایستاده بود گفت: آری ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

از مقدمات وقوع قیامت تباه و ضایع شدن نماز، اطاعت از هوس‌ها، گرایش به هوای نفس، بزرگداشت ثروتمندان و دین‌فروشی به دنیاست. در آن شرایط قلب مؤمن به خاطر منکراتی که می‌بیند و نمی‌تواند آنها را تغییر دهد چون نمک که در آب حل می‌شود، در درونش ذوب می‌گردد. در آن دوران معروف منکر، و منکر معروف می‌شود، خائن را امانتدار می‌دانند و کسی که مورد اعتماد است خیانت می‌کند، حرف دروغگو را باور و حرف راستگو را تکذیب می‌نمایند، وای بر مستضعفان امت از شر آنها و وای بر آنها از عذاب خدا! نه به کودکان رحم می‌کنند و نه احترام بزرگتران را نگاه می‌دارند و نه از خطای خطاکار چشم‌پوشی می‌نمایند، در ظاهر چون آدمیانند ولی قلب‌هایشان چون قلوب شیاطین است.

سلمان گفت: ای رسول خدا، واقعاً چنین اتفاق‌هایی خواهد افتاد؟ فرمود:

سلمان! قسم به خدایی که مالک جانم است آری، چنین خواهد شد، در آن روزگار مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند، و به غلام تجاوز نمایند همان طور که به کنیز تجاوز روا دارند، مردان شبیه به زنان و زنان شبیه مردان شوند، و زنان سوارکاری کنند<sup>۱</sup>، لعنتِ امّت بر آنها باد!

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

سلمان! قسم به آنکه جانم دست اوست چنین خواهد شد. در آن زمان مساجد را مثل معابد نصاری و یهود بیارایند و قرآن‌ها را زرنگار کنند، مناره مساجد را بلند نمایند، صف‌ها زیاد می‌شود، با دل‌هایی که با هم دشمنی دارند و زبان‌هایی گوناگون.

سلمان گفت: ای پیامبر، اینها واقع خواهد شد؟ فرمود:

سوگند به خدایی که جانم در اختیار اوست چنین خواهد شد! مردان امّت خود را با طلا زینت کنند و ابریشم و دیبا پوشند و پوست پلنگ را پس از دباغی، مثل لباس به تن کنند.

سلمان گفت: ای رسول خدا، چنین خواهند کرد؟ فرمود:

سلمان! سوگند به آنکه جانم به دست اوست چنین خواهد شد! در آن دوران ربا آشکار می‌شود، با ربا و رشوه معامله می‌کنند، دین را وامی‌گذارند و مهمترین هدفشان دنیاست.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

بله سلمان! سوگند به خدایی که جانم به دست اوست چنین خواهد شد! در آن زمان طلاق زیاد می‌شود و حدود خداوند اجرا نمی‌گردد، اما آنها با این کارها هیچ ضرری به خداوند نمی‌رسانند.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که مالک جانم است چنین می‌شود! زنان

آوازه خوان و آلات لهو و طرب پدیدار می گردند و افراد شرورِ امّت به دنبال آنها راه می افتند.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که جانم به دست اوست چنین می شود! در آن دوران ثروتمندان امّت برای تفریح به حجّ می روند، افراد عادی و قشر متوسط مردم برای تجارت و فقرا برای ریا<sup>[۵۵]</sup> و سُمعه<sup>[۶۱]</sup>. افرادی می آیند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و قرآن را به صورت آواز می خوانند، کسانی نیز خواهند آمد که برای غیر خدا در دین پژوهش می کنند (فقیه می شوند)، زنازادگان زیاد می شوند، با قرآن ترانه می خوانند و برای دنیا سر و دست می شکنند.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که مالک جانم است چنین می شود! اینها در زمانی رخ می دهد که حرمت ها دریده، [قبح] گناه [شکسته و مقدمات آن به راحتی] فراهم شود، بدان بر نیکان چیره گردند، دروغ بر سر زبان ها افتد، لجاجت و یکدندگی رواج گیرد، فقر فراگیر شود، و به لباس خود بر یکدیگر فخر فروروشند، باران در غیر فصل خود می بارد، چنگ و نرد<sup>[۱۰۷]</sup> را به خوبی می آموزند، امر به معروف و نهی از منکر را ناپسند می دانند به طوری که مؤمن در آن زمان از کنیز خوارتر است، قاریان و عابدانی خواهند آمد که یکدیگر را ملامت و سرزنش می کنند، آنها در ملکوت آسمان به «پلیدان» و «آلودگان» معروفند.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که جانم دست اوست چنین می شود! در آن زمان ثروتمندان میل و رغبت به نیازمندان ندارند، به حدّی که سائل (نیازمند) یک هفته درخواست کمک می کند، ولی یک نفر هم چیزی در دست او نمی گذارد.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که مالک جانم است چنین می شود! در آن زمان افراد بی مقدار و حقیر سخن می گویند.

سلمان گفت: پدر و مادرم فدایت ای پیامبر، آنها کیستند؟ فرمود:

کسی که [سر رشته و] سابقه‌ای در امور عامه مردم ندارد اظهار نظر می کند. پس از آن مدّت اندکی وضع همین طور می ماند تا اینکه از زمین چنان نعره‌ای مهیب بلند شود که هر ملّتی فکر می کنند منشأ آن از منطقه خودشان بوده. باز تا وقتی خدا بخواهد همان طور خواهند ماند، و در آن مدّت زمین را چنگ می زنند و می خراشند، و زمین گنج‌های طلا و نقره‌اش را بیرون می ریزد.

پیامبر ﷺ به ستون‌ها [ی مسجد] اشاره فرمود و گفت:

مثل اینها، اما در آن روز طلا و نقره بی ارزش می شود، اینها که گفتم معنای آیه «نشانه‌های قیامت آمد»<sup>۱</sup> است.<sup>۲</sup>

(۱۸۲) ارشاد القلوب: رسول خدا ﷺ فرمود:

«... (مردم آخر الزمان) در آن فتنه مثل قوم یهود سرگردان و حیران شوند، آن موقع است که اسلام رفته رفته از بین می رود<sup>۳</sup> تا جایی که فریادها به خدا! خدا! بلند گردد»<sup>۴</sup>.

(۱۸۳) ثواب الأعمال: پدرم به نقل از علی بن ابراهیم و او از پدرش، نوفلی، سکونی،

ابو عبدالله ﷺ: رسول خدا ﷺ فرمود:

«زمانی خواهد آمد که در میان امتم از قرآن تنها نوشته‌ها و از اسلام تنها

۱ «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ» گویی

جز این انتظار ندارند که ناگهان قیامت برپا شود و حال آنکه نشانه‌هایش آمده است، و چون فرا رسد، پندگرفتن مفید واقع نخواهد شد. (محمد ﷺ: ۱۸)

۲. تفسیر القمی ۲: ۳۰۳-۳۰۷.

۴. ارشاد القلوب ۱: ۶۷، ب ۱۶.

۳ در روایت «ینقض الاسلام عروة عروة» است.

نام آن باقی می ماند، آنها فقط اسمشان مسلمان است، ولی از همه مردم نسبت به اسلام دورترند، مساجدشان [ظاهراً] آباد، ولی از حیث هدایت، خراب و ویرانه است»<sup>۱</sup>.

(۱۸۴) جامع الأخبار: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی می آید که در میان مردم از ایمان فقط نامی و از اسلام فقط پوسته‌ای و از قرآن تنها آموزش آن باقی می ماند، ساختمان مساجدشان با شکوه و آباد، و خانه هدایت دلشان ویران و خراب است، علمای آنها بدترین خلق خدا بر زمینند.

اصحاب با تعجب گفتند: ای رسول خدا، آنها بت پرست هستند؟ فرمود: آری، هر درهمی برای آنها یک بت است»<sup>۲</sup>.

(۱۸۵) جامع الأخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف احوال آخرالزمان فرمود:

«... از کارهای زشتشان دست بر نمی دارند، اگر از آنها پیروی کنی به تو شک و سوءظن برند، و اگر سخنی بگویی حرفت را باور نمی کنند، اهل حلم و بردباری را خائن و فریبکار و خیانتکاران را حلیم و بردبار می دانند، زنانشان موذی و مکارند<sup>۳</sup>، پناه بردن به آنها موجب شرمساری، دلگرمی به آنها مایه ذلت و خواری، و چشم داشت کمک به اموالشان فقر است. در آن زمان خداوند آنها را از باران در فصل بارش محروم می کند و در فصول دیگر باران می بارد»<sup>۴</sup>.

(۱۸۶) غيبة النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی علوی، ابو محمد موسی بن

هارون بن عیسی معبدی، عبدالله بن مسلمة بن قعنب، سلیمان بن بلال، جعفر بن محمد از

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ۳۰۱، ح ۴.

۲. جامع الأخبار: ۱۳۰، ف ۸۸ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۰، ب ۲۵، ح ۲۱.

۳. در روایت «نساؤهم شاطر» است، و برای شاطر در لغت معانی مختلف و متضادی آورده‌اند:

شریک، زیرک، ماهر، چالاک، هوشیار، رذل و پست، حيله گر، موذی، آب زیر کاه.

۴. جامع الأخبار: ۱۲۹. مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۷۵، ب ۴۹، ح ۱۶.

پدران بزرگوارش و ایشان از حسین بن علی علیه السلام:

مردی خدمت امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: آقا! از مهدی تان برای ما بگوئید. فرمود: «وقتی کوچ کنندگان کوچ کنند و اقوام منقرض شوند<sup>۱</sup> و تعداد مؤمنان اندک شود، و اهل حق و یاوران دین بروند... مهدی بهترین پناه، و علم او از همه شما بیشتر است، و صله ارحام را از همه شما بهتر رعایت می کند. خداوندا، قیام او را اول راحتیش قرار ده و به وسیله او امت را متحد فرما! اگر خداوند برایت خیر بخواهد و توفیقت دهد [که در زمان او باشی] کمر بسته و در خدمت او باش، و اگر به او هدایت یافتی [و او را شناختی] رهایش نکن! - بعد حضرت دست بر سینه خود نهاد و فرمود: - آه که چقدر مشتاق دیدار اویم!»<sup>۲</sup>

(۱۸۷) اربعون خاتون آبادی: فضل بن شاذان، محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی،

جمیل بن دراج: حضرت صادق علیه السلام از پدران گرامیش علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «اسلام و حاکم عادل دو برادرند، هیچ کدام از آنها بدون دیگری سالم نخواهد ماند، اسلام بنیان است و حاکم عادل نگاهبان آن، بنیانی که پایه و اساس ندارد فرو می ریزد و اگر نگاهبان نداشته باشد ضایع می گردد، بنابراین بعد از قائم ما از اسلام هیچ اثری نخواهد ماند»<sup>۳</sup>.

(۱۸۸) غیبة الطوسی: فضل بن شاذان، محمد بن علی، وهیب بن حفص، ابوبصیر،

ابوعبدالله علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود:

«آنقدر [ایمان] مردم کاسته [و مردم کوتاه فکر می شوند] که دیگر کسی اسم خدا را هم بر زبان نمی آورد، در آن زمان است که خداوند عده ای چابک و چالاک را از مناطق مختلف زمین [جمع کرده و] برمی انگیزد... من آنها را می شناسم و اسم خودشان و قبیله و امیرشان را می دانم، ایشان

□۱ «اذا درخ الدارجون».

۲. جامع الأخبار: ۱۳۰، ف ۸۸ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۰، ب ۲۵، ح ۲۱.

۳. اربعون الخاتون آبادی: ۲۰۳، ح ۳۵. منتخب الاثر: ۲۷۳، ف ۲، ب ۲۹، ح ۶.

افرادی هستند که خداوند به هر وسیله‌ای بخواهد از هر قبیله یک یا دو نفر را جمع می‌کند تا نه نفر شوند، آنها نیز در زمین می‌گردند تا [یاوران دیگر را پیدا کنند و] سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر - شوند، این [واقعه] تأویل آیه «هرجا که باشید خداوند همه شما را می‌آورد، خداوند بر همه چیز تواناست»<sup>۱</sup> است، حتی اگر شخصی به حال **إِخْتِبَاء**<sup>۲</sup> نشسته باشد قبل از اینکه برخیزد خداوند او را باخبر می‌کند»<sup>۳</sup>.

## فصل دوم

### دانش و دانشمندان

#### □ روایات اهل سنت:

(۱۸۹) **امالی شجری:** ابو محمد عبدالله بن عمر بن عبدالله بن رشته، ابو الطیب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله عطار، عباس بن حماد بن فضاله، عمرو بن ابی حارث، عبدالملک بن عبدالعزیز، کوثر بن حلیم، نافع، ابن عمر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت نشود تا وقتی که... قاریان قرآن فاسق باشند در حالی که ظاهرشان چون زهاد است، خداوند نیز فتنه‌ای غبارآلود و ظلمانی بر آنها افکند که در آن حیران و سرگردان مانند همان‌گونه که یهود در ظلمت‌ها سرگردان شدند»<sup>۳</sup>.

(۱۹۰) **مسند احمد:** یعقوب به نقل از پدرش. صالح بن کیسان، حارث (به گمانم مقصودش ابن فضیل بود)، جعفر بن عبدالله بن حکم، عبدالرحمن بن المسور، ابورافع، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیش از من هر پیامبری را خداوند مبعوث فرمود عده‌ای از امتش حواری و اصحاب او بودند که سنت و سیره عملی او را فرا می‌گرفتند و

□ ۱ «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (بقره: ۱۴۸)

۲. غيبة الطوسی: ۲۸۴. ۳. الامالی الشجرية ۲: ۵۷۲.

دستوراتش را اجرا می‌کردند، اما بعد از آنها عده‌ای تخلف و سرپیچی کردند که کردارشان با گفتارشان هماهنگ نبود و با خودرأیی (به حسب ذوق خودشان) عمل می‌کردند.<sup>۱</sup>

(۱۹۱) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مرورودی، ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابوالزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای عوف! وقتی این امت هفتاد و سه فرقه شوند که فقط یکی از آنها اهل بهشت است و بقیه در جهنم، تو چه حالی داری؟

گفتم: ای رسول خدا، این [تفرقه] در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود:

«هرگاه نگهبان‌ها زیاد شوند... و افراد بی‌مقدار برای مردم سخنرانی کنند... و دین پژوهی (فقاہت) برای هدفِ خدایی نباشد.»<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۱۹۲) ثواب الأعمال: به نقل از پدرش، علی بن ابراهیم از پدرش، نوفلی، سکونی، ابوعبدالله رضی الله عنه: رسول خدا ﷺ فرمود:

«زمانی خواهد آمد که در امت از قرآن فقط نوشته‌های آن و از اسلام فقط نام آن می‌ماند، اسمشان مسلمان است، ولی از همه مردم نسبت به اسلام دورترند... فقهای آن زمان بدترین فقهای دنیا، و سر و ته فتنه‌ها هستند.»<sup>۳</sup>

(۱۹۳) بحار الانوار: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی بیاید که اهل علم بدترین مخلوقات روی باشند.»<sup>۴</sup>

(۱۹۴) آمالی طوسی: به نقل از جماعتی، ابوالفضل، حسن بن محمد بن شعبه انصاری،

۱. مسند احمد ۱: ۴۵۸.

۲. المعجم الكبير ۱۸: ۵۱، ح ۹۱. مجمع الزوائد ۷: ۳۲۳.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ۳۰۱، ح ۴.

۴. بحار الانوار ۲۲: ۴۵۳، ب ۱۴، ح ۱۱.



ابوالسائب سلم بن جنادة، وکیع بن الجراح، سفیان بن سعید ثوری، جابر بن یزید جعفی، عبدالله بن یحییٰ حصرمی: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود: نشسته بودیم و پیامبر صلی الله علیه و آله سرشان روی پای من و خواب بودند. [همان طور که صحبت می کردیم] سخن از دجال به میان آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله که چهره شان سرخ شده بود فرمودند:

«غیر از دجال کسانی هستند که برای شما خطرناک ترند: پیشوایان گمراه کننده».<sup>۱</sup>

(۱۹۵) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شخصی که آمده بود و از قیامت

سؤال می کرد فرمودند:

«تو که در مورد قیامت سؤال می کنی! ... قیامت وقتی می آید که حاکمان فاسد شوند، قاریان چاپلوس و ریاکار گردند، اهل علم نفاق ورزند، امت من به قضا و قدر الهی اعتقادی ندارند، بلکه تأثیر امور را از ستارگان می دانند، امانت را [وقتی به دستشان می رسد عوض اینکه دغدغه حفظ و بازگرداندن آن به صاحبش را داشته باشند] غنیمت، و پرداخت صدقه را ضرر می شمارند، فساد و فحشا را حلال می دانند، و عبادت را [وسیله ای] برای تکبر و گستاخی بر مردم قرار می دهند...».<sup>۲</sup>

(۱۹۶) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی در احوال آخر الزمان فرمودند:

«عارفان ظالم، قاریان فاسد و عابدان نادان هستند، خداوند در فتنه را بر آنان می گشاید: فتنه ای غبار آلود و تاریک که در آن بسان قوم یهود سرگردان و حیران شوند، آن موقع است که اسلام رفته رفته از بین می رود<sup>۴</sup> تا جایی که فریادها به خدا! خدا! بلند گردد».<sup>۵</sup>

۲- «أیها السائل عن الساعة».

۴- «ینقض الاسلام عروة عروة».

۱. أمالی الطوسی ۲: ۱۲۶.

۳. ارشاد القلوب ۱: ۶۷، ب ۱۶.

۵. ارشاد القلوب ۱: ۶۷، ب ۱۶.

## فصل سوم قرآن و قاریان

### □ روایات اهل سنت:

(۱۹۷) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروذی، ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابوالزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای عوف، وقتی مسلمانان هفتاد و سه ملت شوند تو چه حالی خواهی داشت؟... قرآن را به صورت آواز می خوانند، مساجد را تزیین می کنند و منبرها را بلند می سازند... تا اینکه مردی از اهل بیت من به نام مهدی قیام کند، اگر او را دیدی پیرویش کن تا از هدایت یافتگان باشی.»<sup>۱</sup>

(۱۹۸) أمالی شجری: الشریف ابو عبدالله محمد بن علی بن حسن حسنی بطحائی، محمد بن جعفر تمیمی، محمد بن محمد بن سعید، حسن بن علی بزیر، قاسم بن عبدالله عبدی از پدرش، عبدالرحیم بن نصر بارقی، زید بن علی: حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرمود:

«وقتی رئیس هر قومی از فاسقان آنها باشد... و حافظان قرآن تحقیر شوند... و قرآن را مثل آواز بخوانند... منتظر بادی سرخ و فرورفتن زمین و مسخ<sup>[۱۰۱]</sup> و انفجار و زمین لرزه ها و وقایع بزرگی باشید.»<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۱۹۹) تفسیر قمی: به نقل از پدرش، سلیمان بن مسلم الخشاب، عبدالله بن جریح مکی، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن عباس: در حجّة الوداع که با رسول خدا ﷺ به حجّ رفته بودیم، آن حضرت حلقه در کعبه را گرفت، بعد رو به ما کرد و فرمود:

«می خواهید از مقدمات وقوع قیامت برایتان بگویم؟»

سلمان که آن روز از همه به آن حضرت نزدیکتر ایستاده بود گفت: آری ای

۱. المعجم الكبير ۱۸: ۵۱، ح ۹۱. مجمع الزوائد ۷: ۳۲۳.

۲. الأمالی الشجرية ۲: ۲۶۰.

رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... افرادی می آیند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و قرآن را بصورت آواز می خوانند، افرادی نیز خواهند آمد که برای غیر خدا در دین پژوهش می کنند (فقیه می شوند)، زنازادگان زیاد می شوند، با قرآن ترانه می خوانند و برای دنیا سر و دست می شکنند»<sup>۱</sup>.

(۲۰۰) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، ابوعلی حسن بن محمد نهاوندی، عباس بن مطر همدانی، اسماعیل بن علی مقرئ، محمد بن سلیمان، ابو جعفر عرجی، محمد بن یزید، سعید بن عبایه، سلمان فارسی: امیر مؤمنان علیه السلام در مدینه برای ما خطابه می کرد و از نزدیکی فتنه و قیام قائم و عدالت گسترانی او سخن می گفت. سلمان ادامه می دهد: وقتی کسی نزد آن حضرت نبود خدمتش رسیدم و گفتم: ای امیر مؤمنان، قائم شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی عمیق کشید و فرمود: «قائم در دورانی ظهور می کند که بچه های نابالغ به ریاست می رسند، حقوق خداوند پایمال می گردد و قرآن را با آواز و آهنگ های طرب آور می خوانند»<sup>۲</sup>.

(۲۰۱) احتجاج طبرسی: از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

«مؤمنان زمانی در زمین به خلافت (حکومت) می رسند که از اسلام تنها نامی و از قرآن تنها الفاظ آن مانده، و صاحب امر هم غائب شده، زیرا می بیند که فتنه دل ها را فراگرفته و نزدیک ترین افراد، بیشترین دشمنی را به او دارند، مطمئن می شود که با او نیرنگ می کنند [و جانش در خطر است]. خداوند نیز او را با سپاهیانی که از دید شما پنهانند یاری می فرماید تا اینکه علیرغم میل مشرکان، دین پیامبرش را به دست او بر همه ادیان غالب سازد»<sup>۳</sup>.

۱. تفسیر القمی ۲: ۳۰۷. ۲. دلائل الامامة: ۲۵۳ و ۲۵۴.

۳. الاحتجاج ۱: ۲۵۶. تفسیر الصافی ۲: ۳۳۸ (توبه: ۳۳).

## فصل چهارم ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی

### □ روایات اهل سنت:

(۲۰۲) مسند طیالسی: هشام، قتاده، انس: حدیثی از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام که بعد از من کسی [ که خود از آن حضرت شنیده باشد ] برایتان نخواهد گفت. شنیدم که فرمود: «از نشانه‌های قیامت برچیده شدن علم، غالب شدن جهل<sup>۱</sup> و شرب خمر است.»<sup>۲</sup>

(۲۰۳) ذکر اخبار اصبهان: حسن بن محمد بن جعفر، عبدالله بن محمد بن عبدالنور، ابو مسعود، محمد بن سلیمان بن حبیب لوین، ابو عقیل یحیی بن المتوکل، عمر بن حمزه، عمر بن هارون به نقل از پدرش، ابوهریره: رسول خدا ﷺ فرمود: «از نشانه‌های قیامت رفتار بد همسایه‌ها با یکدیگر و قطع رحم است.»<sup>۳</sup>

(۲۰۴) أمالی شجری: ابو محمد عبدالله بن عمر بن عبدالله بن رشته، ابو الطیب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله عطار، عباس بن حماد بن فضاله، عمرو بن ابی حارث، عبدالملک بن عبدالعزیز، کوثر بن حلیم، نافع، ابن عمر: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «قیامت نشود تا... کارگزاران خائنی بیایند... که دلشان از لاشهٔ مردار گندیده تر است.»<sup>۴</sup>

(۲۰۵) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروزی، ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابوالزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا ﷺ فرمود:

□ ۱ «أن يُرفع العلم و يظهر الجهل».

۲. مسند الطیالسی: ۲۶۶، ح ۱۹۸۴. مصنف عبدالرزاق ۱۱: ۳۸۱، ح ۲۰۸۰۱. مسند احمد ۳: ۹۸.

سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۴۳، ح ۴۰۴۵. سنن الترمذی ۴: ۴۹۱، ب ۳۴، ح ۲۲۰۵. دلائل النبوة ۶: ۵۴۳.

۳. ذکر اخبار اصبهان: ۱: ۲۷۴. ۴. الأمالی الشجرية ۲: ۲۵۷.

«ای عوف، وقتی این امت هفتاد و سه فرقه شوند چه حالی خواهی داشت؟!... امانت را به غنیمت می‌برند، برای غیر خدا در دین پژوهش می‌کنند، مرد از زنش اطاعت می‌کند ولی به مادرش بی حرمتی و پدرش را طرد می‌نماید، مسلمانان صدر اسلام بر مسلمانان آخرالزمان لعنت و نفرین فرستند، بزرگ هر قوم یکی از فاسقان، و رهبرشان پست‌ترین آنهاست، به هر کس احترام می‌کنند از ترس شرّ و آزار اوست... تا اینکه مردی از اهل بیت به نام مهدی قیام کند، اگر او را دیدی پیرویش کن تا از هدایت یافتگان باشی».<sup>۱</sup>

(۲۰۶) معجم طبرانی: محمد بن علی صائغ مکی، محمد بن معاویه نیشابوری، محمد بن سلّمه حرّانی، خصیف، مجاهد، ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخرالزمان مردمانی بیایند که در ظاهر انسانند ولی باطنشان شیطانی است، به گرگ‌های درنده می‌مانند، در دل‌هایشان ذره‌ای رحم نیست، آدم کُشند و از هیچ قبیحی خودداری نمی‌کنند، اگر با آنها باشی فریبت دهند و اگر نزد آنان حاضر نباشی از تو غیبت کنند، چون سخن گویند برایت دروغ می‌بافند و چون به آنها اعتماد و اطمینان نمایی خیانت کنند، کودکانشان شرور و خشن و جوانانشان مکار و حقه‌بازند، و پیرانشان امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند. افتخار به آنها ذلّت و چشم‌داشت [یاری] به اموال آنها فقر است، حلیم را گمراه شمارند، به کسی که امر به معروف کند تهمت می‌زنند، مؤمن در میان آنها ضعیف، و فاسق شریف و محترم است. سنت پیامبر را بدعت می‌خوانند و به بدعت‌ها مثل سنت عمل می‌کنند، خداوند هم بدترینشان را بر آنها مسلط می‌فرماید و دعا‌های خوبانشان اجابت نمی‌شود».<sup>۲</sup>

۱. المعجم الكبير ۱۸: ۵۱، ح ۹۱. مجمع الزوائد ۷: ۳۲۳.

۲. المعجم الصغير ۲: ۳۹.

### □ روایات شیعه:

(۲۰۷) جامع الأخبار: رسول خدا ﷺ در وصف اقوام آخرالزمان فرمود:

«... از کارهای زشتشان دست بر نمی دارند، اگر با آنها باشی به تو شک و سوء ظن دارند، و اگر چیزی بگویی سخت را باور نمی کنند، حلیم را گمراه و خائن گمراه را حلیم می دانند، زنانشان موذی و مکارند<sup>۱</sup>، پناه بردن به آنها موجب شرمساری، و دلگرمی به آنها مایه ذلت و خواری است... خداوند هم آنها را از باران در فصل بارش محروم می کند و باران بی موقع می بارد»<sup>۲</sup>.

(۲۰۸) ارشاد القلوب: رسول خدا ﷺ فرمودند:

«تو که در مورد قیامت سؤال می کنی! ... قیامت وقتی می آید که... امانت را [چون به دستشان رسد عوض اینکه دغدغه حفظ و بازگرداندن آن به صاحبش را داشته باشند] غنیمت، و پرداخت صدقه را ضرر می شمارند، فساد و فحشا را حلال می دانند، و عبادت را [وسیله ای] برای تکبر و گستاخی بر مردم قرار می دهند...»<sup>۴</sup>.

(۲۰۹) نهج البلاغة: امام علی علیه السلام در خطبه ای فرمودند:

«... [این] روش ها (مذاهب) شما را به کجا می کشاند؟ و تا کی تاریکی ها سرگردانتان می کند و دروغها فریبتان می دهد؟ از کجا بر شما وارد می شوند و چگونه از حق منحرف می شوید؟! ... این است که باطل در جای خود استوار می گردد، نادانی بر مرکب های خود سوار می شود،

□ ۱ در روایت «نساؤهم شاطر» است، و برای شاطر در لغت معانی مختلف و متضادی آورده اند:

شریک، زیرک، ماهر، چالاک، هوشیار، رذل و پست، حيله گر، موذی، آب زیر کاه.

۲. جامع الأخبار: ۱۲۹، ف ۸۸ مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۷۵، ب ۴۹، ح ۱۶.

□ ۳ «أيتها السائل عن الساعة» ۴. ارشاد القلوب ۱: ۶۷، ب ۱۶.

□ ۵ «من أين تؤتون و أنى تؤفكون».

طاغوت عظمت می یابد، مبلغان دین کم می شوند<sup>۱</sup>، روزگار چون درنده خطرناکی حمله می کند، و شتر باطل که از او سواری نمی گرفتند و صدایی نمی داد مست شده و نعره می کشد، مردم در گناه با یکدیگر دوست و برادر می شوند و در دین از هم دور، در دروغ با هم دوستند و در راستی با یکدیگر دشمنی می کنند. چون چنین شود فرزند با پدر خود کینه و دشمنی ورزد<sup>۲</sup> و باران (به جای اینکه سبب خنکی و کاهش دما شود) موجب حرارت و گرما گردد، افراد پست فراوان و نیکان کمیاب شوند<sup>۳</sup>. مردم آن زمان گرگ، و پادشاهان درنده اند، و مردم عادی (قشر متوسط) طعمه آنها، و مستمندان مردگانند. راستی در زمین فرو رود و عوض آن دروغ سر برآورد، دوستی ها لقلقه زبان شود و مردم در دل با هم مشاجره کنند، گناه وسیله پیوند گردد<sup>۴</sup> و عفت و پاکدامنی تعجب برانگیز<sup>۵</sup>.

(۲۱۰) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، علی بن حسن تیملی، محمد بن عمر بن یزید بیاع سابری و محمد بن ولید بن خالد خزازی، حماد بن عثمان، عبدالله بن ستان، محمد بن ابراهیم بن ابی البلاد از پدرم و پدرم از پدرش، اصبع بن نباته: از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که فرمود:

«قائم با روزگاری پر از خدعه و فریب روبرو خواهد بود، زمانی که راستگو تکذیب و دروغگو تأیید گردد، و افراد «ماجل» نورچشمی شوند. - و در حدیث دیگری فرمود: - افراد بی مقدار و حقیر سخن گویند.»

۱ «قلت الداعية». داعی در لغت به معنای مؤذن نیز آمده است.

۲ «فاذا كان ذلك كان الولد غيظاً». فیض الاسلام رحمته الله: «پس در آن روزگار فرزند سبب خشم (و غصه پدر)... گردد». مرحوم مجلسی رحمته الله در شرح لغات این خطبه (بحار الانوار ۳۴: ۲۴۷، ب ۳۳) و بیشتر مترجمان نهج البلاغه - از جمله مرحوم دکتر شهیدی - به این معنا که ما آورده ایم ترجمه کرده اند.

۳ «تَفِيضُ اللِّثَامِ فَيضاً وَ تَغِيضُ الكِرَامِ غِيضاً». دکتر شهیدی: «فرومایگان درم افشانند و جوانمردان تهیدست مانند». (ترجمه نهج البلاغه)

۴ «صار الفسوق نسباً». فیض الاسلام رحمته الله: فسق و فجور (و زنا، میان ایشان افتخار و) باعث نسب شود. (ترجمه نهج البلاغه)

۵. نهج البلاغه: ۱۵۷، خ ۱۰۸.

گفتم: «ماحل» یعنی چه؟

فرمود: مگر آیه «خداوند شدید المِحال است»<sup>۱</sup> را نخوانده‌اید؟! مقصود خداوند از «مِحال»، مکر است.

گفتم: پس ماحل چیست؟

فرمود: مکار.<sup>۲</sup>

## فصل پنجم

### روابط خانوادگی

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۱۱) مسند طیالسی: هشام، قتادة، أنس: حدیثی از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام که بعد از من کسی [که خود از آن حضرت شنیده باشد] برایتان نخواهد گفت. شنیدم که فرمود: «از نشانه‌های قیامت این است که... زنا آشکار گردد، تعداد مردان کم و زنان زیاد می‌شوند، به حدی که هر پنجاه زن یک قیم خواهند داشت».<sup>۳</sup>

(۲۱۲) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروذی، ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابوالزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا ﷺ ضمن حدیثی در احوال آخر الزمان و ظهور فرمودند:

«وقتی... مردان تابع زنانشان می‌شوند و مادرانشان را رنجانده و پدرانشان را طرد می‌کنند... مردی از اهل بیتم به نام مهدی قیام می‌کند، اگر در زمان او بودی از او پیروی کن تا از هدایت یافتگان باشی».<sup>۴</sup>

۱. ﴿وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾. رعد: ۱۳.

۲. الغيبة: ۲۷۸، ب: ۱۴، ح: ۶۲. اثبات الهداة ۳: ۷۳۸، ب: ۳۴، ف: ۹، ح: ۱۱۵.

۳. مسند طیالسی: ۲۶۶، ح: ۱۹۸۴. مصنف عبدالرزاق ۱۱: ۳۸۱، ح: ۲۰۸۰۱. مصنف ابن ابی شیبه ۱۵: ۶۵، ح: ۱۹۱۲۷. مسند احمد ۳: ۹۸، ۱۲۰ و ۱۵۱.

۴. المعجم الكبير ۱۸: ۵۱، ح: ۹۱. مجمع الزوائد ۷: ۳۲۳.



□ روایات شیعه:

(۲۱۳) جامع الأخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف مردم آخرالزمان فرمود:  
«... از کارهای زشت خود دست بر نمی دارند... و زناشان موذی و مکارند»<sup>۱</sup>.

(۲۱۴) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شخصی که آمده بود و از قیامت سؤال می کرد فرمودند:

«تو که از قیامت می پرسی!... (قیامت) زمانی خواهد بود که مردم فساد و فحشا را عیب نمی دانند»<sup>۲</sup>.

(۲۱۵) نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمودند:  
«... مردم (آخرالزمان) گرگ هستند... گناه وسیله پیوند گردد<sup>۳</sup> و عفت و پاکدامنی تعجب برانگیز»<sup>۴</sup>.

---

□ ۱ رک: پاورقی حدیث شماره ۱۸۵.

۲. جامع الأخبار: ۱۲۹، ف ۸۸ مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۷۵، ب ۴۹، ح ۱۶.

۳. ارشاد القلوب ۱: ۶۷، ب ۱۶.

□ ۴ «صار الفسوق نسباً». فیض الاسلام علیه السلام: فسق و فجور (و زنا، میان ایشان افتخار و) باعث نَسَب شود. (ترجمه نهج البلاغه)

۵. نهج البلاغه: ۱۵۷، خ ۱۰۸.

## فصل ششم

### مساجد و اهل مساجد

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۱۶) مسند احمد: أمّ غراب. امرأة يقال لها عقيلة، سلامة ابنة الحرّ: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«زمانی می آید که مردم یک ساعت آماده نماز می ایستند ولی کسی را نمی یابند که امام جماعت شود (شایستگی امامت جماعت داشته باشد)».<sup>۱</sup>

(۲۱۷) مسند احمد: اسماعیل بن محمد، مروان، زنی معروف به طلحه که کنیز در بنی فزاره بود، یکی از کنیزکان آنها به نام عقيله، سلامه دختر حرّ: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«از نشانه های قیامت این است که در مساجد هیچ کس حاضر نیست امام جماعت شود<sup>۲</sup> و کسی را برای امامت نمی یابند».<sup>۳</sup>

(۲۱۸) معجم طبرانی: هشتم بن خالد مصیصی، عبدالکبیر بن المعافی بن عمران، شریک، عباس بن ذریح، شعبی، انس بن مالک: از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمود:

«از نشانه های نزدیکی قیامت این است که هلال [اول ماه] به راحتی دیده می شود، طوری که وقتی آن را می بینند می گویند ماه شب دوم است<sup>۴</sup>،

۱. مسند احمد ۶: ۳۸۱.

۲ □ دلیل نپذیرفتن آن، ندانستن احکام جماعت و شروط آن است. (فیض القدير ۲: ۶۷۶)

۳. مسند احمد ۶: ۳۸۱.

۴ □ مناوی در فیض القدير - در شرح این حدیث - گوید: «من اقتراب الساعة أن یرى الهلال قبلاً» - بفتح القاف و الباء - أي یرى ساعة ما یطلع لعظمه و وضوحه من غیر أن یطلب «فیقال لیلین» أي هو ابن لیلین. (ج ۶، ص ۱۳، ح ۸۲۳۲)

و از مساجد بعنوان معبر و گذرگاه استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

(۲۱۹) **أمالی شجری:** الشریف ابو عبدالله محمد بن علی الحسن حسنی بطحائی، محمد بن جعفر تمیمی، محمد بن محمد بن سعید، حسن بن علی بزیع، قاسم بن عبدالله عبیدی به نقل از پدرش، عبدالرحیم بن نصر بارقی، زید بن علی علیه السلام: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«هنگامی که مساجد تعطیل... و مساجد و کنیسه‌ها تزیین شود، و صداها در مساجد بلند گردد و ناسزاگویی به باتقویان بالا گیرد، منتظر بادی سرخ و فرورفتن زمین و مسخ<sup>[۱۰۱]</sup> و انفجار و زمین لرزه‌ها و وقایع بزرگی باشید.»<sup>۳</sup>

### □ روایات شیعه:

(۲۲۰) **ثواب الأعمال:** پدرم به نقل از علی بن ابراهیم و او از پدرش، نوفلی، سکونی، ابو عبدالله علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی می‌آید که در امتم مساجد آباد و باشکوه است ولی [بنیان] هدایتش خراب و ویران.»<sup>۴</sup>

(۲۲۱) **تفسیر قمی:** پدرم به نقل از سلیمان بن مسلم الخشاب، عبدالله بن جریح مکی، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... در آن زمان مساجد را مثل معابد نصاری و یهود زینت کنند و قرآن‌ها را زیور زنند، مناره مساجد را بلند نمایند، صفوف [و گرایش‌ها] زیاد شود، با دل‌هایی که به هم دشمنی دارند و زبان‌هایی گوناگون...»<sup>۵</sup>

(۲۲۲) **مشارق برسی:** خطبه «افتخار» امیرالمؤمنین علیه السلام به روایت اصیغ بن نباته: امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌اش فرمود:

۱ □ «... و أن تتخذ المساجد طرقاً». مساجد معبر می‌شود یعنی اینکه مردم فقط از آن عبور می‌کنند (از یک در می‌آیند و از در دیگر می‌روند)، کنایه از اینکه برای مسجد احترام و تفاوتی نسبت به مکان‌های دیگر قائل نیستند و بهره‌ای که باید از مساجد ببرند (یعنی ذکر خدا، فراگیری علوم حق و تقویت ایمان)، نمی‌برند.

۲. المعجم الصغير ۲: ۱۲۹. ۳. الأمالی الشجرية ۲: ۲۶۰. ۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ۲۹۹، ح ۴.

۵. تفسیر القمی ۲: ۳۰۷.

«... اولین علائم ظهور نصب پرچم‌ها (نشانه مراکز فحشا) در کویچه‌های کوفه و تعطیلی مساجد است، وقتی همه این علائم پیدا شد قائم بر حق ما قیام می‌کند»<sup>۱</sup>.

## فصل هفتم

### بی‌اعتنایی به حج

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۲۳) صحیح بخاری: عبدالرحمن، شعبه:

«از علائم حتمی قیامت این است که کسی حج نمی‌رود»<sup>۲</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۲۲۴) مشارق برسی: خطبه «افتخار» امیرالمؤمنین علیه السلام به روایت اصبع بن نباته:

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌اش فرمود:

«... من به زودی از دنیا می‌روم، شما منتظر... تعطیلی حج باشید... وقتی

این علائم پیدا شد قائم بر حق ما قیام می‌کند»<sup>۳</sup>.

۱. مشارق أنوار الیقین: ۱۶۴ و ۱۶۵. اثبات الهداة ۱: ۵۹۸، ب ۹، ف ۲۷، ح ۵۶۸. غایة المرآة: ۵۷.

ب ۱۳، ح ۶۲. مدینة المعاجز: ۱۵۴. بحار الأنوار ۳۶: ۳۵۴، ب ۴۱، ح ۲۲۵.

۲. صحیح البخاری ۲: ۱۸۳، ب ۴۶.

۳. مشارق أنوار الیقین: ۱۶۴ - ۱۶۶. اثبات الهداة ۱: ۵۹۸، ب ۹، ف ۲۷، ح ۵۶۸. غایة المرآة: ۵۷.

ب ۱۳، ح ۶۲. مدینة المعاجز: ۱۵۴. العوالم ۱۵: ۱۹۹ - ۲۰۰. بشارة الاسلام: ۵۷، ب ۲.

## فصل هشتم

### بازگشت کفر و جاهلیت

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۲۵) فتن ابن حقاد: یحیی بن یمان، منہال بن خلیفه، مطر و زراق (بدون اسناد به

پیامبر صلی الله علیه و آله).

«از علائم حتمی قیام مهدی، کفرورزی بی پرده به خداوند است»<sup>۱</sup>.

(۲۲۶) مصنف عبدالرزاق: معمر، ثابت، انس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«وقتی قیامت برپا می شود هیچ کس نام خدا را نمی آورد (کسی که خدا

خدا بگوید در زمان وقوع قیامت زنده نخواهد بود)»<sup>۲</sup>.

(۲۲۷) سنن ابن ماجه: هشام بن عمار، محمد بن شعیب بن شایبور، سعید بن بشیر، قتاده،

ابوقلابه جرمی، عبدالله بن زید، ابواسماء رحبی، ثوبان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«گروهی از امتم بت پرست خواهند شد، و گروهی به مشرکان

می پیوندند، پیش از وقوع قیامت دجال های دروغگویی نزدیک به سی نفر

پیدا می شوند که هر کدام خود را پیامبر می داند»<sup>۴</sup>.

(۲۲۸) سنن دانی: عبدالرحمن بن عثمان بن عفان، قاسم بن أصبغ، احمد بن زهیر، محمد

بن صلت اسدی، فطر بن عبدالله الخشاب، الحکم بن عتیه: به حضرت امام محمد باقر علیه السلام

گفتم: شنیده ایم یک نفر از شما قیام می کند و عدالت را در این امت اجرا می نماید. فرمود:

«ما امید به همان داریم که مردم بدان امید دارند، ما به این امید هستیم که

اگر یک روز هم به آخر دنیا مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی

کند که امید مردم محقق گردد، اما قبل از آن فتنه ای سخت پدیدار گردد که

شخص امروز مؤمن است، ولی فردا صبح کافر می شود و صبح مؤمن

۱. الفتن: ۹۱. □ ۲ «لا تقوم الساعة علی أحد یقول: الله الله».

۳. المصنف ۱۱: ۴۰۲، ح ۲۰۸۴۷. مسند احمد ۳: ۱۰۷.

۴. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۰۴، ب ۹، ح ۳۹۵۲.

است، ولی شبِ همان روز کافر می‌شود؛ اگر در آن زمان بودید از خدا بترسید، مراقب دیتان باشید و در خانه‌هایتان بمانید».<sup>۱</sup>

(۲۲۹) **أمالی شجری:** ابوبکر محمد بن احمد جوزدانی مقری، ابومسلم عبدالرحمن بن محمد بن شهدل مدینی، ابو عبّاس احمد بن محمد بن سعید، احمد بن حسن ابو عبدالله به نقل از پدرش، حصین بن مخارق<sup>[۳۷]</sup>، موسی بن جعفر از پدران بزرگوارش علیه السلام از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود:

«من بین دو [دوره] جاهلیت مبعوث شدم که جاهلیت دوم بدتر از جاهلیت اول است».<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۲۳۰) **غیبة النعمانی:** احمد بن محمد بن سعید، قاسم بن محمد بن حسن بن حازم، عبیس بن هشام، عبدالله بن جبلة، مسکین الرّحال، علی بن ابی‌مُغیره، عمیره بنت نفیل: از حسین بن علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«چیزی که منتظرش هستید وقتی واقع می‌شود که از یکدیگر بیزار می‌شوید و در صورت هم آب دهان می‌اندازید و علیه یکدیگر شهادت به کفر می‌دهید و همدیگر را لعن می‌کنید.  
گفتم: در آن زمان هیچ خیری نیست! فرمود:  
هر چه خیر است در آن زمان است، قائم ما قیام می‌کند و همه این مشکلات را برطرف می‌نماید».<sup>۳</sup>

(۲۳۱) **کمال الدین:** احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن ابراهیم بن هاشم به نقل از پدرش، عبدالسلام بن صالح هروی، وکیع بن الجراح، ربیع بن سعد، عبدالرحمن بن سلیط: امام حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام فرمود:  
«(مهدی) غیبتی دارد که اقوامی در آن مرتد می‌شوند».<sup>۴</sup>

۱. السنن الواردة في الفتن: ۱۶۱ و ۱۶۲.

۲. الأمالی الشجرية ۲: ۲۷۷.

۳. الغیبة: ۲۰۵.

۴. کمال الدین ۱: ۳۱۷، ب ۳۰، ح ۳.

(۲۳۲) غيبة الطوسی: فضل بن احمد، علی بن الحکم، مُثنی، ابویصیر: امام صادق علیه السلام

فرمود:

«اگر امر ما بیاید خارج می شوند از آن کسانی که امروز بر عقیده بت پرستی هستند»<sup>۱</sup>.

(۲۳۳) جامع الأخبار: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی می آید که در میان مردم... از ایمان فقط اسمی می ماند...

اصحاب با تعجب گفتند: ای رسول خدا، آنها بت پرست هستند؟ فرمود:

آری، هر درهمی برای آنها یک بت است»<sup>۳</sup>.

---

۱ □ «لو قد جاء أمرنا لقد خرج منه من هو اليوم مُقيم على عبادة الأوثان». عبارت تعقید دارد و برداشت‌های متعددی از آن می شود. علامه مجلسی رحمته الله ذیل این روایت توضیح می دهد: «... اگر امر ظاهر شود و قائم قیام کند، خارج می شوند از این دین کسانی که مردم می دانند آنها حقیقتاً یا مجازاً بت پرست هستند و قبلاً آنها را مؤمن می پنداشتند، یا هنگام ظهور قائم مشغول به پرستش بت‌ها می شوند. به زودی روایاتی که این معنا را تأیید کند خواهد آمد، و بعید نیست که در اصل «لقد خرج معه» بوده باشد، فتأمل». (بحار الانوار ۵۲: ۳۲۹، ب ۲۷، ح ۴۹)

۲. غيبة الطوسی: ۲۷۳. بحار الانوار ۵۲: ۳۲۹، ب ۲۷، ح ۴۹. بشارة الاسلام: ۲۳۰، ب ۳.

۳. جامع الأخبار: ۱۳۰، ف ۸۸ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۰، ب ۲۵، ح ۲۱.

## باب نهم

### اوضاع سیاسی جهان اسلام هنگام ظهور

این باب شامل چهار فصل است:

#### فصل اول

#### سلطه طاغوت و ظلم بر مسلمانان

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۳۴) عقد الدرر: حذیفه: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«وای بر این امت از پادشاهان زورگو که چطور می‌کشند، و مطیعان را - بجز آنها که سرسپردگی خود را ثابت کنند - به رعب و وحشت می‌اندازند!...»

آنگاه فرمود:

حذیفه! اگر یک روز به آخر دنیا مانده باشد خداوند آنقدر آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت به حکومت رسد.<sup>۱</sup>

(۲۳۵) معجم کبیر: ابو عامر نحوی، سلیمان بن عبدالرحمن دمشقی، حسین بن علی

کندی مولی<sup>[۱۰۵]</sup> جریر، اوزاعی، قیس بن جابر صدقی از پدرش و او نیز از پدرش: رسول

خدا ﷺ فرمود:

«بعد از من امور به دست خلفا می‌افتد، بعد از خلیفه‌ها امیران می‌آیند، بعد از امیران پادشاهان و بعد از آنها زورگویان خواهند آمد، تا اینکه مردی از اهل بیت قیام کند و عدالت را در زمین بگستراند، همان‌طور که از ستم پُر

۱. عقد الدرر: ۶۲، ب، ۴، ف، ۱.



شده، آنگاه قحطانی به امارت رسد. قسم به خدایی که مرا به حق برای پیامبری برگزید کسی غیر از او نخواهد بود»<sup>۱</sup>.

(۲۳۶) مسند احمد: سلیمان بن داود طیالسی، داود بن ابراهیم واسطی، حبیب بن سالم، نعمان بن بشیر: با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودیم. بشیر (پدر نعمان) زیاد از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث نقل نمی کرد<sup>۲</sup>. ابو ثعلبه خُشَنی آمد و گفت: بشیر بن سعد! حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را در مورد اُمرا به یاد داری؟ حُذیفه گفت: من خطبه آن حضرت را به خاطر دارم. ابو ثعلبه نشست. حُذیفه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند تا هر وقت بخواهد پیامبر را بین شما نگه می دارد و هر گاه بخواهد او را می برد، اما بعد از او خلافتی بر منوال نبوت است، و خداوند تا هر وقت بخواهد خلفا را نگاه می دارد و هر وقت بخواهد آنها را نیز می برد، ولی بعد از خلافت، پادشاهی گزنده و پُرشری خواهد بود تا هر زمان که خدا بخواهد، و هر گاه خواست آن را از بین می برد، و پس از آن تا هر وقت او بخواهد پادشاهی زورمدارانه است تا آنگاه که اراده کند و آن را نابود سازد، سپس خلافتی بر منوال نبوت خواهد بود. بعد از این رسول خدا صلی الله علیه و آله ساکت شد»<sup>۳</sup>.

(۲۳۷) مسند احمد: عبدالرزاق، معمر، ایوب، ابو قلابه، ابواشعث صنعانی، ابواسماء رحبی، شاد بن اوس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند پستی و بلندی های زمین را برای من هموار نمود تا همه افق های شرق و غرب آن را بینم. قلمرو حکومت امتم تا آنجا رسد که برای

۱. المعجم الکبیر: ۲۸.

۲. «وکان بشیر رجلاً یكف حدیثه». یكف در لغت علاوه بر خودداری به معنای جمع کردن (لباس) نیز آمده (لسان العرب). اما بنابر اینکه در اینجا به معنای خودداری باشد، گفته شده که خودداری بشیر از نقل احادیث آن حضرت یا برای احتیاط بوده که ناخودآگاه اشتباه نقل نکند، یا حافظه ضعیفی داشته و احادیث را فراموش می کرده. (موقع الشبكة الاسلامیة، فتوای شماره

۳. مسند احمد ۴: ۲۷۳.

من هموار و قابل رؤیت گردید. به من دو گنج داده‌اند: یکی سفید و یکی سرخ، و من از خدا خواستم که امتم را یکباره در یک سال هلاک نکند، و دشمنی که همه آنها را یکباره هلاک گرداند بر آنها مسلط ننماید، و آنها را با اختلاف و تفرقه پراکنده نکند، و عذاب گروهی را به گروه دیگر نچشانند. خداوند هم فرمود: محمد! در قضای تغییر ناپذیرم مقرر کردم که همه امت تو را یکباره در یک سال از بین ببرم و از غیر خودشان دشمنی بر آنان مسلط نکنم که همگی هلاک شوند، تا اینکه عده‌ای از آنها عده دیگر را نابود کنند و بکشند، و یا اسیر نمایند.

راوی گوید: پیامبر ﷺ در ادامه فرمود:

من از هیچ چیز مثل پیشوایان گمراه‌کننده بر امتم نمی‌ترسم، چون وقتی شمشیر در امتم به میان آمد، تا قیامت کنار نمی‌رود»<sup>۱</sup>.

(۲۳۸) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروزی، ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابوالزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا ﷺ فرمود:

«آنگاه که... بزرگ هر قبیله یکی از فاسقان آنها، و رهبرشان پست‌ترین آنها باشد... مردی از اهل بیتم به نام مهدی قیام کند»<sup>۲</sup>.

(۲۳۹) مستدرک حاکم: حسین بن علی بن محمد بن یحیی تمیمی، حسن بن ابراهیم بن حیدر حمیری، قاسم بن خلیفه، عبدالحمید بن عبدالرحمن حماتی، عمر بن عبیدالله عدوی، معاویه بن قره، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا ﷺ فرمود:

«در آخر الزمان بر امتم بلائی شدید و بی سابقه‌ای از جانب سلطانانشان فرود آید که زمین با همه پهناوری برایشان تنگ شود، ظلم و ستم چنان همه جا را فراگیرد و مؤمن جایی نمی‌یابد تا از ظلم بدان پناه برد، و

۱. مسند احمد ۴: ۱۲۳. سنن ابی داود ۴: ۹۷، ح ۴۲۵۲.

۲. المعجم الكبير ۱۸: ۵۱، ح ۹۱. مجمع الزوائد ۷: ۳۲۳.

سرانجام خداوند مردی از عترتم می فرستد... زمین هرچه رویدنی در خود دارد می رویاند، و هر چه ابر در آسمان است فراوان و مرتب بر آنان می بارد، او (مهدی) هفت، هشت یا نه سال میانشان خواهد بود که در آن مدت از فرط خیر و نعمت هایی که خداوند به زمینیان عنایت می فرماید مردگان بر زندگان غبطه می خورند»<sup>۱</sup>.

(۲۴۰) ملاحم ابن منادی: ابراهیم بن سلیمان بن حیان بن مسلم بن هلال الدباس کوفی، علی بن اسیاط مصری، علی بن حسین عبدی، سعد الاسکاف، اصبع بن نباته: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در کوفه سخنرانی می کرد. بعد از حمد و ستایش خداوند فرمود:

«یقین بدانید که مردی قوی از اهل بیت من خواهد آمد که به امر خدا دستور می دهد و به حکم خدا حکم می کند، البته بعد از دورانی پر از تنگنا و هتاک و رسوایی که بلاها سخت و امیدها قطع می گردد و زشتی و قبح رشوه از بین می رود. در آن موقع خداوند مردی را برای مسئله ای حتمی و مهم<sup>۲</sup> از ساحل دجله برمی انگیزد<sup>[۲۰]</sup> که کینه او را به خونریزی وامی دارد، در پوشش و خفا بوده و قومی را که به شدت بر آنان غضبناک است و از آنها کینه دارد، در سال «بُخْت نَصْر»<sup>[۱۸]</sup> به هلاکت می رساند، آنها را پست و ذلیل می کند و همراه با تازیانه های عذاب و شمشیر ویرانی و هلاکت، از جامی تلخ به آنها می نوشاند»<sup>۳</sup>.

### □ روایات اهل سنت:

(۲۴۱) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... در آخر الزمان امیرانی فاسد و بی حیا با وزیرانی خائن بر شما حکومت خواهند کرد»<sup>۴</sup>.

۱. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۴۶۵. احقاق الحق ۱۳: ۱۵۲.

۲ □ «لأمر حزبه». النفر: هم الذین اذا «حز بهم» أمر اجتمعوا و تفروا الی عدوهم (لسان العرب). كَانَ الصَادِقُ علیه السلام اذا «حز به» أمر جمع النساء و الصبیان ثم دعا و آمنوا (دَعَوَاتِ رَاوَنْدِي).

۳. الملاحم: ۶۴ و ۶۵. ۴. ارشاد القلوب ۱: ۶۷ ب ۱۶.

(۲۳۲) **آمالی طوسی:** گروهی به نقل از ابوالمفضل، حسن بن محمد بن شعبه انصاری، ابوالسائب سلم بن جنادة، وکیع بن الجراح، سفیان بن سعید ثوری، جابر بن یزید جعفی، عبد الله بن یحییٰ حضرمی: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود: نشسته بودیم، پیامبر صلی الله علیه و آله سرشان را روی پای من گذاشته و خواب بودند. [همان طور که صحبت می کردیم] سخن از دجال به میان آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله که چهره شان سرخ شده بود فرمودند:

«غیر از دجال کسانی هستند که برای شما خطرناک ترند: پیشوایان گمراه کننده».<sup>۱</sup>

(۲۳۳) **ارشاد القلوب:** رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شخصی که آمده بود و از قیامت سؤال می کرد فرمودند:

«تو که از قیامت می پرسی! هنگام بدسرشتی زمامداران... خواهد بود».<sup>۲</sup>

(۲۳۴) **دلایل الامامة:** ابوالحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، ابوعلی حسن بن محمد نهاوندی، عباس بن مطر همدانی، اسماعیل بن علی مقرئ، محمد بن سلیمان، ابو جعفر عرجی، محمد بن یزید، سعید بن عبایه، سلمان فارسی: امیر مؤمنان علیه السلام در مدینه برای ما سخنرانی می کرد که در ضمن از نزدیکی فتنه و قیام قائم سخن گفت و اینکه از فرزندانش است و عدالت را در زمین فراگیر می کند؛ همان طور که ستم در آن فراگیر شده.

سلمان ادامه داد: وقتی کسی نزد آن حضرت نبود خدمتش رسیدم و گفتم: ای امیر مؤمنان، قائم فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی عمیق کشید و فرمود:

«قائم در دورانی ظهور می کند که... بافنده قذبلند در مصر و نیل قیام کند».

سلمان گوید: گفتم: بافنده قذبلند کیست؟ فرمود:

«مردی ولگرد و راهزن است اما نه از فرزندان پادشاهان، معادن طلا  
برایش نمایان می شود (معادن طلا را می یابد)، و عرب و عجم یاریش

می‌کنند، و همه چیز برایش فراهم می‌شود تا به حسن<sup>[۳۶]</sup> برسد، در زمان او عجایب و شگفتی‌هایی خواهد بود، چون با عرب‌ها به شام رود... و با لشکرش به کوه قاعوس<sup>[۸۵]</sup> رسد، اما اموری او را وادار به نقل مکان شتابزده از آنجا می‌کند، و هیچ غذا و نوشیدنی برایش گوارا نشود تا اینکه به ایلون<sup>[۱۱۴]</sup> مصر و به سوی نظریه پردازی‌ها و آرای گوناگون بازگردد... و قصرهایی بنا کند، و کوه «ملعون» را آباد سازد، آنگاه برقی نمایان شود و برود، و افراد شرور بین عین‌الشمس<sup>[۸۰]</sup> و حلوان<sup>[۳۸]</sup> رفت و آمد کنند که صدای اذان از آنها شنیده شود... و سفیانی لشکر خود را حرکت و سپاهیان را آرایش نظامی دهد... و این هنگام است که ناگهان امر خدا او را می‌گیرد... مهدی که از فرزندان حسین است قیام می‌کند، هیچ پسری مثل او نیست، هیچ پسری، او مانع هلاکت می‌گردد و فتنه‌ها را از بین می‌برد... و برای اهل دین به احکام دین حکم می‌کند...»<sup>۱</sup>

(۲۴۵) غیبة النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی علوی، عبدالله بن حماد انصاری، ابراهیم بن عبیدالله بن علاء به نقل از پدرش، ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام: امیرالمؤمنین علیه السلام مسائل و اتفاقات بعد از خودش تا قیام قائم را بیان می‌فرمود. حسین علیه السلام گفت: ای امیر مؤمنان، خداوند کی زمین را از وجود ظالمان پاک می‌کند؟ فرمود: «تا خون حرام<sup>۲</sup> ریخته نشود، خداوند زمین را از وجود ظالمان پاک نمی‌کند... بعد قائمی که همه آرزویش را دارند و آن امام ناشناخته قیام می‌کند، ای حسین! او صاحب شرف و فضل و از فرزندان تو است»<sup>۳</sup>.

(۲۴۶) نهج البلاغة: امام علی علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند:

«... مردم آن زمان (آخرالزمان) گرگ، و سلاطینشان درنده‌اند»<sup>۴</sup>.

۱. دلائل الامامة: ۲۵۳ و ۲۵۴.

۲. یعنی خونی که محترم است و ریختنش حرام می‌باشد.

۳. الغیبة: ۲۷۴-۲۷۶، ب ۱۴، ح ۵۵.

۴. نهج البلاغة: ۱۵۷، خ ۱۰۸.

(۲۴۷) **کفایة الاثر:** علی بن حسین بن منده، محمد بن حسن کوفی معروف به ابوالحکم، اسماعیل بن موسی بن ابراهیم، سلیمان بن حبیب، شریک، حکیم بن جبیر، ابراهیم نخعی، علقمة بن قیس: امیر المؤمنین علیه السلام بر منبر کوفه خطبة لؤلؤه<sup>[۴۲]</sup> را بیان می کرد که در آخر آن فرمود:

«من به زودی از میان شما می روم و به عالم غیب رهسپار می گردم، منتظر فتنه اموی و سلطنت کسروی و از میان بردن چیزی که خداوند آن را زنده نمود، و زنده کردن چیزی که خداوند آن را از میان برد باشید. خانه هایتان را صومعه خود کنید و دندان روی جگر بگذارید<sup>۱</sup>، خدا را بسیار یاد نمایید که اگر علم داشتید می فهمیدید یاد او [از همه چیز و همه کس] برتر است. آنگاه فرمود:

شهری بین دجله و دجیل و فرات ساخته می شود که آن را «زوراء» می گویند. وقتی آن را دیدید، می بینید که با گچ و آجر ساخته و با طلا و نقره و لاجورد و مرمر و رخام و درهایی از چوب عاج و آبنوس و چادرها و قبه ها و پرده ها زینت داده شده، و انواع درختان ساج و عرعر و صنوبر تازه، در هر طرف آنها به چشم می خورد و با کاخ ها استحکام یافته است.

پیشتر نیز پادشاهان بنی شیبسان که بیست و چهار نفر بودند یکی پس از دیگری در آنجا آمد و رفت کرده اند که نام هایشان از این قرار است: سفاح، مقلاص، جموح، خدوع، مظفر، مؤنث، نظار، کبش، مهتور، عثار، مصطلم، مستصعب، علام، رهبانی، خلیع، سیار، مسرف، کدید، اکتب (اکذب)، مترف، اکلب، وسیم، ظلام و عینوق. قبه خاکی در بیابان سرخ ساخته می شود، و بعد از آن قائم بر حق در میان اقالیم نقاب از چهره برمی دارد،

۱ «عَضُوا عَلٰی مِثْلِ جَمْرِ الْعَضَا». آنچه در ترجمه آمده ضرب المثل معادل عبارت است و ترجمه لفظی آن «دندان بر زغال گذاخته درخت شوره گز فشار دهید» و کنایه از تحمل سختی های طاقت فرسا می باشد. غضا: درختی بیابانی و خاردار است که چوب بسیار سختی دارد، و به همین دلیل زغالش سخت است و حرارت را زیاد نگه می دارد و گذاخته می ماند. (مجمع البحرین، غصو)

بسان ماه تابان در میان ستارگان فروزان»<sup>۱</sup>.

(۲۳۸) جامع الأخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند مردم آخرالزمان را به چهار ویژگی مبتلا می‌کند: ستم سلطان، قحطی زمان (کمبود وقت)، ظلم والیان و قاضی‌ها...»<sup>۲</sup>.

## فصل دوم

### اختلاف‌های شدید بین مسلمانان

□ روایات اهل سنت:

(۲۳۹) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، معلى بن زیاد، علاء بن بشیر، ابوالصدیق ناجی،

ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید، در حالی در امت من برانگیخته<sup>[۲۰]</sup> می‌شود که اختلافات بین مردم [زیاد] است»<sup>۳</sup>.

(۲۵۰) مسند احمد: عبدالرزاق، معمر، آیوب، ابوقلابه، ابواشعث صنعانی، ابواسماء

رحبی، شداد بن اوس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... از خدا خواستم که امتم را یکباره در یک سال هلاک نکند، و دشمنی که همه آنها را یکباره هلاک گرداند بر آنها مسلط ننماید، و آنها را با اختلاف و تفرقه پراکنده نکند، و عذاب گروهی را به گروه دیگر نچشانند. خداوند هم فرمود: محمد! در قضای تغییر ناپذیرم مقرر کردم که همه امت تو را یکباره در یک سال از بین نبرم و از غیر خودشان دشمنی بر آنان مسلط نکنم که همگی هلاک شوند، تا اینکه عده‌ای از آنها عده دیگر را

۱. کفایة الاثر: ۲۱۳-۲۱۹.

۲. جامع الأخبار: ۱۲۹، ف ۸۸ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۰، ب ۲۵، ح ۲۱.

۳. مسند احمد ۳: ۳۷. ملاحم ابن المنادی: ۴۲. بیان الشافعی: ۵۰۵، ب ۱۰.

نابود کنند و بکشند، و یا اسیر نمایند».<sup>۱</sup>

(۲۵۱) فتن سلیلی: الحسن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام به ابن عباس فرمود:

«مردم دو گروه می شوند: گروهی با او و گروهی ضد اویند، بعد از چند سال که می ماند و بر آنها حکومت می کند، شخصی گستاخ و بی رحم جانشین او می شود که در آسمان به «قتال»<sup>۲</sup> و در زمین به «جبار» معروف است، خون مردم را می ریزد و آن را [برای نوشیدن] با آب مخلوط می کند اما نمی تواند بنوشد. اعراب به آنها حمله می کنند و او در این حمله کشته می شود، و ستم و فحشا در جامعه شایع می گردد».<sup>۳</sup>

(۲۵۲) فتن ابن حقاد: ولید، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر، کثیر بن مرة حضرمی:

«نشانه مصیبت و سختی روزگار آن است که در ماه رمضان علامتی در آسمان پدیدار گردد، بعد از آن اختلاف بین مردم زیاد می شود، اگر در آن زمان بودی، تا می توانی غذای بسیار ذخیره کن».<sup>۴</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۲۵۳) دلائل الامامة: ابوعلی نهاوندی، ابوعلی هشام بن علی سیرافی، عبدالله بن رجاء، همام، معلی بن زیاد، معلی، شخصی از طایفه مزینه، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

«مهدی وقتی قیام می کند که اختلاف های شدید بین مردم... زیاد شود».<sup>۵</sup>

(۲۵۴) غیبة الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، مقانعی، بکار بن احمد، حسن بن حسین، تلید، ابوالجحاف<sup>[۳]</sup>، خالد بن عبدالملک، مطر وراق، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید:

۱. مسند احمد ۴: ۱۲۳. سنن ابی داود ۴: ۹۷، ح ۴۲۵۲.

۲. القتال: بسیار کُشنده.

۳. الفتن: ۱۲۴، ب ۳۹.

۴. الفتن: ۶۰.

۵. دلائل الامامة: ۲۵۲.



رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید - این جمله را سه بار تکرار فرمود - در شرایطی قیام می کند که مردم با هم اختلاف دارند و زمین لرزه شدیدی می آید، او عدالت را در سراسر زمین - که در آن موقع آکنده از ظلم و ستم است - برقرار می سازد...»<sup>۱</sup>

(۲۵۵) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب ابوالحسن جعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابوبصیر: حضرت ابوجعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم در یک سال فرد قیام می کند: نه، یک، سه، پنج»<sup>۲</sup> - و فرمود: - بعد از اختلاف در بنی امیه و فروپاشی حکومتشان بنی عباس به قدرت می رسند، آنها همواره در بهار حکومت و طراوت عیش و نوش خود هستند تا اینکه میانشان اختلاف می افتد و با این اختلافات حکومتشان ساقط می گردد، و مردم در مشرق و مغرب با هم اختلاف پیدا می کنند. بله، این اختلاف در اهل قبله نیز هست، وحشت و رعب همواره به مردم فشار می آورد، تا اینکه ندایی از آسمان می آید، چون این ندا آمد، آماده و بسیج شوید، به خدا قسم گویی او را بین رکن و مقام در حال بیعت گرفتن از مردم برای امر جدید و کتاب جدید و حکومت آسمانی جدید می بینم، تا زنده است هیچ گاه لشکرش شکست نمی خورد»<sup>۳</sup>.

(۲۵۶) کشف نوری: ابومحمد فضل بن شاذان نیشابوری (که در زمان حیات امام عسکری علیه السلام وفات کرد، در کتاب خود آورده) حسن بن رباب، ابوعبدالله علیه السلام: امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

۱. غیبة الطوسی: ۱۱۱.  
 ۲. «يقوم القائم علیه السلام في وتر من السنين: سبع، وأحدة، ثلاث، خمس. و قال: ...»  
 ۳. الغیبة: ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۲۲. تاج الموالید: ۱۵۰. بحار الانوار ۵۲: ۲۳۵، ب ۲۵، ح ۱۰۳. بشارة الاسلام: ۹۲ و ۹۲، ب ۶.

«بین امرای عرب و عجم اختلاف می افتد و همچنان در اختلاف به سر می برند تا حکومت به دست یکی از فرزندان ابوسفیان می افتد... بعد، امیر امیران و قاتل کفار و پادشاهی که همه در آرزویش هستند و عقلها در غیبت او حیران گردیده ظاهر می شود. او نهمین نسل از فرزندان حسین است، بین رکن و مقام و بر ثقلین ظاهر می گردد، و یک نفر از افراد فرومایه را هم در روی زمین باقی نمی گذارد»<sup>۱</sup>.

(۲۵۷) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، قاسم بن محمد بن حسن بن حازم، عبیس بن هشام، عبدالله بن جبلة، مسکین الرخال، علی بن ابی مغیره، عمیرة بنت نفیل، حسین بن علی علیه السلام.

«از نشانه های ظهور حکومتی که منتظرش هستید این است که بعضی از شما از دیگران بیزاری می جویند، و برخی آب دهان به صورت یکدیگر می ریزند، و عده ای علیه عده دیگر شهادت به کفر می دهند و همدیگر را لعنت می کنند.

گفتم: چه دوره و زمانه بی خیری! فرمود:

اصل خیر در آن زمان است، قائم ما قیام کرده و همه اینها را برطرف می نماید»<sup>۲</sup>.

۲. الغیبة: ۱۰۹، ب ۱۲.

۱. کشف الأستار: ۲۲۱ و ۲۲۲.

## فصل سوم

### هجوم و حشیانه کفار بر مسلمانان

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۵۸) مسند طیالسی: ابو الأشهب، عمرو بن عبید تمیمی عبسی، ثوبان غلام پیامبر صلی الله علیه و آله

از آن حضرت روایت کرد:

«نزدیک است که همه امتها دور شما جمع شوند آن گونه که خورندگان غذا گرد غذا جمع می شوند.»

ما گفتیم: ای رسول خدا، به خاطر اینکه جمعیتان کم است؟! فرمود: نه، جمعیت شما در آن موقع زیاد است، ولی مثل غناء<sup>[۸۱]</sup> خواهید بود، خداوند ترس را از دل های دشمنانتان می برد و در دل و بدن های شما سستی قرار می دهد.

گفتیم: ای رسول خدا، سستی ما چیست؟ فرمود:

دوستی دنیا و بیزاری از مرگ.<sup>۱</sup>

(۲۵۹) أمالی شجری: قاضی ابوالقاسم علی بن محسن بن علی ابوالفهم تنوخی،

ابوالحسین علی بن حسن بن جعفر بن عطار البزار، ابو جعفر محمد ابن حسینی خثعمی، عباد بن یعقوب، عمر بن شیبب مسلی، محمد بن سلمه، کهیل به نقل از پدرش، ابوادریس، مستبب بن خثیمه: علی علیه السلام فرمود:

«... به خدا سوگند اینها با اتحادی که در باطل خود دارند، بر شما به خاطر تفرقه و سرسبکی تان نسبت به [اعتقاد] حق خود، غلبه خواهند یافت، تا جایی که شما را به بردگی کشند، بسان شخص برده داری که وقتی برده اش نزد اوست از او بار می کشد و وقتی در دسترس نیست او را فحش می دهد، به حدی که عده ای برای دین و برخی برای دنیا به گریه می افتند. به خدا سوگند اگر آنها شما را چنان متفرق سازند که هر کدام زیر سنگی

۱. مسند الطیالسی: ۱۳۳، ح ۹۹۲. مسند احمد ۵: ۲۷۸.

باشید، [در صورتی که مرا رها نکنید] همه شما را برای [فراهم آوردن] بدترین روز آنها جمع می‌کنم. قسم به خدایی که دانه و روح را آفرید<sup>۱</sup>، اگر یک روز به آخر دنیا مانده باشد، خداوند آنقدر آن را طولانی کند تا مردی از فرزندان من بر سراسر زمین حاکم شود، او همان‌طور که ظلم و ستم در زمین فراگیر شده [پس از برچیدن آن] عدالت را در همه جا می‌گستراند»<sup>۲</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۲۶۰) ملاحم ابن طاووس: ابو منصور ابن عمر، احمد بن محمد، اسماعیل بن میمون، نباتة، حذیفه بن یمان، جابر انصاری: پیامبر اکرم ﷺ فرمود:  
«اسلام در آغاز پیدایش خود غریب بود و باز هم مثل اولش غریب می‌شود.»

از آن حضرت توضیح خواستند، فرمود:

خداوند پنج رود سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل مصر را مخصوص ما اهل بیت قرار داده، چون کفار هر پنج رود را تصرف کردند حکومت اسلام شرق و غرب [عالم] را فرامی‌گیرد. در آن وقت است که خداوند اهل بیت را بر گمراهان چیره سازد و تا قیامت هیچ پرچمی به نام آنها برافراشته نمی‌شود (نامی از آنها به طور رسمی برده نخواهد شد)<sup>۳</sup>.

(۲۶۱) مناقب ابن شهر آشوب: علی رضی الله عنه فرمود:

«... هند بر سند غالب شود، قُفص<sup>[۹۱]</sup> بر سعیر<sup>[۵۹]</sup>، قبط بر اطراف مصر، اندلس بر نواحی افریقیه، حبشه بر یمن، ترک‌ها بر خراسان، و رومیان بر اهل شام غالب آیند، اهل ارمینیه پیروز گردند، و شخصی در عراق فریاد برآرد: پرده‌ها دریده شد، به پاکدامنان تجاوز کردند و پرچم دجال ملعون نمایان گردید»<sup>۴</sup>.

□ ۱ «و الذي خلق الحبة و برأ النّسمة» . ۲. الأمالی الشجرية ۲: ۸۴.

۳. الملاحم والفتن: ۱۴۷.

۴. مناقب ابن شهر آشوب ۲: ۲۷۴. بحار الانوار ۴۱: ۳۱۹، ب ۱۱۴، ح ۴۲.

## فصل چهارم

### شیوع قتل، مرگ، گرسنگی و ترس

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۶۲) عقد الدرر: علی بن محمد اودی به نقل از پدرش و او نیز از پدرش روایت کرد:

علی علیه السلام فرمود:

«قبل از [قیام] مهدی مرگی سرخ و مرگی سفید شایع می شود، و ملخهایی به رنگ خون، یک مرتبه با آن مرگ‌ها، و مرتبه دیگر جداگانه هجوم می آورند، مرگ سرخ همان جنگ، و مرگ سفید طاعون است»<sup>۱</sup>.

(۲۶۳) مصنف ابن ابی شیبیه: وکیع و یزید بن هارون، عمران بن حدیر، رفیع ابو کثیر:

از ابوالحسن علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«زمین چنان از ظلم و ستم پر شود که وحشت و درگیری به هر خانه‌ای راه می یابد، اندکی پول و یکی دو پیمانۀ غذا می جویند اما گیرشان نمی آید، پس قتل و کشتار خواهد بود، تا وقتی که عذاب خداوند آنها را در کاخشان فراگیرد. آنگاه زمین پر از عدالت و مساوات می شود»<sup>۲</sup>.

(۲۶۴) فتن ابن حماد: یحیی بن یمان، کیسان الرواسی القصار: مولایم برای من روایت

کرد: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«قبل از قیام مهدی یک سوم مردم کشته می شوند، یک سوم می میرند و تنها یک سوم باقی می ماند»<sup>۳</sup>.

۱. عقد الدرر: ۶۵، ب ۴، ف ۱.

۲. المصنف ۱۵: ۸۹ کنز العمال ۱۴: ۵۸۶، ح ۳۹۶۵۹.

۳. الفتن: ۹۱. سنن الدانی: ۹۴. عقد الدرر: ۶۳، ب ۴، ف ۱. عرف السیوطی ضمن الحاوی للفتاوی: ۲.

۶۸. برهان المثقی: ۱۱۱، ب ۴، ف ۲، ح ۴. کنز العمال ۱۴: ۵۸۷، ح ۳۹۶۶۳. فرائد فوائد الفکر: ۷، ب ۳.

ملاحم ابن طاووس: ۵۸، ب ۱۱۰. کشف النوری: ۱۷۵، ف ۲. بشارة الاسلام: ۷۷، ب ۲.

(۲۶۵) مسند طیالسی: ورقاء، عاصم، ابو وائل، عبدالله، ابوداود:

«مقدمه برپا شدن قیامت آشوب و آشفتگی است، در آن دوران علم برچیده شده و جهل باز می گردد».

اشعری که کنار ابن مسعود ایستاده بود گفت: منظور از آشوب، کشتار و خونریزی است.<sup>۱</sup>

(۲۶۶) ملاحم ابن منادی: اعمش، خثیمه بن عبدالرحمن: علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرمود:

«وقتی قیامت نزدیک شود مردی از فرزندانم قیام کند، در آن زمان دل های مؤمنین می میرد همان طور که بدن ها می میرد، و آن از شدت سختی و رنج و گرسنگی و کشتار است».<sup>۲</sup>

(۲۶۷) مستدرک حاکم: حسین بن علی بن محمد بن یحیی تمیمی، حسن بن ابراهیم بن

حیدر حمیری، قاسم بن خلیفه، ابویحیی عبدالحمید بن عبدالرحمن حمانی، عمر بن عبیدالله عدوی، معاویه بن ابی قره، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان بر ائمت بر بالای شدید و بی سابقه ای از جانب سلطان شان فرود آید که زمین با همه پهناوری برایشان تنگ شود، ظلم و ستم همه جا را فراگیرد و مؤمن جایی نمی یابد تا از ظلم بدان پناه برد، و سرانجام خداوند مردی از عترتم می فرستد تا زمین را همان طور که از ظلم و ستم پر شده از مساوات و عدالت پُر کند، و اهل آسمان و زمین از او راضی می شوند».<sup>۳</sup>

(۲۶۸) غیبه النعمانی: علی بن حسین، محمد بن یحیی، محمد بن حسان رازی، محمد

بن علی کوفی، ابراهیم بن ابی البلاد، علی بن محمد بن الأعلم آزدی عن به نقل از پدرش و او نیز از پدرش: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«پیش از قائم مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخی فصلی و ملخی غیر فصلی

۱. مسند الطیالسی: ۳۵، ح ۲۶۳. مصنف عبدالرزاق ۱۱: ۳۶۴ و ۳۶۵، ح ۲۰۷۵۱. مصنف ابن

ابی شیبه ۱۵: ۱۳، ح ۱۸۹۷۱ و ۱۵: ۶۴، ح ۱۹۱۲۵.

۲. الملاحم: ۹۱. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۴ کنز العمال ۱۴: ۵۹۱، ح ۳۹۶۷۸.

۳. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۴۶۵.

خواهد بود که همچون خون سرخ رنگ است. مرگ سرخ به وسیله شمشیر و مرگ سفید طاعون است»<sup>۱</sup>.

(۲۶۹) صراط مستقیم:

«وقتی خداوند اراده فرماید که آل محمد را ظاهر کند (غلبه دهد)، از ماه صفر جنگ شروع می شود [و] تا ماه صفر [سال بعد ادامه دارد]، که [نشانه] آستانه قیام مهدی است»<sup>۲</sup>.

---

۱. الغیبة: ۲۷۷ و ۲۷۸، ح ۶۱ الارشاد: ۳۵۹. غیبة الطوسی: ۲۶۷. إعلام النوری: ۴۲۷، ب ۴، ف ۱. الخرائج ۳: ۱۱۵۲، ب ۲۰، ح ۵۸. كشف الغمّة ۳: ۲۴۹. مستجد الحلّی: ۵۴۸ و ۵۴۹. الفصول المهمة: ۳۰۱، ف ۱۲. الصراط المستقیم ۲: ۲۴۹، ب ۱۱، ف ۸. اثبات الهداة ۳: ۷۲۶، ب ۳۴، ف ۶، ح ۴۹. بحار الانوار ۵۲: ۲۱۱، ب ۲۵، ح ۵۹. بشارة الاسلام: ۴۸، ب ۲. كشف النوری: ۱۷۵، ف ۲.

۲. الصراط المستقیم ۲: ۲۵۸، ب ۱۱، ف ۱۱. اثبات الهداة ۳: ۵۷۸، ب ۳۲، ف ۵۵، ح ۷۴۲.

## باب دهم

### اوضاع اقتصادی جهان اسلام هنگام ظهور

□ روایات اهل سنت:

(۲۷۰) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروزی، ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حصرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابوالزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای عوف، وقتی این امت هفتاد و سه فرقه شوند که فقط یکی از آنها اهل بهشت است و بقیه در جهنم، تو چه حالی داری؟

گفتم: ای رسول خدا، این [تفرقه] در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود:

وقتی نگاهبانان و پاسبانان زیاد شوند... و غنائم [مثل اموال شخصی بین افراد خاصی] دست به دست شود، و زکات را گرو گیرند، و امانت را به غنیمت برند... تا اینکه مردی از اهل بیتم به نام مهدی قیام کند. اگر او را دیدی پیرویش کن تا از هدایت یافتگان باشی».<sup>۱</sup>

(۲۷۱) مسند طیالسی: قیس، جابر جعفی، ابو عازب، نعمان بن بشیر: همراه پیامبر ﷺ

بودیم که فرمود:

«پیش از وقوع قیامت فتنه‌هایی می‌آید... که [در اثر آن] اقوامی سهم خود از خیر و صلاح را به بهره‌کمی از دنیا می‌فروشند».<sup>۲</sup>

۱. المعجم الكبير ۱۸: ۵۱، ح ۹۱. مجمع الزوائد ۷: ۳۲۳.

۲. مسند الطیالسی: ۱۰۸، ح ۸۰۳.



(۲۷۲) فتن ابن حمّاد: ابن مبارک، مبارک بن فضاله، الحسن، نعمان بن بشیر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به خداوند یکتا! مسلمانان آخرالزمان را دیدم که در ظواهر دنیا گرفتار و از عقل و تفکر بی بهره‌اند، به جسم خود پرداخته و به جانشان توجه ندارند، چون شب‌پره‌های دور آتش و مگس‌های طمع، روزشان را با دو درهم شروع و با دو درهم به پایان می‌برند، و دینشان را به بهای ماده‌بزی می‌فروشند»<sup>۱</sup>.

(۲۷۳) فتن سلیلی: عمر بن عبدالوهاب، ابوبکر محمد بن عبدالؤمن، احمد بن محمد بن غالب، الخلیل بن سالم بزاز، علاء بن رشید، عبدالواحد بن زید، الحسن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام به ابن عباس فرمود:

«ابن عباس! تو احادیث مختلفی شنیده‌ای... اولین فتنه از دو است فتنه<sup>۲</sup>: حکم فرمایی بچه‌ها، تجارت‌های زیاد با استفاده کم، پس از آن... منتظر ظهور بهترین آل محمد صلی الله علیه و آله باش که در کعبه خواهد بود، در آن موقع افراد زنده آرزو می‌کنند که مرده‌هایشان زنده شوند، و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد...»<sup>۳</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۲۷۴) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شخصی که آمده بود و از قیامت سؤال می‌کرد فرمودند:

«تو که از قیامت می‌پرسی!... (قیامت) زمانی خواهد بود که امانت را به غنیمت و صدقه را گرو می‌گیرند...»<sup>۴</sup>.

(۲۷۵) جامع الأخبار: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی خواهد آمد که شکم مردم خدایشان، زنان قبله‌شان، پول دینشان

۱. الفتن: ۶. □ ۲ «أول فتنه من المائتين...».

۳. الفتن: ۱۲۴، ب ۳۹.

۴. ارشاد القلوب ۱: ۶۷، ب ۱۶.

و کالاهایشان شرافتشان باشد... آنگاه که چنین شوند، خدا آنها را به چهار چیز مبتلا می‌کند: ستم پادشاه، قحطی دوران، ظلم والیان و قاضیان. اصحاب با تعجب گفتند: ای رسول خدا، آنها بت پرست هستند؟ فرمود: بله، هر درهمی برای آنها یک بُت است.<sup>۱</sup>

(۲۷۶) تفسیر قمی: پدرم به نقل از سلیمان بن مسلم خُشَّاب، عبدالله بن جریح المکی، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن عباس: رسول خدا ﷺ ضمن حدیثی در مورد نشانه‌های قیامت فرمود:

«از نشانه‌های قیامت... تکریم ثروتمندان، و فروش دین به دنیاست... زن همراه با شوهرش به تجارت می‌پردازد، باران (به جای اینکه سبب خنکی و کاهش دما شود) موجب حرارت و گرما گردد، نیکان کمیاب، و تنگدست تحقیر، و بازارها به هم نزدیک می‌گردند، اگر این یکی گفت: چیزی نفروختم، و دیگری گفت: سود نبردم، خواهی دید که همه خداوند را مذمت می‌کنند... در این هنگام است که ربا آشکار و بارشوه معامله نمایند، دین فروگذارده شده و دنیا مورد توجه قرار گیرد».<sup>۲</sup>

۱. جامع الأخبار: ۱۲۹، ف ۸۸ بحار الانوار ۵۲: ۱۹۰، ب ۲۵، ح ۲۱.

۲. تفسیر القمی ۲: ۳۰۳-۳۰۶.



## باب یازدهم

### پدیده‌های طبیعی پیش از ظهور و قیامت

این باب شامل هفت فصل است:

#### فصل اوّل

#### طلوع خورشید از مغرب، دجال، خسف<sup>[۴۰]</sup> و آتش

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۷۷) مسند طیالسی: یونس، ابوداود، مسعودی، فرات قزاز، ابوطفیل، حذیفه بن أسید

غفاری که از اهل صفه بود روایت می‌کند: ما درباره قیامت گفت و گو می‌کردیم که رسول خدا ﷺ نزد ما آمد و فرمود:

«قیامت برپا نگردد تا ده نشانه پیدا شود: دجال، دود، پیدایش جنبنده [ای مخصوص]، طلوع آفتاب از مغرب، سه حادثه خسف<sup>[۴۰]</sup>: یکی در مشرق، دیگری در مغرب و دیگری در جزیره العرب، فرود آمدن عیسی بن مریم علیه السلام، فتح یاجوج و ماجوج، و آتشی که از دل عدن<sup>[۷۵]</sup> سرکشد و مردم را به صحرای قیامت براند»<sup>۱</sup>.

(۲۷۸) مسند طیالسی: یونس، ابوداود، عمران، قتاده، عبدالله بن رباح، ابوهریره:

رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. مسند الطیالسی: ۱۴۳، ح ۱۰۶۷. مسند الحمیدی ۲: ۳۶۴، ح ۸۲۷ مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۱۳۰،

ح ۱۹۳۱۰. صحیح مسلم ۴: ۲۲۲۵، ب ۱۳، ح ۲۹۰۱. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۴۱، ب ۲۵، ح ۴۰۳۱.

«پیش از آنکه شش چیز رخ دهد فرصت را برای اعمال صالح غنیمت شمارید: طلوع خورشید از مغرب، دَجَّال، دود، پیدایش جنبنده‌ای (مخصوص) در زمین، مرگ هر کدامتان، برپاشدن قیامت»<sup>۱</sup>.

(۲۷۹) سنن دانی: عبدالله بن موهب مکتب، عتاب بن هارون، عبیدالله بن فضل، محمد بن فضل همدانی، ابونعیم محمد بن یحیی طوسی، ابراهیم بن موسی قراء رازی، زید بن الحباب، عیسی بن الاشعث، جویر، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و خطبه می‌گفت. پس از حمد و ثنای خداوند سخن از دَجَّال به میان آورد و فرمود:

«... بعد از طلوع خورشید از مغرب، دیگر نه توبه‌ای قبول شود و نه عملی بالا رود، و ایمان کسی که پیشتر ایمان نیاورده یا در حال ایمان خیری کسب نکرده بود به حال صاحبش سودی ندارد»<sup>۲</sup>.

آنگاه حضرت فرمود: از آنچه بعد از آن روی می‌دهد نپرسید؛ زیرا حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله از من عهد گرفته که جز به عترت خود اطلاع ندهم. نزال بن سبره گوید: به صعصعة بن صوحان گفتم: مقصود امیرالمؤمنین از این حرف چه بود؟

صعصعه گفت: ای پسر سبره! آن کسی که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می‌گزارد، دوازدهمی از عترت و نهمین نسل از پشت حسین بن علی علیه السلام است، و اوست خورشیدی که از مغرب خود (یعنی محلی که غایب شده) طلوع می‌کند و در بین رکن و مقام ظاهر می‌شود و زمین را پاک می‌کند و ترازوی عدل را برقرار می‌نماید، طوری که هیچ کس به دیگری ظلم نمی‌کند. امیرمؤمنان علیه السلام هم فرمود که حبیبش پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله از وی پیمان گرفته که در مورد آنچه پس از آن روی خواهد داد جز به عترت وی یعنی ائمه طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - به کسی اطلاع ندهد»<sup>۳</sup>.

۱. مسند الطیالسی: ۲۳۲، ح ۲۵۴۹. مسند احمد ۲: ۳۲۴ و ۳۳۷ و ۵۱۱.

۲. جمله اخیر آیه قرآن است: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا». (انعام، ۱۵۸)

۳. السنن الواردة في الفتن: ۱۳۵ - ۱۳۶. عقد الدرر: ۲۹۱، ب ۱۲، ف ۳.

(۲۸۰) مسند طیالسی: یونس، ابوداود، سالم بن سلیم، یحیی بن سعید تمیمی، ابوزرعه بن عمرو بن جریر: نزد عبدالله بن عمرو بودیم که دو نفر آمدند و گفتند: از مجلس مروان به اینجا آمده‌ایم، و شنیدیم که مروان می‌گفت: اولین نشانه‌ای که پیدا می‌شود دجال است. عبدالله بن عمرو گفت: مروان دروغ می‌گوید، از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«اولین نشانه، طلوع خورشید از مغرب، یا خروج جنبنده [مخصوص] بر مردم به هنگام ظهر است، هر کدام از این دو نشانه نمایان شد، دیگری با فاصله اندکی پس از آن خواهد بود»<sup>۱</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۲۸۱) خصال صدوق: حسن بن عبدالله بن سعید عسکری، عبدالله بن محمد بن حکیم قاضی، حسین بن عبدالله بن شاکر، اسحاق بن حمزه بخاری و عمویم، عیسی بن موسی غنچار، ابو حمزه، رقیه - و هو ابن مصقلة شیبانی -، الحکم بن عتیبة به نقل از شخصی، حذیفة بن اسید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«ده نشانه مقدمه قیامت است: پنج نشانه در مشرق و پنج نشانه در مغرب».

آنگاه جنبنده، دجال، طلوع خورشید از مغرب، عیسی بن مریم علیه السلام، یاجوج و ماجوج و غلبه عیسی علیه السلام بر آنها و غرق کردنشان در دریا، راشمرد و بقیه نشانه‌ها را ذکر نفرمود.<sup>۲</sup>

(۲۸۲) غیبة الطوسی: احمد بن ادریس، علی بن محمد بن قتیبة، فضل بن شاذان، ابن فضال، حماد، حسین بن المختار، ابونصر، عامر بن واثله، امیرالمؤمنین علیه السلام: رسول خدا ﷺ فرمود:

«ده علامت است که پیش از قیامت باید پدید آید: سفیانی، دجال، دود، جنبنده‌ای [مخصوص] در زمین<sup>۳</sup>، قیام قائم، طلوع آفتاب از مغرب، فرود

۱. مسند الطیالسی: ۲۹۷، ح ۲۲۴۸. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۶۷، ح ۱۹۱۳۵. مسند احمد ۲: ۱۶۴ و ۲۰۱. صحیح مسلم ۴: ۲۲۶۰، ب ۲۳، ح ۲۹۴۱. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۵۳، ب ۳۲، ح ۴۰۶۹. سنن ابی داود ۴: ۱۱۴، ح ۴۳۱۰. تفسیر ابن جریر ۸: ۷۲. ملاحم ابن المنادی: ۶۳.

۲. الخصال ۲: ۴۴۷-۴۴۹، ح ۴۶.

۳. □ «دابة الأرض».

آمدن عیسی علیه السلام [از آسمان]، فرورفتن زمین در شرق، فرورفتن زمین در جزیره العرب، و آتشی که از وسط عدن<sup>[۷۵]</sup> بیرون می آید و مردم را به محشر می راند.<sup>۱</sup>

(۲۸۳) تبیان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیش از آنکه شش چیز رخ دهد فرصت را برای اعمال صالح غنیمت شمرید: طلوع خورشید از مغرب، دجال، دود، پیدایش جنبنده‌ای [مخصوص] در زمین، مرگ هر کدامتان، برپاشدن قیامت».<sup>۲</sup>

(۲۸۴) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن

معاذ، قیس بن حفص، یونس بن أرقم، ابوسیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبرة، علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و خطبه می گفت. بعد از حمد و ثنای خداوند و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار فرمود:

ای مردم، پیش از آنکه مرا از دست بدهید از من سؤال کنید!

صعصعة بن صوحان برخاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان، دجال کی خروج کند؟ امیر مؤمنان علیه السلام پس از سخنانی در مورد دجال فرمود:

اینها پس از طلوع آفتاب از مغرب خود است، در این وقت توبه برداشته شود، نه توبه‌ای پذیرفته است و نه عمل فایده دارد، و ایمان کسی که پیشتر ایمان نیاورده یا در حال ایمان خیری کسب نکرده بود به حال صاحبش سودی ندارد.

آنگاه فرمود: از آنچه بعد از آن روی می دهد نپرسید؛ زیرا حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله از من عهد گرفته که جز به عترت خود اطلاع ندهم.

۱. غیبة الطوسی: ۲۶۷. خرائج قطب الراوندی ۳: ۱۱۴۸، ب ۲۰، ح ۵۷. الايقاظ من الهجعة: ۳۱۱، ب ۱۰، ح ۱۲ و ۳۵۶، ب ۱۰، ح ۱۰۰. اثبات الهداة ۳: ۷۲۴، ب ۳۴، ف ۵، ح ۴۲ و ۷۲۵، ب ۳۴، ف ۶، ح ۴۵. بحار الانوار ۵۲: ۲۰۹، ب ۲۵، ح ۴۸.

۲. التبیان فی تفسیر القرآن ۱: ۱۷۱ و ۳۲۷۱. مجمع البیان ۱: ۸۹. الايقاظ من الهجعة: ۳۳۴، ب ۱۰، ح ۵۲.

نزال بن سبره گوید: به صعصعة بن صوحان گفتم: مقصود امیر مؤمنان از این سخن چه بود؟

صعصعه گفت: ای پسر سبره، آن که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سرش نماز می خواند دوازدهمین نفر از عترت و نهمین فرزند حسین علیه السلام و اوست آفتابی که از مغرب خود برمی آید و نزد رکن و مقام ظاهر می شود و زمین را پاک می کند و ترازوی عدل را برقرار می نماید طوری که هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند. امیر مؤمنان به ما گفت که حیثیت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله از وی پیمان گرفته که از اتفاقات بعد از آن به کسی جز عترتش - ائمه اطهار علیهم السلام - خبر ندهد.<sup>۱</sup>

(۲۸۵) تفسیر قمی: پدرم به نقل از قاسم بن محمد، سلیمان بن داود منقری، حفص بن غیاث، ابو عبدالله علیه السلام: شخصی از پدرم در مورد جنگ‌های امیر مؤمنان علیه السلام سؤال کرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

«خداوند عزوجل محمد صلی الله علیه و آله را با پنج شمشیر برانگیخت<sup>[۲۰]</sup>: سه شمشیر از آن شمشیرها برهنه و از غلاف کشیده است تا جنگ پایان پذیرد، و هرگز جنگ پایان نیابد تا آفتاب از محل غروب خود طلوع کند، و چون آفتاب از مغربش سر برآرد آن روز همه مردم در امنیت قرار گیرند، آن روز است که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده باشد و یا از ایمانش بهره‌برداری نکرده است سودی به حالش ندهد، و یک شمشیر از آن شمشیرها پیچیده، و یکی دیگر در نیام است که به روی دیگران کشیده می شود، ولی امرش به دست ماست...»<sup>۲</sup>

۱. کمال الدین ۲: ۵۲۵-۵۲۸، ب ۴۷، ح ۱. الخرائج ۳: ۱۱۳۳، ب ۲۰، ح ۵۳. بصائر الدرجات: ۳۰-۳۲. اثبات الهداة ۳: ۵۲۲، ب ۳۲، ف ۱۷، ح ۴۰۷. الايقاظ من الهجعة: ۳۲۲، ب ۱۰، ح ۳۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۹۲-۱۹۵، ح ۲۶. تفسیر نور الثقلین ۱: ۷۸۱، ح ۳۵۸ و ۴: ۹۷، ح ۱۰۱ و ۵: ۵۰۶، ح ۴۱. مستدرک النوری ۱۲: ۳۲۶ و ۳۲۷، ب ۳۹، ح ۱. بشارة الاسلام: ۴۱-۴۳، ب ۱.  
۲. تفسیر قمی ۲: ۳۲۰. الکافی ۵: ۱۰، ح ۲. خصال الصدوق ۱: ۲۷۴، ب ۵، ح ۱۸. تحف العقول: ۲۸۸. تهذیب الاحکام ۴: ۱۱۴ و ۱۱۵، ب ۳۱، ح ۳۳۶ و ۶: ۱۳۶، ب ۵۹، ح ۲۳۰. وسائل الشیعة ۱۱: ۱۶ و ۱۷، ب ۵، ح ۲. بحار الانوار ۱۹: ۱۸۱، ب ۸، ح ۳۰ و ۸۷: ۱۶۶ و ۱۶۷، ب ۲۲، ح ۳.



(۲۸۶) تفسیر عیاشی: زرارة، حمران و محمد بن مسلم: امام باقر و امام صادق علیهم السلام در توضیح آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا»<sup>۱</sup> فرمودند:  
«بعضی از آیات طلوع خورشید از مغرب و خروج جنبنده و دجال است. کسی که در کفر خود اصرار ورزیده و بر مبنای ایمان عمل نکرده، پس از آمدن آیات، ایمان آوردن برایش سودی ندارد».<sup>۲</sup>

## فصل دوم

### نشانه‌ای با خورشید

#### □ روایات اهل سنت:

(۲۸۷) مصنف عبدالرزاق: معمر، ابن طاووس، علی بن عبدالله بن عباس:  
«از علائم حتمی قیام مهدی این است که همراه با طلوع خورشید علامتی پیدا می‌شود».<sup>۳</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۲۸۸) غیبة الطوسی: قرقارة، عباس بن یزید بحرانی، عبدالرزاق بن همام، معمر، ابن طاووس، علی بن عبدالله بن عباس:  
«از علائم حتمی قیام مهدی این است که همراه با طلوع خورشید علامتی پیدا می‌شود».<sup>۴</sup>

□ ۱ «روزی که بعضی آیات پروردگارت بیاید ایمان آوردن فایده‌ای ندارد». (انعام: ۱۵۸)

۲. تفسیر العیاشی ۱: ۳۸۴، ح ۱۲۸. تفسیر الصافی ۲: ۱۷۳. البرهان ۱: ۵۶۵، ح ۸ بحار الانوار ۶: ۳۱۲،

ب ۱، ح ۱۳ و ۶۷: ۳۲، ب ۱. تفسیر نور الثقلین ۱: ۷۸۱، ح ۳۵۴.

۳. المصنف ۱۱: ۳۷۳، ح ۲۰۷۷۵. فتن ابن حماد: ۹۱. عقد الدرر: ۱۰۶، ب ۴، ف ۳. عرف السیوطی

ضمن الحاوی ۲: ۶۵. القول المختصر: ۲۰، ب ۳، ح ۲. برهان المتقی: ۱۰۷، ب ۴، ف ۱، ح ۱۳ و ۱۰۸،

ب ۴، ح ۱۵. ۴. غیبة الطوسی: ۲۸۰.

## فصل سوم طلوع ستاره دنباله‌دار

### □ روایات اهل سنت:

(۲۸۹) فتن ابن حمّاد: ولید، کعب:

«قبل از قیام مهدی ستاره‌های دنباله‌دار از مشرق طلوع می‌کند».<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۲۹۰) کفایة الاثر: علی بن حسن بن منده، محمد بن حسین کوفی معروف به ابوالحکم،

اسماعیل بن موسی بن ابراهیم، سلیمان بن حبیب، شریک، حکیم بن جبیر، ابراهیم، علقمة بن

قیس: امام علی علیه السلام ضمن حدیثی درباره مهدی علیه السلام و قیام او فرمود:

«قیام او ده نشانه دارد: اول طلوع ستاره‌های دنباله‌دار نزدیک ستاره حادی

است...».<sup>۲</sup>

(۲۹۱) مشارق برسی: اصبع بن نباته: امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند:

«و طلوع ستاره دنباله‌دار و اقتران ستاره‌ها... وقتی همه این علامت‌ها

پیدا شد قائم بر حق ما قیام می‌کند».<sup>۳</sup>

۱. الفتن: ۶۱. عقد الدرر: ۱۱، ب ۴، ف ۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۲ برهان المتقی: ۱۰۸.

ب ۴، ف ۱، ح ۱۸. فرائد فوائد الفکر: ۶، ب ۳.

۲. کفایة الاثر: ۲۱۳ و ۲۱۹.

۳. مشارق أنوار الیقین: ۱۶۴-۱۶۶. اثبات الهداة ۱: ۵۹۸، ب ۹، ف ۲۷، ح ۵۶۸ و ۲: ۲، ب ۱۱، ف ۱۴،

ح ۱۲۸. غایة المرام: ۵۷، ب ۱۳، ح ۶۲. مدینة المعاجز: ۱۵۴. بحار الانوار ۳۶: ۳۵۴، ب ۴۱، ح ۲۲۵ و

۴۱: ۳۱۸، ب ۱۱۴، ح ۴۲ و ۳۲۹، ب ۱۱۴، ح ۵۰ و ۵۲: ۲۶۷ و ۲۶۸. العوالم ۳: ۱۹۹-۲۰۲، ح ۱۸۱.

بشارة الاسلام: ۵۷، ب ۲.

## فصل چهارم ندایی از آسمان

### □ روایات اهل سنت:

(۲۹۲) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعة، ابوقبیل، ابورومان: علی علیه السلام فرمود:  
«وقتی از آسمان ندایی آمد که حق با آل محمد علیهم السلام است، مهدی ظاهر  
می‌گردد».<sup>۱</sup>

(۲۹۳) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، سعید بن یزید تنوخی، زهری:  
«روزی که سفیانی و مهدی برای جنگ رو در رو شوند، صدایی از  
آسمان شنیده می‌شود».<sup>۲</sup>

(۲۹۴) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعة، ابوقبیل، ابورومان: علی علیه السلام فرمود:  
«ابتدای روز، ندایی از آسمان می‌آید که حق با آل محمد علیهم السلام است».<sup>۳</sup>

(۲۹۵) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم، عنبسه قرشی، سلمه بن ابی سلمه، شهر بن حوشب:  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در محرم آن سالی که سر و صدای جنگ بالا گیرد، منادی از آسمان ندا  
می‌کند: آگاه باشید که برگزیده خلق خدا فلانی است، به حرف او گوش  
کنید و او را اطاعت نمایید».<sup>۴</sup>

(۲۹۶) مصنف عبدالرزاق: عبدالرزاق، معمر به نقل از شخصی، ابن مسیب:  
«فتنه‌ای در شام خواهد افتاد که اول آن همچون بازی کودکانه است، از  
طرفی آرام شود و از جانب دیگر اوج گیرد، به همین نحو خواهد بود تا

۱. الفتن: ۹۲. ملاحم ابن المنادی: ۴۴.

۲. الفتن: ۹۳. عقد الدرر: ۱۰۶، ب ۴، ف ۳. الصراط المستقیم: ۲: ۲۵۹، ب ۱۱، ف ۱۲.

۳. الفتن: ۹۲. الصراط المستقیم: ۲: ۲۵۹، ب ۱۱، ف ۱۲.

۴. الفتن: ۹۳. عقد الدرر: ۱۰۲، ب ۴، ف ۳ و ۱۵۶، ب ۷.

اینکه منادی از آسمان ندا می‌کند: آگاه باشید که امیر شما فلانی است»<sup>۱</sup>.

(۲۹۷) مصنف ابن ابی شیبیه: حسن بن موسی، حماد بن سلمه، ابو محمد، عاصم بن عمرو بجلی: ابوامامه گفت:

«ندایی از آسمان نام مردی را می‌برد، که ذلیل آن را انکار نمی‌کند و عزیز نمی‌تواند از پذیرش آن سر باز زند»<sup>۲</sup>.

(۲۹۸) مستدرک حاکم: ابو عباس محمد بن یعقوب، حسن بن علی بن عفان عامری، یحیی بن آدم، ابوبکر بن عیاش، محمد بن عبدالله غلام مغیره بن شعبه، کعب بن علقمه، ابن حجره، عقبه بن عامر: رسول خدا ﷺ فرمود:

«پیش از قیامت ابری سیاه از جانب مغرب مثل سپر بالای سر شما می‌آید، و همواره در آسمان پیش می‌رود و همه آسمان را می‌پوشاند. آنگاه منادی ندا می‌دهد: ای مردم!

هر کس رو به دیگری کرده و می‌گوید: شنیدید؟ بعضی می‌گویند: بله. و بعضی تردید دارند. دو مرتبه ندا می‌آید: ای مردم!

باز مردم [به یکدیگر] می‌گویند: شنیدید؟! [این مرتبه همه] می‌گویند: بله. آنگاه ندا می‌آید: ای مردم، امر خدا آمد، به آن شتاب نکنید»<sup>۳</sup>.

رسول خدا ﷺ فرمود:

قسم به آنکه جانم در دستش است، [در آن موقع] چه بسا دو نفر لباسی (یا پارچه‌ای) را برای معامله پهن کرده‌اند، اما هیچ‌گاه آن را جمع یا معامله نمی‌کنند، و چه بسا شخصی منافذ لا به لای سنگ‌های حوض خود را با گل مسدود می‌کند [تا آب در آن جمع شود] اما هرگز [مزرعه‌اش را] با آن

۱. المصنف ۱۱: ۳۶۱، ح ۲۰۷۴۶. فتن ابن حماد: ۶۳ و ۹۲ و ۹۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲:

۷۵. برهان المتقی: ۷۳، ب ۱، ح ۵. فرائد فوائد الفکر: ۸، ب ۳.

۲. المصنف ۱۵: ۲۴۶، ح ۱۹۶۰۱. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۱. القول المختصر: ۲۰، ب ۳،

ح ۱. کنز العمال ۱۴: ۵۸۴، ح ۳۹۶۵۴. ۳. «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ». (نحل: ۱)

آبیاری نمی‌کند، و دیگری شتر خود را می‌دوشد اما هرگز از شیر آن نمی‌نوشد و مردم همه مشغولند [و هیچ کس به دیگری توجه ندارد].<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۲۹۹) **کفایة الاثر:** ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبیدالله، ابوطالب عبید بن احمد بن یعقوب بن نصر انباری، احمد بن محمد بن مسروق، عبدالله بن شیب، محمد بن زیاد هاشمی، سفیان بن عتبه، عمران بن داود، محمد بن الحنفیه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که ضمن حدیثی طولانی در فضل اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«ندایی به گوش می‌رسد که همه از دور و نزدیک یکسان و به وضوح می‌شنوند، آن ندا برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب خواهد بود. گفتم: آن ندا چیست؟ فرمود: سه صدا است که در ماه رجب بلند می‌شود: نخست «لعنت خداوند بر ستمگران»<sup>۲</sup>، دوم «گرفتاری هولناک فرارسید»<sup>۳</sup> و سوم: یکی از اصحاب بدر که همراه خورشید پدیدار می‌گردد<sup>۴</sup> و ندا می‌دهد: «خداوند فلان بن فلان را برانگیخت»<sup>[۲۰]</sup> و اجداد او را تا علی علیه السلام نام می‌برد. با این ندا ستمکاران هلاک می‌شوند»<sup>۵</sup>.

(۳۰۰) **مختصر البصائر:** کتابی از خطبه‌های مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدم که خط سید بن طاووس بر آن بود... از ابوروح فرج بن فروة، مسعدة بن صدقة: حضرت جعفر بن محمد علیه السلام فرمود:

«... در ماه رمضان هنگام طلوع خورشید از سمت مشرق ندایی می‌آید که ای اهل هدایت جمع شوید»<sup>۶</sup>.

۱. المستدرک علی الصحیحین ۳: ۵۳۹. عقد الدرر: ۳۳۹، ف ۸، ب ۱۲. کنز العمال ۲: ۲۹، ح ۳۰۰۵.  
 ۲. «أَلْعَنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ». (هود: ۱۸)  
 ۳. «أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ». (نجم: ۵۷)  
 ۴. □ در متن روایت «تروون بدریاً بارزاً مع قرن الشمس» است.  
 ۵. کفایة الاثر: ۱۵۶.  
 ۶. مختصر بصائر الدرجات: ۱۹۵ - ۲۰۱. الايقاظ من الهجعة: ۲۸۹، ب ۹، ح ۱۱۱. بحار الانوار ۵۳: ۷۷-۸۶، ب ۲۹، ح ۸۶

(۳۰۱) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب ابوالحسن جعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمز به نقل از پدرش و وهیب، ابوبصیر: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم در یک سال فرد قیام می‌کند:... وحشت و رعب همواره به مردم فشار می‌آورد، تا اینکه ندایی از آسمان می‌آید، چون این ندا آمد آماده حرکت شوید...»<sup>۱</sup>

(۳۰۲) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده کوفی، احمد بن محمد دینوری، علی بن حسن کوفی، عمیره بنت اوس، الحسین بن عبدالرحمن عن به نقل از پدرش و او نیز از پدرش عمرو بن سعد، روزی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیثی طولانی به حدیفة بن یمان فرمود:

«و ندای منادی از آسمان...»<sup>۲</sup>

### (۳۰۳) موالید الأئمة:

«ابری که بالای سر قائم سایه افکنده و همراه او حرکت می‌کند... با صدایی فصیح ندا می‌دهد: این است مهدی»<sup>۳</sup>.

(۳۰۴) کمال الدین: محمد بن محمد بن عصام، محمد بن یعقوب کلینی، قاسم بن علاء، اسماعیل بن علی قزوینی، علی بن اسماعیل، عاصم بن حمید حنّاط، محمد بن مسلم ثقفی طحّان: خدمت امام محمد باقر علیه السلام رفتم تا از آن حضرت در مورد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله سؤال کنم. ولی پیش از آنکه من حرفی بزنم آن حضرت بی مقدمه فرمود:

«محمد بن مسلم! قائم آل محمد به پنج پیامبر شباهت دارد... و از علائم

۱. الغیبة: ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۲۲. تاج الموالید: ۱۵۰. بحار الانوار ۵۲: ۲۳۵، ب ۲۵، ح ۱۰۳. بشارة الاسلام: ۹۲ و ۹۲، ب ۶.

۲. الغیبة: ۱۴۲، ب ۱، ح ۳. بحار الانوار ۲۸: ۷۰، ب ۲، ح ۳۱.

۳. موالید الأئمة و وفیاتهم: ۲۰۱. الصراط المستقیم ۲: ۲۶۰، ب ۱۱، ف ۱۲. اثبات الهداة ۳: ۶۱۵، ب ۳۲، ف ۱۵، ح ۱۶۳.

قیامش این است که... منادی از آسمان به نام او و پدرش ندا می دهد<sup>۱</sup>».

(۳۰۵) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین و محمد بن احمد بن حسن قطوانی، حسن بن محبوب، یعقوب سراج، جابر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«جابر! قائم زمانی ظهور می کند که مردم شام مبتلا به فتنه ای شوند، که هرچه سعی می کنند از آن بیرون روند نمی توانند، و کشتاری (جنگی) بین کوفه و حیره در می گیرد که تعداد کشته های هر دو لشکر مساوی است، و ندایی از آسمان بلند می شود»<sup>۲</sup>.

(۳۰۶) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین و محمد بن احمد بن حسن، حسن بن محبوب، علاء بن رزین، محمد بن مسلم: امام باقر علیه السلام فرمود:

«منتظر و آماده صدایی که ناگهان از طرف دمشق می آید باشید که در آن برایتان فرج [و گشایش] بزرگی است»<sup>۳</sup>.

۱ □ یعنی نام او را به تنهایی نمی برد، بلکه حتی مشخص می کند که او فرزند کیست.

۲. کمال الدین ۱: ۳۲۷، ب ۳۲، ح ۷.

۳. الغيبة: ۲۷۹، ب ۱۴، ح ۶۵. عقد الدرر: ۵۱، ب ۴، ف ۱. فرائد فوائد الفكر: ۱۴، ب ۵. اثبات الهداة ۳: ۵۸۲، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۶۷، و: ۷۳۹، ب ۳۴، ف ۹، ح ۱۱۸. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۱، ب ۲۵، ح ۱۶۲، و: ۲۹۷ و ۲۹۸، ب ۲۶، ح ۵۷. بشارة الاسلام: ۹۷، ب ۶.

۴. الغيبة: ۲۷۹، ب ۱۴، ح ۶۶. اثبات الهداة ۳: ۷۳۹، ب ۳۴، ف ۹، ح ۱۱۹. بحار الانوار ۵۲: ۲۹۸، ب ۲۶، ح ۵۸. بشارة الاسلام: ۹۷، ب ۶.

## فصل پنجم

### زلزله و قذف<sup>[۸۶]</sup>

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۰۷) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا ﷺ فرمود:

«مهدی... در حالی در امتم برانگیخته<sup>[۲۰]</sup> می‌شود که اختلافات بین مردم و زمین لرزه [زیاد] است»<sup>۱</sup>.

(۳۰۸) فتن سلیلی: عمر بن عبدالوهاب، ابوبکر محمد بن عبدالؤمن، احمد بن محمد بن غالب، الخلیل بن سالم بزاز، علاء بن رشید، عبدالواحد بن زید، الحسن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیثی به ابن عباس فرمود:

«سه خَسَف<sup>[۴۰]</sup> در مصر، شش زلزله، و قذفی<sup>[۸۶]</sup> از آسمان»<sup>۲</sup>.

(۳۰۹) أمالی شجری: الشریف ابو عبدالله محمد بن علی بن حسن حسنی بطحائی، محمد بن جعفر تمیمی، محمد بن محمد بن سعید، حسن بن علی بزیر، قاسم بن عبدالله عبیدی به نقل از پدرش، عبدالرحیم بن نصر بارقی، زید بن علی علیه السلام: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«آنگاه که... اطاعت خدا وسیله تجارت باشد و قاریان زیاد و دین پژوهان (فقها) کم شوند و دشنام به اهل تقوا رواج گیرد، منتظر بادی سرخ، خَسَف<sup>[۴۰]</sup>، مَسَخ<sup>[۱۰۱]</sup>، قَذَف<sup>[۸۶]</sup>، زمین لرزه‌ها و اتفاقات بزرگ دیگری باشید»<sup>۳</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۳۱۰) دلائل الامامة: ابوعلی نهاوندی، ابوعلی هشام بن علی سیرافی، عبدالله بن رجاء، همام، مُعلی بن زیاد، مُعلی، شخصی از طایفه مزینه، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا ﷺ از مهدی یاد کرد و فرمود:

۲. الفتن: ۱۲۴، ب ۳۹.

۱. مسند احمد ۳: ۳۷.

۳. الأمالی الشجرية ۲: ۲۶۰.



«مهدی زمانی قیام می کند که زمین لرزه و اختلاف بین مردم زیاد شود».<sup>۱</sup>

(۳۱۱) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده، احمد بن یوسف بن یعقوب

ابوالحسن جعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابوبصیر: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم قیام نمی کند، مگر وقتی که مردم به شدت در ترس و وحشت باشند و زمین لرزه زیاد شود».<sup>۲</sup>

## فصل ششم

### کسوف و خسوف در ماه رمضان

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۱۲) سنن دارقطنی: ابوسعید اصطخری، محمد بن عبدالله بن نوفل، عبید بن یعیش،

یونس بن بکیر، عمرو بن شمر، جابر: حضرت محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) فرمود:

«مهدی ما دو نشانه دارد که از آغاز خلقت سابقه نداشته: در اولین شب ماه رمضان کسوف و در نیمه آن خسوف می شود، این دو علامت از ابتدای خلقت آسمان و زمین هیچ گاه واقع نگردیده».<sup>۳</sup>

(۳۱۳) فتن ابن حنابل: ولید، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر، کثیر بن مرّة

حضر می:

«نشانه دوران مصیبت و سختی آن است که در ماه رمضان علامتی در آسمان پدیدار گردد، پس از آن اختلاف بین مردم زیاد می شود، اگر در آن زمان بودی، تا می توانی غذاهای فراوان ذخیره کن».<sup>۴</sup>

۱. دلائل الامامة: ۲۵۲. ۲. الغيبة: ۲۵۳، ب ۱۴، ح ۱۳.

۳. سنن الدارقطني: ۲، ۶۵، ح ۱۰. تذكرة القرطبي: ۲، ۷۰۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۶.

الفتاوی الحدیثیة: ۳۰، برهان المتقی: ۱۰۷، ب ۴، ح ۱۴.

۴. الفتن: ۶۰.

□ روایات شیعه:

(۳۱۴) کمال الدین: محمد بن موسی بن المتوکل، علی بن حسین سعدآبادی، احمد بن محمد بن خالد به نقل از پدرش، محمد بن ابی عمیر، ابوایوب، ابوبصیر: امام صادق علیه السلام فرمود: «قبل از قیام مهدی، روز پنجم ماه رمضان خورشید گرفتگی می‌شود».<sup>۱</sup>

(۳۱۵) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، قاسم بن محمد بن حسن بن حازم، عبیس بن هشام ناشری، عبدالله بن جبلة، الحکم بن ایمن، ورد برادر کمیت: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«پنج روز قبل از این امر (قیام مهدی) ماه گرفتگی و پانزده روز خورشید گرفتگی در ماه رمضان خواهد بود، که آنگاه حساب ستاره‌شناسان بهم می‌خورد».<sup>۲</sup>

(۳۱۶) اصول کافی: سهل بن زیاد، احمد بن محمد بن ابی نصر، ثعلبة بن میمون، بدر بن الخلیل ازدی: خدمت امام باقر علیه السلام نشسته بودم که فرمود:

«قبل از قیام مهدی دو اتفاق می‌افتد که از زمان هبوط آدم علیه السلام به زمین، هیچ گاه رخ نداده: در نیمه ماه رمضان خورشید گرفتگی و در آخر آن ماه گرفتگی می‌شود.

شخصی گفت: ای فرزند رسول خدا، خسوف در آخر ماه و کسوف در نیمه ماه؟! امام باقر علیه السلام فرمود:

می‌دانم چه می‌گویی، اما این دو نشانه هیچ گاه از زمان هبوط آدم علیه السلام اتفاق نیفتاده».<sup>۳</sup>

۱. کمال الدین ۲: ۶۵۵، ب ۵۷، ح ۲۸. اثبات الهداة ۳: ۷۲۳، ب ۳۴، ف ۴، ح ۳۷. بحار الانوار ۵۲: ۲۰۷،

ب ۲۵، ح ۴۳. بشارة الاسلام: ۱۲۵، ب ۷. منتخب الاثر: ۴۴۱، ف ۶، ب ۳، ح ۹.

۲. الغیبة: ۲۷۲، ب ۱۴، ح ۴۶. کمال الدین ۲: ۶۵۵، ب ۷۵، ح ۲۵. العدد القویة: ۶۶، ح ۹۵. اثبات الهداة

۳: ۷۲۳، ب ۳۴، ف ۴، ح ۳۵. بحار الانوار ۵۲: ۲۰۷، ب ۲۵، ح ۴۱. بشارة الاسلام: ۸۷، ب ۶. منتخب

الاثر: ۴۴، ف ۶، ب ۳، ح ۹.

۳. الکافی ۸: ۲۱۲، ح ۲۵۸. غیبة النعمانی: ۲۷۱، ب ۱۴، ح ۴۵. الارشاد: ۳۵۹.

## فصل هفتم

### ظهور نشانه‌ای بزرگ در مشرق

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۱۷) عقد الدرر: حضرت ابو عبدالله حسین بن علی علیه السلام فرمود:

«هرگاه دیدید شبها در آسمان آتش بزرگی از سمت مشرق بالا می آید، علامت فرج [و گره‌گشایی از کار] مردم و مقدمه آمدن مهدی است».<sup>۱</sup>

(۳۱۸) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: حضرت ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام

فرمود:

«موقعی که [بنی] عباس به خراسان برسند ستاره‌ای از مشرق در نزدیکی «ذو شفا» طلوع می‌کند و آن اولین ستاره‌ای بود که وقتی خداوند قوم نوح علیه السلام را غرق و هلاک نمود طلوع کرد، و وقتی که ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند، و هنگامی که خدا فرعون و همراهانش را به هلاکت رساند، و زمانی که یحیی بن زکریا علیه السلام را کشتند آن ستاره طلوع کرد. هرگاه آن ستاره را دیدید از شرق فتنه‌ها به خدا پناه برید. طلوع آن ستاره پس از گرفتگی آفتاب و ماه خواهد بود، بعد از آن طولی نمی‌کشد که «ابقع»<sup>[۲]</sup> در مصر ظهور می‌کند».<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۳۱۹) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده، احمد بن یوسف بن یعقوب

ابوالحسن جعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابوبصیر: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی آتشی سهمناک دیدید که همچون زردچوبه (به رنگ زرد و سرخ)

۱. عقد الدرر: ۱۰۶، ب ۴، ف ۳. برهان المتقی: ۱۰۹، ب ۱، ح ۲۰.

۲. الفتن: ۵۹. عقد الدرر: ۱۰۹، ب ۴، ف ۳. برهان المتقی: ۱۰۸، ب ۴، ف ۱، ح ۱۶.

است و از جانب مشرق سه روز یا هفت روز بالا می‌آید، منتظر باشید که  
- اگر خدا بخواهد - فرج آل محمد خواهد بود، خداوند عزیز و حکیم  
است.<sup>۱</sup>

(۳۲۰) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب جعفی  
ابوالحسن، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب بن حفص،  
ابوبصیر: امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی دیدید شب‌ها در آسمان آتشی بزرگ از جانب مشرق بالا می‌آید،  
نشانه فرج [و گره‌گشایی از کار] مردم خواهد بود. این واقعه مدت کمی  
پیش از آمدن قائم است.»<sup>۲</sup>

۱. الغیبة: ۲۵۳، ب ۱۴، ح ۱۳.

۲. الغیبة: ۲۶۷، ب ۱۴، ح ۳۷. اثبات الهداة ۳: ۷۳۷، ب ۳۴، ف ۹، ح ۱۰۶. بحار الانوار ۵۲: ۲۴۰،  
ب ۲۵، ح ۱۰۷. بشارة الاسلام: ۱۱۷، ب ۷. منتخب الاثر: ۴۴۴، ف ۶، ب ۲، ح ۲۲.

## باب دوازدهم

### فتنه‌ها و حوادث نزدیک به زمان ظهور

این باب شامل دو فصل است:

#### فصل اول

#### فتنه‌های پیش از ظهور

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۲۱) فتن ابن حنبل: ابن وهب، ابن لهیعة، الحرث بن زید، عبدالله بن زریر غافقی: از

علی رضی الله عنه شنیدم که فرمود:

«فتنه‌ها چهار نوعند، اول: فتنه گشایش [و نعمت]، دوم: فتنه سختی [و

تنگدستی]، سوم: فتنه فلان - آنگاه معدن طلا را ذکر کرد -، تا اینکه مردی

از عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله خروج کند و خدا کار این امت را به دست او اصلاح

نماید.»<sup>۱</sup>

(۳۲۲) کنز العمال: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروزی، ابوتقی

عبدالحمید بن ابراهیم حمضی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابوالزاهریه،

جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«فتنه‌ها یکی پس از دیگری پیش می‌آیند تا آنگاه که مردی از اهل یتیم

قیام کند...»<sup>۲</sup>

۱. الفتن: ۹ و ۱۰. عقد الدرر: ۵۷، ب ۴، ف ۱. العرف الوردی ضمن الحاوی ۲: ۶۷. برهان المتقی:

۱۱۱، ب ۴، ف ۲، ح ۳.

۲. کنز العمال ۱۱: ۱۸۴، ح ۳۱۱۴۴. مجمع الزوائد ۷: ۳۲۳.

(۳۲۳) مصنف عبدالرزاق: معمر، طارق، منذر ثوری، عاصم بن ضمره: علی علیه السلام فرمود: «در این امت پنج فتنه قرار داده شده: فتنه همگانی، فتنه اختصاصی، [دوباره] فتنه ای همگانی، [و پس از آن] فتنه ای اختصاصی، و آنگاه فتنه ای کور و کر و بسته<sup>۱</sup> که مردم در آن مثل حیوانات خواهند بود».<sup>۲</sup>

(۳۲۴) ملاحم ابن منادی: اعمش، خثیمه بن عبدالرحمن: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «آنگاه که قیامت نزدیک... و فتنه ها و آشوب ها بالا گیرد مردی از فرزندانم قیام کند».<sup>۳</sup>

(۳۲۵) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروزی، ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابوالزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیث ملاحم (آشوب ها) فرمود: «... پس از فتح شام، فتنه ای غبار آلود و تاریک<sup>۴</sup> ظاهر می شود، تا مردی از خاندانم به نام «مهدی» ظهور می کند. اگر در زمان او [زنده] بودی، از وی پیروی کن تا از هدایت یافتگان باشی».<sup>۵</sup>

(۳۲۶) أمالی شجری: ابومحمد عبدالله بن عمر بن عبدالله بن رشته، ابوالطیب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله عطار، عباس بن حماد بن فضاله، عمرو بن ابی حارث، عبدالملک بن عبدالعزیز، کوثر بن حلیم، نافع، ابن عمر: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت نشود تا آنگاه که خداوند امیرانی برانگیزد<sup>[۲۰]</sup>... خداوند نیز فتنه ای غبار آلود و ظلمانی بر ایشان افکند که در آن حیران و سرگردان مانند همان گونه که یهود در ظلمت ها سرگردان شدند».<sup>۶</sup>

۱ □ یعنی در آن فتنه مردم چشم و گوش و فهم برای درک حقایق ندارد.

۲. المصنف ۱۱: ۳۵۶ و ۳۵۷، ح ۲۰۷۳۳. مصنف ابن ابی شیبه ۱۵: ۲۴، ح ۱۹۰۰۴.

۳. الملاحم: ۹۱. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۴ کنز العمال ۱۴: ۵۹۱، ح ۳۹۶۷۸.

۴ □ کنایه از سردرگمی و گمراهی.

۵. المعجم الكبير ۱۸: ۵۱، ح ۹۱. مجمع الزوائد ۷: ۳۲۳.

۶. الأمالی الشجرية ۲: ۲۵۷.

(۳۲۷) سنن دانی: عبدالرحمن بن عثمان بن عفان، قاسم بن أصبغ، احمد بن زهير، محمد بن صلت اسدی، فطر بن عبدالله خشاب، حکم بن عتیبه: به محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) گفتم: شنیده‌ایم یک نفر از شما قیام می‌کند و عدل را در این امت اجرا می‌نماید. فرمود: «ما امید همان داریم که مردم به آن امید دارند، ما به این امید هستیم که اگر یک روز هم به آخر دنیا مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی کند که امید مردم محقق گردد، اما قبل از آن فتنه‌ای سخت پیا شود که شخص امروز مؤمن است، ولی فردا صبح کافر می‌شود، و [یا] صبح مؤمن است، ولی شب همان روز کافر می‌شود؛ اگر در آن زمان بودید از خدا بترسید، مراقب دینتان باشید و در خانه‌هایتان بمانید»<sup>۱</sup>.

(۳۲۸) فتن ابن حماد: محمد بن عبدالله، عبدالسلام بن مسلمة، ابوقبیل:

«تا وقتی حکومت بنی عباس برقرار است مردم در خیر و رفاه هستند، اما وقتی حکومت آنها منقرض شد، همواره در فتنه خواهند بود تا مهدی قیام کند»<sup>۲</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۳۲۹) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، ابوعلی حسن بن محمد نهاوندی، عباس بن مطر همدانی، اسماعیل بن علی مقرئ، محمد بن سلیمان، ابو جعفر عرجی، محمد بن یزید، سعید بن عبایه، سلمان فارسی: امیر مؤمنان علیه السلام در مدینه برای ما سخنرانی می‌کرد و از نزدیکی فتنه و قیام فرزند قائمش و عدالت گسترانی او سخن می‌گفت. سلمان گوید: وقتی کسی نزد آن حضرت نبود خدمتش رسیدم و گفتم: ای امیر مؤمنان، قائم فرزندان شما کی قیام می‌کند؟ آن حضرت آهی عمیق کشید و فرمود: «قائم در دورانی ظهور می‌کند که... فتنه ظاهر شود، وقایعی در عراق و

۱. السنن الواردة في الفتن: ۱۶۱ و ۱۶۲. عقد الدرر: ۶۱، ب ۴، ف ۱ و ۱۵۱، ب ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۱ برهان المتقی: ۱۰۴، ب ۴، ف ۱، ح ۷.

۲. الفتن: ۵۶. عقد الدرر: ۴۸، ب ۴، ح ۱. برهان المتقی: ۱۴۶، ب ۶، ح ۱۸. القول المختصر: ۲۶، ب ۳، ح ۵۰.

فتنه‌هایی در همه جا اتفاق افتد... آن هنگام پرچم‌هایی (لشکرهایی) از مغرب و مشرق می‌آیند و اعلام فتنه در جهان می‌نمایند... در آن وقت مهدی قیام می‌کند».<sup>۱</sup>

(۳۳۰) اثبات الهداة: امام علی علیه السلام فرمود:

«... آنگاه فتنه تیره و گردن‌بند قرمز که قائم حق در میان آن است... چون این علامات کامل شد قائم بر حق ما قیام می‌کند».<sup>۲</sup>

(۳۳۱) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده کوفی، احمد بن محمد

دینوری، علی بن حسن کوفی، عمیره بنت اوس، الحصین بن عبدالرحمن عن به نقل از پدرش و او نیز از پدرش عمرو بن سعد: روزی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیثی طولانی به حذیفة بن یمان فرمود:

«... تا آن زمان که فرزند من از دیدگان پنهان شود<sup>۳</sup>... فتنه سر برآرد، و بلا نازل گردد، و آتش نژادپرستی برافروزد... او می‌بیند اما دیده نمی‌شود، تا زمان و وعده‌اش فرا رسد و منادی از آسمان آواز دهد، آن روز، روز شادی... است».<sup>۴</sup>

۱. دلائل الامامة: ۲۵۳ و ۲۵۴. العدد القویة: ۷۵. ح ۱۲۶. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۵، ب ۲۵، ح ۱۶۸.

۲. اثبات الهداة ۱: ۵۹۸، ب ۹، ف ۲۷، ح ۵۶۸ و ۲: ۴۴۲، ب ۱۱، ف ۱۴، ح ۱۲۸ قسمتی از حدیث در کفایة الاثر است. غایة المرام: ۵۷، ب ۱۳، ح ۶۲.

۳. «حتى اذا غاب المتغيب من ولدي».

۴. الغيبة: ۱۴۲، ب ۱، ح ۳. بحار الانوار ۲۸: ۷۰، ب ۵، ح ۳۱.



## فصل دوم

### فتنه‌های همزمان با ظهور

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۳۲) مصنف عبدالرزاق: عبدالرزاق، معمر به نقل از شخصی، ابن مستیب:

«فتنه‌ای در شام خواهد افتاد که اول آن بچه‌بازی است، از طرفی آرام و از جانب دیگر اوج می‌گیرد، به همین نحو خواهد بود تا اینکه منادی از آسمان ندا می‌دهد: آگاه باشید که امیر شما فلانی است»<sup>۱</sup>.

(۳۳۳) فتن ابن حماد: رشدین، ابن لهیعة، عیاش بن عباس زرقی، ابن زریر، علی رضی الله عنه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند کسی را بر اهل شام مسلط می‌کند تا جمعیت آنها را به طوری متفرق سازد که اگر روباه‌ها با شامیان بجنگند بر آنها پیروز می‌شوند. در آن زمان مردی از اهل بیتم با سه بیرق قیام می‌کند، کسانی که زیاد شمرند گویند تعداد آنها پانزده هزار و کسانی که کم شمرند گویند دوازده هزار نفرند، علامت آنها «أَمِتْ أَمِتْ»<sup>۱۱۳۱</sup> است. هر کدام از صاحبان بیرق‌ها در پی حکومت است یا دیگران می‌خواهند او را به حکومت برسانند، پس خدا همه آنها را می‌کشد، آنگاه الفت و نعمت و آزادی بیان<sup>۲</sup> را به مسلمانان برمی‌گرداند»<sup>۳</sup>.

(۳۳۴) فتن سلیلی: محمد بن جریر، ابن حمید، الحکم، خلاد بن أسلم الصفار، عبدالله بن

عیسی، عبدالله بن الحرث به نقل از پدرش، عبدالله بن عمر:

۱. المصنف ۱۱: ۳۶۱، ح ۲۰۷۴۶. فتن ابن حماد: ۶۳ و ۹۲ و ۹۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲:

۷۵. برهان المتقی: ۷۳، ب ۱، ح ۵. فرائد فوائد الفکر: ۸ ب ۳.

□ عبارت متن: «و یرد الله علی المسلمین إفتهم و قاصتهم و بزارتهم» است. در روایت دیگری آمده: به آن حضرت گفتیم: «قاصه» و «بزاره» چیست؟ فرمود: حکومت را می‌گیرد، به طوری که هر کس بدون ترس و وا همه هر چه خواست می‌گوید.

۳. الفتن: ۹۶ و ۹۷.

«فتنه‌ای پیا شود که آن را فتنه «سییظه» گویند و هر دو طرف درگیری در آن اهل آتش خواهند بود!»

گفتم: آنها مسلمان‌اند؟ گفت: آری مسلمان‌اند!

پرسیدم: آنها مسلمان‌اند؟ گفت: آری، آنها مسلمان‌اند!

گفتم: پس چرا وارد آتش می‌شوند؟

گفت: چون سبب درگیریشان امر دنیاست نه امر خدا... بعد از آن خداوند

مردی را می‌فرستد که زمین را پر از عدل و داد کند...»<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۳۳۵) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفصل و سعدان بن اسحاق

بن سعید و احمد بن حسین و محمد بن احمد بن حسن قطوانی، حسن بن محبوب، یعقوب سراج، جابر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«جابر! قائم زمانی ظاهر می‌شود که مردم شام به فتنه‌ای مبتلا گردند و هرچه سعی کنند از آن بیرون روند نتوانند. جنگی بین کوفه و حیره درگیرد که تعداد کشته‌های هر دو لشکر مساوی است، و ندایی از آسمان بلند شود»<sup>۲</sup>.

(۳۳۶) مناقب ابن شهر آشوب: علی علیه السلام ضمن کلامی طولانی فرمود:

«و غلبه روم بر شام... و پیدا شدن پرچم دجال لعین»<sup>۳</sup>.

۱. الفتن: ۱۲۱، ب ۳۲.

۲. الغیبة: ۲۷۹، ب ۱۴، ۶۵. عقد الدرر: ۵۱، ب ۴، ف ۱. فرائد فوائد الفکر: ۱۴، ب ۵. اثبات الهداة ۳:

۵۸۲، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۶۷، و: ۷۳۹، ب ۳۴، ف ۹، ح ۱۱۸. بحار الانوار ۵۲: ۲۷۱، ب ۲۵، ح ۱۶۲، و:

۲۹۷ و ۲۹۸، ب ۲۶، ح ۵۷. بشارة الاسلام: ۹۷، ب ۶.

۳. مناقب ابن شهر آشوب ۲: ۲۷۴. بحار الانوار ۴۱: ۳۱۹، ب ۱۱۴، ح ۴۲.

## باب سیزدهم

### منتظران و زمینه سازان ظهور

این باب شامل سه فصل است:

#### فصل اول

#### جنبش‌های مقدماتی و دائمی

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۳۷) سنن دانی: عبدالله بن عمرو، عتاب بن هارون، فضل بن عبیدالله، یحیی بن زکریا بن حیویه نیشابوری، محمد بن یحیی، محمد بن سلمه، ابوواصل بن عبید، جابر بن عبدالله: رسول خدا ﷺ فرمود:

«همواره گروهی از امت برای پایداری حق می‌جنگند تا وقتی که عیسی بن مریم... نزد مهدی نازل شود».<sup>۱</sup>

(۳۳۸) مسند احمد: موسی، ابن لهیعة، ابوزبیر: جابر از رسول خدا ﷺ شنید که فرمود: «عده‌ای از امت همواره برای دوام حق و پابرجایی آن با مخالفان نبرد می‌کنند و نبرد خود را تا قیامت ادامه می‌دهند. عیسی بن مریم ﷺ نیز نازل می‌شود، امیر مسلمانان به او پیشنهاد می‌کند که پیش بایستید و نماز گزارید تا به شما اقتدا کنیم. عیسی ﷺ می‌گوید: نه، خداوند برای بزرگداشت این امت بعضی از خودشان را بر دیگران امیر قرار داده».<sup>۲</sup>

۱. السنن الواردة في الفتن: ۱۴۳.

۲. مُسْنَدُ أَحْمَد: ۳: ۳۴۵ و ۳۴۸. صحيح مسلم: ۱: ۱۳۷، ب: ۷۱، ح: ۲۴۷ و ۳: ۵۳، ح: ۱۹۲۳. مسند أبي يعلى: ۴: ۶۰، ح: ۲۰۷۸ و ۲: ۸۲۶، ح: ۱۱۶۴. مسند أبي عوانة: ۱: ۱۰۶. السنن الواردة في الفتن: ۱۴۳.

(۳۳۹) فردوس الاخبار: ابوهریره: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام بر هشتصد مرد و چهارصد زن نازل می شود که بهترین انسان های روی زمین و صالح ترین گذشتگان هستند».<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۳۴۰) بشارة المصطفی: امام حسن علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«همیشه در امت من گروهی هستند که برای حق می جنگند و پیروز می شوند، تا اینکه عیسی بن مریم علیه السلام نازل می گردد».<sup>۲</sup>

(۳۴۱) مجمع البیان: ربیع بن انس: پیامبر صلی الله علیه و آله آیه «از آنان که آفریدیم گروهی به حق

هدایت و به حق حکم می کنند»<sup>۳</sup> را خواند و فرمود:

«تا زمان نزول عیسی بن مریم علیه السلام گروهی از امت بر حق خواهند بود».<sup>۴</sup>

### فصل دوم

#### زمینه سازان قیام در مشرق

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۴۲) فتن ابن حمّاد: محمد بن فضیل، عبدالله بن ادریس و جریر، یزید بن ابی زیاد،

ابراهیم، علقمه، عبدالله: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که چند نفر از جوانان بنی هاشم آمدند.

رنگ آن حضرت تغییر کرد. گفتیم: ای رسول خدا، همچنان در چهره شما چیزی

می بینیم که طاقت دیدن آن را نداریم! فرمود:

«... قومی دو یا سه مرتبه از این سوی [یعنی] از جانب مشرق با

پرچمهای سیاه به طلب حق قیام کنند، اما حق را به آنها نمی دهند، باز هم

۱. فردوس الاخبار ۵: ۵۱۵، ح ۸۹۳۵ کتر العمال ۱۴: ۳۳۸، ح ۳۸۸۶۳. تصریح کشمیری: ۲۵۴، ح ۶۹.

۲. بشارة المصطفی: ۲۴۹.

۳. «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ». (اعراف: ۱۸۱)

۴. مجمع البیان ۴: ۵۰۳. تفسیر الصافی ۲: ۲۵۶. غایة المرام: ۴۲۸، ب ۱۸۶، ح ۷. تفسیر نور الثقلین ۲: ۳۸۶.

نبرد می‌کنند تا اینکه پیروز شده و حق را می‌گیرند، اما قبولش نمی‌کنند تا اینکه آن را به مردی از اهل بیت من بسپارند که دنیا را پر از عدل سازد چونان که دیگران پر از ظلم کردند. هر کس از شما آن زمان را درک نمود به آنها پیوندد اگر چه به رفتن از روی برف باشد. آن مرد مهدی است.»<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۳۴۳) دلائل الامامة: ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبری، ابو عبدالله محمد بن زید بن علی خفری، محمد بن حسین بن حفص، اسماعیل بن اسحاق بن راشد، یحیی بن سالم، مطرب بن خلیفه و صباح بن یحیی المزنی و مندلی بن علی، یزید بن ابی زیاد، ابراهیم نخعی، علقمه، عبدالله بن مسعود: روزی در خدمت پیامبر ﷺ بودیم که عده‌ای از جوانان بنی‌هاشم آمدند. با دیدن آنها دیدگان آن حضرت پر از اشک شد و رنگ مبارکش تغییر کرد. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا، چیز ناراحت کننده‌ای دیدید؟ فرمود:

«ما اهل بیتی هستیم که خداوند برایمان آخرت را بر دنیا ترجیح داده. بعد از من این اهل بیت مبتلا و تبعید و آواره می‌گردند، تا آنگاه که قومی دو یا سه مرتبه از اینجا [یعنی] از جانب مشرق با پرچم‌های سیاه به طلب حق قیام نمایند، اما حق را به آنها نمی‌دهند، باز هم نبرد می‌کنند تا اینکه پیروز شده و حق را می‌گیرند، اما قبول نمی‌کنند تا اینکه آن را به مردی از اهل بیت من بسپارند که دنیا را پر از عدل کند چونان که دیگران پر از ظلم کردند. هر کس از شما آن زمان را درک نمود به آنها پیوندد، اگر چه به رفتن از روی برف باشد.»<sup>۲</sup>

۱. الفتن: ۸۴ میزان الاعتدال ۴: ۴۲۳، شماره ۹۶۹۵. المنار المنیف: ۱۴۹، ف ۵۰، ح ۳۴۱. فتن ابن کثیر ۱: ۴۱. مقدمه ابن خلدون: ۲۵۱، ف ۵۳. الفصول المهمة: ۲۹۴، ف ۱۲. الدر المنثور ۶: ۵۸. الخصائص الكبرى ۲: ۱۱۹. برهان المتقی: ۹۰، ف ۲، ح ۶. کنز العمال ۱۴: ۲۶۷، ح ۳۸۶۷۷. ینایع المودة: ۱۳۵، ب ۴۵ و: ۱۹۳، ب ۵۶. الاذاعة: ۱۳۱. العطر الوردی: ۵۳. عقد الدرر: ۱۳۰، ب ۵.  
۲. دلائل الامامة: ۲۳۳ و ۲۳۵. العدد القویة: ۹۰، ح ۱۵۶ و: ۹۱، ح ۱۵۷. بحار الانوار ۵۱: ۸۲، ب ۱، ح ۳۷. منتخب الاثر: ۱۷۰، ف ۲، ب ۱، ح ۸۶ و ۸۷.

(۳۴۴) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، علی بن حسن عن أخیه محمد بن حسن به نقل از پدرش، احمد بن عمر حلبی، حسین بن موسی، معمر بن یحیی بن سام، ابو خالد کابلی: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«گویی قومی را می بینم که از مشرق خروج کرده و خواستار حقّند ولی به آنان داده نمی شود، دوباره خواستار حقّشان شوند و به آنان ندهند، چون چنین می بینند شمشیرها را بر دوش گیرند، این مرتبه حقّشان را می دهند ولی آنان نپذیرند تا آنکه قیام کنند و آن (حکومت) را فقط به صاحب شما خواهند داد. کشته های آنان شهید هستند، و اگر من آن روز را درک می کردم جان خود را برای یاری صاحب این امر نگاه می داشتم».<sup>۱</sup>

(۳۴۵) الايقاظ من الهجعة: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«جابر، هرگاه... لشکرهای خراسان حرکت کنند و شعیب بن صالح تمیمی از میان طالقان بخروشد و در خوزستان با سعید سوسی بیعت کنند... آماده ظهور کسی باشید که بر کوه طور از داخل درخت با موسی علیه السلام سخن گفت، او ظاهر می شود و پرده از او کنار می رود».<sup>۲</sup>

(۳۴۶) بحار الانوار: عفاً بصری: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

«می دانی چرا این شهر را «قم» نامیده اند؟

گفتم: خدا و پیغمبر بهتر می دانند. فرمود:

آن شهر را «قم» نامیدند، چون اهل آنجا گرد «قائم» جمع می شوند، همراه او «قیام» می کنند و با او استقامت می ورزند و یاریش می نمایند».<sup>۳</sup>

(۳۴۷) بحار الانوار: محمد بن حسین بن ابی الخطاب، محمد بن حسن حضرمی، محمد

بن بهلول، ابو مسلم عبدی: امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. الغيبة: ۲۷۳، ب ۱۴، ح ۵۰. بحار الانوار ۵۲: ۲۴۳، ب ۲۵، ح ۱۱۶.

۲. الايقاظ من الهجعة: ۳۷۵، ب ۱۰، ح ۱۴۰.

۳. بحار الانوار ۶۰: ۲۱۶، ب ۳۶، ح ۳۸. منتخب الاثر: ۴۸۵، ف ۸، ب ۱، ح ۵.

«خاک «قم» مقدّس است، اهل آنجا از ما و ما از آنهایم، تا وقتی آنها به برادران خود خیانت نکنند هر ظالمی نسبت به آنها نیت بدی نماید بی درنگ در عقوبت گرفتار آید، اما وقتی به یکدیگر خیانت کردند خداوند ظالمان بدکرداری بر آنها مسلّط می‌فرماید. مردم قم یاران قائم ما و طلب‌کنندگان حق هستند.»<sup>۱</sup>

## فصل سوم

### زمینه‌سازان قیام در مغرب

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۴۸) فتن ابن حمّاد: ابو یوسف، محمّد بن عبیدالله بن یزید بن سندی، کعب: «علامت قیام مهدی پرچم‌هایی است که از مغرب می‌آیند، سرکرده آنها مرد فلجی از قبیله «کنده» است.»<sup>۲</sup>

(۳۴۹) فتن ابن حمّاد: رشدین، ابن لهیعة، ابوقبیل، شفی، تبع، کعب: «در آفریقا امیری به مدّت دوازده سال حکومت می‌کند، بعد از او فتنه می‌شود، آنگاه مردی گندم‌گون به حکومت می‌رسد و زمین را پر از عدل می‌نماید و بعد از آن به سوی مهدی علیه السلام می‌رود و مطیع او شده از طرف او می‌جنگد.»<sup>۳</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۳۵۰) غیبة النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی، محمّد بن موسی، احمد بن ابی احمد معروف به ابو جعفر وراق، اسماعیل بن عیاش، مهاجر بن حکیم، مغیره بن سعید: امام

۱. بحار الانوار ۶۰: ۲۱۸، ب ۳۶، ح ۴۹.

۲. الفتن: ۹۱، ملاحم ابن المنادی: ۴۴. السنن الواردة في الفتن: ۷۳. عقد الدرر: ۵۱، ب ۴، ف ۱.

۳. الفتن: ۸۵، ح ۹۰۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۸. برهان المتقی: ۱۹۴، ب ۷، ح ۸ و ۹. فرائد فوائد الفکر: ۱۷، ب ۵.

محمد باقر علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«... پرچم‌های زردی که از مغرب می‌آید تا آنکه به شام می‌رسد، و این هنگامی است که بزرگترین گرفتاری و مرگ سرخ روی دهد... آنگاه که چنین شود، منتظر خروج [و قیام] مهدی علیه السلام باشید.»<sup>۱</sup>

---

۱. الغیبة: ۳۰۵ و ۳۰۶، ب ۱۸، ح ۱۶. البدء والتاریخ ۲: ۱۷۷. غیبة الطوسی: ۲۷۷. الخرائج ۳: ۱۱۵۱، ب ۲۰، ح ۵۸ و ۷۶، ح ۱۲۷. منتخب الأنوار المضية: ۲۹، ف ۳. اثبات الهداة ۳: ۷۳۰، ب ۳۴، ف ۶، ح ۶۹. بحار الأنوار ۵۲: ۲۱۶، ب ۲۵، ح ۷۳ و ۲۵۳، ب ۲۵، ح ۱۴۴. بشارة الاسلام: ۵۳، ب ۲.



## باب چهاردهم

### اصحاب و یاران خاص مهدی علیه السلام

این باب شامل شش فصل است:

#### فصل اول

#### تعداد اصحاب

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۵۱) مستدرک حاکم: ابوالعباس محمد بن یعقوب، حسن بن علی بن عقیان عامری، عمرو بن محمد عنقزی، یونس بن ابی اسحاق، عمار دهنی، ابوطیفیل، محمد بن الحنفیه: در محضر علی علیه السلام بودیم، مردی از آن حضرت درباره مهدی پرسید. علی علیه السلام ضمن سخنانی فرمود:

«او در آخر الزمان خروج می کند، زمانی که اگر کسی گفت «خدا خدا»، کشته می شود، خداوند قومی را مثل پاره های ابر برای او گرد هم می آورد و دلهایشان را به هم پیوند می دهد، از هیچ کس نمی هراسند، و با اضافه شدن هر نفر به تعدادشان خوشحال نمی گردند [چون ضعیف نیستند]، آنها به تعداد اصحاب بدر هستند»<sup>۱</sup>.

(۳۵۲) عقد الدرر: عبدالله بن عباس:

«... یاران او (مهدی) از اهل شام هستند و سیصد و سیزده نفرند، به تعداد اصحاب بدر»<sup>۲</sup>.

۱. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۵۴. عقد الدرر: ۵۹، ب ۴، ف ۱ و ۱۳۱، ب ۵. مقدمه ابن خلدون: ۲۵۲ و ۲۵۳، ف ۵۳.

۲. عقد الدرر: ۱۲۳، ب ۵. الفتن: ۹۴. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۶. الفتاوی الحدیثیة: ۳۰. القول المختصر: ۱۹، ب ۲، ح ۲۹.

(۳۵۳) مجمع الزوائد: أم سلمة: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... سیصد و سیزده نفر گرد او (مهدی) جمع می آیند که تعدادی از آنها زن هستند... او هفت سال زندگی می کند، پس از آن چیزهای زیر زمین از آنچه روی زمین است بارزش تر خواهد بود»<sup>۱</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۳۵۴) غيبة الطوسی: فضل بن شاذان، احمد بن عمر بن مسلم، حسن بن عقبه نهمی،

ابو اسحاق بنا، جابر جعفی: امام باقر علیه السلام فرمود:

«سیصد و اندی نفر، یعنی به تعداد اصحاب بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می کنند»<sup>۲</sup>.

(۳۵۵) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، احمد بن محمد ایادی، ابوبصیر: امام

باقر علیه السلام فرمود:

«قائم با سیصد و سیزده مرد از یارانش در ذی طوی<sup>[۴۹]</sup> منتظر قیام است...».

علی بن ابی حمزه گوید: این حدیث را برای امام موسی کاظم علیه السلام هم نقل کردم.<sup>۳</sup>

(۳۵۶) غيبة النعمانی: احمد بن هوزه ابو سلیمان، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن

حماد انصاری، ابو جارود: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«یاران قائم سیصد و سیزده نفر از غیر عرب هستند...»<sup>۴</sup>.

(۳۵۷) غيبة النعمانی: محمد بن همام و محمد بن حسن بن محمد بن جمهور، حسن بن

۱. مجمع الزوائد ۷: ۳۱۵.

۲. غيبة الطوسی: ۲۸۴. تاج الموالید: ۱۵۱. اثبات الهداة ۳: ۵۱۷ و ۵۱۸، ب ۳۲، ف ۱۱، ح ۳۷۸. بحار

الانوار ۵۲: ۳۳۴، ب ۲۷، ح ۶۴. منتخب الاثر: ۴۶۸، ف ۶، ب ۱۱، ح ۲.

۳. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۶، ب ۲۶، ح ۸۰. اثبات الهداة ۳: ۵۸۲، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۷۲.

۴. الغيبة: ۳۱۵، ب ۲۰، ح ۸. اثبات الهداة ۳: ۵۴۷، ب ۳۲، ف ۲۷، ح ۵۴۰. بحار الانوار ۵۲: ۳۶۹ و

۳۷۰، ب ۲۷، ح ۱۵۷.

محمد بن جمهور به نقل از پدرش، سماعة بن مهران، ابو جارود، قاسم بن ولید همدانی، حارث الأعور همدانی: امیر مؤمنان علیه السلام روی منبر فرمود:

«هنگامی که خاطب (خطیب) <sup>۱</sup> بمیرد، و صاحب زمان از دیده‌ها پنهان شود، و دل‌هایی باقی بماند که منقلب (زیر و رو) گردد، به طوری که بعضی پر خیر و برکت و بعضی دیگر بی‌خیر و برکت باشد، آرزومندان [ظهور] هلاک و پراکنده گردند، و مؤمنان باقی و ثابت بمانند، و چه اندک هستند! سیصد نفر یا بیشتر خواهند بود...» <sup>۲</sup>

(۳۵۸) کمال الدین: حسین بن احمد بن ادریس به نقل از پدرش، احمد بن محمد بن عیسی، حسین بن سعید، ابن ابی عمیر، ابو آیوب، ابوبصیر: مردی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم خروج می‌کنند؟ می‌گویند سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر همراه او قیام می‌کنند! آن حضرت فرمود:

«قائم خروج نکند، مگر با افراد نیرومند و افراد نیرومند از ده هزار نفر کمتر نیستند.» <sup>۳</sup>

(۳۵۹) بصائر الدرجات: محمد بن حسین، موسی بن سعدان، عبدالله بن قاسم، مالک بن عطیه، ابان بن تغلب: امام صادق علیه السلام فرمود:

«به زودی از این مسجدتان - یعنی مکه - سیصد و سیزده مرد می‌آیند...» <sup>۴</sup>

□ علامه مجلسی علیه السلام در توضیح این حدیث می‌فرماید: شاید مقصود از «خاطب» طالب و خواستار خلافت باشد، و یا خطیبی که اقدام به کار خلاف حق می‌کند. اگر «خاطب» خوانده شود، به معنی «هیزم کش» جهنم است و مقصود کسی است که در خطبه ذکر شده. زیرا به خاطر دارم که این خطبه طولانی را دیده‌ام و بسیاری از حوادث آینده را حضرت در آن خبر داده است.

۲. الغیبة: ۱۹۵ و ۱۹۶، ب ۱۱، ح ۴. بحار الانوار ۵۲: ۱۳۷، ب ۲۲، ح ۴۲.
۳. کمال الدین ۲: ۶۵۴، ب ۵۷، ح ۲۰. العدد القویة: ۶۵، ح ۹۲. اثبات الهداة ۳: ۴۹۱، ب ۳۲، ف ۵، ح ۲۳۴. حلیة الابرار ۲: ۵۸۵، ب ۲۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۲۳، ب ۲۷، ح ۳۳. تفسیر نور الثقلین ۱: ۳۸۷، ح ۳۴۱ و ۴: ۸۶، ح ۵۷.
۴. بصائر الدرجات: ۳۱۱، ب ۱۸، ح ۱۱. غیبة النعمانی: ۳۱۳، ب ۲۰، ح ۵ و ۳۱۴، ب ۲۰، ح ۷.

(۳۶۰) **دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، محمد بن همام، احمد بن حسین معروف به ابن ابی القاسم به نقل از پدرش، حسن بن علی، ابراهیم بن محمد، محمد بن حمران به نقل از پدرش، یونس بن ظبیان: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که آن حضرت سخن از اصحاب قائم علیه السلام به میان آورد و فرمود:**  
**«سیصد و سیزده نفر هستند که هر کدام گمان می برد تعدادشان سیصد نفر است.»<sup>۱</sup>**

(۳۶۱) **کمال الدین: محمد بن احمد شیبانی، محمد بن ابی عبدالله کوفی، سهل بن زیاد ادمی، عبدالعظیم بن عبدالله حسنی: به محمد بن علی بن موسی علیه السلام (امام جواد علیه السلام) گفتم: من امیدوارم که شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده! آن حضرت ضمن سخنانی طولانی فرمود:**  
**«... یاران او سیصد و سیزده مرد به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین هستند، و این مصداق آیه «أَئِنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً إِنَّ اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۲</sup> می باشد...»<sup>۳</sup>**

## فصل دوم

### نام و وطن اصحاب

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۶۲) **تاریخ ابن عساکر: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:**  
**«هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند خداوند اهل مشرق و مغرب را برای او جمع می نماید، پس بسان پاره های ابر پاییزی به هم می پیوندند، رُفقا از اهل کوفه و ابدال از اهل شام هستند.»<sup>۴</sup>**

۱. دلائل الامامة: ۳۲۰. منتخب الاثر: ۴۸۶، ف ۸ ب ۲، ح ۳.

۲. «هر جا که باشید، خداوند همگی شما را می آورد، خداوند بر همه چیز تواناست». (بقره: ۱۴۸)

۳. کمال الدین ۲: ۳۷۷، ب ۳۶، ح ۲. کفایة الاثر: ۲۷۷. اعلام الوری: ۴۰۹، ح ۲. الاحتجاج ۲: ۴۴۹.

۴. تهذیب تاریخ دمشق ۱: ۶۳. مختصر تاریخ دمشق ۱: ۱۱۴. الصواعق المحرقة: ۱۶۵، ب ۱۱، ح ۱.

(۳۶۳) فتن سلیلی: حسن بن علی المالکی، ابوالنصر علی بن حمید رافعی، محمد بن هیشم بصری، سلیمان بن عثمان نخعی، سعید بن طارق، سلمه بن انس، اصبع بن نباته: امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای از مهدی و قیام همراهانش سخن به میان آورد و نام‌های آنها را ذکر فرمود. ابو خالد حلبی به آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! خصوصیات او را برای ما بگویید. فرمود: او در ظاهر و باطن شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله است. آیا برایتان از یارانش و تعداد آنها بگویم؟ گفتند: آری ای امیر مؤمنان.

علی علیه السلام فرمود: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گفت:  
«اولین آنها از بصره و آخرینشان از یمامه<sup>[۱۱۵]</sup> است.»

آنگاه شروع به شمارش یاران مهدی نمود و مردم می‌نوشتند:

- از بصره دو نفر (۲) - از اهواز دو نفر (۴) - از عسکر مکرم<sup>[۷۸]</sup> یک نفر
- (۵) - از شوشتر یک نفر (۶) - از دورق<sup>[۴۶]</sup> یک نفر (۷) - از باستان یک نفر
- به نام علی (۸) - سه نفر از اسمه به نام‌های احمد، عبدالله و جعفر (۱۱) - از عمان دو نفر به نام‌های محمد و حسن (۱۳) - از سیراف<sup>[۶۶]</sup> دو نفر به نام‌های شداد و شدید (۱۵) - از شیراز سه نفر به نام‌های حفص، یعقوب و علی (۱۸) - از اصفهان چهار نفر به نام‌های موسی، علی، عبدالله و غلفان
- (۲۲) - از ابدح یک نفر به نام یحیی (۲۳) - از مرج<sup>[۱۰۰]</sup> (یا عرج) یک نفر به نام داود (۲۴) - از کرخ<sup>[۹۷]</sup> یک نفر به نام عبدالله (۲۵) - از بروجرد یک نفر به نام قدیم (۲۶) - از نهاوند یک نفر به نام عبدالرزاق (۲۷) - از دینور<sup>[۴۷]</sup> دو نفر به نام‌های عبدالله و عبدالصمد (۲۹) - از همدان سه نفر به نام‌های جعفر، اسحاق و موسی (۳۲) - از قم ده نفر که همنام اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند (۴۲) - از خراسان یک نفر به نام درید و پنج نفر دیگر همنام اصحاب کهف (۴۸) - از امل یک نفر (۴۹) - از گرگان یک نفر (۵۰) - از هرات<sup>[۱۱۱]</sup> یک نفر (۵۱) - از بلخ<sup>[۲۴]</sup> یک نفر (۵۲) - از قراح<sup>[۸۷]</sup> یک نفر
- (۵۳) - از عانه<sup>[۷۴]</sup> یک نفر (۵۴) - از دامغان یک نفر (۵۵) - از سرخس یک نفر (۵۶) - از سیار<sup>[۶۵]</sup> سه نفر (۵۹) - از ساوه یک نفر (۶۰) - از سمرقند

یک نفر (۶۱) - از طالقان بیست و چهار نفر (۸۵). اینها همانان هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌شان فرمود: در خراسان گنج‌هایی است نه از طلا و نقره، بلکه مردانی هستند که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را گرد هم می‌آورند.

از قزوین دو نفر (۸۷) - از فارس یک نفر (۸۸) - از ابهر یک نفر (۸۹) - از برجان<sup>[۱۲۱]</sup> یک نفر (۹۰) - از جموح یک نفر (۹۱) - از شاخ یک نفر (۹۲) - از صریح یک نفر (۹۳) - از اردبیل یک نفر (۹۴) - از مراد<sup>[۹۹]</sup> یک نفر (۹۵) - از تدمر<sup>[۱۲۸]</sup> یک نفر (۹۶) - از ارمینیه یک نفر (۹۷) - از مراغه سه نفر (۱۰۰) - از خوی یک نفر (۱۰۱) - از سلماس یک نفر (۱۰۲) - از اردبیل یک نفر (تکراری) (۱۰۳) - از بدلیس<sup>[۱۱۹]</sup> یک نفر (۱۰۴) - از نسور یک نفر (۱۰۵) - از برکری یک نفر (۱۰۶) - از سرخیس یک نفر (۱۰۷) - از منارجرد یک نفر (۱۰۸) - از قلیلا<sup>[۹۳]</sup> یک نفر (۱۰۹) - از واسط<sup>[۱۰۹]</sup> سه نفر (۱۱۲) - از زوراء<sup>[۵۷]</sup> ده نفر (۱۲۲) - از کوفه چهار نفر (۱۲۶) - از قادسیه یک نفر (۱۲۷) - از سوراء<sup>[۶۴]</sup> یک نفر (۱۲۸) - از سرات<sup>[۵۸]</sup> یک نفر (۱۲۹) - از نیل یک نفر (۱۳۰) - از صیداء<sup>[۶۹]</sup> یک نفر (۱۳۱) - از گرگان یک نفر (تکراری) (۱۳۲) - از قصور یک نفر (۱۳۳) - از انبار یک نفر (۱۳۴) - از عکبرا<sup>[۷۹]</sup> یک نفر (۱۳۵) - از حنانه<sup>[۳۹]</sup> یک نفر (۱۳۶) - از تبوک یک نفر (۱۳۷) - از جامده<sup>[۳۱]</sup> یک نفر (۱۳۸) - از آبادان سه نفر (۱۴۱) - از حدیثه موصل شش نفر (۱۴۷) - از موصل<sup>[۱۰۳]</sup> یک نفر (۱۴۸) - از مغلثایا یک نفر (۱۴۹) - از نصیبین<sup>[۱۰۸]</sup> یک نفر (۱۵۰) - از کازرون<sup>[۹۶]</sup> یک نفر (۱۵۱) - از فارقین یک نفر (۱۵۲) - از آمد<sup>[۱]</sup> یک نفر (۱۵۳) - از رأس‌العین<sup>[۱۵۰]</sup> یک نفر (۱۵۴) - از رقه<sup>[۵۲]</sup> یک نفر (۱۵۵) - از حران<sup>[۳۵]</sup> یک نفر (۱۵۶) - از بلس<sup>[۱۷]</sup> یک نفر (۱۵۷) - از قبیج یک نفر (۱۵۸) - از طرطوس<sup>[۷۱]</sup> سه نفر (۱۶۱) - از قصر یک نفر (۱۶۲) - از ادنه یک نفر (۱۶۳) - از خمیری یک نفر (۱۶۴) - از عرار<sup>[۷۶]</sup> یک نفر (۱۶۵) - از قورص یک نفر (۱۶۶) - از انطاکیه یک نفر (۱۶۷) - از حلب سه نفر (۱۷۰) - از

حمص دو نفر (۱۷۲) - از دمشق چهار نفر (۱۷۶) - از سوریه یک نفر  
 (۱۷۷) - از قسوان یک نفر (۱۷۸) - از قیموت یک نفر (۱۷۹) - از صور<sup>[۶۸]</sup>  
 یک نفر (۱۸۰) - از کراز یک نفر (۱۸۱) - از اذرح<sup>[۶]</sup> یک نفر (۱۸۲) - از  
 عامر<sup>[۷۳]</sup> یک نفر (۱۸۳) - از دکار یک نفر (۱۸۴) - از بیت المقدس دو نفر  
 (۱۸۶) - از رمله<sup>[۵۳]</sup> یک نفر (۱۸۷) - از بالس<sup>[۱۷]</sup> یک نفر (تکراری) (۱۸۸) -  
 از عکا دو نفر (۱۹۰) - از عرفات یک نفر (۱۹۱) - از عسقلان<sup>[۷۷]</sup> یک نفر  
 (۱۹۲) - از غزه یک نفر (۱۹۳) - از فسطاط<sup>[۸۴]</sup> چهار نفر (۱۹۷) - از  
 قرمیس یک نفر (۱۹۸) - از دمیاط<sup>[۴۵]</sup> یک نفر (۱۹۹) - از محله یک نفر  
 (۲۰۰) - از اسکندریه یک نفر (۲۰۱) - از برقه<sup>[۲۲]</sup> یک نفر (۲۰۲) - از  
 طنجه<sup>[۷۲]</sup> یک نفر (۲۰۳) - از افرنجه<sup>[۱۱]</sup> (فرنگ) یک نفر (۲۰۴) - از قیروان  
 یک نفر (۲۰۵) - از شوش اقصی پنج نفر (۲۱۰) - از قبرس دو نفر (۲۱۲) -  
 از حمیم سه نفر (۲۱۵) - از قوص<sup>[۹۴]</sup> یک نفر (۲۱۶) - از عدن<sup>[۷۵]</sup> یک نفر  
 (۲۱۷) - از علالی یک نفر (۲۱۸) - از مدینه ده نفر (۲۲۸) - از مکه چهار نفر  
 (۲۳۲) - از طائف یک نفر (۲۳۳) - از دیر یک نفر (۲۳۴) - از شیروان  
 نفر (۲۳۵) - از زبید<sup>[۵۶]</sup> یک نفر (۲۳۶) - از مرو ده نفر (۲۴۶) - از احساء<sup>[۱۵]</sup>  
 یک نفر (۲۴۷) - از قطیف<sup>[۹۰]</sup> یک نفر (۲۴۸) - از هجر<sup>[۱۱۰]</sup> یک نفر (۲۴۹)  
 - از یمامه<sup>[۱۱۵]</sup> یک نفر (۲۵۰).<sup>۱</sup>

علی علیه السلام فرمود:

پیغمبر صلی الله علیه و آله آنها را برای من شمرد، سیصد و سیزده نفر شدند؛ به تعداد  
 اصحاب بدر، خداوند آنها را از مشرق و مغرب زمین به یک چشم بر هم  
 زدن کنار خانه کعبه جمع می کند.<sup>۲</sup>

۱ □ با توجه به مجموع افراد ذکر شده (۶۳ نفر کمتر از ۳۱۳) و نیز چند مورد تکراری، اعتماد بر این حدیث قابل تأمل می باشد، هر چند بعید نیست بگوییم این تعداد - به غیر از موارد تکراری - صحیح است و بقیه از قلم کاتبان افتاده و مجهول مانده اند. همچنین است در مورد روایت بعدی.

۲. الفتن: ۱۴۵، ب ۷۹. منتخب الاثر: ۱۸۳، ف ۲، ب ۳، ح ۵.

### □ روایات شیعه:

(۳۶۴) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، هارون بن موسی بن احمد، ابو جعفر محمد بن ابراهیم بن عبدالله قمی قطان معروف به ابن خزاز، محمد بن زیاد، ابو عبدالله خراسانی، ابو حسان سعید بن جناح، مسعدة بن صدقة: امام صادق علیه السلام اصحاب قائم علیه السلام را برای ابوبصیر چنین نام برد:

«شخصی که در طازبند شرقی است، بندار احمد بن سکتة معروف به بازان، که مأمور سیار است (۱).

- از اهل شام دو نفر به نام‌های ابراهیم بن صباح (۲) و یوسف بن صریا (۳)، یوسف عطار و از اهالی دمشق است، و ابراهیم قصابی از روستای صویقان.

- از صانعان احمد بن عمر خیاط (۴) ساکن بزیر، و علی بن عبدالصمد تاجر (۵) ساکن نجارین.

- از اهالی سراف سلم کوسه بزاز (۶) ساکن باغ - و خالد بن سعید بن کریم دهقان (۷) و کلیب شاهد (۸) از دانشاه و مرورود جعفر الشاه آردفروش (۹) و جور مولی <sup>[۱۰۵]</sup> الخصب (۱۰).

- از مرو دوازده نفر به نام‌های: بندار بن خلیل عطار (۱۱)، محمد بن عمر صیدانی (۱۲)، عریب بن عبدالله بن کامل مولی قحطب (۱۳)، سعد الرومی (۱۴)، صالح بن الرحال (۱۵)، معاذ بن هانی (۱۶)، کردوس ازدی (۱۷)، دهیم بن جابر بن حمید (۱۸)، طاشف بن علی قاجانی (۱۹)، قرعان بن سوید (۲۰)، جابر بن علی احمر (۲۱) و خوشب بن جریر (۲۲).

- از بارودنه نفر به نام‌های: زیاد بن عبدالرحمن بن جحدب (۲۳)، عباس بن فضل بن قارب (۲۴)، سحیق بن سلیمان حنّاط (۲۵)، علی بن خمالد (۲۶)، سلم بن سلیم بن فرات بزاز (۲۷)، محمویة بن عبدالرحمن بن علی (۲۸)، جریر بن رستم بن سعد کیسانی (۲۹)، حرب بن صالح (۳۰) و عمارة بن معمر (۳۱).

- از طوس چهار نفر به نام‌های: شهرد بن حمران (۳۲)، موسی بن



مهدی (۳۳)، سلیمان بن طلیق (۳۴) از واد (که محل قبر امام رضا علیه السلام است) علی بن سندی صیرفی (۳۵).

- از فاریاب<sup>[۸۲]</sup>: شاهویه بن حمزه (۳۶) و علی بن کلثوم (۳۷) از ساکنان محلی معروف به باب الجبل.

- از طالقان بیست و چهار نفر! که به این نامها معروفاند: ابن رازی جبلی (۳۸)، عبدالله بن عمیر (۳۹)، ابراهیم بن عمر (۴۰)، سهل بن رزق الله (۴۱)، جبریل حداد (۴۲)، علی بن ابی علی رواف (۴۳)، عبادة بن مهور (۴۴)، محمد بن جیهار (۴۵)، زکریا بن حبه (۴۶)، بهرام بن سرح (۴۷)، جمیل بن عامر بن خالد (۴۸)، خالد (۴۹) و کثیر مولی جریر (۵۰)، عبدالله بن قرط بن سلام (۵۱)، فزارة بن بهرام (۵۲)، معاذ بن سالم بن جلید تمّار (۵۳)، حمید بن ابراهیم بن جمعة بافنده (۵۴)، عقبه بن وفر بن ربیع (۵۵)، حمزة بن عباس بن جنادة (۵۶) از دارالرزق، کائن بن حنیذ ریخته گر (۵۷)، علقمة بن مدزک (۵۸)، مروان بن جمیل بن ورقا (۵۹)، ظهور مولی زراة بن ابراهیم (۶۰)، جمهور بن حسین شیشه گر (۶۱)، ریاش بن سعید بن نعیم (۶۲)!

- از سیستان: خلیل بن نصر (۶۳) از اهالی زنج، ترک بن شبه (۶۴) و ابراهیم بن علی (۶۵).

- از غرر هشت نفر: محجج بن خربوذ (۶۶)، شاهد بن بندار (۶۷)، داود بن جریر (۶۸)، خالد بن عیسی (۶۹)، زیاد بن صالح (۷۰)، موسی بن داود (۷۱)، عرف الطویل (۷۲) و یرکرد (۷۳).

- از نیشابور هجده نفر! به نامهای: سمعان بن فاخر (۷۴)، ابولبابه بن مدرک (۷۵)، ابراهیم بن یوسف قصیر (۷۶)، مالک بن حرب بن سکین (۷۷)، زرود بن سوکن (۷۸)، یحیی بن خالد (۷۹)، معاذ بن جبرئیل (۸۰)، احمد بن عمر بن زفر (۸۱)، عیسی بن موسی سواق (۸۲)، یزید بن درست (۸۳)، محمد بن حمّاد بن شیت (۸۴)، جعفر بن طرخان (۸۵)، علان ماهویه (۸۶)، ابومریم (۸۷) و عمر بن عمیر بن مطرف (۸۸) و بلیل بن وهاید بن

هو مردیاری (۸۹)!

- از هرات<sup>[۱۱۱]</sup> دوازده نفر! به نام‌های: سعید بن عثمان و راق (۹۰)، ماسح بن عبدالله بن نبیل معروف به غلام کندی (۹۱)، سمعان قصاب (۹۲)، هارون بن عمران (۹۳)، صالح بن جریر (۹۴)، مبارک بن معمر بن خالد (۹۵)، عبدالاعلی بن ابراهیم بن عبده (۹۶)، نزل بن حزم (۹۷)، صالح بن نعیم (۹۸)، ارم بن علی (۹۹)، و خالد قوانس (۱۰۰)!

- از اهالی بوسنج<sup>[۱۲۵]</sup> چهار نفر به نام‌های: طاهر بن عمرو بن طاهر معروف به اصلع (۱۰۱)، طلحة بن طلحة جهانگرد (۱۰۲)، حسن بن حسن مسمار (۱۰۳)، عمرو بن عمر بن هشام (۱۰۴).

- از ری هفت نفر: اسرائیل قطان (۱۰۵)، علی بن جعفر بن حرزاد (۱۰۶)، عثمان بن علی بن درخت (۱۰۷)، مسکان بن جبلة بن مقاتل (۱۰۸)، کردین بن شیبان (۱۰۹)، حمدان بن کر (۱۱۰) و سلیمان بن دیلمی (۱۱۱).

- از طبرستان چهار نفر: حرشام بن کردم (۱۱۲)، بهرام بن علی (۱۱۳)، عباس بن هاشم (۱۱۴)، و عبدالله بن یحیی (۱۱۵).

- از قم هجده نفر: غسان بن محمد عتبان (۱۱۶)، علی بن احمد بن بقرة بن نعیم بن یعقوب بن بلال (۱۱۷)، عمران بن خالد بن کلیب (۱۱۸)، سهل بن علی بن صاعد (۱۱۹)، عبدالعظیم بن عبدالله بن شاه (۱۲۰)، حسکه بن هاشم بن دایه (۱۲۱)، اخوص بن محمد بن اسماعیل بن نعیم بن طریف (۱۲۲)، بلبل بن مالک بن سعد بن طلحة بن جعفر بن احمد بن جریر (۱۲۳)، موسی بن عمران بن لاحق (۱۲۴)، عباس بن بقر بن سلیم (۱۲۵)، حوید بن بشر بن بشیر (۱۲۶)، مروان بن علابة بن جریر معروف به ابن رأس الزق (۱۲۷)، صقر بن اسحاق بن ابراهیم (۱۲۸)، و کامل بن هشام (۱۲۹).

- از قومس<sup>[۹۵]</sup> دو نفر: محمود بن محمد بن ابی‌الشعب (۱۳۰) و علی بن حمویه بن صدقه (۱۳۱) از روستای خرقان!

- از گرگان دوازده نفر: احمد بن هارون بن عبدالله (۱۳۲)، زرارة بن جعفر (۱۳۳)، حسین بن علی بن مطر (۱۳۴)، حمید بن نافع (۱۳۵)، محمد بن خالد بن

قره بن جوتة (۱۳۶)، علاء بن حمید بن جعفر بن حمید (۱۳۷)، ابراهیم بن اسحاق بن عمرو (۱۳۸)، علی بن علقمة بن محمود (۱۳۹)، سلمان بن یعقوب (۱۴۰)، عریان بن خفان ملقب به خالروت (۱۴۱)، شعبه بن علی (۱۴۲) و موسی بن کردویه (۱۴۳).

- از موقان<sup>[۱۰۴]</sup> یک نفر: عبید بن محمد بن ماجور (۱۴۴).

- و از سند دو نفر: سیاب بن عباس بن محمد (۱۴۵) و نصر بن منصور معروف به ناقشت (۱۴۶).

- از همدان چهار نفر: هارون بن عمران بن خالد (۱۴۷)، طیفور بن محمد بن طیفور (۱۴۸)، ابان بن محمد بن ضحاک (۱۴۹)، عتاب بن مالک بن جمهور (۱۵۰).

- و از جابروان<sup>[۱۳۰]</sup> سه نفر: کرد بن حنیف (۱۵۱)، عاصم بن خلیط خیاط (۱۵۲) و زیاد بن رزین (۱۵۳).

- از شوری یک نفر: لقیط بن فرات (۱۵۴).

- از اهل خلاط: وهب بن خربند بن سروین (۱۵۵).

- از تفلیس<sup>[۲۹]</sup> پنج نفر: جحدر بن زیت (۱۵۶)، هانی عطاردی (۱۵۷)، جواد بن بدر (۱۵۸)، سلیم بن وحید (۱۵۹)، فضل بن عمیر (۱۶۰) و قرباب الأبواب جعفر بن عبدالرحمن (۱۶۱)!

- از سنجار<sup>[۶۲]</sup> چهار نفر: عبدالله بن زریق (۱۶۲)، سمیم بن مطر (۱۶۳)، هبة الله بن زریق بن صدقة (۱۶۴) و هبل بن کامل (۱۶۵).

- از تألیف: کردوس بن جابر (۱۶۶).

- از سمیاط: موسی بن زرقان (۱۶۷).

- و از نصیبین<sup>[۱۰۸]</sup> دو نفر: داود بن محق (۱۶۸) و حامد صاحب بوریا (۱۶۹).

- از موصل<sup>[۱۰۳]</sup> یک نفر معروف به سلیمان بن صبیح (۱۷۰) از روستای حدیثه.

- از یلمورق دو نفر: بادصبا بن سعد بن سحیر (۱۷۱) و احمد بن حمید بن

سوار (۱۷۲).

- از بلد یک نفر که او را بور بن زائده بن ثوران (۱۷۳) گویند.

- از رها یک نفر که او را کامل بن عفیر (۱۷۴) نامند.

- از حرّان<sup>[۱۳۵]</sup>: زکریا سعدی (۱۷۵).

- از برقه<sup>[۱۲۲]</sup> سه نفر: احمد بن سلیمان بن سلیم (۱۷۶)، نوفل بن عمرو

(۱۷۷) و اشعث بن مالک (۱۷۸).

- از رابعه: عیاص بن عاصم بن سمرة بن جحش (۱۷۹) و ملیح بن سعد

(۱۸۰).

- از حلب چهار نفر: یونس بن یوسف (۱۸۱)، حمید بن قیس بن سحیم بن

مدرک بن علی بن حرب بن صالح بن میمون (۱۸۲)، مهدی بن هند بن

عطارد (۱۸۳) و مسلم بن هوامرد (۱۸۴).

- از دمشق سه نفر: نوح بن جویر (۱۸۵)، شعیب بن موسی (۱۸۶) و حجر

بن عبدالله فزاری (۱۸۷).

- از فلسطین: سوید بن یحیی (۱۸۸).

- از بعلبک: منزل بن عمران (۱۸۹).

- از طبریه: معاذ بن معاذ (۱۹۰).

- از یافا<sup>[۱۱۳]</sup>: صالح بن هارون (۱۹۱).

- از قومس<sup>[۱۹۵]</sup>: رثاب بن جلد (۱۹۲) و خلیل بن سید (۱۹۳).

- از تیس: یونس بن صقر (۱۹۴) و احمد بن مسلم بن سلم (۱۹۵).

- از دمیاط<sup>[۱۴۵]</sup>: علی بن زائده (۱۹۶).

- از اسوان: حمّاد بن جمهور (۱۹۷).

- از فسطاط<sup>[۱۸۴]</sup> چهار نفر: نصر بن حواس (۱۹۸)، علی بن موسی فزاری

(۱۹۹)، ابراهیم بن صفیر (۲۰۰) و یحیی بن نعیم (۲۰۱).

- از قیروان: علی بن موسی بن شیخ (۲۰۲) و عنبره بن قرطه (۲۰۳).

- از باغه<sup>[۱۶]</sup>: شرحبیل سعدی (۲۰۴).

- از تلبیس: علی بن معاذ (۲۰۵).

- از بالسین: همام بن فرات (۲۰۶).
- از صنعاء: فیاض بن ضرار بن ثروان (۲۰۷) و میسرة بن غندر بن مبارک (۲۰۸).
- از ملزن: عبدالکریم بن غند (۲۰۹).
- از طرابلس: ذوالنورین عبیده بن علقمه (۲۱۰).
- از ابله دو نفر: یحیی بن بدیل (۲۱۱) و حواشة بن فضل (۲۱۲).
- از وادی القری: حر بن زبرقان (۲۱۳).
- از جیزة یک نفر به نام: سلیمان بن داود (۲۱۴).
- از ریدار: طلحة بن سعید بن بهرام (۲۱۵).
- از الجار: حارث بن میمون (۲۱۶).
- از مدینه دو نفر: حمزة بن طاهر (۲۱۷) و شرحبیل بن جمیل (۲۱۸).
- از ربذه: حماد بن محمد بن نصیر (۲۱۹).
- از کوفه چهارده نفر: ربیعة بن علی بن صالح (۲۲۰)، تمیم بن الیاس بن اسد (۲۲۱)، عضرم بن عیسی (۲۲۲)، مطرف بن عمر کندی (۲۲۳)، هارون بن صالح بن میثم (۲۲۴)، وکایا بن سعد (۲۲۵)، محمد بن روایة (۲۲۶)، حرب بن عبدالله بن ساسان (۲۲۷)، قودة الأعلم (۲۲۸)، خالد بن عبدالقدوس (۲۲۹)، ابراهیم بن مسعود بن عبدالحمید (۲۳۰)، بکر بن خالد (۲۳۱)، احمد بن ریحان بن حارث (۲۳۲) و غوث اعرابی (۲۳۳).
- از قلزم<sup>[۹۲]</sup>: مرجئة بن عمرو (۲۳۴) و شیب بن عبدالله (۲۳۵).
- از حیره: بکر بن عبدالله بن عبدالواحد (۲۳۶).
- از کرثا: ربا بن حفص بن مروان (۲۳۷).
- از طاهی: جاب بن سعید (۲۳۸) و صالح بن طیفور (۲۳۹).
- از اهواز: عیسی بن تمام (۲۴۰) و جعفر بن سعید نابینا (۲۴۱) که دیده اش روشن می گردد.
- از شام: علقمة بن ابراهیم (۲۴۲).
- از اصطخر: متوکل بن عبدالله (۲۴۳) و هشام بن فاخر (۲۴۴).
- از مولیان: حیدر بن ابراهیم (۲۴۵).
- از نیل: شاکر بن عبده (۲۴۶).
- از قندیل: عمرو بن فروه (۲۴۷).

- از مدائن هشت نفر: برادران صالح و درستکار: محمد (۲۴۸) و احمد (۲۴۹) فرزندان منذر، تیمور بن حرث (۲۵۰)، معاذ بن علی بن عامر بن عبدالرحمن بن معروف بن عبدالله (۲۵۱)، حرسی بن سعید (۲۵۲)، زهیر بن طلحه (۲۵۳)، نصر (۲۵۴) و منصور (۲۵۵).

- از عکبرا<sup>[۱۷۹]</sup>: زائده بن هبه (۲۵۶).

- از حلوان<sup>[۱۳۸]</sup>: ماهان بن کثیر (۲۵۷) و ابراهیم بن محمد (۲۵۸).

- از بصره: عبدالرحمن بن اعطف بن سعد (۲۵۹)، احمد بن ملیح (۲۶۰)، حماد بن جابر (۲۶۱).

- اصحاب کهف هفت نفر: مکسلمینا و یارانش (۲۶۸).

- دو تاجر که از انطاکیه آمده بودند: موسی بن عون (۲۶۹) و سلیمان بن حر (۲۷۰) و غلام رومیشان (۲۷۱).

- پناهندگان به روم یازده نفر: صهیب بن عباس (۲۷۲)، جعفر بن... (۲۷۳)، حلال بن حمید (۲۷۴)، ضرار بن سعید (۲۷۵)، حمید قدوسی (۲۷۶)، منادی (۲۷۷)، مالک بن خلید (۲۷۸)، بکر بن حر (۲۷۹)، حبیب بن حنان (۲۸۰)، جابر بن سفیان (۲۸۱)!

- مقیمان سرندیب: جعفر بن زکریا (۲۸۲) و دانیال بن داود (۲۸۳).

- از سندرا چهار نفر: خور بن طرخان (۲۸۴)، سعید بن علی (۲۸۵)، شاه بن بزرج (۲۸۶) و حر بن جمیل (۲۸۷).

- و مردی که در سلاط مفقود می شود: منذر بن زید (۲۸۸).

- و از سیراف<sup>[۶۶]</sup> (یا شیراز، تردید از راوی) حسین بن علوان (۲۸۹).

- و دو نفری که به سروانیه گریختند: سری بن اغلب (۲۹۰) و زیاده الله بن رزق الله (۲۹۱).

- کسی که در صقلیه خلوت گزید: ابوداود شعشاع (۲۹۲).

- و شخصی که در طلب حق مسافرت می کرد از یخشب: عبدالله بن صاعد بن عقبه (۲۹۳).

- و آن که در بلخ<sup>[۲۴]</sup> از خاندان خود گریخت: ادس بن محمد (۲۹۴).

- و کسی که به وسیله قرآن با یکی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام مجادله کرد از سرخس: نجم بن عقبه بن داود (۲۹۵).
  - و از فرغانه<sup>[۸۳]</sup>: ازدجاه بن وایس (۲۹۶).
  - و از بریه: صخر بن عبدالصمد قنابلی (۲۹۷) و یزید بن قادر (۲۹۸).
- اینها سیصد و سیزده! نفر به تعداد اصحاب بدر هستند.<sup>۱</sup>

## فصل سوم اصحاب کهف

### □ روایات اهل سنت:

(۳۶۵) الدر المنثور: ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«اصحاب کهف یاران مهدی خواهند بود».<sup>۲</sup>

(۳۶۶) عقد الدرر: امام ابواسحاق ثعلبی در آخر روایت اصحاب کهف روایت کرده:  
«به خوابگاهشان رفته و دوباره به همان حالت خواب برگشتند تا آخر الزمان و خروج مهدی. گویند: مهدی [هنگامی که قیام کند در محل غار اصحاب کهف حاضر می شود] به آنها سلام می دهد، خداوند آنها را زنده می کند، باز به خواب می روند و پس از آن تا روز قیامت دیگر بر نمی خیزند».<sup>۳</sup>

### □ روایات شیعه:

(۳۶۷) مختصر بصائر: کتابی از خطبه های مولا امیر مؤمنان علیه السلام دیدم که خط سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس بر آن بود... از ابوروح فرج بن فروة، مسعدة بن صدقة: جعفر بن محمد صادق علیه السلام خطبه ای از مولا ایمان امیر المؤمنین علیه السلام به نام

۱. دلائل الامامة: ۳۱۴. المحجة: ۳۸-۴۶. بشارة الاسلام: ۲۰۵-۲۰۹.

۲. الدر المنثور ۴: ۲۱۵. برهان المتقی: ۱۵۰، ب ۷، ح ۱۵. العطر الوردی: ۷۰.

۳. عقد الدرر: ۱۴۱، ب ۷. برهان المتقی: ۸۷، ب ۱، ح ۴۴. مناقب ابن المغازلی: ۲۳۲، ح ۲۸۰.

خطبه مخزون<sup>[۴۱]</sup> ذکر فرمود که در قسمتی از آن آمده بود:

«... و [لشکر] روم به روستایی که کنار دریا و نزد غار اصحاب کهف است روی آورد، خداوند آن جوانمردان را از غار به سوی ایشان برمی‌انگیزاند<sup>[۲۰]</sup>. از میان ایشان مردی است به نام ملیخا و دیگری به نام کمسلینا، و این دو نفر در خدمت قائم علیه السلام حاضر و مسلمان شوند».<sup>۱</sup>

(۳۶۸) ارشاد القلوب: یونس بن احمد بن ریان، ابو مطلب بن محمد بن فضل، محمد بن سنان زهری، عبدالله بن عبدالرحمن اصم، مدلیج بن هارون بن سعید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که ضمن کلامی طولانی به عمر می‌فرمود... راوی گوید: عمر گریست و گفت: از آنچه می‌گویی به خدا پناه می‌برم، آیا نشانه‌ای دارد؟ فرمود:

«آری، کشتار و مرگی عمومی و طاعونی پلید و نفرت آور، تنها یک سوم از مردم باقی می‌مانند، و منادی از آسمان، نام یکی از فرزندان مرا می‌خواند... خداوند بقایای قوم موسی را برای [یاری] او می‌فرستد و اصحاب کهف را برایش زنده می‌کند...».<sup>۲</sup>

## فصل چهارم

### تعدادی از اصحاب خاص

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۶۹) سنن ابی داود: هارون، عمرو بن ابی قیس، مطرف بن طریف، ابوالحسن، هلال بن عمرو: از علی علیه السلام شنیدم که می‌گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی به نام حارث بن حراث از آن سوی رود قیام می‌کند، فرمانده خط مقدم لشکرش شخصی به نام منصور است، همان‌طور که قریش زمینه

۱. مختصر بصائر الدرجات: ۱۹۵ - ۲۰۱. الايقاظ من الهجعة: ۲۸۹، ب ۹، ح ۱۱۱. بحار الانوار ۵۳:

۷۷ - ۸۶ ب ۲۹، ح ۸۶

۲. ارشاد القلوب ۲: ۲۸۶، فصل في فضائله من طريق أهل البيت علیهم السلام.



را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فراهم کردند، او زمینه را برای آل محمد صلی الله علیه و آله آماده می‌سازد»<sup>۱</sup>.

(۳۷۰) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم، ابو عبدالله، عبدالکریم ابوامیه، محمد بن حنفیه: «بیرق سیاهی از بنی عباس خروج می‌کند، آنگاه از خراسان بیرق سیاه دیگری بیرون می‌آید که کلاه [صاحبان] آن سیاه و لباسشان سفید است. فرمانده خطّ مقدم آنها مردی از [بنی] تمیم به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب است. آنها اصحاب سفیانی را شکست می‌دهند تا اینکه وارد بیت المقدس شوند و زمینه حکومت آنجا را برای مهدی علیه السلام فراهم نماید، و سیصد نفر از شام نزد او حاضر خواهند شد. فاصله خروج آن [سپاهیان] و اینکه امور تسلیم مهدی علیه السلام شود هفتاد و دو ماه خواهد بود»<sup>۲</sup>.

(۳۷۱) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن اسماعیل بصری به نقل از پدرش، الحسن: «مردی کوسه و گندم‌گون و میانه قامت به نام شعیب بن صالح که مولای <sup>[۱۰۵]</sup> بنی تمیم است، همراه چهار هزار نفر با لباسهای سفید و بیرق‌های سیاه از شهر ری خروج می‌کند، او فرمانده خطّ مقدم سپاه مهدی علیه السلام است، هر کس با او مقابله کند کشته خواهد شد»<sup>۳</sup>.

(۳۷۲) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعة، کعب بن علقمه، سفیان کعبی: «نوجوانی با محاسن کم و زردرنگ در زیر لوای مهدی علیه السلام خروج می‌کند که اگر با کوه‌ها بجنگد آنها را به لرزه درآورد، تا اینکه به ایلیا <sup>[۱۱۵]</sup> رسیده و آنجا پیاده شود»<sup>۴</sup>.

۱. سنن أبی داود ۴: ۱۰۸، ح ۴۲۹۰. ملاحم ابن المنادی: ۴۱. مصابیح البغوی ۳: ۴۹۴، ب ۳، ح ۴۲۱۶. جامع الاصول ۱۲: ۶۶، ب ۵، ف ۱، ح ۸۸۵۱.  
۲. الفتن: ۸۴ و ۷۴. السنن الواردة فی الفتن: ۹۸. عقد الدرر: ۱۲۶، ب ۵.  
۳. الفتن: ۸۴. عقد الدرر: ۱۳۰، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۸. الفتاوی الحدیثیة: ۳۰. برهان المتقی: ۱۵۱، ب ۷، ح ۱۸.  
۴. الفتن: ۸۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۸. القول المختصر: ۲۲، ب ۳، ح ۱۵. برهان المتقی: ۱۵۱، ب ۷، ح ۲۱.

(۳۷۳) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن حدیثی درباره مهدی علیه السلام فرمود:  
 «... حسنی گوید: پسر عمو، من به [فرماندهی] این لشکر سزاوارتر از توأم، من فرزند حسنم، من مهدی هستم. مهدی می گوید: مهدی من هستم. حسنی گوید: آیا نشانه‌ای داری تا با تو بیعت کنیم؟ مهدی به پرنده [در حال پرواز] اشاره می کند، پرنده از همان جا داخل دستش می افتد، و یک چوبدستی در زمین مرتفعی می کارد، فوری سبز می شود و برگ می دهد. حسنی می گوید: پسر عمو، فرماندهی سپاه حق شماست، و فرماندهی سپاه خودش را نیز به او واگذار می نماید، و خودش فرمانده خط مقدم سپاه مهدی می شود.»<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۳۷۴) غیبة الطوسی: حذلم بن بشیر: به حضرت علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام گفتم: خروج مهدی علیه السلام و دلایل و نشانه‌های آن را برایم بگویید. فرمود:  
 «قبل از قیام او، مردی به نام «عوف سلمی» در سرزمین جزیره قیام می کند، محل استقرار او «تکریت» است و در مسجد دمشق کشته می شود. آنگاه شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند...»<sup>۲</sup>

(۳۷۵) مختصر اثبات الرجعة: محمد بن ابی عمیر، سیف بن عمیره، بکر بن محمد آزدی: امام صادق علیه السلام فرمود:  
 «خروج سه نفر، یعنی خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز خواهد بود، که پرچم هیچ کدام از آنها به اندازه پرچم یمانی به هدایت نزدیک نیست، زیرا او هدایتگر به سوی حق است.»<sup>۳</sup>

۱. عقد الدرر: ۹۰-۹۹، ب ۴، ف ۲ و: ۱۳۷-۱۳۸، ب ۶ و: ۱۳۹، ب ۶. برهان المتقی: ۷۶ و ۷۷، ب ۱، ح ۱۴ و ۱۵. فرائد فوائد الفکر: ۱۰، ب ۴. العطر الوردی: ۵۱.  
 ۲. غیبة الطوسی: ۲۷۰. الخرائج ۳: ۱۱۵۵، ب ۲۰، ح ۶۱. منتخب الأنوار المضية: ۶۱، ف ۳، ح ۵۲. بحار الأنوار ۵۲: ۲۱۳، ب ۲۵، ح ۶۵. بشارة الاسلام: ۸۳، ب ۵.  
 ۳. مختصر اثبات الرجعة: ۱۷. الارشاد: ۳۶۰. غیبة الطوسی: ۲۷۱.

(۳۷۶) غيبة النعمانی: ابوسلیمان احمد بن هوزه باهلی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، أبان بن عثمان: حضرت امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع بود که علی علیه السلام آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند آن حضرت در بقیع است. علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین! و او را در سمت راست خود نشاند. پس از او جعفر بن ابی طالب آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند آن حضرت در بقیع است. جعفر نزد آن حضرت آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در سمت چپ خود نشاند. آنگاه عباس آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند پیامبر در بقیع است. عباس نزد آن حضرت آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مقابل خود نشاند. رو به علی علیه السلام کرد و گفت: ... بعد رو به جعفر کرد و فرمود: می خواهی تو را مژده و خبری دهم؟ عرض کرد: بله، ای رسول خدا. فرمود:

«اندکی پیش جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد: کسی که آن [پرچم] را به قائم می سپارد از نسل تو است. می دانی او کیست؟

عرض کرد: نه! فرمود:

او همان است که صورتش همچون دینار (درخشان یا گرد) و دندانهایش همچون آزه (ردیف و مرتب) و شمشیرش همچون شعله آتش است، با خواری داخل سپاه می شود و با عزت از آن بیرون می آید، و جبرئیل و میکائیل او را حفاظت می کنند...»<sup>۱</sup>

(۳۷۷) الزام الناصب: محمد بن احمد جرجانی قاضی ری، طوق بن مالک از پدرش و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن ایراد خطبة البیان<sup>[۴۳]</sup> فرمود: «... با لشکریان حرکت می کند تا به عراق می رسد، و مردم اطراف او هستند، سردار پیشروان سپاهش شخصی به نام عقیل، و سردار نیروهای پشتیبانی شخصی به نام حارث است، بعد مردی از اولاد حسن علیه السلام با دوازده هزار نفر به آن حضرت ملحق می شود و می گوید: پسرعمو، من به این امر

۱. الغيبة: ۲۴۷، ب ۱۴، ح ۱ و ۲. بحار الانوار ۵۱: ۷۶، ب ۱، ح ۳۴. منتخب الاثر: ۲۰۰، ف ۲، ب ۸، ح ۵.

سزاوارترم، زیرا من از نوادگان حسن علیه السلام هستم و او از حسین علیه السلام بزرگتر بود. مهدی به حسنی می گوید: من مهدی هستم. او در جواب گوید: نشانه یا معجزه یا علامتی داری؟ آن حضرت با نگاه به پرنده اشاره می کند، همان جا داخل دستش می افتد و به قدرت خدای تعالی زبانش باز می شود و به امامت آن حضرت شهادت می دهد، آنگاه عصایی را در زمین مرتفع و بی آبی می کارد که بلافاصله سبز می شود و برگ می دهد، و نیز تکه سنگی از روی زمین برداشته با دست مالش می دهد و مثل شمع خمیر می کند. حسنی می گوید: امر از آن شماست. و خودش و لشکریانش تسلیم آن حضرت می شوند...»<sup>۱</sup>

(۳۷۸) اصول کافی: محمد بن یحیی، احمد بن محمد، ابن محبوب، یعقوب سراج: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فرج [و گشایش کار] شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمود: «هنگامی که... یمانی بیاید، و حسنی جنبش کند، و صاحب امر میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بردارد و از مدینه به مکه رود»<sup>۲</sup>.

## فصل پنجم

### فضایل و خصوصیات اصحاب

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۷۹) مصنف عبدالرزاق: معمر، قتاده: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«... طایفه های عراق و ابدال (اولیای خدا) شام نزد مهدی علیه السلام می آیند و با او بیعت می کنند»<sup>۳</sup>.

(۳۸۰) مصنف ابن ابی شیبه: عفان، عمران القطان، قتاده، ابو الخلیل، عبدالله بن

حارث، أم سلمه: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱. الزام الناصب ۲: ۲۲۰. ۲. الکافی ۸: ۲۲۴ و ۲۲۵، ح ۲۸۵.

۳. المصنف ۱۱: ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹. مستند احمد ۶: ۱۳۶.

«عده‌ای به تعداد اهل بدر بین رکن و مقام با مردی بیعت می‌کنند، و طایفه‌های عراق و ابدال شام نزد او می‌آیند».<sup>۱</sup>

(۳۸۱) فائق: علی علیه السلام ضمن حدیثی درباره مهدی فرمود:  
«از ابدال شام، و نُجَبای مصر و طایفه‌های عراق هستند...».<sup>۲</sup>

(۳۸۲) مسند احمد: ابو مغیره، صفوان، شریح (یعنی ابن عبید): علی بن ابی طالب علیه السلام در عراق بود که در حضور آن حضرت ذکر اهل شام به میان آمد. گفتند: ای امیر مؤمنان آنها را لعنت بفرست. فرمود: نه، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:  
«ابدال در شام‌اند، آنها چهل مرد هستند که هر کدام از آنها می‌میرد، خداوند یک نفر دیگر را بدل او قرار می‌دهد، باران را به برکت آنها می‌باراند، توسط آنها بر دشمنان پیروز می‌گردد، و از برکت آنها عذاب را از اهل شام برمی‌گرداند».<sup>۳</sup>

(۳۸۳) فتن سلیلی: حسن بن علی مالکی، ابوالنصر علی حمید رافعی، محمد بن هشام بصری، سلیمان بن عثمان نخعی، سعید بن طارق، سلمة بن انس، اصبع بن ثباته: امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه‌ای از مهدی و قیام همراهانش سخن به میان آورد و نام‌های آنها را ذکر فرمود. ابو خالد حلبی به آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! خصوصیات او را برای ما بگویید. علی علیه السلام فرمود:

«گویی آنها را می‌بینم که همگی یک شکل و یک قامت، و در زیبایی و لباس عین یکدیگرند، مثل اینکه در پی چیزی هستند که از دست داده‌اند و در آن متحیرند، تا آنکه مردی... از پشت پرده کعبه نزد آنها می‌آید، به او گویند: تو مهدی هستی؟!...».<sup>۴</sup>

(۳۸۴) حلیة الأولیاء: محمد بن احمد جرجانی، عمران بن موسی سختیانی، عثمان بن

۱. المصنّف ۱۵: ۴۵، ح ۱۹۰۷۰. ۲. الفائق ۱: ۸۷ تهذیب تاریخ دمشق ۱: ۶۲ و ۶۳.

۳. مسند احمد ۱: ۱۱۲. نوادر الاصول: ۶۹، اصل ۵۱. المعجم الکبیر ۱۸: ۶۵، ح ۱۲۰.

۴. الفتن: ۱۴۵، ب ۷۹. منتخب الاثر: ۱۸۳، ف ۲، ب ۳، ح ۵.

ابی شیبۀ، مالک بن اسماعیل، مسعود بن سعد جعفی، جابره ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:  
«خدای تعالی به دل شیعیان ما وحشت می اندازد، پس چون قائم ما قیام  
کند و مهدی ما ظاهر گردد هر کدام از آنها از شیر با جرأت تر و از نیزه  
برنده تر خواهند شد.»<sup>۱</sup>

(۳۸۵) فتن ابن حماد: سعید ابو عثمان، جابره ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:  
«(یاران مهدی) عابدان شب و شیران روزند.»<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۳۸۶) اختصاص مفید: جابره ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:  
«دل شیعیان ما را وحشت فرا گرفته، اما وقتی امر ما محقق گردد و مهدی  
ما قیام کند، هر کدام از آنها از شیر با جرأت تر و از نیزه برنده تر شود، دشمن  
ما را زیر پای خود لگد می کند و با دستانش او را می کشد.»<sup>۳</sup>

(۳۸۷) غیبة النعمانی: علی بن حسین، محمد بن یحیی عطار، محمد بن حسان رازی،  
محمد بن علی صیرفی، عبدالرحمن بن ابی هاشم، عمرو بن ابی مقدم، عمران بن ظبیان،  
ابو یحیی حکیم بن سعد: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود:  
«یاران قائم جوان هستند و پیر میانشان نیست، مگر به مقدار سُرْمه در  
چشم یا نمک در توشه، و کمترین توشه نمک است.»<sup>۴</sup>

(۳۸۸) کمال الدین: علی بن احمد بن موسی، محمد بن ابی عبدالله کوفی، محمد بن  
اسماعیل برمکی، اسماعیل بن مالک، محمد بن سنان، ابو جارود زیاد بن المنذر، حضرت

۱. حلیة الاولیاء ۳: ۱۸۴. ینایع المودّة: ۴۴۸، ب ۷۸ و: ۴۸۹، ب ۹۴.

۲. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۱۴۵، ب ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۱. برهان المتقی: ۱۴۱،  
ب ۶، ح ۳.

۳. الاختصاص: ۲۶. اثبات الهداة ۳: ۵۵۷، ب ۳۲، ف ۳۳، ح ۶۰۶ و: ۶۱۴، ب ۳۲، ف ۵، ح ۱۵۱.  
بحار الانوار ۵۲: ۳۷۲، ب ۲۷، ح ۱۶۴.

۴. الغیبة: ۳۱۵، ب ۲۰، ح ۱۰. غیبة الطوسی: ۲۸۴. اثبات الهداة ۳: ۵۱۷، ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۳۷۷. بحار  
الانوار ۵۲: ۳۳۳، ب ۲۷، ح ۶۳. منتخب الاثر: ۴۸۴، ف ۸، ب ۱، ح ۳.

ابو جعفر محمد بن علی الباقر از پدران گرامی اش علیه السلام روایت فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام بر منبر بود و از یاران مهدی علیه السلام می گفت:

«... و دل هر مؤمنی از پاره های آهن استوارتر گردد، و خداوند توانایی  
چهل مرد به وی دهد...»<sup>۱</sup>

### فصل ششم

#### زنان، بین اصحاب مهدی علیه السلام

##### □ روایات اهل سنت:

(۳۸۹) فردوس الأخبار: ابوهریره: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«عیسی بن مریم علیه السلام (برای یاری مهدی) بر هشتصد مرد و چهارصد زن  
نازل می شود که بهترین انسان های روی زمین و صالح ترین گذشتگان  
هستند»<sup>۲</sup>

##### □ روایات شیعه:

(۳۹۰) دلائل الامامة: ابو عبدالله، ابو محمد هارون بن موسی، ابو علی محمد بن همام،

ابراهیم بن صالح نخعی، محمد بن عمران، مفضل بن عمر: از امام صادق علیه السلام شنیدم که  
می فرمود:

«سیزده نفر از همراهان قائم، زن هستند.

گفتم: آنها را برای چه می خواهد؟ فرمود:

مجروحان را مداوا می کنند، و به بیماران رسیدگی می نمایند، همان طور

که زنان همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند»<sup>۳</sup>.

۱. کمال الدین ۲: ۶۵۳، ب ۵۷، ح ۱۷. إعلام الوری: ۴۳۴، ب ۴، ف ۴. الخرائج ۳: ۱۱۴۹ و ۱۱۵۰،

ح ۵۸. اثبات الهداة ۳: ۴۹۰ و ۴۹۱، ب ۳۲، ف ۵، ح ۲۳۰.

۲. فردوس الاخبار ۵: ۵۱۵، ح ۸۹۳۵ کتر العمال ۱۴: ۳۳۸، ح ۳۸۸۶۳. تصریح کشمیری: ۲۵۴، ح ۶۹.

۳. دلائل الامامة: ۲۴۶.

## باب پانزدهم

### سفیانی

این باب شامل شش فصل است:

### فصل اول

#### خروج حتمی سفیانی

□ روایات اهل سنت:

(۳۹۱) عقد الدرر: حضرت ابوجعفر (امام محمد باقر علیه السلام) فرمود:

«خروج سفیانی و مهدی در یک سال خواهد بود».<sup>۱</sup>

(۳۹۲) فتن ابن حماد: عبدالقدوس، ابوبکر بن ابی مریم عن اشیاخه:

«... سفیانی با آنها خروج می‌کند، و مردمانی از روستاهای وادی یابس

دنبال او به راه می‌افتند، پس صاحب (امیر) دمشق به سوی او خارج

می‌شود تا با او مقابله و جنگ نماید».<sup>۲</sup>

(۳۹۳) البدء و القاریخ: از جمله اخباری که از علی بن ابی طالب علیه السلام در ذکر فتنه‌های

شام نقل شده این است که فرمود:

«... در آن موقع پسر زن جگرخوار (سفیانی) از وادی یابس (بیابان

خشک) خروج کند تا آنکه بر منبر دمشق بنشیند، و آنگاه که چنین شود

منتظر خروج مهدی باشید».<sup>۳</sup>

۱. عقد الدرر: ۸۷ ب ۴، ف ۲. کنز العمال ۱۱: ۳۸۴، ح ۳۲۵۳۵. برهان المتقی: ۱۱۲ و ۱۱۳، ب ۴،

ف ۲، ح ۸. فرائد فوائد الفکر: ۱۵، ب ۵.

۲. الفتن: ۷۵. عقد الدرر: ۷۲، ب ۴، ف ۲. برهان المتقی: ۱۱۵، ب ۴، ف ۲، ح ۱۴.

۳. البدء و التاريخ ۲: ۱۷۷.



(۳۹۴) فتن ابن حَمَّاد: بقیة و عبد القدوس، ابو بکر، الاشیاخ:

«سفیانی از وادی یابس (بیابان خشک) خروج کند، صاحب (امیر) دمشق نیز برای جنگ با او خارج می‌گردد، و چون سفیانی بیرق او را ببیند فرار می‌کند»<sup>۱</sup>.

(۳۹۵) فتن ابن حَمَّاد: ولید، ابو عبدالله، ولید بن هشام معیطی، أبان بن ولید بن عقبه بن

ابی معیط، ابن عباس:

«سفیانی شورش می‌کند، شکم زنها را می‌درَد و کودکان را در دیگ آب جوش می‌پزد»<sup>۲</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۳۹۶) کمال الدین: محمد بن موسی بن المتوکل، عبدالله بن جعفر حمیری، احمد بن

محمد بن عیسی، حسن بن محبوب، ابو حمزه ثمالی: به حضرت امام صادق علیه السلام گفتم: ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام می‌فرمود:

«خروج سفیانی از امور حتمی است».

فرمود: «بله [حتمی است]»<sup>۳</sup>.

(۳۹۷) ارشاد: فضل بن شاذان به نقل از شخصی، ابو حمزه ثمالی: به ابو جعفر (امام

باقر) علیه السلام عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمود:

«بله، ندا [ی آسمانی] و طلوع خورشید از مغرب و اختلاف بنی عباس

در حکومت و قتل نفس زکیه و خروج قائم آل محمد علیه السلام هم حتمی است»<sup>۴</sup>.

(۳۹۸) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، قاسم بن محمد بن حسن بن حازم،

۱. الفتن: ۷۵.

۲. الفتن: ۸۳ و ۷۶.

۳. کمال الدین ۲: ۶۵۲، ب ۵۷، ح ۱۴.

۴. الارشاد: ۳۵۸. غیبة الطوسی: ۲۶۶-۲۶۷. اعلام الوری: ۴۲۶، ب ۴، ف ۱. کشف الغمّة ۳: ۲۴۹.

الصراط المستقیم ۲: ۲۴۸ و ۲۴۹، ب ۱۱، ف ۸ اثبات الهداة ۳: ۵۱۴، ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۳۵۱. بحار

الانوار ۵۲: ۲۰۶، ب ۲۵، ح ۴۰ و ۲۸۸ و ۲۸۹، ب ۲۶، ح ۲۷. منتخب الاثر: ۴۵۷، ف ۶، ب ۶، ح ۱۷.

عبیس بن هشام، عبدالله بن جبلة، محمد بن سلیمان، علاء، محمد بن مسلم: حضرت ابو جعفر محمد باقر علیه السلام فرمود:

«(خروج) سفیانی و قائم در یک سال خواهد بود»<sup>۱</sup>.

(۳۹۹) کمال الدین: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی کوفی،

محمد بن ابی عمیر، عمر بن اذینه، امام صادق علیه السلام: پدرم به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«پسر زن جگرخوار از وادی یابس خروج خواهد کرد...»<sup>۲</sup>.

(۴۰۰) کشف نوری: فضل بن شاذان نیشابوری، حسن بن رباب: حضرت امام

صادق علیه السلام برای ما حدیثی طولانی از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرد که آخر آن چنین بود:

«و همواره اختلاف خواهند داشت تا آنکه حکومت به دست مردی از

فرزندان ابوسفیان بیفتد»<sup>۳</sup>.

## فصل دوم

### ویژگی‌های جسمی سفیانی

#### ▣ روایات اهل سنت:

(۴۰۱) فتن ابن حماد: عبدالقدوس و غیره، ابن عیاش به نقل از شخصی، محمد بن جعفر:

علی علیه السلام فرمود:

«سفیانی از فرزندان خالد بن یزید بن ابوسفیان است، او مردی بزرگ سر

می‌باشد و در صورتش لکه‌های آبله و در چشمش نقطه سفیدی است»<sup>۴</sup>.

۱. الغیبة: ۲۶۷، ب ۱۴، ح ۳۶. عقد الدرر: ۸۷، ب ۴، ف ۲. اثبات الهداة ۳: ۷۳۷، ب ۳۴، ف ۹، ح ۱۰۵.

بحار الانوار ۵۲: ۲۳۹ و ۲۴۰، ب ۲۵، ح ۱۰۶. منتخب الاثر: ۴۵۸، ف ۶، ب ۶، ح ۲۱.

۲. کمال الدین ۲: ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۹. اعلام الوری: ۴۲۸، ب ۴، ف ۱. الخرائج ۳: ۱۱۵۰، ب ۲۰، ح ۵۸ و:

۷۳۲، ب ۳۴، ف ۸، ح ۸۰. بحار الانوار ۵۲: ۲۰۵، ب ۲۵، ح ۳۶.

۳. کشف الاستار: ۲۲۱ و ۲۲۲. منتخب الاثر: ۴۶۶، ف ۶، ب ۱۰، ح ۲.

۴. الفتن: ۷۴. عقد الدرر: ۷۲ و ۷۳، ب ۴، ف ۲. کنز العمال ۱۱: ۲۸۴، ح ۳۱۵۳۵. برهان المتقی: ۱۱۲ و

۱۱۳، ب ۴، ف ۲، ح ۸.

(۴۰۲) فتن ابن حمّاد: ابو عمر، ابن لهیعة، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل از پدرش، حارث بن عبدالله:

«مردی از فرزندان ابوسفیان در وادی یابس با بیرق‌هایی سرخ خروج می‌کند، که ساعد دست‌ها و ساق پاهایش لاغر و گردنش دراز است، بسیار زرد و آثار عبادت در او پیدا است»<sup>۱</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۴۰۳) کمال الدین: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی کوفی، محمد بن ابی عمیر، عمر بن اذینه، حضرت امام صادق علیه السلام: پدرم علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف سفیانی فرمود:

«او (سفیانی) مردی است چهارشانه، زشت‌رو و بزرگ سر، در صورتش لکه‌های آبله دارد، چون او را بنگری می‌پنداری یک چشم است، نامش عثمان و پدرش عنسه و از اولاد ابوسفیان می‌باشد»<sup>۲</sup>.

(۴۰۴) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، حمید بن زیاد، علی بن الصباح بن ضحاک، ابو علی حسن بن محمد حضرمی، جعفر بن محمد، ابراهیم بن عبدالحمید، ابوایوب خزازی، محمد بن مسلم: حضرت ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:

«سفیانی مردی سرخ و سفید و کبود چشم است، هرگز خداوند را نپرستیده، و هیچ گاه مکه و مدینه را ندیده...»<sup>۳</sup>.

(۴۰۵) کمال الدین: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن ابراهیم بن هاشم به نقل از پدرش، محمد بن ابی عمیر، حمّاد بن عثمان، عمر بن یزید: حضرت امام صادق علیه السلام به من فرمود:

۱. الفتن: ۷۵.  
۲. کمال الدین ۲: ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۹. اعلام الوری: ۴۲۸، ب ۴، ف ۱. الخرائج ۳: ۱۱۵۰، ب ۲۰، ح ۵۸ و: ۷۳۲، ب ۳۴، ف ۸، ح ۸۰ بحار الانوار ۵۲: ۲۰۵، ب ۲۵، ح ۳۶.  
۳. الغیبة: ۳۰۶، ب ۱۹، ح ۱۸. بحار الانوار ۵۲: ۳۵۳ و ۳۵۴، ب ۲۵، ح ۱۴۶.

«سفیانی را که ببینی، خواهی دید که خبیث‌ترین مردم و سرخ و سفید و کبود چشم است. می‌گوید: خدایا اول خون من، خون من، آنگاه آتش! و خبائثش به حدی است که کنیزی را که از او صاحب فرزند است از ترس آنکه مبادا او را لو دهد زنده به گور می‌نماید».<sup>۱</sup>

## فصل سوم

### مدت حکومت سفیانی

#### □ روایات اهل سنت:

(۴۰۶) فتن ابن حمّاد: الحکم بن تافع، جراح، أرطاة:

«در طول شش ماه سفیانی هر که را نافرمانی‌اش کند می‌کشد، با اره تکه تکه می‌نماید و در دیگ می‌پزد».<sup>۲</sup>

(۴۰۷) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«سفیانی به اندازه دوران حاملگی یک زن، حکومت می‌کند».<sup>۳</sup>

(۴۰۸) عقد الدرر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«هنگامی که سفیانی بر مناطق پنجگانه مسلط شد، نه ماه حساب کنید».

یعنی بعد از آن مهدی علیه السلام ظاهر می‌گردد. راوی گوید: هشام معتقد بود که آن پنج

منطقه: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب است.<sup>۴</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۴۰۹) غیبة الطوسی: محمّد بن خلف، حسن بن صالح بن اسود، عبد الجبار بن عباس

همدانی، عمّار دهنی: امام باقر علیه السلام فرمود:

«فکر می‌کنید سفیانی تا چه مدت در میان شما باشد؟»

۱. کمال الدین ۲: ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۱۰. اثبات الهداة ۳: ۷۲۱، ب ۳۴، ف ۴، ح ۲۷. بحار الانوار ۵۲: ۲۰۵ -

۲. الفتن: ۷۵ و نک: ۲۰ و ۸۰. ح ۳۷.

۳. الفتن: ۷۴. ۴. عقد الدرر: ۸۶ ب ۴، ف ۲.

گفتم: به مقدار حمل یک زن، نه ماه. فرمود:  
ای اهل کوفه، چقدر شما دانا یید! <sup>۱</sup>

## فصل چهارم وطن سفیانی

### □ روایات اهل سنت:

(۴۱۰) فتن ابن حمّاد: عبدالقدوس، ابوبکر بن ابی مریم عن أشیاخه:

«... سفیانی با آنها خروج می کند، و مردمانی از روستاهای وادی یابس  
(دره خشک) دنبال او به راه می افتند» <sup>۲</sup>

(۴۱۱) فتن سلیلی: عمر بن عبدالوهاب، ابوبکر محمد بن عبدالؤمن، احمد بن محمد بن  
غالب، الخلیل بن سالم بزاز، علاء بن رشید، عبدالواحد بن زید، الحسن به نقل از شخصی: علی  
بن ابی طالب علیه السلام به ابن عباس فرمود:  
«سفیانی در شام است» <sup>۳</sup>

(۴۱۲) فتن ابن حمّاد: عبدالقدوس و غیره، ابن عیاش به نقل از شخصی، محمد بن جعفر:  
علی علیه السلام فرمود:

«... (سفیانی) از نواحی شهر دمشق در جایی به نام وادی یابس (دره  
خشک) خروج می کند» <sup>۴</sup>

---

۱. غیبة الطوسی: ۲۷۸. الخرائج ۳: ۱۱۵۹، ب ۲۰. اثبات الهداة ۳: ۷۳۰، ب ۳۴، ف ۶، ح ۷۰. بحار  
الانوار ۵۲: ۲۱۶، ب ۲۵، ح ۷۴.

۲. الفتن: ۷۵. عقد الدرر: ۷۲، ب ۴، ف ۲. برهان المتقی: ۱۱۵، ب ۴، ف ۲، ح ۱۴.

۳. الفتن: ۱۲۴، ب ۳۹.

۴. الفتن: ۷۵. عقد الدرر: ۷۲ و ۷۳، ب ۴، ف ۲. كنز العمال ۱۱: ۲۸۴، ح ۳۱۵۳۵. برهان المتقی: ۱۱۲ و  
۱۱۳، ب ۴، ف ۲، ح ۸.

### □ روایات شیعه:

(۴۱۳) کمال الدین: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی کوفی، محمد بن ابی عمیر، عمر بن اذینته: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«پسر زن جگرخوار از وادی یابس خروج خواهد کرد...»<sup>۱</sup>

### فصل پنجم

### خشونت و اعمال زشت سفیانی

### □ روایات اهل سنت:

(۴۱۴) فتن ابن حقاد: ولید و رشدین، ابن لهیعة، ابوقبیل:

«... مردی از بنی امیه خروج می کند، در مقابل هر نفر دو نفر را می کشد، تا اینکه فقط زنان باقی می مانند، آنگاه مهدی خروج می کند»<sup>۲</sup>

(۴۱۵) فتن ابن حقاد: الحکم بن نافع، جراح، أرطاة:

«سفیانی هر که را نافرمانیش کند می کشد، با اژه تکه تکه می نماید و در دیگ می پزد»<sup>۳</sup>

(۴۱۶) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«سفیانی اهل علم را می کشد، قرآنها را می سوزاند، مساجد را خراب، و حرام را حلال می کند، دستور می دهد در بازارها آلات لهو و لعب و عود و

۱. کمال الدین ۲: ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۹. غیبة النعمانی: ۳۰۵ و ۳۰۶، ب ۱۸، ح ۱۶. غیبة الطوسی: ۲۷۷.  
الخرائج ۳: ۱۱۵۰، ب ۲۰، ح ۵۸. العدد القویة: ۷۶، ح ۱۲۷. فرائد فوائد الفکر: ۱۴، ب ۵. اثبات الهداة  
۳: ۷۳۰، ب ۳۴، ف ۶، ح ۶۹. بحار الانوار ۵۲: ۲۱۶، ب ۲۵، ح ۷۳ و ۲۵۳، ب ۲۵، ح ۱۴۴. بشارة  
الاسلام: ۵۳، ب ۲.

۲. الفتن: ۷۵. ملاحم ابن المنادی: ۴۷. عقد الدرر: ۵۶، ب ۴، ف ۱. ملاحم ابن طاووس: ۴۹، ب ۸۴.  
۳. الفتن: ۷۵ و نک: ۲۰ و ۸۰

دفع بنوازند، و کنار خیابان‌ها مشروب بنوشند، فساد و اعمال شرم‌آور را آزاد می‌کند، و هر عملی را که خداوند عزوجل واجب کرده غیرمجاز اعلام می‌نماید، از ظلم و ستم دست برنمی‌دارد، بلکه دائم بر گردنکشی و ویرانگری و گستاخی‌اش می‌افزاید، از شدت خشم و دشمنی و کینه‌ای که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، هر کس را که به نام محمد، احمد، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، خدیجه و عاتکه باشد به قتل می‌رساند، آنگاه می‌فرستد تا کودکان را جمع نمایند، و برای آنها روغن داغ می‌گذارد، کودکان می‌گویند: اگر پدران ما از تو نافرمانی کرده‌اند ما چه گناهی داریم؟ او دو نفر از آنها را به نام حسن و حسین می‌گیرد و به دار می‌آویزد. بعد به کوفه می‌رود، و همان کاری که با آن کودکان کرد در آنجا نیز مرتکب می‌شود، دو کودک را به نام‌های حسن و حسین کنار در مسجد به دار می‌آویزد، و خون آنها را می‌جوشاند، همان‌طور که خون یحیی بن زکریا علیه السلام را جوشاندند، و وقتی [احساس خطر کرده و] به هلاکت و فرود آمدن بلا مطمئن می‌شود از آنجا می‌گریزد و به سمت شام می‌رود، در راه با کسی که مقابلش بایستد مواجه نمی‌گردد، وقتی وارد دمشق شود، هم و غمّش شرب خمر و ارتکاب گناه است و یارانش را به همان دستور می‌دهد. چون سفیانی خروج کند خنجری در دست دارد، زن بارداری را می‌گیرد و به طرف یکی از یارانش هل می‌دهد و می‌گوید: در وسط راه به او تجاوز کن! او این کار را می‌کند، و شکم زن را می‌شکافد و جنین از شکم او می‌افتد. پس هیچ کس نمی‌تواند این وضع را تغییر دهد، ملائکه آسمان مضطرب می‌شوند، خداوند عزوجل به جبرئیل دستور می‌دهد تا بر دیوار مسجد دمشق فریاد بزند: ای امت محمد صلی الله علیه و آله، آگاه باشید که فریادرس شما آمد، ای امت محمد صلی الله علیه و آله فریادرس شما آمد، گره‌گشا آمد، او مهدی است.<sup>۱</sup>

۱. عقد الدرر: ۹۰-۹۹، ب ۴، ف ۲ و: ۱۳۷-۱۳۹، ب ۶.

### □ روایات شیعه:

(۴۱۷) الزام الناصب: محمد بن احمد انباری، محمد بن احمد جرجانی قاضی ری، طوق بن مالک از پدر خود و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «... نام او (سفیانی) حرب بن عبسة بن مرّة بن کلیب بن ساهمة بن یزید بن عثمان بن خالد، و از نسل یزید بن معاویة بن ابوسفیان است، آسمان و زمین او را لعنت فرستند، شرورترین خلق خدا و کسی است که جدش ملعون‌ترین مردم و خودش ظالم‌ترین آنهاست»<sup>۱</sup>.

(۴۱۸) کمال الدین: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی کوفی، محمد بن ابی عمیر، عمر بن اذینه، حضرت امام صادق علیه السلام: پدرم به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«پسر زن جگرخوار (هند) خروج می‌کند... تا به سرزمینی آرام و خرم می‌رسد و بر منبر آنجا می‌نشیند (به حکومت می‌رسد)»<sup>۲</sup>.

## فصل ششم

### سرنوشت سفیانی

### □ روایات اهل سنت:

(۴۱۹) عقد الدرر: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن سخنانی درباره حوادث آخرالزمان فرمود:

«غوغا و همهمه‌ای در شام واقع می‌گردد که اعراب حجاز [برای حمله] به جانب شما خارج شده‌اند. آنها (شامیان) در دمشق اطراف سفیانی اجتماع می‌کنند و می‌گویند: اعراب حجاز علیه ما متحد شده‌اند. سفیانی به یارانش می‌گوید: نظرتان در مورد این قوم چیست؟

۱. الزام الناصب ۲: ۱۷۸-۲۱۳.

۲. کمال الدین ۲: ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۹. اعلام الوری: ۴۲۸، ب ۴، ف ۱. الخرائج ۳: ۱۱۵۰، ب ۲۰، ح ۵۸.



می‌گویند: آنها نجابت و مرکب دارند، ما ابزار جنگی و سلاح داریم، به کمک ما بر آنها بتاز.

پس می‌بینند که او ترسیده، زیرا می‌داند چه چیزی از او می‌خواهند، برای همین هم آن قدر به او اصرار می‌ورزند تا او را [راضی به] خروج کنند، و او با اسب‌ها و مردان و سپاه خود که دویست و شصت هزار نفرند خارج می‌شود، و به دریاچه طبریه<sup>[۷۰]</sup> که می‌رسند اردو می‌زنند.

مهدی علیه السلام [نیز] با همراهانش حرکت می‌کند، در هیچ شهری کاری جز امنیت و امان و بشارت انجام نمی‌دهد، سمت راستش جبرئیل علیه السلام، سمت چپش میکائیل علیه السلام، و مردم از همه جا به او می‌پیوندند، تا اینکه در کنار دریاچه طبریه با سفیانی برخورد می‌نمایند.

خداوند عزوجل و خلقش بر سفیانی و سپاه او خشمناک می‌شوند، و حتی پرندگان در آسمان با بال‌هایشان به آنها تیر می‌زنند، و کوه‌ها سنگ‌های خود را به طرف آنها پرتاب می‌کنند، پس جنگی درمی‌گیرد که به هلاکت سپاه سفیانی می‌انجامد، سفیانی فرار می‌کند، و مردی از موالی به نام «صبحاح» او را گرفته نزد مهدی می‌آورد، و در حالی که آن حضرت مشغول نماز عشا است به او بشارت می‌دهد، مهدی علیه السلام نماز را کوتاه کرده و بیرون می‌آید، [و می‌بیند که] عمامه سفیانی را در گردنش انداخته و او را می‌کشند. مهدی او را مقابل خود نگاه می‌دارد، آنگاه سفیانی به مهدی گوید: پسر عمو، بر من منت گذار و زندگی را به من بازگردان، من هم از یاران شمشیرزن تو خواهم شد و با دشمنانت جهاد می‌کنم. مهدی که باحیاطتر از دوشیزگان بین یارانش نشسته می‌گوید: رهایش کنید!

اصحاب مهدی گویند: ای فرزند دختر رسول خدا، او را زنده می‌گذاری؟ او فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را کشته، و ما طاقت آن را نداریم. مهدی گوید: او برای شما، هر کاری می‌خواهید با او بکنید، در حالی که از قبل او را آزاد کرده و فراری داده است. سرانجام صبحاح با عده‌ای در سدره

به او می‌رسد، خوابانیده و ذبحش می‌نماید و سرش را برای مهدی می‌آورد، شیعیان او به سر نگاه می‌کنند و تکبیر و تهلیل سر می‌دهند، و خداوند را به خاطر آن حمد می‌گویند، آنگاه مهدی دستور می‌دهد دفنش کنند.<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۴۲۰) الزام الفاصب: محمد بن احمد جرجانی قاضی الری، طوق بن مالک به نقل از پدر خود و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود، علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... آنگاه که برای جنگ با سفیانی به طرف شام حرکت می‌کند، فریادی در شام می‌پیچد که: اعراب حجاز به جنگ شما می‌آیند.

سفیانی به یارانش می‌گوید: نظرتان چیست؟

می‌گویند: ما جنگاور و شریف هستیم و سلاح و ابزار جنگ داریم. و سفیانی را تشویق می‌کنند و او مقصودشان را می‌فهمد... سفیانی با سپاهیان و مردان و اسب‌های خود و هزار مرد جنگی حرکت می‌کند و در حیره اردو می‌زند.

مهدی علیه السلام هم با اسب‌ها و مردان و سپاه و گردان خود در حالی که جبرئیل علیه السلام سمت راست، میکائیل علیه السلام سمت چپ و پیروزی پیشاپیش او و مردم از همه مناطق پشت سر او هستند، حرکت می‌کند تا اینکه به اول حیره نزدیک همان جایی که سفیانی است می‌رسد. به غضب خدا غضبناک می‌شود، و با مخلوقات خداوند حرکت می‌کند، حتی پرندگان که با پرهای خود از آسمان به طرف لشکر سفیانی تیراندازی، و کوه‌ها سنگ‌های خود را به سمت آنان پرتاب می‌کنند. جنگی بسیار عظیم بین سفیانی و مهدی علیه السلام در می‌گیرد که همه لشکر سفیانی هلاک می‌شوند، اما خود او با عده کمی

۱. عقد الدرر: ۹۰-۹۹، ب ۴، ف ۲، و: ۱۳۷-۱۳۹، ب ۶. برهان المتقی: ۷۶ و ۷۷، ب ۱، ح ۱۴ و ۱۵.

فرائد فوائد الفکر: ۱۰، ب ۴.

فرار می کنند. مردی از یاران قائم به نام «صباح» (صبح) همراه با سپاهی او را دنبال نموده، اسیرش می کند و نزد مهدی علیه السلام می آورد. مهدی علیه السلام که مشغول نماز عشا است نماز را سبک می خواند و تمام می کند. سفیانی به او می گوید: پسر عمو، مرا نکش تا از یارانت باشم.

او به یارانش می فرماید: نظرتان در مورد این پیشنهاد چیست؟ من سوگند خورده ام که بدون رضایت شما کاری نکنم!

پاسخ می دهند: به خدا قسم ما جز به قتل او راضی نیستیم، او خون‌هایی را به ناحق ریخته و تو می خواهی زنده اش بگذاری؟  
مهدی علیه السلام می گوید: هر کاری می خواهید با او بکنید.

او را گرفته، کنار برکه زیر درختی که شاخه های آویزان دارد می خوابانند و مثل گوسفند ذبحش می کنند، و خداوند بی درنگ روحش را به جهنم واصل می فرماید.<sup>۱</sup>

(۴۲۱) منتخب الانوار المضيئة: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی سفیانی و لشکرش را شکست داده و همه آنها را می کشد، و سفیانی را در طرف رو به شام از دریاچه طبریه<sup>[۷۰]</sup> زیر درختی که شاخه های آویزان است ذبح می کند.<sup>۲</sup>»<sup>۳</sup>

(۴۲۲) بحار الانوار: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه به سفیانی خبر دهند قائم از ناحیه کوفه به طرف او در حرکت است، با عجله سپاه خود را حرکت می دهد تا او را ملاقات نماید. [چون به هم رسیدند] بیرون آمده می گوید: پسر عموی مرا جلو بفرستید! قائم علیه السلام

۱. الزام الناصب ۲: ۲۲۰ و ۲۲۱. کشف النوری: ۱۷۸ - ۱۸۳، ف ۲. منتخب الاثر: ۱۵۴، ف ۲، ب ۱، ح ۴۳.

۲. «... و یدبح السفیانی تحت شجرة أغصانها مدلاة في بحيرة طبرية مما يلي الشام».

۳. منتخب الأنوار المضيئة: ۱۹۲.

بیرون می آید و با او صحبت می کند و سفیانی با آن حضرت بیعت می نماید. آنگاه که نزد یارانش باز می گردد به او می گویند: چه کردی؟ می گوید: تسلیم شده و بیعت نمودم.

به او می گویند: اُف به این رأی و نظرت! تو خلیفه ای هستی که دیگران از تو اطاعت می کنند، حال خودت مطیع شخص دیگری شدی!

سفیانی مقابل قائم می ایستد و با او می جنگد، شب را استراحت می کنند و دوباره صبحگاه جنگ را با قائم از سر می گیرند، و تا پایان روز می جنگند. خداوند به شانه های مهدی و یارانش نیروی تازه می بخشد و آنها [سپاه سفیانی] را تار و مار می کنند، به طوری که هر کدامشان پشت درخت یا سنگی پنهان می شود، درخت یا سنگ می گوید: ای مؤمن، این مردی کافر است، او را بکش، و [مؤمن] او را می کشد.

امام فرمود: درندگان و پرندگان از گوشت آنها سیر می شوند، و قائم تا هر وقت بخواهد آنجا می ماند...»<sup>۱</sup>

## باب شانزدهم

### سپاه خسف [۴۰]

#### □ روایات اهل سنت:

(۴۲۳) مصنف ابن ابی شیبہ: جریر، عبدالعزیز بن رفیع، عبیدالله بن القبطیة: حارث بن ابی ربیعہ و عبدالله بن صفوان نزد ام سلمہ رفتند و من نیز با آنها بودم. آن دو از ام سلمہ در مورد سپاهی کہ بہ زمین فرو می رود سؤال کردند. و این ماجرا در زمان ابن زبیر بود. ام سلمہ گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«شخصی [از بیم جان خود] بہ خانہ خدا پناہ می برد. لشکری برای [گرفتن] او مأمور می شوند. موقعی کہ لشکر بہ بیداء<sup>[۲۶]</sup> می رسند، در زمین فرو می روند.

ما گفتیم: ای رسول خدا، کسی کہ مجبور باشد چطور؟ فرمود:

با آنها فرو می رود، اما روز قیامت بر حسب نیتش محشور می گردد»<sup>۱</sup>.

(۴۲۴) فتن ابن حقاد: رشدین، ابن لہیعة، ابوزرعہ، محمد بن علی:

«شخصی [از بیم جان خود] بہ مکہ پناہ می برد. هفتاد ہزار نفر بہ فرماندہی مردی بہ نام قیس مأمور [گرفتن] او می شوند. چون بہ منطقہ

---

۱. المصنف ۱۵: ۴۳ و ۴۴، ح ۱۹۰۶۶. مسند احمد ۶: ۲۸۹ و ۲۹۰. صحیح مسلم ۴: ۲۲۰۸، ب ۵۲، ح ۲۸۸۲. سنن ابی داود ۴: ۱۰۸، ح ۴۲۸۹. سنن ابن ماجہ ۲: ۱۳۵۱، ب ۳۰، ح ۶۵. سنن الترمذی ۴: ۴۰۷، ب ۱۰، ح ۲۱۷۱. ملاحم ابن المنادی: ۴۱ و ۴۲. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۴۲۹. السنن الواردة فی الفتن: ۱۰۳. جامع الاصول ۱۰: ۱۷۸، ب ۸، ح ۶۸۷۴. تذکرۃ القرطبی ۲: ۶۹۸. برہان المتقی: ۱۳۳، ب ۴۷، ف ۲، ح ۴۵. کنز العمال ۱۲: ۲۰۳، ح ۳۴۶۶۸ و ۱۴: ۲۷۲، ح ۳۸۶۹۷.

«ثَنِيَّة» برسند و آخرین نفر آنها وارد شود، پیش از آنکه اولیشان خارج گردد جبرئیل سه مرتبه ندا می دهد: ای بیداء<sup>[۲۶]</sup>! - شرق و غرب بیابان صدای او را می شنود - آنها را بگیر که خیری در آنها نیست! کسی شاهد هلاکت آنها نخواهد بود جز چوپانی که گوسفندانش را در کوه می چراند، و فرو رفتن آنها را می بیند، و خبرشان را منتشر می سازد. وقتی آن شخص پناهنده خبر را بشنود خارج می گردد»<sup>۱</sup>.

(۴۲۵) صحیح مسلم: ابوبکر بن ابی شیبہ، یونس بن محمد، قاسم بن فضل حدانی، محمد بن زیاد، عبدالله بن زبیر، عایشه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... عجب از مردمی که نزد کعبه به مردی اقتدا می نمایند که به کعبه پناهنده شده، و وقتی به بیداء<sup>[۲۶]</sup> می رسند در زمین فرو می روند. ما گفتیم: مردم در راه با هم جمع می شوند<sup>۲</sup>. فرمود: بله، در بین آنها افرادی در جستجوی حق هستند و بعضی مجبورند و عده ای در راه مانده اند، اما همگی یکباره هلاک می گردند، ولی به صورت های مختلف بیرون می آیند و خداوند آنها را بر حسب نیتشان محشور می فرماید»<sup>۳</sup>.

(۴۲۶) مصنف ابن ابی شیبہ: فضل بن دکین، سفیان، سلمه بن کهیل، ابوادریس مرهبی، مسلم بن صفوان، صفیة: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«افرادی از حمله به کعبه دست بر نمی دارند تا آنگاه که سپاهی برای حمله به آن حرکت می کنند. وقتی به بیداء<sup>[۲۶]</sup> می رسند زمین از اول تا آخر آنها را فرو می برد».

۱. الفتن: ۹۰. کنز العمال ۱۱: ۲۷۷، ح ۳۱۵۱۲. صحیح مسلم ۴: ۲۲۱۰، ب ۵۲، ح ۷. جامع الاصول

۱۰: ۱۷۹، ب ۸، ح ۶۸۷۷. تذکرة القرطبي ۲: ۶۹۸.

۲ □ یعنی بطور اتفاقی هم سفر می شوند.

۳. صحیح مسلم ۴: ۲۲۱۰، ب ۵۲، ح ۲۸۸۴. الفائق للزمخشری ۱: ۱۱۴. جامع الاصول ۱۰: ۱۷۷،

ب ۸، ح ۶۸۷۳. عقد الدرر: ۶۷، ب ۴، ف ۲. الجامع الصغير ۲: ۱۸۷، ح ۵۶۷۵. تاریخ البخاری ۵: ۱۱۸،

ح ۳۵۳. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۵۰، ب ۳۰، ح ۴۰۶۳.

راوی گوید: گفتم: ممکن است در بین آنها افرادی به اجبار آمده باشند! فرمود:  
خداوند هر کدام از آنها را بر حسب نیت درونی اش محشور  
می فرماید.<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۴۲۷) دلائل الامامة: ابو عبدالله حسین بن عبدالله، ابو علی حسن بن محمد نهاوندی، علی بن محمد بن نهید حصینی، ابو علی شهر یاری، ابراهیم بن عبدالرحمن، جعفر بن قرم، هارون بن حماد، مقاتل، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«ای علی، ده نشانه قبل از قیامت پیدا شود... خسف در بیداء<sup>[۲۶]</sup>، و مردی از ما اهل بیت که بین زمزم و مقام با او بیعت کنند...»<sup>۲</sup>

(۴۲۸) غيبة النعمانی: علی بن حسین، محمد بن یحیی عطار، محمد بن حسان رازی، محمد بن علی کوفی، عبدالله بن جبلة، علی بن ابی حمزة، ابو بصیر: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، خروج قائم علیه السلام کی است؟ فرمود:  
«ای ابو محمد... پیش از قیام او... خسفی<sup>[۴۰]</sup> در بیداء<sup>[۲۶]</sup> رخ خواهد داد...»<sup>۳</sup>

(۴۲۹) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، علی بن حسن، علی بن مهزیار، حماد بن عیسی، حسین بن المختار، ابن ابی یغفور: امام صادق علیه السلام فرمود:  
«از جمله علامات، سپاه خسف است...»<sup>۴</sup>

۱. المصنّف ۱۵: ۴۶، ح ۱۹۰۷۱. مسند احمد ۶: ۳۳۶. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۵۱، ب ۳۰، ح ۴۰۶۴. سنن الترمذی ۴: ۴۷۸، ب ۲۱، ح ۲۱۸۴. سنن النسائي ۵: ۲۰۶ و ۲۰۷. المعجم الكبير ۲۳: ۲۰۶، ح ۳۵۶ و ۲۴: ۷۶، ح ۱۹۸. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۴۳۰. جامع الاصول ۱۰: ۱۸۷، ب ۸۷، ح ۶۸۷۵ و ۱۷۹، ح ۶۸۷۶.
۲. دلائل الامامة: ۲۴۸.
۳. الغيبة ۲۸۹، ب ۱۶، ح ۶. بحار الانوار ۵۲: ۱۱۹، ب ۲۱، ح ۴۸. بشارة الاسلام: ۱۵۰، ب ۷. منتخب الاثر: ۴۵۲ و ۴۵۳، ف ۶، ب ۵، ح ۳.
۴. الغيبة: ۲۵۷ و ۲۵۸، ب ۱۴، ح ۱۶. اثبات الهداة ۳: ۷۳۶، ب ۳۴، ف ۹، ح ۱۰۳. بحار الانوار ۵۲:

(۴۳۰) غيبة الطوسی: احمد بن ادریس، علی بن محمد بن قتیبة، فضل بن شاذان، ابن فضال، حماد، حسین بن المختار، ابونصر، عامر بن واثلة، امیر المؤمنین علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ده نشانه حتمی قبل از قیامت خواهد بود... خَسَفِی [۴۰] در مشرق، و خَسَفِی در جزیره العرب...»<sup>۱</sup>

---

۱. غيبة الطوسی: ۲۶۷. الخرائج ۳: ۱۱۴۸، ب ۲۰، ح ۵۷. الايقاظ من الهجعة: ۳۱۱، ب ۱۰، ح ۱۲ و: ۳۵۶، ب ۱۰، ح ۱۰۰. اثبات الهداة ۳: ۷۲۴، ب ۳۴، ف ۵، ح ۴۲، و: ۷۲۵، ب ۳۴، ف ۶، ح ۴۵.



## باب هفدهم

### دجال

این باب شامل یازده فصل است:

#### فصل اول

#### خروج دجال پیش از قیام مهدی علیه السلام

■ روایات اهل سنت:

(۴۳۱) عقد الدرر: جابر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که [وجود] دجال را تکذیب کند کافر است، و کسی که مهدی را تکذیب کند کافر است».<sup>۱</sup>

(۴۳۲) فرائد السمطين: ابراهیم بن محمد بن عمر بن محمد سهروردی، علی بن عبدالله بن المعین بغدادی، ابو الفضل محمد بن ناصر سلامی، حافظ ابو محمد حسن بن احمد سمرقندی، محمد بن ابی اسحاق بن یعقوب کلاباذی بخاری، محمد بن حسن بن علی، ابو عبدالله حسین بن محمد بن احمد، اسماعیل بن ابی اوکس، مالک بن البین، محمد بن المنذر، جابر بن عبدالله: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که خروج مهدی علیه السلام را انکار کند، به رسالت محمد صلی الله علیه و آله کافر شده، کسی که نزول عیسی علیه السلام را انکار کند، کافر شده، کسی که خروج دجال را انکار کند، کافر شده».<sup>۲</sup>

۱. عقد الدرر: ۱۵۷، ب. ۷. الروض الأنف ۲: ۴۳۱.

۲. فرائد السمطين ۲: ۳۳۴، ح. ۵۸۵. مقدّمة ابن خلدون: ۳۴۷، ف. ۵۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۳ برهان المتقی: ۱۷۰، ف. ۱۲، ح. ۲. ینابیع المودّة: ۴۴۷، ب. ۷۸.

(۴۳۳) **أمالی شجری:** عبدالرحمن بن ابی العباس مالکی، احمد بن ابراهیم بن جامع، علی بن عبدالعزیز، مسلم بن ابراهیم، حسن بن ابی جعفر، علی بن زید، سعید بن مسیب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اهل بیت من مانند کشتی نوح هستند، کسی که به آن کشتی سوار شود رهایی یابد و کسی که از آن کناره گیری کند غرق شود و پایین رود، و هر کس در آخر الزمان با ما بجنگد، گویی یکی از سپاهیان دجال است»<sup>۱</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۴۳۴) **عیون اخبار الرضا علیه السلام:** ابو عبدالله حسین بن محمد اشنانی، علی بن محمد بن مهرویه قزوینی، داود بن سلیمان فراء، علی بن موسی الرضا علیه السلام، موسی بن جعفر علیه السلام، جعفر بن محمد علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام، علی بن حسین علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که در آخر الزمان با ما بجنگد، مثل این است که همراه دجال با ما جنگیده»<sup>۲</sup>.

## فصل دوم

### اولین محل خروج دجال

### □ روایات اهل سنت:

(۴۳۵) **فتن ابن حماد:** یزید بن هارون، سعید، قتاده، ابن مسیب، ابو بکر: «دجال از خراسان خروج می کند»<sup>۴</sup>.

(۴۳۶) **فتن ابن حماد:** علی بن عاصم، یحیی ابوزکریا، قتاده، سعید بن مسیب، ابو بکر:

۱ □ «و من قاتلنا فی آخر الزمان فکأثما قاتل مع الدجال».

۲. الأمالی الشجرية ۱: ۱۵۱.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام ۲: ۴۷، ب ۳۱، ح ۱۸۱. بحار الانوار ۲۷: ۲۰۵، ب ۸، ح ۱۱.

۴. الفتن: ۱۴۹ و ۱۵۰. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۱۴۵، ح ۱۹۳۴۵. مسند احمد ۱: ۴، ح ۷.

«دجال از بخش یهودی نشین مرو خروج می کند».<sup>۱</sup>

(۴۳۷) معجم طبرانی: محمد بن حیاة جوهری اهوازی، محمد بن منصور نحوی اهوازی، ابوهمام محمد بن زبرقان، یونس بن عبید، حسن، عمران بن حصین: رسول خدا ﷺ فرمود:  
«دجال از جانب اصفهان خروج می کند».<sup>۲</sup>

(۴۳۸) معجم طبرانی: عامر بن احمد شونیزی فرائضی اصفهانی، عبدالله بن محمد بن نعمان، محمد بن سعید بن سابق، عمرو بن ابی قیس، مطرف بن طریف، شعبی، بلال بن ابی بردة به نقل از پدرش روایت کرد: پیامبر ﷺ از دجال سخن گفت و فرمود:  
«از اینجا می آید، نه! از اینجا».

و به سمت مشرق اشاره فرمود.<sup>۳</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۴۳۹) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوستیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبرة، امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود:

«... (دجال) از شهری که آن را «اصفهان» می گویند و قریه ای که معروف به «یهودیه» است بیرون می آید».<sup>۴</sup>

(۴۴۰) بصائر الدرجات: معاویة بن حکیم، شعیب بن غزوان به نقل از شخصی: شخصی از اهل بلخ<sup>[۲۴]</sup> خدمت امام باقر علیه السلام آمد. حضرت به او فرمود:  
«خراسانی! فلان بیابان را می شناسی؟

گفت: آری. فرمود:

۱. الفتن: ۱۴۹. کنز العمال ۱۴: ۵۹۹، ح ۳۹۶۸۴.  
۲. المعجم الكبير ۱۸: ۱۵۵، ح ۳۳۸ و ۳۳۹. مجمع الزوائد ۷: ۳۳۹. کنز العمال ۱۴: ۲۷، ح ۳۸۸۲۳.  
۳. المعجم الصغير ۱: ۲۶۰. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۲۸. کشف الهمی ۴: ۱۳۶، ح ۳۳۸۳.  
مجمع الزوائد ۷: ۳۴۸. مصنف عبدالرزاق ۱۱: ۳۹۶، ح ۲۰۸۳۰ و ۳۹۵، ح ۲۰۸۲۹.  
۴. کمال الدین ۲: ۵۲۵-۵۲۸، ب ۴۷، ح ۱.

در آن بیابان شکافی با چنین مشخصاتی سراغ داری؟

گفت: آری. فرمود:

از همان شکاف دجال خروج می‌کند.<sup>۱</sup>

(۴۴۱) کمال الدین: حسین بن احمد بن ادریس به نقل از پدرش، ابوسعید سهل بن زیاد ادمی رازی، محمد بن آدم شیبانی به نقل از پدرش آدم بن ابی‌ایاس، مبارک بن فضاله، وهب بن منبه رفعه الی ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی طولانی فرمود:  
«... و ظهور دجال که از سیستان در مشرق خروج می‌کند».<sup>۲</sup>

## فصل سوم

### اسم دجال

#### □ روایات اهل سنت:

(۴۴۲) فتن ابن حنّاد: ولید، حنظله، سالم به نقل از پدرش روایت کرد:  
« [ دجال ] همان ابن صائد است که در مدینه متولد شده».<sup>۳</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۴۴۳) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام برای ما خطبه می‌خواند... اصبع بن نباته برخاست و گفت: امیر مؤمنان! دجال کیست؟ فرمود:  
«دجال صائد بن صید است...».<sup>۴</sup>

۱. بصائر الدرجات: ۱۴۱، ب ۱۱، ح ۷.

۲. کمال الدین ۱: ۲۵۰-۲۵۱، ب ۲۳، المحتضر: ۱۴۱. بحار الانوار ۲۶: ۱۸۹، ب ۱۳، ح ۲۷ و ۵۱: ۶۸، ب ۱، ح ۱۱، و ۵۲: ۱۹۰، ب ۲۵، ح ۱۹، و ۲۷۶: ۲۵، ح ۱۷۲۰.

۳. الفتن: ۱۴۹. صحیح البخاری ۹: ۱۳۳. صحیح مسلم ۴: ۲۲۴۳، ب ۱۹، ح ۲۹۲۹. سنن ابی داود ۴: ۱۲۰، ح ۴۳۳۰.

۴. کمال الدین ۲: ۵۲۵-۵۲۸، ب ۴۷، ح ۱.

## فصل چهارم مشخصات ظاهری دجال

### □ روایات اهل سنت:

(۴۴۴) مسند طیالسی: شعبه، قتاده، انس: پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«همه پیامبران امتشان را از یک چشم<sup>۱</sup> دروغگو بیم دادند، آری او یک چشم است و خدای تبارک و تعالی یک چشم نیست، بین دو چشم او نوشته: کافر، که هر مؤمنی می تواند آن را بخواند»<sup>۲</sup>.

(۴۴۵) مسند طیالسی: یونس، ابوداود، الحشرج بن نباته، سعید بن جمهان، سفینه

مولی<sup>[۱۰۵]</sup> رسول الله ﷺ: رسول خدا در خطبه ای فرمود:

«هیچ پیامبری نیامد مگر اینکه امت خود را از دجال بیم داد، چشم چپ او نابینا و در چشم راستش لکه غلیظی است، بین دو چشمش نوشته: کافر، یعنی نوشته: کاف، فاء، راء...»<sup>۳</sup>.

### □ روایات اهل سنت:

(۴۴۶) شرح ابن میثم: علی رضی الله عنه بعد از فتح بصره در آن شهر خطبه ای ایراد فرمود،

ایشان بعد از حمد و ثنای خداوند و درود بر پیامبر ﷺ و استغفار برای مؤمنین و مسلمین فرمود:

«دجال اکبر یک چشمی است، چشم راستش بسته و در چشم دیگرش چیزی است که گویی آمیخته به خون شده و مثل یک تکه گوشت سرخ از

□۱ الأعرور: یک چشم، کسی که انحراف دید دارد.

۲. مسند الطیالسی: ۲۶۵، ح ۱۹۶۳ و: ۳۶۰، ح ۳۲۲۶. مصنف عبدالرزاق ۱۱: ۳۹۰، ح ۲۰۸۲۲۰. فتن ابن حماد: ۱۴۶. مصنف ابن ابی شیبه ۱۵: ۱۲۸، ح ۱۹۳۰۱. مسند احمد ۱: ۱۷۶ و ۲: ۳۳ و ۱۲۴ و ۱۳۱ و ۱۳۹. صحیح البخاری ۴: ۱۶۳.

۳. مسند الطیالسی: ۱۵۰، ح ۱۱۰۶. مصنف ابن ابی شیبه ۱۵: ۱۳۷، ح ۱۹۳۲۵. مسند احمد ۵: ۲۲۱. المعجم الكبير ۷: ۹۸، ح ۶۴۴۵. فتن ابن کثیر ۱: ۱۲۳. مجمع الزوائد ۷: ۳۴۰. کنز العمال ۱۴: ۳۱۱، ح ۳۸۷۸۷.

حدقه برآمده بمانند یک دانه انگور بر روی آب»<sup>۱</sup>.

(۴۴۷) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما خطبه خواند و در وصف دجال فرمود:

«چشم راستش بسته است، و چشم دیگرش در پیشانی او مانند ستاره صبح می درخشد، چیزی در چشم اوست که گویی به خون آمیخته، در پیشانیش نوشته شده: «کافر»، که هر شخص باسواد و بی سواد آن را می خواند»<sup>۲</sup>.

### فصل پنجم

#### وارد نشدن دجال به مکه و مدینه

##### □ روایات اهل سنت:

(۴۴۸) مسند احمد: عثمان بن عمر، أسامة بن زید، ابو عبدالله قراظ، سعد بن مالک و ابو هریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... فرشتگان مدینه را احاطه کرده اند، بر سر هر یک از راه های آن، دو فرشته گمارده شده که مانع ورود طاعون و دجال باشند»<sup>۳</sup>.

(۴۴۹) مسند احمد: یزید، شعبه، قتاده، انس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«دجال به سمت مدینه می آید، ولی می بیند که فرشتگان نگهبان آنند، و ان شاء الله نه دجال وارد مدینه می شود، نه طاعون»<sup>۴</sup>.

۱. شرح نهج البلاغة ۳: ۱۶، خ ۹۹. بحار الانوار ۳۲: ۲۵۳، ب ۴، ح ۱۹۹.

۲. کمال الدین ۲: ۵۲۵-۵۲۸، ب ۴۷، ح ۱. الخرائج ۳: ۱۱۳۳، ب ۲۰، ح ۵۳. اثبات الهداة ۳: ۵۲۲، ب ۳۲، ف ۱۷، ح ۴۰۷. الايقاظ من الهجعة: ۳۲۲، ب ۱۰، ح ۳۱.

۳. مسند احمد ۱: ۱۸۳ و ۲۰۱. صحیح مسلم ۲: ۱۰۰۷، ب ۸۹، ح ۱۳۸۶. مسند ابی یعلیٰ ۲: ۱۲۹، ح ۸۰۴. دلائل النبوة ۲: ۵۷۰.

۴. مسند احمد ۳: ۱۲۳ و ۲۰۲، و: ۲۰۶. سنن الترمذی ۴: ۵۱۴، ح ۲۲۴۲. الفردوس ۴: ۲۲۶، ح ۶۶۸۰. جامع الاصول ۱۰: ۲۰۵، ح ۶۹۳۵.

### □ روایات شیعه:

(۴۵۰) فقیه: روایت شده که امام صادق علیه السلام سخن از دجال به میان آورد، پس فرمود: «هیچ دشتی از آن (زمین) باقی نمی ماند مگر اینکه آن را زیر پا می گذارد، مگر مکه و مدینه، زیرا بر سر هر یک از راه های این دو شهر فرشته ای گمارده شده که مانع ورود طاعون و دجال هستند»<sup>۱</sup>.

### فصل ششم

### سرنوشت دجال

### □ روایات اهل سنت:

(۴۵۱) مسند احمد: سلیمان بن داود، حرب بن شداد، یحیی بن ابی کثیر، حضرمی بن لاحق، ذکوان ابو صالح، عایشه: در حال گریه بودم که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من آمد. فرمود: چرا گریه می کنی؟ گفتم: یادم به دجال افتاد گریه ام آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... عیسی علیه السلام نازل می شود و او را می کشد»<sup>۲</sup>.

(۴۵۲) صحیح مسلم: محمد بن مهران رازی، ولید بن مسلم، عبدالرحمن بن یزید بن جابر، یحیی بن جابر طائی، عبدالرحمن بن جبیر به نقل از پدرش جبیر بن نفیر، ثواس بن سمعان: یک روز صبح که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دجال سخن می گفت، هم او را تحقیر کرد و هم از او تمجید نمود، به طوری که ما پنداشتیم او در ناحیه نخل<sup>۳</sup> است. وقتی خدمت آن حضرت رسیدیم متوجه این برداشت ما شد و فرمود: چه کار دارید؟ گفتیم: ای رسول خدا، شما صبحگاه از دجال سخن گفتید و چنان او را تحقیر و تمجید نمودید که ما پنداشتیم او در ناحیه نخل است. فرمود:

۱. من لایحضره الفقیه ۲: ۵۶۴، ح ۳۱۵۶. وسائل الشیعة ۱۰: ۲۷۲، ب ۹، ح ۴.

۲. مسند احمد ۶: ۷۵.

۳. «... فحفض فیہ و رفع حتی ظنناه فی طائفة النخل». پی به مقصود از این جمله نبردیم و در کتب شروح هم توضیحی درباره آن نیافتیم. ترجمه به «ناحیه نخل» با استفاده از شرحی که مبارکفوری در «تحفة الاحوذی ۶: ۴۱۳» آورده می باشد.

«... در همین حال خداوند عیسی بن مریم علیها السلام را می فرستد. او نازل می گردد... و دجال را می کشد. آنگاه قومی که خداوند از دجال حفظشان کرده بود نزد عیسی علیه السلام می آیند...»<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۴۵۳) کمال الدین: حسین بن احمد بن ادریس به نقل از پدرش، محمد بن حسین بن یزید زیات، حسن بن موسی الخشاب، ابن سماعه، علی بن حسن بن رباط به نقل از پدرش، مفصل بن عمر: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«... قائم همان است که بعد از غیبت خود قیام می کند و دجال را می کشد.»<sup>۲</sup>

(۴۵۴) منتخب الاثر: حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام فرمودند: «مهدی همان است که دجال را می کشد.»<sup>۳</sup>

(۴۵۵) تفسیر فرات: جعفر بن محمد الفزازی با ذکر سند: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «... زمانی می آید که مردم نمی دانند توحید چیست! تا آنگاه که دجال خروج کند و عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان پایین آید و خداوند دجال را به دست او بکشد.»<sup>۴</sup>

(۴۵۶) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن سعاد، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره، علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و خطبه می خواند، و پس از سخنانی در مورد دجال فرمود: «... خداوند او (دجال) را در شام بر سر گردنه‌ای به نام «افیق» خواهد

۱. صحیح مسلم ۴: ۲۲۵۰، ب ۲۰، ح ۱۲۹۳۷.

۲. کمال الدین ۲: ۳۳۵، ب ۳۳، ح ۷. إعلام الوری: ۳۸۵، ف ۲. اثبات الهداة ۱: ۵۱۷، ب ۹، ف ۶.

ح ۲۵۴. بحار الانوار ۱۵: ۲۳، ب ۱، ح ۴۰ و ۲۵: ۱۵، ب ۱، ح ۲۹ و ۵۱: ۱۴۴، ب ۶، ح ۸. منتخب الاثر:

۴۸، ف ۷، ب ۹، ح ۱. ۳. منتخب الاثر: ۱۷۲، ف ۲، ب ۱، ح ۹۶.

۴. تفسیر فرات الکوفی: ۴۴.



کشت. قتل او هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته، توسط کسی خواهد بود که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند»<sup>۱</sup>.

## فصل هفتم

### قتل دجال در قدس

#### □ روایات اهل سنت:

(۴۵۷) فتن ابن حنّاد: نعیم، ضمیرة بن ربیعة، یحیی بن ابی عمرو شیبانی، عمرو بن عبد الله حضرمی، ابو امامه باهلی: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی درباره دجال فرمود: «... می گوید: در را بگشایید! در را باز می کنند. آن روز با دجال هفتاد هزار یهودی خواهد بود که همه آنها دارای اسلحه و شمشیر زینت شده هستند، وقتی دجال به عیسی علیه السلام نظر می کند (از ترس یا خجالت) آب می شود، آن چنان که قلع و سرب [در آتش] ذوب گردد یا آنچنان که نمک در آب. آنگاه فرار می کند و عیسی علیه السلام می گوید: من باید ضربه ای به تو بزنم که از آن جان سالم به در نبری، و او را گرفته، به قتل می رساند»<sup>۲</sup>.

(۴۵۸) فتن ابن حنّاد: سوید بن عبدالعزیز، اسحاق بن ابی فروة، ابن سبور، مکحول، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی درباره دجال فرمود: «خدای تعالی عیسی بن مریم علیه السلام را در پی دجال به بیت المقدس می فرستد و او را می کشد»<sup>۳</sup>.

(۴۵۹) مسند طیالسی: یونس، ابوداود، زمعة بن صالح، زهری، عبیدالله بن عبد الله بن ثعلبة، عبدالرحمن بن یزید بن جاریة به نقل از عمویش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عیسی علیه السلام دجال را نزد دروازه «لد» فلسطین به قتل می رساند»<sup>۴</sup>.

۱. کمال الدین ۲: ۵۲۵-۵۲۸، ب ۴۷، ح ۱. بحار الانوار ۱۴: ۳۴۸ و ۳۴۹، ب ۲۴، ح ۱۰.

۲. الفتن: ۱۵۹. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۵۹، ح ۴۰۷۷. مسند احمد ۶: ۴۶۲. صحیح مسلم ۴: ۲۲۶۶.

ب ۲۰، ح ۲۹۴۵. سنن ابی داود ۴: ۱۷۷، ح ۴۳۲۱ و ۴۳۲۲. سنن الترمذی ۵: ۷۲۴، ب ۷۰، ح ۳۹۳۰.

۳. الفتن: ۱۶۰. ۴. مسند طیالسی: ۲۶۴، ح ۱۹۵۶.

### □ روایات شیعه:

(۴۶۰) اثبات الهداة: ابوالحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب جریمی، ابوحبیب هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری، امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه‌های آخرالزمان و اخباری از غیب مثل حکومت بنی امیه و بنی عباس و احوال دجال و سفیانی ذکر نمود، تا اینکه فرمود:

«... آنها (عیسی و مهدی علیه السلام) با هم حرکت می‌کنند تا اینکه به

بیت المقدس می‌رسند...»

آنگاه به جنگ بین آنها و دجال و اینکه آنها همه لشکر دجال را هلاک می‌کنند اشاره فرمود.<sup>۱</sup>

### فصل هشتم

#### قتل دجال بعد از نماز

### □ روایات اهل سنت:

(۴۶۱) مصنف ابن ابی شیبه: أسود بن عامر، حماد بن سلمه، علی بن زید، ابونضره، عثمان بن ابی العاص: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... دجال بیرون می‌آید... عیسی علیه السلام هنگام نماز صبح نازل می‌شود. امیر مردم به او می‌گوید: ای روح الله جلو بایستید تا به شما اقتدا کنیم. عیسی علیه السلام پاسخ می‌دهد: بعضی از شما امت [اسلام] بر بعضی دیگران امیر هستید، شما جلو بایستید تا ما اقتدا کنیم. آن امیر جلو می‌رود و نماز را برپا می‌کند. بعد از نماز عیسی علیه السلام دشنه خود را برمی‌دارد و به سوی دجال می‌رود. وقتی دجال به عیسی علیه السلام نظر می‌کند (از ترس یا خجالت) آب می‌شود آنچنان که قلع و سرب [در آتش] ذوب گردد، دشنه را به وسط سینه دجال نشانده و او را می‌کشد، لشکرش نیز شکست می‌خورد».<sup>۲</sup>

۱. اثبات الهداة ۳: ۵۸۷، ب ۳۲، ف ۶۱، ح ۸۰۴ مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۷۷، ب ۴۹، ح ۲۱. المهدي الموعود المنتظر ۱: ۱۱۰ و ۱۱۱.  
۲. المصنف ۷: ۹۴۱.

### □ روایات شیعه:

(۴۶۲) اثبات الهداة: ابوالحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب جریمی، ابو حبیبش هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدر خود و او نیز از پدرش، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری: امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه‌ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه‌های آخرالزمان و خبرهای زیادی از غیب مثل حکومت بنی امیه و بنی عباس و احوال دجال و سفیانی ذکر نمود، تا اینکه فرمود:

«... (مهدی) رو به قبله جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند، بعد با هم

حرکت می‌کنند تا به بیت المقدس می‌رسند.

آنگاه به جنگ بین آنها و دجال و اینکه آنها همه لشکر دجال را هلاک می‌کنند اشاره

فرمود.<sup>۱</sup>

### فصل نهم

### برخی حیلہ گریها و حالات دجال

### □ روایات اهل سنت:

(۴۶۳) فتن ابن حماد: نعیم، ابو عمر، ابن لهیعة، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به

نقل از پدرش، حارث، عبدالله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ذکر بعضی احوال دجال فرمود:

«فاصلة بین دو گوش الاغ دجال چهل ذراع<sup>[۴۸]</sup>، و هر گام الاغش به

اندازه سه روز راه است، او سوار بر الاغ خود وارد دریا می‌شود، چنان که

هر کدام از شما سوار بر اسب وارد جوی آبی شود. دجال می‌گوید: من

پروردگار جهانیان هستم، خورشید به اذن من حرکت می‌کند، می‌خواهید

آن را از حرکت باز دارم؟! آنگاه خورشید را باز می‌دارد به طوری که یک

روز، به مدت یک ماه طول می‌کشد. بعد می‌گوید: می‌خواهید آن را برایتان

حرکت دهم؟! می‌گویند: آری. آنگاه یک روز را یک ساعت می‌کند. زنی

نزد او می‌آید و می‌گوید: پروردگارا، پسر و همسر مرا زنده نما! پس

۱. اثبات الهداة ۳: ۵۸۷، ب ۳۲، ف ۶۱، ح ۸۰۴ مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۷۷، ب ۴۹، ح ۲۱. الشیعة و

الرجعة ۱: ۱۷۶ و ۱۷۷. المهدي الموعود المنتظر ۱: ۱۱۰ و ۱۱۱.

[شیطانی به صورت فرزندش و شیطانی به صورت شوهرش ظاهر گردد که] آن زن شیطانی را [به جای پسرش] در آغوش می‌کشد و با شیطانی [بجای شوهرش] آمیزش می‌کند. خانه‌هایشان پر از شیاطین می‌شود. اعراب دامدار نزد دجال می‌آیند و می‌گویند: گوسفندها و شترهای ما را زنده گردان! او شیطان‌هایی به صورت گوسفند و شتر به آنها می‌دهد که هم‌سن و یک‌شکل هستند، به همان حالی که هنگام هلاک شدن بوده‌اند و با چربی‌های فراوان. اعراب می‌گویند: اگر این پروردگار ما نبود شترها و گوسفندانِ مرده‌مان را زنده نمی‌کرد.

با او کوهی از گوشت و آبگوشت داغ است که خنک نشود، و رودی روان و کوهی از باغ‌ها و سبزه‌زاران، و کوهی از آتش و دود. می‌گوید: این بهشت من و این هم آتش من است، و این طعام و شراب من است. در این میان «یسع»<sup>[۱۱۴]</sup> مردم را بیم می‌دهد و می‌گوید: این مسیح دروغین است! از او دوری کنید! لعنت خداوند بر او باد!

خداوند چنان سرعت و سبکی به یسع می‌دهد که دجال به او نمی‌رسد. هرگاه دجال بگوید: من پروردگار جهانیان هستم، مردم می‌گویند: دروغ می‌گویی! یسع هم می‌گوید: حق با مردم است، تو دروغ‌گویی. چون یسع به مکه رود، با مخلوق عظیمی روبرو می‌شود و به او می‌گوید: تو کیستی؟ دجال نزد تو نیامد؟

پاسخ می‌دهد: من میکائیل هستم، خداوند مرا فرستاده تا نگذارم او وارد حرم خداوند شود.

به مدینه که می‌رسد باز با مخلوق عظیمی روبرو می‌شود. به او می‌گوید: تو کیستی؟ دجال نزد تو نیامد؟

پاسخ می‌دهد: من جبرئیل هستم، خداوند مرا فرستاده تا نگذارم دجال وارد حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله گردد.

وقتی دجال به مکه می‌رسد، با دیدن میکائیل علیه السلام فرار می‌کند، وارد حرم نمی‌شود و فریادی می‌کشد که در اثر آن هر زن و مرد منافقی دنبال او از

مکه خارج می‌شوند. آنگاه به مدینه می‌رود، ولی آنجا هم با دیدن جبرئیل علیه السلام پا به فرار می‌گذارد و فریادی می‌کشد، که در اثر آن، همه زنان و مردان منافق از مدینه خارج می‌گردند. آن بیم‌دهنده نزد جماعتی می‌آید که خداوند قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> را به دستشان فتح نمود. مسلمانانی که در بیت المقدس به آنها پیوسته‌اند می‌گویند: این دجال است که نزد شما آمده. و به بیم‌دهنده می‌گویند: بنشین، ما می‌خواهیم با دجال نبرد کنیم.

می‌گوید: می‌خواهم بروم تا خبر خروج او را به مردم برسانم. هنگامی که باز می‌گردد، دجال به او می‌رسد و می‌گوید: این کسی است که گمان می‌کند من بر وی غلبه نمی‌کنم، او را به بدترین شکل بکشید! او را با آره قطعه قطعه می‌کنند. آنگاه می‌گوید: اگر او را برایتان زنده کنم، یقین می‌کنید که من پروردگارتان هستم؟

پاسخ می‌دهند: ما اکنون هم تو را پروردگار خود می‌دانیم، و دوست داریم یقینمان افزون شود.

دجال می‌گوید: آری. پس آن مقتول به اذن خدا بلند می‌شود، اما غیر از او خداوند اذن نمی‌دهد که دجال کس دیگری را زنده کند.

دجال می‌گوید: آیا من تو را نکشتم و زنده گردانیدم؟ بنابراین من پروردگار توام.

او می‌گوید: اکنون یقینم بیشتر شد، من کسی هستم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارتم داد که تو مرا می‌کشی و آنگاه به اذن خداوند زنده می‌شوم. خداوند هیچ کس را غیر از من برای تو زنده نمی‌کند.

پس [خداوند] پوست بدن بیم‌دهنده (نذیر) را با ورق‌هایی مسی می‌پوشاند که هیچ کدام از سلاح‌های آنها در او اثر نمی‌کند، هر شمشیر و چاقو و سنگی که به او می‌خورد به او اصابت نکرده و در وی کارگر نمی‌افتد.

دجال می‌گوید: او را در آتشم بیندازید. خداوند هم سبزه‌ها و باغ‌های آن کوه را به طرف «نذیر» می‌گرداند، و همین موجب تردید مردم در مورد وی

می شود. بنابراین به بیت المقدس می رود و هنگامی که به گردنه افیق رسد سایه خود را بر مسلمانان می افکند. آنها هم اسلحه های خود را برای جنگ با دجال آماده می کنند، اما قوی ترین مسلمانان در آن روز زانو می زنند یا از گرسنگی و ضعف می نشینند. در همین حال ندایی می شنوند که می گوید: ای مردم، فریادرس شما آمد!»<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۴۶۴) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن خطبه ای در مورد دجال و کارهای او فرمود: «... در دریاها فرو می رود، آفتاب با او حرکت می کند، در مقابلش کوهی از دود، و پشت سرش کوه سفیدی است که مردم آن را خوراکی می پندارند، در قحطی شدید سوار بر الاغ سفیدی که فاصله هر گامش یک میل است خروج می کند، زمین منزل به منزل در زیر پایش درنور دیده شود، بر هر آبی بگذرد تا روز قیامت خشک می شود، و با صدای بلندی که جن و انس و شیاطین در شرق و غرب عالم آن را می شنوند می گوید: ای دوستان من، بیاید! منم آن که آفرید و آراست، و تقدیر کرد و هدایت نمود، منم پروردگار اعلائی شما. اما او دشمن خداست و دروغ می گوید، او یک چشمی است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود...»<sup>۲</sup>

۱. الفتن: ۱۵۲ و ۱۵۳. مصنف ابن ابی شیبه ۱۵: ۱۴۶، ح ۱۹۳۴۸ و ۱۶۱، ح ۱۹۳۸۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۸۹ الدر المنثور ۳: ۶۱ و ۵: ۳۵۵. برهان المتقی: ۱۹۴، ح ۶.  
۲. کمال الدین ۲: ۵۲۵-۵۲۸، ب ۴۷، ح ۱.

## فصل دهم

### ویژگی‌های پیروان دجال

#### □ روایات اهل سنت:

(۴۶۵) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد دجال فرمودند:

«بیشتر پیروان او حرامزاده هستند».<sup>۱</sup>

(۴۶۶) فتن ابن حماد: وکیع، سفیان، واصل الأحمد، ابوانل:

«بیشتر پیروان دجال یهود و فرزندان فاحشه‌ها هستند».<sup>۲</sup>

(۴۶۷) مسند احمد: محمد بن مصعب، اوزاعی، ربیع بن عبدالرحمن، انس بن مالک:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دجال همراه با هفتاد هزار یهودی تاج به سر، از یهودیه اصفهان خروج

می‌کند».<sup>۳</sup>

(۴۶۸) مصنف عبدالرزاق: معمر، یحیی بن ابی‌کثیر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«بیشتر پیروان دجال یهودیان اصفهان هستند».<sup>۴</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۴۶۹) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن

معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبر:

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای فرمود:

«... بیشتر پیروان دجال حرامزاده هستند، و طیلسان سبز می‌پوشند...».<sup>۵</sup>

۱. عقد الدرر: ۲۷۴.

۲. الفتن: ۱۵۴. مصنف ابن ابی شیبه ۱۵: ۱۵۹، ح ۱۹۳۷۳. النهایة ۴: ۳۷۳. الدر المنثور ۵: ۳۵۴.

۳. مسند احمد ۳: ۲۲۴. کنز العمال ۱۴: ۳۲۶، ح ۳۸۸۲.

۴. المصنف ۱۱: ۳۹۳، ح ۲۰۸۲۶. فتن ابن حماد: ۱۵۴ و ۱۵۶. صحیح مسلم ۴: ۲۲۶۶، ب ۲۵.

ح ۲۹۴۴. عقد الدرر: ۲۶۵، ب ۱۲، ف ۱۲. شرح المقاصد ۱: ۳۰۸. کنز العمال ۱۴: ۳۰۴، ح ۳۸۷۷۲.

۵. کمال الدین ۲: ۵۲۵-۵۲۸، ب ۴۷، ح ۱. بحار الانوار ۱۴: ۳۴۸، ب ۲۴، ح ۱۰.

## فصل یازدهم

### نزول برکت بعد از قتل دجال

#### □ روایات اهل سنت:

(۳۷۰) فتن ابن حماد: نعیم، ابو عمر، ابن لهیعة، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل از پدرش، حارث، عبدالله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«موقعی که عیسی بن مریم علیه السلام نازل گردد و دجال را بکشد مردم به بهره‌هایی می‌رسند، و شب طلوع خورشید از مغرب را احیا می‌گیرند، و تا چهل سال بعد از خروج دابّه (جنبنده) [از نعمت‌ها] بهره‌مند هستند<sup>۱</sup>، در آن زمان کسی نمی‌میرد و کسی مریض نخواهد شد. هر کس به گوسفندان و حیوانات خود می‌گوید: بروید و در فلان مکان بچرید و در فلان ساعت بازآید. حیواناتی که از بین دو مزرعه عبور می‌کنند از یک خوشه آنها هم نخورده و یک چوب را هم با سُمشان نمی‌شکنند! مار و عقرب‌ها آشکارند و به کسی آسیب نمی‌رسانند و کسی هم مزاحم آنها نمی‌شود. حیوانات درنده در خانه‌ها می‌ایستند و غذا می‌طلبند و کسی را اذیت نمی‌کنند. یک صاع<sup>[۶۷]</sup> یا یک مُد<sup>[۹۸]</sup> گندم یا جو را که شخصی در زمین بپاشد، بدون شخم زدن و استفاده از وسائل زراعتی هفتصد مُد به دست می‌آید.<sup>۲</sup>

(۳۷۱) مصنف ابن ابی شیبہ: یزید بن هارون، علی بن مسعود، ریاح بن عبیده، یوسف بن عبدالله بن سلام (بدون اسناد به رسول خدا صلی الله علیه و آله):

«بعد از قتل دجال مردم چهل سال می‌مانند، بازارها رونق می‌گیرد و درخت‌های نخل غرس می‌شود.»<sup>۳</sup>

□ ۱ «إذا نزل عیسی بن مریم و قتل الدجال، تمتعوا حتی تجيء (یحیوا) لیلۃ طلوع الشمس من مغربها، و حتی یتمتعوا بعد خروج الدابة أربعین سنة.»

۲. الفتن: ۱۶۳. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۱۴۲، ح ۱۹۳۳۳. الحاوی للفتاوی ۲: ۸۹ الدر المنثور ۵: ۳۵۴. برهان المتقی: ۱۹۳، ح ۲.

۳. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۱۴۲، ح ۱۹۳۳۳. الحاوی للفتاوی ۲: ۸۹ الدر المنثور ۵: ۳۵۴.



## باب هجدهم مهدی علیه السلام و میراث پیامبران

این باب شامل چهار فصل است:

### فصل اول

#### ذخیره‌های پیامبران را می آورد

#### □ روایات اهل سنت:

(۴۷۲) **فرائد السمطين:** عبدالواحد بن محمد بن عبدوس عطار نیشابوری، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، حمدان بن سلیمان نیشابوری، محمد بن اسماعیل بن بزیع، صالح بن عقبه به نقل از پدرش: ابو جعفر محمد بن علی باقر، سید العابدین علی بن الحسین، سید الشهداء حسین بن علی، سید اوصیاء امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مهدی ذخیره پیامبران علیهم السلام را خواهد آورد»<sup>۱</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۴۷۳) **کمال الدین:** عبدالواحد بن محمد بن عبدوس عطار نیشابوری، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، حمدان بن سلیمان نیشابوری، محمد بن اسماعیل بن بزیع، صالح بن عقبه به نقل از پدرش: ابو جعفر محمد بن علی باقر، سید العابدین علی بن الحسین، سید الشهداء حسین بن علی، سید اوصیاء امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱. فرائد السمطين ۲: ۳۳۵، ح ۵۸۷.

«مهدی... ذخیره پیامبران علیهم السلام را خواهد آورد».<sup>۱</sup>

(۴۷۴) ارشاد: امام صادق علیه السلام فرمود:

«جفر ایض (سفید) [که با خروج قائم ظاهر می شود] ظرفی است که تورات موسی علیه السلام و انجیل عیسی علیه السلام و زبور داود علیه السلام و دیگر کتاب های آسمانی در آن است...».<sup>۲</sup>

## فصل دوم

### پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

#### □ روایات اهل سنت:

(۴۷۵) الحاوی للفتاوی: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«رایت (علم) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با او (مهدی) است».<sup>۳</sup>

(۴۷۶) فتن ابن حماد: عبدالله بن مروان، هشتم بن عبدالرحمن: علی بن ابی طالب علیه السلام

فرمود:

«... مهدی بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را با پارچه مخمل سیاه چهارگوشی بیرون می آورد، در آن بیرق سنگی است، و از موقعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفته آن بیرق باز نشده و نخواهد شد تا زمانی که مهدی علیه السلام قیام کند».<sup>۴</sup>

(۴۷۷) فتن ابن حماد: سعید ابو عثمان، جابر: حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود:

۱. کمال الدین ۱: ۲۸۷، ب ۲۵، ح ۵. اعلام الوری: ۳۹۹، ب ۲، ف ۲. اثبات الهداة ۳: ۴۶۱، ب ۳۲، ف ۵.

ح ۱۰۵. غایة المرام: ۶۹۵، ب ۱۴۱، ح ۳۰ و ۷۱۰، ب ۱۴۲، ح ۲۳. بحار الانوار ۵۱: ۷۲، ب ۱، ح ۱۷.

ینایع المودة: ۴۸۸، ب ۹۴. منتخب الاثر: ۲۴۹، ف ۲، ب ۲۵، ح ۸.

۲. ارشاد المفید: ۲۷۴. الاحتجاج ۲: ۳۷۲.

۳. الحاوی للفتاوی ۲: ۷۷. برهان المتقی: ۱۴۴، ب ۶، ح ۱۱. کنز العمال ۱۴: ۵۹۰، ح ۳۹۶۷۳.

۴. الفتن: ۱۰۱. بیان الشافعی: ۵۱۵ و ۵۱۶، ب ۱۹. عقد الدرر: ۳۷، ب ۳. عرف السیوطی ضمن

الحاوی ۲: ۷۳. الصواعق المحرقة: ۱۶۷، ب ۱۱، ف ۱. برهان المتقی: ۱۰۰، ب ۳، ح ۶. کنز العمال

۱۴: ۵۸۹، ح ۳۹۶۷۱.

«مهدی هنگام نماز عشا در حالی که رأیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در دست دارد، خروج می کند»<sup>۱</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۴۷۸) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، ابو عبدالله یحیی بن زکریا بن شیبان، یونس بن کلیب، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش، ابوبصیر: امام صادق علیه السلام فرمودند:

«... چون پرچم را به اهتزاز در آورد و با آن حرکت کند، همه در مشرق و مغرب آن پرچم را لعنت کنند، آن همان پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله است که جبرئیل روز جنگ بدر آورد.

بعد فرمود: ای ابا محمد، به خدا قسم آن پرچم نه از پنبه است، نه از کتان، نه از ابریشم و نه از حریر.

عرض کردم: پس از چه چیزی است؟ فرمود:

از برگ بهشتی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله روز بدر آن را برافراشت، و بعد آن را پیچید و به علی علیه السلام داد. علی علیه السلام روز بصره (جنگ جمل) آن را برافراشت و خداوند او را پیروز فرمود، او هم آن را پیچید و اکنون اینجا نزد ماست، هیچ کس آن را نخواهد گشود تا وقتی که قائم قیام کند. چون او قیام نمود آن را برافراشته می نماید، ولی همه در مشرق و مغرب آن را لعنت فرستند (یعنی از آن بیزاری می جویند) و وحشت و هراس به فاصله یک ماه پیشاپیش، یک ماه از پس، یک ماه از جانب راست و یک ماه از جانب چپ آن پرچم روانه است...»<sup>۲</sup>.

۱. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۱۴۵، ب ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۱. برهان المتقی: ۱۴۱، ب ۶، ح ۳.

۲. الغیبة: ۳۰۷ و ۳۰۸، ب ۱۹، ح ۲. اثبات الهداة ۳: ۵۴۵، ب ۳۲، ف ۲۷، ح ۵۳۳. حلیة الابرار ۲: ۶۳۳، ب ۳۹. بحار الانوار ۵۲: ۳۶۷ و ۳۶۸، ب ۲۷، ح ۱۵۲. بشارة الاسلام: ۱۹۰ و ۱۹۱، ب ۱.

(۴۷۹) غیبة النعمانی: محمد بن همام، احمد بن مابنداز، احمد بن هلال، محمد بن

ابی عمیر، ابوالمغیرا، ابوبصیر: امام صادق علیه السلام فرمود:

«هنگامی که امیر مؤمنان با اهل بصره رو در رو شدند آن حضرت پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را گشود، که پاهای آنها لرزید (سُست شدند)... روز صفین نیز از حضرت خواستند که آن پرچم را بگشاید، ایشان نپذیرفت. حسن و حسین علیهما السلام و عمار را واسطه قرار دادند، امیر مؤمنان به حسن علیه السلام فرمود: فرزندم، برای این مردم مدتی مقرر شده است که به آن خواهند رسید (یعنی مقرر شده که مدتی از حکومت و ریاست بهره مند گردند)، و این پرچمی است که پس از من کسی بجز قائم علیه السلام آن را نخواهد گشود».<sup>۱</sup>

(۴۸۰) غیبة النعمانی: محمد بن همام، جعفر بن محمد بن مالک، احمد بن میثم،

عبیدالله بن موسی، عبدالاعلی بن حصین ثعلبی به نقل از پدرش روایت کرد: امام باقر علیه السلام را در حج یا عمره دیدم و عرض کردم: ستم بالا رفته و استخوانم فرسوده شده و نمی دانم که آیا [قیام] شما را می بینم یا نه؟! به من وعده ای بدهید و بفرمایید که [زمان گشایش و] فرج کی است؟ فرمود:

«آواره رانده شده تک و تنها... اوست صاحب پرچم ها و همنام پیغمبر است».<sup>۲</sup>

(۴۸۱) اثبات الهداة: سعید ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی هنگام نماز عشا با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه ظاهر می شود».<sup>۳</sup>

۱. الغیبة: ۳۰۷، ب ۱۹، ح ۱. حلیة الابرار ۲: ۶۳۲، ب ۳۹. بحار الانوار ۵۲: ۳۶۷، ب ۲۷، ح ۱۵۱.

۲. الغیبة: ۱۷۸، ب ۱۰، ف ۴، ح ۲۲.

۳. اثبات الهداة ۳: ۶۱۴، ب ۳۲، ف ۱۵، ح ۱۵۱. دلائل الامامة: ۲۶۱. بحار الانوار ۵۱: ۳۷ و ۲۸، ب ۴،

ح ۹، ۱۰ و ۱۱.

## فصل سوم میراث دار پیامبران

□ روایات اهل سنت:

(۴۸۲) عقد الدرر: کعب الأحبار:

«مهدی، تورات و انجیل را از زمینی که به آن انطاکیه گویند استخراج می‌کند».<sup>۱</sup>

(۴۸۳) فتن ابن حمّاد: یحیی بن سعید عطار بصری، سلیمان بن عیسی:

«شنیده‌ام که تابوت سکینه<sup>۲</sup> (جعبه آرامش) توسط مهدی از دریاچه طبریّه<sup>[۷۰]</sup> پیدا خواهد شد. آن را می‌برند و در بیت المقدس مقابل او قرار می‌دهند».<sup>۳</sup>

(۴۸۴) مصنّف عبدالرزاق: معمر، مطر، کعب:

«مهدی، تورات و انجیل را از زمینی به نام «انطاکیه» استخراج می‌کند».<sup>۴</sup>

(۴۸۵) سنن دانی: عبدالرحمن بن عثمان، ابو محمد بیانی، احمد بن زهیر، هارون بن

معروف، ضمیره، ابن شوذب:

«(مهدی) به یکی از کوه‌های شام راهنمایی می‌شود، اسفاری از تورات را از آنجا بیرون می‌آورد و به وسیله آن با یهود بحث می‌کند، و تعدادی از آنها توسط او مسلمان می‌شوند».<sup>۵</sup>

(۴۸۶) عرائس: تمیم داری: گفتم: ای رسول خدا، در نزدیکی ساحل دریا به شهری

۱. عقد الدرر: ۳، ب ۳. القول المختصر: ۲۴، ب ۳، ح ۳۴، و: ۲۵، ح ۴۸.

۲. نک: بقره: ۲۴۸.

۳. الفتن: ۹۹ و ۱۰۰. عقد الدرر: ۱۴۷، ب ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۳ برهان المتقی: ۱۵۷، ب ۸، ح ۸.

۴. مصنّف عبدالرزاق ۱۱: ۳۷۲، ح ۲۰۷۷۲. فتن ابن حمّاد: ۹۸.

۵. السنن الواردة في الفتن: ۱۰۱. عقد الدرر: ۴۰، ب ۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۵ و ۸۱ برهان المتقی: ۱۸۷، ب ۸، ح ۷ و ۱۰. فرائد فوائد الفكر: ۵، ب ۲.

رسیدم که چنین و چنان بود. آن حضرت فرمود:

«آن شهر انطاکیه است، و تکه‌های شکسته الواح موسی علیه السلام در یکی از غارهای آن قرار دارد، هر ابری از شرق یا غرب بر آن بگذرد از برکاتش بر آنجا می‌بارد، دنیا به آخر نمی‌رسد تا مردی از اهل بیتم در آنجا ساکن شود و همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده آن را پر از عدالت و مساوات نماید.»<sup>۱</sup>

(۴۸۷) فتن ابن حمّاد: ولید، ابو عبدالله مولى <sup>[۱۰۵]</sup> بنی امیه، محمد بن الحنفیة:

«مهدی علیه السلام ... به سمت رومیه <sup>[۵۴]</sup> حرکت کرده و آنجا را فتح می‌نماید و گنجهای آن و سفره حضرت سلیمان بن داود علیه السلام را بیرون می‌آورد، آنگاه به بیت المقدس بازمی‌گردد و در آنجا پیاده می‌شود.»<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۴۸۸) دلائل الامامة: ابو الحسن محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی

حسن بن محمد نهاوندی، ابو محمد عبدالکریم، ابو اسحاق ثقفی، محمد بن سلیمان نخعی، سری بن عبدالله، محمد بن علی سلمی: حضرت امام ابو جعفر محمد باقر علیه السلام فرمود:

«... و یک نفر سوار که [به امر مهدی] تورات را از بیابانی در انطاکیه بیرون می‌آورد و حکم سلیمان علیه السلام را به او می‌دهند.»<sup>۳</sup>

(۴۸۹) بصائر الدرجات: سلمة بن الخطاب، عبدالله بن محمد، منیع بن حجاج بصری،

مجاهع، معلى، محمد بن الفیض: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«عصای موسی علیه السلام مالِ آدم علیه السلام بود، که به شعیب علیه السلام رسید و پس از وی در اختیار موسی بن عمران علیه السلام قرار گرفت، آن عصا اکنون نزد ماست و اندکی

۱. عرائس المجالس: ۱۱۸. تاریخ بغداد للخطیب ۹: ۴۷۱، رقم ۱۵۰۱. عقد الدرر: ۲۱۸، ب ۹، ف ۳.

تذکره الحفاظ ۲: ۷۶۵. ینایع المودة: ۴۹۲، ب ۹۴.

۲. الفتن: ۱۱۰. عقد الدرر: ۲۴۱، ب ۱۱.

۳. دلائل الامامة: ۲۴۹. الخرائج ۲: ۸۶۲، ب ۲۰، ح ۷۸. اثبات الهداة ۳: ۵۷۳، ب ۳۲، ف ۴۸، ح ۷۱۱ و:

۵۸۴، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۸۶. حلیة الابرار ۲: ۵۵۶، ب ۱۴. بحار الانوار ۵۲: ۳۹۰، ب ۲۷، ح ۲۱۲.

پیش آن را بازدید کردم، چوبش تازه و سبز است، مثل همان موقعی که از درخت جدا گردیده، وقتی از آن سؤال شود سخن می گوید، و برای قائم ما آماده شده تا آنچه موسی علیه السلام با آن انجام داد ایشان انجام دهد، هراس آور است و [ساخته های نیرنگی جادوگران را] می بلعد...»<sup>۱</sup>

(۴۹۰) **علل الشرائع**: پدرم به نقل از سعد بن عبدالله، حسن بن علی کوفی، عبدالله بن مغیره، سفیان بن عبدالمؤمن انصاری، عمرو بن شمر، جابر: شخصی خدمت امام محمد باقر علیه السلام رسید و من نیز حاضر بودم. عرض کرد:... آن حضرت فرمود: «مهدی، تورات و دیگر کتاب های آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد...»<sup>۲</sup>

(۴۹۱) **حلیة الأبرار**: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی فرمودند:

«خداوند <sup>[۷]</sup> «إِرم ذات العِمَاد» و قصری را که سلیمان بن داود علیه السلام قبل از وفاتش ساخت برای او (مهدی) ظاهر می فرماید، مهدی اموال آنها را برداشته و بین مسلمانان تقسیم می کند، و خداوند جعبه ای را که دستور داد ارمیا علیه السلام <sup>[۸]</sup> به دریای طبریه <sup>[۷۰]</sup> بیندازد بیرون می آورد، در آن جعبه بقیه اموال آل موسی علیه السلام و آل هارون علیه السلام <sup>۳</sup> و تکه های شکسته لوح، عصای موسی علیه السلام، قبای هارون علیه السلام، ده صاع <sup>[۶۷]</sup> از «مَن» <sup>[۱۰۲]</sup> و تکه هایی از «سَلوی» <sup>[۶۰]</sup> که بنی اسرائیل برای بعد از خودشان ذخیره کرده بودند هست، (مهدی) با آن جعبه مثل دیگران که قبل از او بودند شهرها را فتح می کند»<sup>۴</sup>

۱. بصائر الدرجات: ۱۸۳، ب ۴، ح ۳۶. الکافی: ۱: ۲۳۱، ح ۱.

۲. علل الشرائع: ۱۶۱، ب ۱۲۹، ح ۳. اثبات الهداة: ۳: ۴۹۷، ب ۳۲، ف ۱۰، ح ۲۶۸ و: ۵۴۰، ب ۳۲، ف ۲۷، ح ۵۰۷. حلیة الأبرار: ۲: ۵۵۶، ب ۱۴. بحار الانوار: ۵۱: ۲۹، ب ۲، ح ۲ و ۵۲: ۳۵۰ و ۳۵۱، ب ۲۷، ح ۱۰۳. منتخب الاثر: ۳۱۰، ف ۲، ب ۴۵، ح ۱.

۳. نک: بقره: ۲۴۸.

۴. حلیة الأبرار: ۲: ۶۲۰، ب ۳۴ و: ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

## فصل چهارم سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله

### □ روایات اهل سنت:

(۴۹۲) فتن ابن حَمَّاد: سعید ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی هنگام نماز عشا با پرچم و پیراهن و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه ظاهر می شود»<sup>۱</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۴۹۳) اصول ستة عشر: هارون بن موسی بن احمد بن ابراهیم تلککبری، محمد بن همام، حمید بن زیاد دهقان، ابو جعفر احمد بن زیاد بن جعفر آزدی بزازی، محمد بن مُثنی بن قاسم حضرمی، جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، ابراهیم بن جبیر، جابر جعفی: امام محمد باقر علیه السلام به من فرمود:

«... سلاح، کلاهخود، زره و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله با او (مهدی) است»<sup>۲</sup>.

۱. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۱۴۵، ب ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۱. برهان المتقی: ۱۴۱،

ب ۶، ح ۳.

۲. الأصول الستة عشر: ۷۹. اثبات الهداة ۳: ۵۸۸، ب ۳۲، ف ۶۳، ح ۸۰۸. مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۸،

ب ۱۲، ح ۱۳.



## باب نوزدهم

### ظهور امام مهدی علیه السلام

این باب شامل هفت فصل است:

#### فصل اول

#### ظهور پس از خواست مردم

□ روایات اهل سنت:

(۴۹۴) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعة، ابوقبیل، ابورومان: علی علیه السلام فرمود:

«... اهل خراسان در طلب مهدی [از شهر] خارج می شوند».<sup>۱</sup>

(۴۹۵) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم، ابو عبدالله علیه السلام، عبدالکریم ابوامیه، محمد بن الحنفیة:

«... و سیصد نفر از شام به سوی او (مهدی) روانه خواهند شد. از خروج

او (صالح بن شعیب یا شعیب بن صالح) تا استقرار حکومت مهدی علیه السلام هفتاد

و دو ماه (۶ سال) طول می کشد».<sup>۲</sup>

(۴۹۶) عقد الدرر: عبدالله بن عباس:

«... از شام به سمت او حرکت می کنند تا او را (از مکه و خانه‌ای که

نزدیک صفا است) بیرون آورند».<sup>۳</sup>

(۴۹۷) سنن دانی: ابن عقیان، قاسم، احمد بن زهیر، موسی بن اسماعیل، ابو هلال، قتادة:

۱. الفتن: ۸۲ المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۰۱. عقد الدرر: ۸۷ ب ۴، ف ۲. کنز العمال ۱۱: ۲۸۴، ح ۳۱۵۳۷.

۲. الفتن: ۸۴ و ۷۴. ملاحم ابن المنادی: ۴۷. السنن الواردة فی الفتن: ۹۸ و ۹۹. عقد الدرر: ۱۲۶، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۷ و ۶۸.

۳. عقد الدرر: ۱۲۳، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۶. الفتاوی الحدیثیة: ۳۰. القول المختصر: ۱۹، ب ۲، ح ۲۹. برهان المتقی: ۱۴۳، ب ۶، ح ۷. فرائد فوائد الفکر: ۹، ب ۴.

«فتنه‌ای که در آن خون‌ها ریخته شود مردم را فرامی‌گیرد، نزد مهدی علیه السلام در خانه‌اش می‌روند و به او می‌گویند: [برای حکومت] بر ما قیام کن! او خودداری می‌کند، تا اینکه تهدید به قتل می‌شود، پس از این تهدید قیام نموده و به برکت او یک کاسه خون هم ریخته نمی‌شود»<sup>۱</sup>.

(۴۹۸) فتن ابن حَمَّاد: سعید ابو عثمان، جابر: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«... برای بیعت با مهدی پیک به سوی او می‌فرستند، او هم لشکریان خود را به همه جا گسیل می‌دارد و ستم و ستمکاران را از بین می‌برد»<sup>۲</sup>.

(۴۹۹) فتن ابن حَمَّاد: ابو عمر، ابن لهیعة، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل

از پدرش، حارث، عبدالله بن مسعود:

«چون تجارتها و راه‌ها بسته و فتنه زیاد شود، هفت نفر عالم بدون قرار قبلی از جهت‌های مختلف خارج می‌شوند، با هر کدام از آنها سیصد و ده و اندی مرد بیعت می‌کنند، تا اینکه در مکه جمع می‌شوند، آن هفت عالم که به هم می‌رسند به یکدیگر می‌گویند: شما چرا آمده‌اید؟

پاسخ می‌دهند: در پی مردی آمده‌ایم که این فتنه‌ها به دست او خاموش می‌شود و قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> را فتح می‌کند، ما اسم او، پدر و مادرش و مشخصات شمایلش را می‌دانیم. آن هفت عالم که اطلاعاتشان (در مورد اسم و مشخصات) مثل هم است به طلب او می‌روند و او را در مکه می‌یابند و می‌گویند: تو فلان پسر فلان هستی؟ پاسخ می‌دهد: نه، من مردی از انصار هستم. و از دستشان می‌گریزد.

مشخصات او را برای اهل خبره و آشنایان بیان می‌کنند؛ به آنها گفته می‌شود: او همان کسی است که دنبالش هستید و او به مدینه رفت. در طلب او به مدینه می‌روند، اما او بر خلاف جهت آنها به مکه می‌آید. در مکه پی

۱. السنن الواردة في الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۶۳، ب ۴، ف ۱. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۱ برهان المتقی: ۱۴۵، ب ۶، ح ۱۲.

۲. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۱۴۵، ب ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۱. برهان المتقی: ۱۴۱، ب ۶، ح ۳.

او می روند و او را می یابند و می گویند: تو فلان پسر فلان هستی، و مادرت فلان دختر فلان است، و در تو نشانه‌ای چنین و چنان است، یک بار از دست ما گریختی، دستت را بده با تو بیعت کنیم.

او می گوید: آن که دنبالش می گردید من نیستم، من فلان بن فلان انصاری هستم، بیایید تا شما را نزد کسی ببرم که دنبالش می گردید، و باز از دست آنها می گریزد. در پی او به مدینه می روند، اما او بر خلاف آنها به مکه می آید. در مکه کنار رکن او را می یابند و می گویند: اگر دستت را ندهی که با تو بیعت کنیم، گناه ما و خون ما گردن تو است، لشکر سفیانی به سرکردگی مردی از «جرم» در پی ما روانه شده. سرانجام بین رکن و مقام می نشیند و دستش را دراز می کند تا با او بیعت کنند.<sup>۱</sup>

(۵۰۰) عقد الدرر: ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی ظاهر نمی شود تا زمانی که مردم شام به فتنه‌ای بیفتند که دنبال راه چاره آن می گردند اما نمی یابند».<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۵۰۱) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، علی بن حسن از برادرش محمد بن

حسن به نقل از پدرش، احمد بن عمر حلبی، حسین بن موسی، معمر بن یحیی بن سام، ابو خالد کابلی: امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویی قومی را می بینم که از مشرق خروج کرده و خواستار حقتد ولی به آنان داده نمی شود، دوباره خواستار حقتشان شوند و به آنان ندهند، چون چنین می بینند شمشیرها را بر دوش گیرند، این وقت حقتشان را می دهند، ولی آنان نپذیرند تا آنکه قیام کنند و آن (حکومت) را فقط به صاحب شما خواهند داد...».<sup>۳</sup>

(۵۰۲) غیبة الطوسی: فضل بن شاذان، محمد بن علی، عثمان بن احمد سماک، ابراهیم بن

۱. الفتن: ۹۵ و ۹۷. عقد الدرر: ۱۳۲، ب. ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۰.

۲. عقد الدرر: ۵۱، ب. ۴، ف. ۱. فرائد فوائد الفکر: ۱۴، ب. ۵.

۳. الغیبة: ۲۷۳، ب. ۱۴، ح. ۵۰. بحار الانوار ۵۲: ۲۴۳، ب. ۲۵، ح. ۱۱۶.

عبدالله هاشمی، ابراهیم بن هانی، نعیم بن حماد، سعید، ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمودند: «... مردم برای بیعت با مهدی به سوی او پیک می فرستند»<sup>۱</sup>.

(۵۰۳) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین بن عبدالملک و محمد بن احمد بن حسین، حسن بن محبوب، یعقوب سراج، جابر: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «جابر! قائم ظاهر نمی شود تا زمانی که مردم شام به فتنه ای بیفتند که دنبال راه نجاتی از آن می گردند، اما نمی یابند»<sup>۲</sup>.

## فصل دوم ظهور از مکه

### □ روایات اهل سنت:

(۵۰۴) عقد الدرر: عبدالله بن عباس:

«یارانش از شام به سمت او حرکت می کنند تا او را از مکه از خانه ای که نزدیک صفا است بیرون آورند و با او بیعت کنند»<sup>۳</sup>.

(۵۰۵) مصنف عبدالرزاق: معمر، قتادة: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... مردی از مدینه خارج می شود و به مکه می آید، مردم او را به اجبار از خانه اش بیرون می آورند...»<sup>۴</sup>.

۱. غیبة الطوسی: ۲۷۴. الخرائج ۳: ۱۱۵۸، ب ۲۰. اثبات الهداة ۳: ۷۲۹، ب ۳۴، ف ۶، ح ۶۵. بحار الانوار ۵۲: ۲۱۷، ب ۲۵، ح ۷۷. بشارة الاسلام: ۹۳ و ۹۴، ب ۶.  
 ۲. الغیبة: ۲۷۹، ب ۱۴، ح ۶۵. اثبات الهداة ۳: ۵۸۲، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۶۷ و ۷۳۹، ب ۳۴، ف ۹، ح ۱۱۸. بشارة الاسلام: ۹۷، ب ۶.  
 ۳. عقد الدرر: ۱۲۳، ب ۵، فتن ابن حماد: ۹۴. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۶. الفتاوی الحدیثیة: ۳۰. القول المختصر: ۱۹، ب ۲، ح ۲۹.  
 ۴. المصنّف ۱: ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹. فتن ابن حماد: ۹۹. مصنّف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۴۵، ح ۱۹۰۷۰. المعجم الكبير ۲۳: ۲۹۵، ح ۶۵۶ و ۳۸۹، ح ۹۳۰ و ۳۹۰، ح ۹۳۱.

(۵۰۶) الفتاوی الحدیثیة: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مهدی در مکه ظاهر می شود...»<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۵۰۷) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، حمید بن زیاد، حسن بن محمد

حضرمی: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«آن کس که دنبالش و در آرزویش هستید، فقط از مکه خروج می کند، و در صورتی از مکه خروج می کند که آنچه را دوست دارد ببیند، حتی اگر مجبور شود از شاخه های درخت تغذیه نماید»<sup>۲</sup>.

(۵۰۸) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، ابوبصیر: امام محمد باقر علیه السلام ضمن

حدیثی طولانی فرمودند:

«قائم به یاران خود می گوید: ای مردم! اهل مکه مرا نمی خواهند ولی من برای هدایت آنها فرستاده شدم تا آنچه شایسته است که شخصی مثل من به آنها بگوید، گفته و با آنها اتمام حجت کنم. آنگاه مردی از یاران خود را می خواند و به او می گوید: برو نزد اهل مکه و بگو: ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم، او به شما می گوید: ما خاندان رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم، ما ذریه محمد صلی الله علیه و آله و خلاصه و چکیده پیغمبرانیم. به ما ظلم کردند و ما آواره و مقهور شدیم، و از هنگام رحلت پیغمبر تا کنون حق ما غصب گردیده است. اکنون از شما چشم یاری داریم؛ ما را یاری کنید!

وقتی آن جوانمرد این سخنان را می گوید مردم به او هجوم آورده و بین رکن و مقام سر او را از بدن جدا می سازند. او همان مرد پاکدل (نفس زکیه) است. چون خبر کشته شدن او به امام رسد، به یارانش می فرماید: دیدید گفتم اهل مکه ما را نمی خواهند! اهل مکه هم او را به مکه دعوت نمی کنند. او با سیصد و سیزده مرد که به تعداد جنگجویان بدر هستند از گردنه

۱. الفتاوی الحدیثیة: ۳۱.

۲. الغیبة: ۱۷۹، ب ۱۱، ح ۲۵. بحار الانوار ۵۱: ۳۸، ب ۴، ح ۱۲.

«طوی»<sup>[۴۹]</sup> فرود آیند و داخل مسجد الحرام شده و نزد مقام ابراهیم علیه السلام چهار رکعت نماز می خوانند، بعد به حجر الاسود تکیه می زند و حمد و ثنای الهی می کند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاده و طوری سخن می گوید که هیچ کس بدان گونه سخن نگفته باشد... آن سیصد نفر و عده کمی از اهل مکه با وی بیعت می کنند و آنگاه از مکه خارج می شود...»<sup>۱</sup>

## فصل سوم

### بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۰۹) فتن ابن حماد: ابویوسف مقدسی، عبدالملک بن ابی سلیمان، عمرو بن شعیب به نقل از پدرش و او نیز از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:  
«... بین رکن و مقام با مهدی بیعت می کنند»<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۱۰) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب ابوالحسن جعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابوبصیر: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:  
«... به خدا قسم گویی او را می بینم که بین رکن و مقام برای امر جدید... از مردم بیعت می گیرد»<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۷، ب ۲۶، ح ۸۱ اثبات الهداة ۳: ۵۸۲ و ۵۸۳، ب ۲۳، ف ۵۹، ح ۷۷۳.  
۲. الفتن: ۱۰۲. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۰۳. السنن الواردة فی الفتن: ۸۵ عقد الدرر: ۱۰۳، ب ۴، ف ۳. القول المختصر: ۹، ب ۱، ح ۴۶. کنز العمال ۱۴: ۲۶۹، ح ۳۸۶۸۶.  
۳. الغیبة: ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۲۲. تاج الموالید: ۱۵۰. بحار الانوار ۵۲: ۲۳۵، ب ۲۵، ح ۱۰۳. بشارة الاسلام: ۹۱ و ۹۲، ب ۶.

## فصل چهارم ظهور کنار کعبه

### □ روایات اهل سنت:

(۵۱۱) مستدرک حاکم: ابو نعیم، ابو یوسف، محمد بن عبدالله، عمرو بن شعیب به نقل از پدرش، عبدالله بن عمرو:

«... و نزد او می آیند که صورتش را به کعبه چسبانده و می گرید، گویی اکنون اشک هایش را می بینم...»<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۵۱۲) دلائل الامامة: فضل بن شاذان، علی بن عبدالله، عبدالرحمن بن ابی عبدالله، ابو جارود: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم بر حق ما وقتی قیام می کند که شیعیان ناامیدند، سه مرتبه مردم را می خواند اما کسی جوابش نمی دهد، روز چهارم به پرده های کعبه دست می آویزد و می گوید: پروردگارا، یاری ام کن!

دعای او مستجاب می شود و خداوند به فرشته هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز بدر یاری کردند و هنوز بار نیفکنده و سلاح های خود را رها نکرده اند می فرماید که با او بیعت کنند، آنگاه سیصد و سیزده نفر از مردم با او بیعت می نمایند»<sup>۲</sup>.

(۵۱۳) مختصر اثبات الرجعة: صفوان بن یحیی، محمد بن حمران: امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام ضمن حدیثی در مورد مهدی علیه السلام و ظهور او فرمود:

«هنگام قیام، پشتش را به کعبه تکیه می دهد»<sup>۳</sup>.

۱. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۰۳، ح ۵۰۴. عقد الدرر: ۱۰۹، ب ۴، ف ۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۶. القول المختصر: ۱۸، ب ۲، ح ۲۸. برهان المتقی: ۱۴۳، ب ۶، ح ۶. العطر الوردی: ۶۳.  
۲. دلائل الامامة: ۲۴۱.  
۳. مختصر اثبات الرجعة: ۲۱۶، ح ۱۸. اثبات الهداة ۳: ۵۷۰، ب ۳۲، ف ۴۴، ح ۶۸۶. أربعون

## فصل پنجم

### ظهور در وقت عشا

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۱۴) فتن ابن حماد: سعید ابو عثمان، جابر: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی هنگام عشا با پرچم... رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه ظاهر می شود».<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۱۵) اثبات الهداة: سعید ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی در وقت عشا با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه ظاهر می شود».<sup>۲</sup>

## فصل ششم

### قیام با حضور سیصد و سیزده نفر

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۱۶) عقد الدرر: عمرو بن شعیب به نقل از پدرش و او نیز از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود:

«با مهدی بین رکن و مقام به اجبار بیعت می کنند... افرادی که با او بیعت

می کنند به تعداد اهل بدر هستند».<sup>۳</sup>

---

الخاتون آبادی: ۱۸۲ و ۱۸۳، ح ۳۰. مستدرک الوسائل ۱۲: ۳۳۵، ب ۳۹، ح ۶ و ۱۴: ۳۵۴، ب ۲۰، ح ۷.

۱. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۱۴۵، ب ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۱. برهان المتقی: ۱۴۱، ب ۶، ح ۳.

۲. اثبات الهداة ۳: ۶۱۴، ب ۳۲، ف ۱۵، ح ۱۵۱. دلائل الامامة: ۲۶۱. بحار الانوار ۵۱: ۳۷ و ۲۸، ب ۴، ح ۹، ۱۰ و ۱۱.

۳. عقد الدرر: ۱۰۳، ب ۴، ف ۳. الدر المنثور ۵: ۲۴۱. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۶، ۷۶ و ۸۲. الفتاوی الحدیثیة: ۲۸. برهان المتقی: ۷۶، ب ۱، ح ۱۳ و ۱۴۰، ب ۶، ح ۱ و ۱۴۵، ب ۶، ح ۱۳.



### □ روایات شیعه:

(۵۱۷) غیبة النعمانی: ابوسلیمان احمد بن هوزه باهلی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری به نقل از شخصی:

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: فدایت شوم! به خدا قسم من شما و دوستان شما را دوست دارم! مولای من، چقدر شیعیان شما زیاد شده‌اند! حضرت به او فرمود: بگو کیانند؟ گفت: بسیار. فرمود: تعدادشان را می‌دانی؟ عرض کرد: بیش از شماره است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر آن تعداد توصیف شده که سیصد و ده و اندی است تکمیل شود، خواسته شما انجام خواهد گرفت...»<sup>۱</sup>

(۵۱۸) خصال صدوق: پدرم به نقل از سعد بن عبدالله، یعقوب بن یزید، مصعب بن یزید، عوام بن زبیر: امام صادق علیه السلام فرمود:

«قائم با چهل و پنج نفر از نه قبیله می‌آیند: از قبیله‌ای یک مرد، از قبیله‌ای دو مرد، از قبیله‌ای سه مرد، از قبیله‌ای چهار مرد، از قبیله‌ای پنج مرد، از قبیله‌ای شش مرد، از قبیله‌ای هفت مرد، از قبیله‌ای هشت مرد و از قبیله‌ای نه مرد و به همین ترتیب می‌آیند تا تعداد لازم (سیصد و سیزده نفر) جمع شوند»<sup>۲</sup>.

## فصل هفتم

### خروج مهدی علیه السلام از یمن

### □ روایات اهل سنت:

(۵۱۹) بیان شافعی: شیخ الشیوخ عبدالله بن عمر بن حمویه و غیره، حافظ یوسف بن خلیل، ابوالفرج یحیی بن محمود بن سعد ثقفی، حافظ یوسف، قاضی ابوالمکارم، ابوعلی حسن بن احمد، ابونعیم احمد بن عبدالله حافظ، ابومحمد بن حیان، حسین بن احمد مالکی،

۱. الغیبة: ۲۰۳ و ۲۰۴، ب ۱۲، ح ۴ و ۵. بحار الانوار ۶۸: ۱۶۴، ب ۱۹، ح ۱۶.

۲. الخصال: ۴۲۴، ح ۲۶. اثبات الهداة ۳: ۴۹۶، ب ۳۲، ف ۸، ح ۲۵۸. بحار الانوار: ۵۲، ۳۰۹، ب ۲۷،

عبدالوهاب بن ضحاک، اسماعیل بن عیاش، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جبیر، کثیر بن مّرة، عبدالله بن عمر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از قریه‌ای به نام «کرعه» در یمن خروج می‌کند».<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۵۲۰) کفایة الاثر: علی بن حسین بن محمد، هارون بن موسی، ابوذر احمد بن محمد بن سلیمان باغندی، محمد بن حمید، ابراهیم بن المختار، نصر بن حمید، ابواسحاق، اصبع بن نباته: حضرت علی علیه السلام فرمود: «نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و در خانه ام سلمه بودم که گروهی از اصحاب از جمله سلمان، ابوذر، مقداد و عبدالرحمن بن عوف نزد ما آمدند. سلمان گفت: ای رسول خدا، هر پیامبری یک وصی و دو سبط دارد، وصی و دو سبط شما کیانند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله لحظاتی سر به زیر انداخت و در حدیثی فرمود:

«وای از آن زمان که پنجمین فرزند هفتمین فرزندم دیده نشود.

علی علیه السلام گوید: من عرض کردم: پس از غیبت او چه می‌شود؟ فرمود:

سکوت کند تا وقتی که خداوند به او اجازه خروج دهد، آنگاه از قریه‌ای در یمن که به آن «اکرعه» گویند بیرون آید، بر سرش عمامه‌ای است و زره مرا بر تن و شمشیر ذوالفقار مرا به کمر بسته است، و یک نفر فریاد می‌زند: این مهدی خلیفه خداست؛ از او پیروی کنید...».<sup>۲</sup>

۱. البیان فی اخبار صاحب الزمان: ۵۱۱، ب ۱۴. معجم البلدان ۴: ۴۵۲. الفصول المهمة: ۲۹۵، ف ۱۲.  
 ۲. کفایة الاثر: ۱۴۷. الصراط المستقیم ۲: ۱۵۳، ب ۱۰، ف ۸ اثبات الهداة ۱: ۵۸۹، ب ۹، ف ۲۷، ح ۵۳۷. بحار الانوار ۳۶: ۳۳۳، ب ۴۱، ح ۱۹۵ و ۵۲: ۳۷۹، ب ۲۷، ح ۱۸۹.

## باب بیستم

### نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام

این باب شامل دوازده فصل است:

#### فصل اول

#### نزول عیسیٰ علیه السلام برای امیر و امت اسلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۲۱) نوادر الاصول: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه ممکن است خدای تعالی امتی را هلاک کند که من اول آن، عیسی علیه السلام آخر آن و مهدی که از اهل بیت من است در وسط آن باشد».<sup>۱</sup>

(۵۲۲) مستدرک حاکم: ابوبکر بن اسحاق، محمد بن شاذان جوهری، زکریا بن عدی،

عیسی بن یونس، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر به نقل از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر کشتگان جنگ مویه بسیار ناراحت و غمگین شدند و فرمودند:

«دجال به قومی مثل شما یا بهتر از شما می رسد (این جمله را سه مرتبه

تکرار کردند) و خداوند امتی را که من اول آن و عیسی علیه السلام آخر آن باشد، خوار نمی گرداند».<sup>۲</sup>

۱. نوادر الأصول: ۱۵۶.

۲. المستدرک علی الصحیحین ۳: ۴۱. عرائس المجالس: ۲۲۷. مناقب ابن المغازلی: ۳۹۵، ح ۴۴۸.

الفردوس ۳: ۲۹۲، ح ۴۸۷۵. عقد الدرر: ۱۴۶، ب ۷. فرائد السیمطین ۲: ۳۳۸، ح ۵۹۲ و: ۳۳۹، ح ۵۹۳.

فتح الباری ۷: ۵. المنار المنیف: ۱۵۲، ف ۵۰، ح ۳۴۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۴. الجامع

الصغیر ۲: ۴۲۳، ح ۷۳۸۴ و: ۴۴۹، ح ۷۵۵۹.

### □ روایات شیعه:

(۵۲۳) غيبة الطوسی: احمد بن ادریس، علی بن محمد بن قتیبة، فضل بن شاذان، ابن فضال، حماد، حسین بن المختار، ابونصر، عامر بن واثله: امیر مؤمنان علیه السلام گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد وقایع حتمی قبل از قیامت فرمود:

«خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب و نزول عیسی علیه السلام...»<sup>۱</sup>

(۵۲۴) مجمع البیان: ربیع بن آنس: رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»<sup>۲</sup> را تلاوت کرد و فرمود:

«گروهی از امت من بر حق هستند، تا آنگاه که عیسی بن مریم علیه السلام نازل گردد».<sup>۳</sup>

(۵۲۵) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده و محمد بن همام بن سهیل و عبدالعزیز و عبدالواحد ابنا عبدالله بن یونس موصلی به سندهای خودشان، عبدالرزاق بن همام، معمر بن راشد، ابان بن ابی عیاش، سلیم بن قیس: همراه امیر مؤمنان علیه السلام از صفین باز می‌گشتیم که حضرت در نزدیکی دیر یک نصرانی اتراق فرمود. پیرمردی از دیر بیرون آمد خوش رو، خوش هیكل و خوش سیما که کتابی به همراه داشت. خدمت امیر مؤمنان علیه السلام آمده، سلام کرد و گفت:

من نواده یکی از حواریان عیسی بن مریم علیه السلام هستم که در میان دوازده حواری از همه برتر بود و عیسی علیه السلام او را از همه بیشتر دوست می‌داشت و بر دیگران ترجیح می‌داد و او را وصی خود نمود و کتاب‌های خویش را به او سپرد و حکمت خود را به وی آموخت، افراد این خاندان همیشه به دین و شریعت عیسی علیه السلام بوده‌اند، نه کافر شدند نه مرتد و نه تغییری در دین او داده‌اند و آن کتاب‌ها که به دستخط عیسی بن مریم علیه السلام و دستخط پدر ماست، اکنون نزد من است، هر چه مردم پس از عیسی علیه السلام انجام خواهند داد و... این که

۱. غيبة الطوسی: ۲۶۷. بحار الانوار ۵۲: ۲۰۹، ب ۲۵، ح ۴۸.

۲ □ «از خلقی که آفریدیم گروهی به حق هدایت می‌کنند و به حق حکم می‌کنند (یا به حق باز می‌گردند)» (اعراف: ۱۸۱)

۳. مجمع البیان ۴: ۵۰۳. تفسیر الصافی ۲: ۲۵۶. غایة المرام: ۴۲۸، ب ۱۸۶، ح ۷.

عیسی بن مریم علیه السلام در چه زمانی از آسمان فرود آید. همه اینها در آن کتاب نوشته شده است.<sup>۱</sup>

## فصل دوم

### مشخصات ظاهری عیسی علیه السلام هنگام نزول

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۲۶) مسند طیالسی: یونس، ابوداود، هشام، قتاده، عبدالرحمن بن آدم، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... سزاوارترین مردم به عیسی بن مریم علیه السلام من هستم؛ چون بین من و او پیامبری نیست، اگر او را دیدید این گونه او را بشناسید: مردی است سرخ و سفید، با جامه‌ای زردرنگ، [موهایش چنان برق می‌زند که] گویی از سرش آب می‌چکد، بدون اینکه رطوبتی به آن رسیده باشد».<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۲۷) اثبات الهداة: سید هبة الله بن ابی محمد حسن موسوی، ابوالحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب جریمی، ابو حبیث هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری: امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه‌ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه‌های آخرالزمان و اخبار فراوانی از آینده مثل حکومت بنی امیه و بنی عباس و احوال دجال و سفیانی را ذکر نمود:

۱. الغیبة: ۷۴ و ۷۵، ب ۴، ح ۹. کتاب سلیم بن قیس: ۱۵۲ - ۱۵۴. اثبات الهداة ۱: ۱۷۹، ب ۷، ف ۷، ح ۵۹ و ۲۰۴ و ۲۰۵، ب ۷، ف ۲۸، ح ۱۳۲ و ۶۵۸، ب ۹، ف ۷۱، ح ۸۴۱ بحار الانوار ۱۵: ۲۳۶ - ۲۳۹، ب ۲، ح ۵۷ و ۱۶: ۸۴ و ۸۵، ب ۶، ح ۱ و ۳۶: ۲۱۰ - ۲۱۲، ب ۴۰، ح ۱۳ و ۳۸: ۵۱ - ۵۴، ب ۵۸، ح ۸.  
۲. مسند طیالسی: ۳۳۵، ح ۲۵۷۵ و ۳۳۱، ح ۲۵۴۱. مصنف عبدالرزاق ۱۱: ۴۰۱، ح ۲۰۸۴۵. فتن ابن حماد: ۱۶۲ - ۱۶۴. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۱۵۸، ح ۱۹۳۷۲. مسند احمد ۲: ۴۰۶ و ۴۳۷. المستدرک علی الصحیحین ۲: ۵۹۵. السنن الواردة فی الفتن: ۱۴۲. الفردوس ۵: ۴۲۴، ح ۳۸۷۱. جامع الاصول ۱۱: ۴۸، ح ۷۸۰۸.

«... عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نازل گردد و با مهدی ذریه من خواهد بود، چون ظاهر شد او را به این مشخصات بشناسید: میانه قامت، با موهایی بسیار مشکی، و از آسیب و بلا محفوظ است<sup>۱</sup>...»<sup>۲</sup>.

(۵۲۸) حلیة الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام هنگام سپیده صبح در میان دو جامه زرد زعفرانی فرود می آید، بدنش سفید، مویش بور و میانه زلفش از هم باز است، [از فرط درخشندگی] گویی از سرش روغن می چکد، و سلاحی در دست دارد...»<sup>۳</sup>.

## فصل سوم

### نزول عیسی علیه السلام نزد مسلمانان راستین

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۲۹) مسند احمد: موسی، ابن لهیعة، ابوزبیر، جابر: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که

فرمودند:

«افرادی از امت همواره برای دوام حق و پابرجایی آن با مخالفان نبرد می کنند و نبرد خود را تا قیامت ادامه می دهند. عیسی بن مریم علیه السلام نیز نازل می گردد، امیر مسلمانان پیشنهاد می کند که پیش بایستید و نماز گزارید تا به شما اقتدا کنیم. عیسی علیه السلام می گوید: نه، خداوند برای بزرگداشت این امت بعضی از خودشان را بر دیگران امیر قرار داده»<sup>۴</sup>.

□ ۱ «ینظر من عین ملک الموت».

۲. اثبات الهداة ۳: ۵۸۷، ب ۳۲، ف ۶۱، ح ۸۰۴ مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۷۷، ب ۴۹، ح ۲۱. المهدي الموعود المنتظر ۱: ۱۱۰ و ۱۱۱.

۳. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰ و ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

۴. مسند احمد ۳: ۳۴۵ و ۳۴۸. صحیح مسلم ۱: ۱۳۷، ب ۷۱، ح ۲۴۷ و ۱۵۲۴، ب ۵۳، ح ۱۹۲۳. مسند ابی یعلیٰ ۴: ۶۰، ح ۲۰۷۸ و ۸۲۶، ح ۱۱۶۴. مسند ابی عوانة ۱: ۱۰۶. السنن الواردة فی الفتن: ۱۴۳.

(۵۳۰) مسند احمد: بهز، حماد بن سلمه، قتادة، مطرف، عمران بن حصین: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«همواره گروهی از ائمت بر حق می مانند و بر دشمنانشان پیروز می گردند، تا اینکه امر خداوند تبارک و تعالی می آید و عیسی بن مریم علیه السلام نازل می شود»<sup>۱</sup>.

(۵۳۱) تاریخ بخاری: نفیلی، محمد بن سلمه، ابو واصل، عبید طفاوی، جابر بن عبدالله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«طایفه ای از ائمت همواره برحق می مانند تا عیسی بن مریم علیه السلام نازل شود»<sup>۲</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۵۳۲) بشارة المصطفی: امام حسن علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«تعدادی از ائمت تا قیامت برای حق نبرد می کنند و همواره پیروز خواهند بود، تا اینکه عیسی بن مریم علیه السلام نازل شود»<sup>۳</sup>.

(۵۳۳) مجمع البیان: ربیع بن أنس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»<sup>۴</sup> را تلاوت کرد و فرمود:

«گروهی از ائمت همواره برحق می مانند تا عیسی بن مریم علیه السلام نازل گردد»<sup>۵</sup>.

۱. مسند احمد ۴: ۴۲۹. تهذیب ابن عساکر ۱: ۵۶. کنز العمال ۱۴: ۶۱۸، ح ۳۹۷۲۴ و ۳۹۷۲۴. تصریح

الکشمیری: ۱۹۵، ح ۳۲. ۲. تاریخ البخاری ۵: ۴۵۱، ح ۱۴۶۸.

۳. بشارة المصطفی: ۲۴۹.

۴ □ «از خلقی که آفریدیم گروهی به حق هدایت می کنند و به حق حکم می کنند (یا به حق باز می گردند)». (اعراف: ۱۸۱)

۵. مجمع البیان ۴: ۵۰۳. تفسیر الصافی ۲: ۲۵۶. غایة المرام: ۴۲۸، ب ۱۸۶، ح ۷. تفسیر نور الثقلین ۲:

۱۰۵، ح ۳۸۶.

## فصل چهارم

### اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۳۴) بیان شافعی: ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم حسنی، ابوالفرج یحیی بن محمود، ابو علی حسن بن احمد، حافظ ابونعیم، ابوالمظفر، محمد بن یوسف بن بشر، ابراهیم بن منقذ خولانی، ابوحازم عبدالغفار بن حسن بن دینار، سفیان ثوری، منصور، ربیع، حذیفه: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی درباره مهدی منتظر علیه السلام فرمود:

«هنگام ظهور مهدی علیه السلام، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود آید در حالی که گویی از موهایش قطرات آب می چکد. مهدی پیشنهاد می کند جلو بایستید تا مردم نماز خود را به شما اقتدا نمایند. عیسی علیه السلام می گوید: این [صفوف] جماعت به خاطر شما برپا شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: عیسی علیه السلام پشت سر مردی از فرزندان من نماز می گزارد. پس از نماز، عیسی علیه السلام برمی خیزد و وقتی که مهدی علیه السلام در مقام نشست، با او بیعت می کند، و پس از آن چهل سال در دنیا می ماند.<sup>۱</sup>

(۵۳۵) بیان شافعی: حافظ ابو حجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی، ابوالفتح ناصر بن محمد بن ابی الفتح اسماعیل بن فضل سراج، ابوطاهر محمد بن احمد بن عبدالرحیم، حافظ ابوالحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود شافعی معروف به دارقطنی، احمد بن محمد بن سعید، ابراهیم بن محمد بن اسحاق بن یزید، سهل بن سلیمان، ابوهارون عبدی: نزد ابوسعید خدری رفته و به او گفتم: در جنگ بدر شرکت کردی؟ گفت: بله. گفتم: اگر چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضیلت‌های او شنیده‌ای برای من نقل می کنی؟! گفت: بله، برایت می گویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری مختصری گرفته بود که بعداً از آن شفا یافت. در حال مرض، فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد. من سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته

۱. البیان فی أخبار صاحب الزمان: ۴۹۷، ب ۷. عقد الدرر: ۱۷، ب ۱. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۱ الصواعق المحرقة: ۱۶۴، ب ۱۱، ف ۱. القول المختصر: ۸، ب ۱، ح ۴۳.



بودم. وقتی فاطمه علیها السلام حالت ضعف و ناتوانی آن حضرت را مشاهده کرد، بغض گلویش را فشرده و اشک از گونه هایش فروریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«... مهدی امت که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند از ماست»<sup>۱</sup>.

(۵۳۶) فتن ابن حماد: نعیم، ضمرة بن ربیعة، یحیی بن ابی عمرو شیبانی، عمرو بن عبد الله

حضرمی، ابوامامه باهلی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آن موقع امام مردم مردی صالح است. به او می گویند: نماز صبح را بخوان. وقتی تکبیر می گوید و نماز را آغاز می کند، عیسی بن مریم علیها السلام نازل می شود. چون آن مرد، عیسی علیه السلام را می بیند او را می شناسد و عقب می رود تا عیسی علیه السلام امام جماعت شود. عیسی علیه السلام دستانش را بین دو کتف [و پشت او] می گذارد و می گوید: شما نماز بخوانید؛ جماعت به خاطر شما برپا شده. [او نماز را ادامه می دهد] و عیسی علیه السلام به او اقتدا می کند»<sup>۲</sup>.

(۵۳۷) سنن ابن ماجه: علی بن محمد، عبدالرحمن محاریبی، اسماعیل بن رافع، ابورافع،

ابوزرعه شیبانی، یحیی بن ابی عمرو، ابوامامه باهلی: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه می گفت،

و بیشتر خطبه حدیثی بود که در مورد دجال ایراد فرمود و ما را از او بیم داد. از جمله

فرمود:

«... آنگاه که امام آنها جلو می رود تا نماز صبح را به او اقتدا نمایند،

عیسی بن مریم علیه السلام نازل می شود. امام عقب می رود تا عیسی علیه السلام برای مردم

نماز جماعت بخواند. عیسی علیه السلام دست بین دو کتف [و پشت او] می گذارد

و می گوید: جلو بروید و نماز بگذارید، جماعت به خاطر شما برپا شده.

پس همگی به امامشان اقتدا می نمایند»<sup>۳</sup>.

۱. البیان فی أخبار صاحب الزمان: ۵۰۲، ب ۹. الفصول المهمة: ۲۹۶، ف ۱۲۰. ینایع المودة: ۴۹۰، ب ۹۴.

۲. الفتن: ۱۵۹.

۳. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۵۹، ح ۴۰۷۷. مسند احمد ۶: ۴۶۲. صحیح مسلم ۴: ۲۲۶۶، ب ۲۰، ح ۲۹۴۵.

سنن ابی داود ۴: ۱۷۷، ح ۴۳۲۱. سنن الترمذی ۵: ۷۲۴، ب ۷۰، ح ۳۹۳۰.

□ روایات شیعه:

(۵۳۸) بشارة المصطفی: امام حسن علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... عیسی بن مریم علیها السلام نازل می شود. به او می گویند: جلو بایستید تا به شما اقتدا کنیم. می گوید: امامتان پیش می آید، خداوند تعالی به خاطر کرامتی که این امت دارد، بعضی از آنها را امام بعضی دیگر قرار داده.»<sup>۱</sup>

(۵۳۹) دلائل الامامة: ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبری، عبدالجبار بن سیراب، محمد بن

زکریا، الحکم بن اسلم و شعیب بن واقد، جعفر بن سلیمان، ابوهارون عبدی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به آنکه جانم به دست اوست، مهدی این امت که عیسی بن مریم علیها السلام پشت سر او نماز می خواند از ما (اهل بیت) است...»<sup>۲</sup>

(۵۴۰) أمالی صدوق: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن قاسم، احمد بن هلال، فضل بن

دکین، معمر بن راشد: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که ضمن سخنانش با فردی یهودی فرمود:

«... ای یهودی، دیگر از ذریه من مهدی است، همان که وقتی قیام کند عیسی بن مریم علیها السلام برای یاریش نازل می شود و او را مقدم داشته و در نماز به او اقتدا می نماید.»<sup>۳</sup>

(۵۴۱) حلیة الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیها السلام نازل می شود... و مسئولیت اموال قائم علیه السلام را بر عهده می گیرد و اصحاب کهف معاونان او خواهند بود. او وزیر دست راست و حاجب و نائب قائم است...»<sup>۴</sup>

۱. بشارة المصطفی: ۲۴۹. ۲. دلائل الامامة: ۲۳۴. غیبة الطوسی: ۱۱۶.

۳. أمالی الصدوق: ۱۸۱، ح ۴. الاحتجاج ۱: ۴۷ و ۴۸. روضة الواعظین ۲: ۲۷۲. جامع الأخبار: ۸ تأویل

الآیات ۱: ۴۸، ح ۲۳. الايقاظ من الهجعة: ۳۵۱، ب ۱۰، ح ۹۳ و: ۳۷۱، ب ۱۰، ح ۳۷۱. اثبات الهداة ۳:

۴۹۵، ب ۳۲، ف ۷، ح ۲۵۵ و: ۵۲۴، ب ۳۲، ف ۲۰، ح ۴۱۳ و: ۵۶۶، ب ۳۲، ف ۴۰، ح ۶۶۳.

۴. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰، ب ۳۴ و: ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

(۵۴۲) تفسیر فرات: جعفر بن محمد فزاری: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در توضیح آیه شریفه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»<sup>۱</sup> فرمود:

«... تا اینکه عیسی بن مریم علیه السلام نازل شود و خداوند دجال را توسط او هلاک نماید، و مردی از ما اهل بیت، امام جماعت آنها شود، آیا نمی بینی عیسی علیه السلام با اینکه پیامبر است پشت سر ما (اهل بیت) نماز می خواند؟! آری، ما از او برتریم...»<sup>۲</sup>

(۵۴۳) غيبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده و محمد بن همام بن سهیل و عبدالعزیز و عبدالواحد ابنا عبدالله بن یونس موصلی هر کدام با ذکر سند، عبدالرزاق بن همام، معمر بن راشد، أبان بن ابی عیاش، سلیم بن قیس الهلالی: همراه امیرالمؤمنین علیه السلام از صفین باز می گشتیم که حضرت در نزدیکی دیر یک نصرانی اتراق فرمود. پیرمردی از دیر بیرون آمد خوش رو، خوش اندام و خوش سیما که کتابی به همراه داشت. خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، سلام کرد... و گفت: من نواده یکی از حواریان عیسی بن مریم علیه السلام هستم که در میان دوازده خواری از همه برتر بود، و عیسی علیه السلام او را از همه بیشتر دوست می داشت و بر دیگران ترجیح می داد و او را وصی خود نمود و کتاب های خویش را به او سپرد و حکمت خود را به وی آموخت، افراد این خاندان همیشه به دین و شریعت عیسی علیه السلام بوده اند، نه کافر شدند نه مرتد و نه تغییری در دین او داده اند و آن کتاب ها که به دستخط عیسی بن مریم علیه السلام و دستخط پدر ماست، اکنون نزد من است، هر چه مردم پس از عیسی علیه السلام انجام خواهند داد و... در آن کتاب نوشته شده...

«عیسی علیه السلام پشت سر مهدی علیه السلام نماز می خواند و می گوید: شما امام هستید و سزاوار نیست کسی بر شما مقدم گردد. او جلو می رود و نماز می خواند و مردم به او اقتدا می نمایند، و عیسی علیه السلام در صف [می ایستد در حالی که] اولین و بهترین و افضل آنها (نمازگزاران) است، و اجر او مانند ایشان و

۱. «روزی که بعضی آیات پروردگارت بیاید ایمان آوردن کسی که از قبل ایمان نیاورده یا در حال ایمان، خیری کسب نکرده، بی فایده است.» (انعام: ۱۵۸)

۲. تفسیر فرات الکوفی: ۴۴.

کسانی که از ایشان اطاعت نمودند و به هدایتشان راه یافتند... خواهد بود.<sup>۱</sup>

### فصل پنجم

#### مسیح علیه السلام وزیر مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۴۴) فتن ابن حنّاد: بقیة بن ولید، صفوان بن عمرو، شریح بن عبید: کعب در حدیثی که به خداوند نسبت داد گفت:

«... (مسیح) می گوید: من به عنوان وزیر [برای مهدی] مبعوث شده‌ام، و امیر نیستم.»<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۴۵) حلیة الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«عیسی علیه السلام ... مسئول اموال قائم علیه السلام می شود و اصحاب کهف معاونان او خواهند بود. او وزیر دست راست و حاجب و نائب قائم است، و به کرامت حجة بن الحسن امنیت را در مغرب و مشرق می گستراند...»<sup>۳</sup>

### فصل ششم

#### نزول مسیح علیه السلام در دمشق

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۴۶) تاریخ بخاری: نعیم، بقیة بن الولد، صفوان بن عمرو، شریح بن عبید، کعب:  
«عیسی بن مریم علیه السلام کنار پل سفیدی که بر دروازه شرقی دمشق و کنار

۱. الغیبة: ۷۴، ب ۴، ح ۹. کتاب سلیم بن قیس: ۱۵۲ - ۱۵۴. اثبات الهداة ۱: ۱۷۹، ب ۷، ف ۷، ح ۵۹.

بحار الانوار ۱۵: ۲۳۶ - ۲۳۹، ب ۲، ح ۵۷ و ۱۶: ۸۴ و ۸۵، ب ۶، ح ۱.

۲. الفتن: ۱۶۰.

۳. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰، ب ۳۴، و ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

درخت است نازل می شود، در حالی که ابری او را حمل می کند و او دو دست خود را بر شانه دو ملک نهاده و دو جامه با خود دارد که یکی را پوشیده و دیگری را نپوشیده، و موقعی که سر خود را پایین می اندازد، گویی مروارید از آن می چکد.<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۵۴۷) تفسیر قمی: حسین بن عبدالله سکینی، ابوسعید بجلی (نحلی)، عبدالملک بن هارون: حضرت امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام... امام حسن علیه السلام ضمن گفت و گو با پادشاه روم، به او فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام روح خدا و کلمه خداست، در دنیا سی و سه سال داشت که خداوند او را به آسمان بالا برد، و در سرزمین دمشق نازل خواهد شد...»<sup>۲</sup>

## فصل هفتم

### نزول عیسی علیه السلام در وقت فجر

### □ روایات اهل سنت:

(۵۴۸) فتن ابن حقاد: سدید بن عبدالعزیز، اسحاق بن ابی فروة و ابن سبور، مکحول حدیفة بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... پس از آنکه مؤذن اذان نماز صبح را گفت، عیسی بن مریم در بیت المقدس نازل می شود، در حالی که جماعتی از مسلمانان و خلیفة آنها در آنجا هستند»<sup>۳</sup>.

۱. تاریخ البخاری ۷: ۲۳۳، ح ۱۰۰۲. الفتن: ۱۶۰. صحیح مسلم ۴: ۲۲۵۳، ب ۲۰، ح ۲۱۳۷. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۵۷، ب ۳۳، ح ۴۰۷۵. سنن الترمذی ۴: ۵۱۲، ب ۵۹، ح ۲۲۴۰. المعجم الكبير ۱: ۱۸۶، ح ۵۹۰.

۲. تفسیر القمی ۲: ۲۶۸-۲۷۲. بحار الانوار ۱۴: ۲۴۷، ب ۱۸، ح ۲۷.

۳. الفتن: ۱۶۰.

(۵۴۹) جامع البیان: عصام بن الرواد بن الجراح به نقل از پدرش، سفیان بن سعید ثوری، منصور بن المعتمر، ربیع بن حراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی از مهدی و ظهور او در آخر الزمان فرمود:

«روز جمعه، هنگام نماز صبح که نماز برپا می شود، مهدی متوجه می شود که عیسی بن مریم با دو جامه از آسمان نازل شده...»<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۵۰) حلیة الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام هنگام سپیده صبح فرود می آید...»<sup>۲</sup>

### فصل هشتم

#### نزول عیسی علیه السلام در قدس

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۵۱) فتن ابن حماد: سدید بن عبدالعزیز، اسحاق بن ابی فروة، ابن سابور، مکحول، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام در بیت المقدس نازل می گردد»<sup>۳</sup>.

(۵۵۲) مسند احمد: أم شریک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی... کنار درب شرقی بیت المقدس او (دجال) را می گیرد و هلاک می کند»<sup>۴</sup>.

۱. جامع البیان ۱۵: ۱۷، و ۲۲: ۷۲. الکامل لابن عدی ۶: ۲۱۷۸. السنن الواردة في الفتن: ۱۱۳، ح ۱۰۴.

۲. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰ و ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

۳. الفتن: ۱۶۰. السنن الواردة في الفتن: ۱۴۳. عقد الدرر: ۲۷۴ و ۲۷۵، ب ۱۲، ف ۲.

۴. مسند احمد ۶: ۴۶۲. صحیح مسلم ۴: ۲۲۶۶، ب ۲۰، ح ۲۹۴۵.

### □ روایات شیعه:

(۵۵۳) اثبات الهداة: سید هبة الله بن ابی محمد حسن موسوی، ابوالحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب جریمی، ابو حبیبش هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری: امیر مؤمنان ﷺ خطبه‌ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه‌های آخرالزمان و اخبار فراوانی از آینده مثل حکومت بنی امیه و بنی عباس و احوال دجال و سفیانی را ذکر نمود:

«... عیسی بن مریم ﷺ از آسمان فرود آید و با مهدی که از ذریه من است خواهد بود... و همه با هم حرکت کرده و به بیت المقدس می‌روند.»<sup>۱</sup>

## فصل نهم

### عیسی ﷺ قاتل خنزیر و شکننده صلیب

### □ روایات اهل سنت:

(۵۵۴) مصنف عبدالرزاق: معمر، زهری، سعید بن مسیب، ابوهریره: رسول خدا ﷺ فرمود:

«قسم به آنکه جانم دست اوست، به زودی فرزند مریم در میان شما نازل شود. او که حاکم و امامی عادل است صلیب را شکسته، خنزیر را می‌کشد و جزیه<sup>[۳۳]</sup> می‌گیرد...»<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۵۵۵) حلیة الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. اثبات الهداة ۳: ۵۸۷، ب ۳۲، ف ۶۱، ح ۸۰۴ مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۷۷، ب ۴۹، ح ۲۱. المهدي الموعود المنتظر ۱: ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲. المصنف ۱۱: ۳۹۹، ح ۲۰۸۴۰، و: ۴۰۰، ح ۲۰۸۴۳. فتن ابن حماد: ۱۶۲. مسند احمد ۲: ۲۴۰، ۳۹۴ و ۴۸۲. صحیح البخاری ۳: ۱۰۷ و ۱۷۸، و ۴: ۲۰۵. صحیح مسلم ۱: ۱۳۵، ب ۷۱، ح ۲۴۲، و ۱۳۶، ح ۲۴۳.

«عیسی علیه السلام پس از نزول، صلیب را می شکند و خنزیر را می کُشد».<sup>۱</sup>

## فصل دهم

### قتل دجال توسط عیسی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۵۶) مسند طیالسی: یونس، ابوداود، زمعه بن صالح، زهری، عبیدالله بن عبدالله بن ثعلبه، عبدالرحمن بن یزید بن جاریه به نقل از عمویش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«عیسی بن مریم علیه السلام دجال را به قتل می رساند...».<sup>۲</sup>

(۵۵۷) مصنف عبدالرزاق: معمر، زهری، عمرو بن ابی سفیان ثقفی، رجل من الأنصار، بعض أصحاب محمد صلی الله علیه و آله: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد دجال فرمود:  
«وقتی دجال، پسر مریم علیه السلام را می بیند، آب می شود آنچنان که قلع و سرب (در آتش) ذوب گردد. عیسی علیه السلام هم او را گرفته و می کُشد».<sup>۳</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۵۸) تفسیر فرات: جعفر بن محمد فزاری: حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام در توضیح آیه شریفه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»<sup>۴</sup> فرمود:

«... تا اینکه عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نازل شود و خداوند دجال را

۱. حلیة الابرار ۲: ۶۲۰، و: ۶۹۲، ب: ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب: ۱۴۱، ح: ۳۸.  
۲. مسند طیالسی: ۱۷۰، ح: ۱۲۲۷. مصنف عبدالرزاق ۱۱: ۳۹۸، ح: ۲۰۸۳۵. مسند الحمیدی ۲: ۳۶۵. فتن ابن حماد: ۱۵۸. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۱۴۴، ح: ۱۹۳۳۹، و: ۱۶۱، ح: ۱۹۳۸۰. مسند احمد ۳: ۴۲۰. المعجم الكبير ۱۹: ۴۴۳، ح: ۱۰۷۵.  
۳. المصنف ۱۱: ۳۹۷، ح: ۲۰۸۳۴.  
۴. «روزی که بعضی آیات پروردگارت بیاید ایمان آوردن کسی که از قبل ایمان نیاورده یا در حال ایمان، خیری کسب نکرده، بی فایده است». (انعام: ۱۵۸)



توسط او هلاک فرماید...»<sup>۱</sup>

(۵۵۹) تفسیر قمی: حسین بن عبدالله سکینی، ابوسعید بجلی (نحلی)، عبدالملک بن هارون: حضرت امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام: ... امام حسن علیه السلام ضمن گفت و گو با پادشاه روم، به او فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام روح خدا و کلمه خداست... و همو دجال را خواهد کشت...»<sup>۲</sup>

## فصل یازدهم

### حکومت عادلانه عیسی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۶۰) مصنف عبدالرزاق: معمر، زهری، سعید بن مسیب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قسم به آنکه جانم به دست اوست، چیزی نمانده که فرزند مریم علیها السلام در میان شما نازل شود. او حاکم و امامی عادل است...»<sup>۳</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۶۱) حلیة الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عیسی علیه السلام) بین اهل تورات به تورات، بین اهل انجیل به انجیل، بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقانشان حکم (قضاوت) می کند»<sup>۴</sup>

۱. تفسیر فرات الکوفی: ۴۴. بحار الانوار ۲۴: ۳۲۸، ب ۶۷، ح ۴۶.

۲. تفسیر قمی ۲: ۲۶۸-۲۷۲. بحار الانوار ۱۴: ۲۴۷، ب ۱۸، ح ۲۷.

۳. المصنف ۱۱: ۳۹۹، ح ۲۰۸۴۰، و: ۴۰۰، ح ۲۰۸۴۳.

۴. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰، ب ۳۴، و: ۶۹۲، ب ۵۴، غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

## فصل دوازدهم

### ازدواج عیسی علیه السلام با زنی از غسان

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۶۲) عقد الدرر: علی علیه السلام فرمود:

«عیسی علیه السلام با زنی از غسان ازدواج می‌کند و از او صاحب فرزندی می‌شود و به حج می‌رود. اما در راه پیش از آنکه به مکه برسد، خداوند روحش را می‌گیرد».<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۶۳) حلیة الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی علیه السلام با زنی از غسان ازدواج می‌کند تا روی کسانی را که می‌گفتند او از بشر نیست سیاه نماید، و آنها ببینند که او چگونه می‌خورد و می‌آشامد و ازدواج می‌کند».<sup>۲</sup>

۱. عقد الدرر: ۲۷۴، ب ۱۲، ف ۲.

۲. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰، و: ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

## باب بیست و یکم

### بیعت مهدی علیه السلام

این باب شامل چهار فصل است:

#### فصل اوّل

#### بیعت مردم با مهدی از نقاط مختلف

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۶۴) فتن ابن حنّاد: سعید ابو عثمان، جابر: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«... بیرق‌های سیاه برای بیعت با مهدی فرستاده می‌شوند».<sup>۱</sup>

(۵۶۵) الفتاوی الحدیثیة: امام جعفر صادق علیه السلام ضمن حدیثی در مورد مهدی علیه السلام

فرمود:

«بیرق‌های سیاه در کوفه پایین می‌آیند، و برای بیعت با مهدی فرستاده

می‌شوند».<sup>۲</sup>

(۵۶۶) مصنّف عبدالرزاق: معمر، قتادة: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... طایفه‌های عراق و ابدال شام نزد مهدی علیه السلام می‌آیند و با او بیعت

می‌کنند».<sup>۳</sup>

(۵۶۷) فتن ابن حنّاد: ابو عمر، ابن لهیعة، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل

۱. الفتن: ۹۵.

۲. الفتاوی الحدیثیة: ۳۱. عقد الدرر: ۱۴۵، ب. ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۱. برهان المتقی: ۱۴۱، ب. ۶، ح. ۳.

۳. المصنّف ۱۱: ۳۷۱، ح. ۲۰۷۶۹. مصنّف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۴۵، ح. ۱۹۰۷۰. مسند احمد ۶: ۱۳۶.

از پدرش، حارث، عبدالله بن مسعود:

«هفت نفر عالم بدون قرار قبلی از مکانهای مختلف خارج می شوند، با هر کدام از آنها سیصد و ده و اندی مرد بیعت می کنند، تا اینکه در مکه جمع می شوند، آن هفت عالم که به هم می رسند به یکدیگر می گویند: شما چرا آمده اید؟ پاسخ می دهند: در پی مردی آمده ایم که این فتنه ها به دست او خاموش می شود و قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> را فتح می کند، ما اسم او، پدر و مادرش و مشخصات شمایلش را می دانیم. آن هفت عالم که اطلاعاتشان (در مورد اسم و مشخصات) مثل هم است به طلب او می روند و او را در مکه می یابند و می گویند: تو فلان پسر فلان هستی؟ پاسخ می دهد: نه، من مردی از انصار هستم. و از دستشان می گریزد.

مشخصات او را برای اهل خبره و آشنایان بیان می کنند؛ به آنها گفته می شود: او همان کسی است که دنبالش هستید و او به مدینه رفت. در طلب او به مدینه می روند، اما او بر خلاف جهت آنها به مکه می آید. در مکه پی او می روند و او را می یابند و می گویند: تو فلان پسر فلان هستی، و مادرت فلان دختر فلان است، و در تو نشانه ای چنین و چنان است، یک بار از دست ما گریختی، دستت را بده با تو بیعت کنیم. او می گوید: کسی که دنبالش می گردید من نیستم، من فلان بن فلان انصاری هستم، بیاید تا شما را نزد کسی ببرم که دنبالش می گردید، و باز از دست آنها می گریزد. در پی او به مدینه می روند اما او بر خلاف آنها به مکه می آید. در مکه کنار رکن او را می یابند و می گویند: اگر دستت را ندهی که با تو بیعت کنیم، گناه ما و خون ما گردن تو است، لشکر سفیانی به سرکردگی مردی از «جرم» در پی ما روانه شده. سرانجام بین رکن و مقام می نشیند و دستش را دراز می کند تا با او بیعت کنند، و خداوند محبت او را به دل مردم می اندازد»<sup>۱</sup>.

۱. الفتن: ۹۵ و ۹۷. عقد الدرر: ۱۳۲، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۰ و ۷۲ و ۷۴. الفتاوی الحدیثیة: ۳۰. القول المختصر: ۱۷، ب ۲، ح ۱۴. برهان المتقی: ۱۴۱، ب ۶، ح ۴، و: ۱۴۲، ب ۶، ح ۵.

### □ روایات شیعه:

(۵۶۸) تاج الموالد: از ائمه علیهم السلام روایت شده:

«افرادی نجیب، ابدال و خوبان با او بیعت می کنند که همه جوانند و پیری در میانشان نیست، آنگاه شیعیان او از اطراف زمین به سویش می روند و زمین برایشان پیچیده می شود<sup>۱</sup>، پایتخت حکومت او کوفه است و بیشتر اقامتش در آنجا خواهد بود»<sup>۲</sup>.

(۵۶۹) غیبة الطوسی: فضل بن شاذان، احمد بن عمر بن مسلم، حسن بن عقبه نهمی،

ابواسحاق بناء، جابر جعفی: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«سیصد و اندی نفر، به تعداد اصحاب بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می کنند. بین آنها «نُجَبَا» (نجیبان) از مصر، «ابدال» از شام و «اخیار» از اهل عراق هستند»<sup>۳</sup>.

(۵۷۰) اختصاص مفید: ابوالحسن محمد بن معقل، محمد بن عاصم، علی بن حسین،

محمد بن مرزوق، عامر سراج، سفیان ثوری، قیس بن مسلم، طارق بن شهاب، حذیفه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«هنگام قیام قائم، نُجَبَا از مصر، ابدال از شام، و طایفه هایی از عراق [برای بیعت با او] خارج می شوند...»<sup>۴</sup>.

۱ □ یعنی با طی الارض به او می رسند.

۲. تاج الموالد: ۱۵۱. اثبات الهداة ۳: ۵۱۷ و ۵۱۸، ب ۳۲، ف ۱۱، ح ۳۷۸.

۳. غیبة الطوسی: ۲۸۴. بحار الانوار ۵۲: ۳۳۴، ب ۲۷، ح ۶۴. منتخب الاثر: ۴۶۸، ف ۶، ب ۱۱، ح ۲.

۴. الاختصاص: ۲۰۸. مجمع البیان ۴: ۳۹۸. اثبات الهداة ۳: ۵۵۷، ب ۳۲، ف ۳۳، ح ۶۰۷ و ۶۲۱،

ب ۳۲، ف ۲۲، ح ۱۹۸. بحار الانوار ۵۲: ۱۸۶، ب ۲۵، و: ۳۰۴، ب ۲۶، ح ۷۳. تفسیر نور الثقلین ۴: ۳۴۳،

## فصل دوم

### بیعت با مهدی علیه السلام در مکه

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۷۱) مسند احمد: عبدالصمد و حرمی معنی، هشام، قتاده، ابو الخلیل عن صاحب له، أم سلمه: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن روایتی از مهدی علیه السلام فرمود:  
«... مردمی از اهل مکه می آیند، او را بیرون آورده و با وی بیعت می کنند»<sup>۱</sup>.

(۵۷۲) فتن ابن حنّاد: ولید بن مسلم، ابو عبدالله، ولید بن هشام المعیطی، أبان بن ولید بن عقبه بن ابی معیط، عبدالله بن عباس:

«... از شام به سوی مهدی حرکت می کنند، او را از وسط مکه و از داخل خانه ای کنار صفا بیرون آورده و با وی بیعت می نمایند...»<sup>۲</sup>.

(۵۷۳) عقد الدرر: محمد بن المؤمل، فضل بن محمد، نعیم، ابو یوسف، محمد بن عبدالله، عمرو بن شعیب به نقل از پدرش، عبدالله بن عمرو: ضمن حدیثی درباره ظهور مهدی علیه السلام گفت:

«... در این هنگام به بهترین فرد خودشان پناه می برند، چون نزد او می آیند آن بزرگوار صورت به کعبه نهاده و می گرید، گویی هم اکنون اشک هایش را می بینم. مردم به او عرض می کنند: بیا بید تا با شما بیعت کنیم! می فرماید: بروید، چه بسیار عهدها که شکستید، و چه بسیار خون ها که [تا حق] ریختید! سرانجام... با او بیعت می کنند. شما هم هرگاه به او رسیدید با وی بیعت کنید که او مهدی زمین و آسمان است»<sup>۳</sup>.

۱. مسند احمد ۶: ۳۱۶. ۲. الفتن: ۹۴. عقد الدرر: ۱۲۳، ب ۵.  
۳. عقد الدرر: ۱۰۹، ب ۴، ف ۳. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۰۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۶. القول المختصر: ۱۸، ۲۸، ب ۲. برهان المتقی: ۱۴۳، ب ۶، ح ۶. العطر الوردی: ۶۳.

(۵۷۴) العرف الوردی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«(مهدی) از مدینه به مکه می رود، مردم او را از بین خودشان پیدا کرده و بیرون می آورند و با وی بیعت می نمایند».<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۵۷۵) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، کابلی: حضرت امام محمد باقر علیه السلام

فرمود:

«در مکه با قائم بیعت می کنند».<sup>۲</sup>

(۵۷۶) ارشاد: مفصل بن عمر جعفی: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«... در مکه با او بیعت می کنند و او همان جا می ماند...».<sup>۳</sup>

### فصل سوم

#### بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۷۷) فتن ابن حماد: ابویوسف مقدسی، عبدالملک بن ابی سلیمان، عمرو بن شعیب به

نقل از پدرش و او نیز از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... سرکرده مفسدان را نزد مهدی می آورند و بین رکن و مقام با آن

حضرت بیعت می کند».<sup>۴</sup>

۱. العرف الوردی ضمن الحاوی ۲: ۷۶. الفتاوی الحدیثیة: ۲۸. برهان المتقی: ۱۴۴، ب ۶، ح ۱۰.

فرائد فوائد الفکر: ۹، ب ۴.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۸، ب ۲۶، ح ۸۳ اثبات الهداة ۳: ۵۸۳، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۷۴. الصراط

المستقیم ۲: ۲۵۳، ب ۱۱، ف ۹. بشارة الاسلام: ۲۲۰، ب ۳. منتخب الاثر: ۴۶۸، ف ۶، ب ۱۱، ح ۳.

۳. الارشاد: ۳۶۳ و ۳۶۴. روضة الواعظین ۲: ۲۶۵. اعلام الوری: ۴۳۱، ب ۴، ف ۳. كشف الغمّة ۳:

۲۵۴. الصراط المستقیم ۲: ۲۵۳، ب ۱۱، ف ۹. اثبات الهداة ۳: ۵۲۷، ب ۳۲، ف ۲۲، ح ۴۳۱. بحار

۴. الفتن: ۳۹.

الانوار ۵۲: ۳۳۷، ب ۲۷، ح ۷۸.

(۵۷۸) مسند طیالسی: یونس، ابوداود، ابن ابی ذئب، سعید بن سمعان: از ابوهریره شنیدم که در حال طواف کعبه برای ابوقتاده روایت می کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «با آن مرد بین رکن و مقام بیعت می کنند...»<sup>۱</sup>

(۵۷۹) فتن ابن حمّاد: محمد بن ثابت به نقل از پدرش، الحرث، عبدالله بن مسعود: «... (مهدی) بین رکن و مقام می نشیند، دستش را می گیرد تا با او بیعت کنند»<sup>۲</sup>.

(۵۸۰) القول المختصر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«او را به اجبار بیرون می آورند و بین رکن و مقام با او بیعت می کنند»<sup>۳</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۵۸۱) غیبة النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب ابوالحسن جعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابویسیر: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«... به خدا قسم گویی او را بین رکن و مقام در حال بیعت گرفتن از مردم برای امر جدید و کتاب جدید و حکومت آسمانی جدید می بینم...»<sup>۴</sup>

(۵۸۲) مختصر اثبات الرجعة: احمد بن محمد بن ابی نصر، عاصم بن حمید، محمد بن مسلم: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: قائم شما کی ظهور می کند؟ فرمود:

«گویی او را می بینم که میان رکن و مقام ایستاده، و جبرئیل در مقابل وی ندا می دهد: بیاید با خداوند بیعت کنید! و شیعیانش به سوی او می آیند»<sup>۵</sup>.

۱. مسند طیالسی: ۳۱۳، ح ۲۳۷۳. فتن ابن حمّاد: ۱۸۸. مصنف ابن ابی شیبه ۱۵: ۵۲، ح ۱۹۰۹۱.

مسند احمد ۲: ۲۹۱، ۳۱۲، ۳۲۸ و ۳۵۱. ملاحم ابن المنادی: ۳۹. المستدرک علی الصحیحین ۴:

۴۵۲. عقد الدرر: ۳۴۴، ب ۱۲. ۲. الفتن: ۹۵.

۳. القول المختصر: ۵، ب ۱، ح ۱۳.

۴. الغیبة: ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۲۲. تاج الموالید: ۱۵۰. بحار الانوار ۵۲: ۲۳۵، ب ۲۵، ح ۱۰۳. بشارة

الاسلام: ۹۲ و ۹۲، ب ۶.

۵. مختصر اثبات الرجعة: ۲۱۷، ح ۲۰. اثبات الهداة ۳: ۵۷۰، ب ۳۲، ف ۴۴، ح ۶۸۷. أربعون الخاتون



(۵۸۳) کتاب سلیم بن قیس: *أبان*، سلیم: علی بن ابی طالب علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود:

«به خدا قسم من همه کسانی را که بین رکن و مقام با او بیعت می کنند می شناسم، و نام همه آنها و قبیله هایشان را می دانم.»<sup>۱</sup>

(۵۸۴) غیبة الطوسی: فضل بن شاذان، اسماعیل بن عیاش، الاعمش، ابو وائل، حذیفه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که از مهدی علیه السلام یاد کرد و فرمود:

«بین رکن و مقام با او بیعت می کنند...»<sup>۲</sup>

## فصل چهارم

### بیعت سیصد و ده و اندی نفر با مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۸۵) فتن ابن حماد: عبدالله بن عباس:

«یاران او افرادی از اهل شام هستند، به تعداد سیصد و پانزده نفر، مثل اهل بدر. از شام به سوی مهدی حرکت می کنند، او را از وسط مکه و از داخل خانه ای کنار صفا بیرون آورده و مجبور به قبول بیعت می نمایند...»<sup>۳</sup>

(۵۸۶) فتن ابن حماد: ابویوسف مقدسی، عبدالملک بن ابی سلیمان، عمرو بن شعیب از پدرش و او نیز از پدرش روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... افرادی به تعداد اهل بدر با او بیعت می کنند، و اهل آسمان و زمین از

□ آبادی: ۱۸۷، ح ۳۲. کشف النوری: ۲۲۲. منتخب الاثر: ۴۶۴ و ۴۶۵، ف ۶، ب ۹، ح ۵.

۱. کتاب سلیم بن قیس: ۱۰۳. تفسیر العیاشی ۱: ۱۴، ح ۲، و: ۲۵۳، ح ۱۷۷. غیبة النعمانی: ۸۱ ب ۴، ح ۱۰. کمال الدین ۱: ۲۸۴، ب ۲۴، ح ۳۷. الصافی ۱: ۱۹. اثبات الهداة ۱: ۵۱۲، ب ۹، ف ۲۴، و: ۶۲۷، ب ۹، ف ۳۸، ح ۷۰۳، و: ۶۶۴، ب ۹، ف ۷۱، ح ۸۵۶.

۲. غیبة الطوسی: ۲۷۴ و ۲۸۱.

۳. الفتن: ۹۴. عقد الدرر: ۱۲۳، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۶. الفتاوی الحدیثیة: ۳۰. القول المختصر: ۱۹، ب ۲، ح ۲۹. برهان المتقی: ۱۴۴، ب ۶، ح ۷. فرائد فوائد الفکر: ۹، ب ۴.

او راضی و خشنود می گردند»<sup>۱</sup>.

□ روایات شیعه:

(۵۸۷) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، ابوبصیر: امام محمد باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

«... سیصد و اندی نفر با وی بیعت می کنند...»<sup>۲</sup>.

(۵۸۸) دلائل الامامة: ابوحسن بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابوعلی محمد بن همام، ابو عبدالله جعفر بن محمد، محمد بن حمران مدائنی، علی بن أسباط، حسن بن بشیر، ابوجارود: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«سیصد و سیزده نفر با او بیعت می کنند»<sup>۳</sup>.

(۵۸۹) ارشاد: مفصل بن عمر جعفی: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«سیصد و ده و اندی مرد همراهش هستند و با او بیعت می کنند»<sup>۴</sup>.

۱. الفتن: ۳۹.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۷، ب ۲۶، ح ۸۱ اثبات الهداة ۳: ۵۸۲ و ۵۸۳، ب ۲۳، ف ۵۹، ح ۷۷۳.

۳. دلائل الامامة: ۳۴۱. غیة الطوسی: ۲۸۳. تاج الموالید: ۱۵۳. حلیة الابرار ۲: ۵۹۸ و ۵۹۹. بحار الانوار ۵۲: ۲۹۱، ب ۲۶، ح ۳۴. بشارة الاسلام: ۲۴۱، ب ۳.

۴. الارشاد: ۳۶۳. روضة الواعظین ۲: ۲۶۵. اعلام الوری: ۴۳۱، ب ۴، ف ۳. كشف الغمة ۳: ۲۵۴. الصراط المستقیم ۲: ۲۵۳، ب ۱۱، ف ۹. بشارة الاسلام: ۲۲۰، ب ۳. منتخب الاثر: ۴۶۸، ف ۶، ب ۱۱،

## باب بیست و دوم

### جنگ‌های داخلی مهدی علیه السلام

این باب شامل پنج فصل است:

#### فصل اوّل

#### نبرد با سفیانی

□ روایات اهل سنت:

(۵۹۰) العرف الوردی: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«چون بیرق‌های سیاه [لشکر] سفیانی که شعیب بن صالح نیز بین آنهاست بیرون آید، مردم آرزومند و خواستار مهدی شوند. او هم پس از آنکه مردم به علت طولانی شدن بلاها از خروجش ناامید گشته‌اند با بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه بیرون آمده دو رکعت نماز می‌گزارد، و پس از نماز برمی‌گردد و می‌گوید: ای مردم، بلا بر امت محمد صلی الله علیه و آله و بخصوص بر اهل بیت او شدت یافته، سفیانی متجاوزی است که به ما تعدی نموده...»<sup>۱</sup>

(۵۹۱) فتن ابن حماد: ولید و رشدین، ابن لهیعة، ابو زرعة: حضرت محمد بن علی علیه السلام

فرمود:

«چون آن پناهنده مکه از خسف<sup>[۴۰]</sup> آگاه شود، با دوازده هزار نفر - که در میان آنها ابدال نیز حضور دارند - قیام می‌کند، از مکه روانه می‌شوند تا اینکه به ایلیا<sup>[۱۱۵]</sup> (بیت المقدس) می‌رسند و توقف می‌کنند.

سفیانی که این خبر را می شنود می گوید: قسم می خورم خداوند در این مرد عبرت قرار داده است، هر چه نیرو برای نبرد با او فرستادم در زمین فرو رفتند؛ باید عبرت گرفت و چشم حقیقت بین را باز کرد! از این رو تسلیم وی شده فرمانبردار او می گردد.

سفیانی از آنجا بیرون می رود تا آنکه به اقوام مادریش از طایفه کلب بر می خورد. آنها او را سرزنش می کنند و می گویند: خداوند لباس [ریاست] را بر تو پوشاند، اما تو آن را بیرون آوردی! می گوید: نظر شما چیست؟ بیعتم را با او بشکنم؟ می گویند: آری. سفیانی به نزد امام علیه السلام در ایلیا رفته و می گوید: بیعت خود را از من بردار! حضرت می فرماید: چنین دوست می داری؟ می گوید: آری.

امام بیعتش را از او بر می دارد و می گوید: این مرد از طاعت من خارج شده است، و دستور می دهد در دروازه ایلیا سرش را جدا کنند. آنگاه به سوی طایفه کلب رفته و غنایمی به دست می آورد، و کسی که از آن غنایم بی بهره بماند زیانکار است.<sup>۱</sup>

(۵۹۲) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«آنها (شامیان) در دمشق گرد سفیانی اجتماع می کنند و می گویند: اعراب حجاز علیه ما متحد شده اند.

سفیانی به یارانش می گوید: نظرتان در مورد این قوم چیست؟ می گویند: آنها نجابت و شتر دارند، ما ابزار جنگی و سلاح داریم، به کمک ما بر آنها بتاز.

اما می بینند که او ترسیده، زیرا می داند چه چیزی از او می خواهند، لذا آنقدر به او اصرار ورزند تا به خروج تن می دهد، و با اسبها و مردان و سپاه خود که دویست و شصت هزار نفرند خارج گشته به دریاچه

۱. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۸۴ ب ۴، ف ۲. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۲ و ۷۳. برهان المتقی:

۱۲۳، ب ۴، ف ۲، ح ۳۲ و: ۱۰۳، ب ۴، ف ۱، ح ۴، و: ۱۲۴، ب ۴، ف ۲، ح ۳۳. کنز العمال ۱۴: ۵۸۹،

طبریه<sup>[۷۰]</sup> که می‌رسند اردو می‌زنند.

مهدی علیه السلام [نیز] با همراهانش حرکت می‌کند، در هیچ شهری اثری جز امنیت و امان و بشارت بجای نمی‌گذارد، سمت راستش جبرئیل علیه السلام، سمت چپش میکائیل علیه السلام، و مردم از همه جا به او می‌پیوندند، تا اینکه کنار دریاچه طبریه با سفیانی برخورد می‌نمایند.

خداوند عزوجل و خلقش بر سفیانی و سپاه او خشمناک می‌شوند، و حتی پرندگان در آسمان با بال‌هایشان به آنها تیر می‌زنند، و کوه‌ها سنگهای خود را به طرفشان پرتاب می‌کنند، پس جنگی درمی‌گیرد که به هلاکت سپاه سفیانی می‌انجامد، سفیانی فرار می‌کند، و مردی از دوستان مهدی به نام «صبح» او را گرفته نزد مهدی می‌آورد، و در حالی که آن حضرت مشغول نماز عشا است به او بشارت می‌دهد، مهدی علیه السلام نماز را کوتاه کرده و بیرون می‌آید، [و می‌بیند که] عمامه سفیانی در گردنش است و او را می‌کشند. مهدی او را مقابل خود نگاه می‌دارد. سفیانی گوید: پسر عمو، بز من منت گذار و زندگی را به من بازگردان تا از یاران شمشیرزن تو گردم و با دشمنانت جهاد می‌کنم. مهدی که باحیاط از دوشیزگان بین یارانش نشسته می‌گوید: رهایش کنید.

اصحاب مهدی می‌گویند: ای فرزند دختر رسول خدا، او را زنده می‌گذاری؟ او فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را کشته، و ما طاقت آن را نداریم. مهدی گوید: او برای شما، هر کاری می‌خواهید با او بکنید، اما از قبل او را آزاد کرده و فراری می‌دهد. سرانجام صبح با عده‌ای در سدره به او می‌رسد، خوابانیده و ذبحش می‌نماید و سرش را برای مهدی می‌آورد، شیعیان او به سر نگاه می‌کنند و تکبیر و تهلیل سر می‌دهند، و خداوند را به خاطر آن می‌ستایند، آنگاه مهدی دستور می‌دهد سر را دفن نمایند.<sup>۱</sup>

۱. عقد الدرر: ۹۰-۹۹، ب ۴، ف ۲، و: ۱۳۷-۱۳۹، ب ۶. برهان المتقی: ۷۶ و ۷۷، ب ۱، ح ۱۴ و ۱۵.

فرائد فوائد الفکر: ۱۰، ب ۴.

(۵۹۳) فتن ابن حَمَّاد: ولید بن مسلم عن محدث:

«وقتی سفیانی نقض بیعت می کند، مهدی با او و افراد بنی کلب وارد جنگ می شود. در این نبرد سفیانی را اسیر کرده می آورند و به دستور مهدی گردنش را در دروازه رحبه<sup>[۵۱]</sup> می زنند. زن های آنها نیز به عنوان کنیز و اموالشان در دروازه دمشق به فروش می رسند»<sup>۱</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۵۹۴) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، کابلی: حضرت امام محمد باقر علیه السلام

فرمودند:

«... لشکر سفیانی علیه او (مهدی) خروج می کنند»<sup>۲</sup>.

(۵۹۵) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، جابر بن یزید: حضرت امام محمد

باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه به سفیانی خبر دهند قائم از ناحیه کوفه به طرف او در حرکت است، به سرعت سپاه خود را حرکت می دهد تا او را ملاقات نماید. [چون به هم رسیدند] بیرون آمده می گوید: پسر عموی مرا جلو بفرستید! سفیانی بیرون می آید و قائم علیه السلام با او صحبت می کند. سفیانی می آید و دست بیعت می دهد. وقتی نزد یارانش باز می گردد به او می گویند: چه کردی؟ می گوید: تسلیم شده و بیعت نمودم.

به او می گویند: اُف به این رأی و نظرت! تو خلیفه ای هستی که دیگران از تو اطاعت می کنند، حال خودت مطیع شخص دیگری شدی!؟

سفیانی مقابل قائم می ایستد و با او می جنگد، شب را استراحت می کنند و دوباره صبحگاه جنگ را با قائم از سر می گیرند، و تا پایان روز می جنگند. خداوند به شانه های مهدی و یارانش نیروی تازه می بخشد و آنها [سپاه سفیانی] را تار و مار می کنند، به طوری که هر کدامشان پشت

۱. الفتن: ۹۶. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۲. برهان المتقی: ۱۲۳، ب ۴، ف ۲، ح ۳۱.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۸، ب ۲۶، ح ۸۳ اثبات الهداة ۳: ۵۸۳، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۷۴.

درخت یا سنگی پنهان می‌شود، درخت یا سنگ می‌گوید: ای مؤمن، این مردی کافر است، او را بکش، و [مؤمن] او را می‌کشد.

امام فرمود: درندگان و پرندگان از گوشت آنها سیر می‌شوند...»<sup>۱</sup>

(۵۹۶) معانی الاخبار: محمد بن حسن بن احمد بن ولید، محمد بن یحیی عطار و احمد

بن ادریس، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعري، السیاری، الحکم بن سالم: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

«ابوسفیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگید، معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام، و

یزید بن معاویه با حسین بن علی علیه السلام جنگیدند. سفیانی هم با قائم علیه السلام در نبرد خواهد شد»<sup>۲</sup>.

(۵۹۷) منتخب الانوار المضيئة: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی، سفیانی و لشکرش را شکست داده و همه آنها را می‌کشد، و

سفیانی را در جهت رو به طرف شام از دریاچه طبریه<sup>[۷۰]</sup> زیر درختی که شاخه‌هایش آویزان است ذبح می‌کند»<sup>۳</sup>.

## فصل دوم

### نبرد با دجال

#### □ روایات اهل سنت:

(۵۹۸) فتن ابن حماد: ابویوب، أرطاة، کعب:

«آنها در حال تقسیم غنائم قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> هستند که از ماجرای دجال

مطلع می‌گردند. بی‌درنگ آنچه در دست دارند رها ساخته و به سمت

۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۸۸، ب ۲۷، ح ۲۰۶. اثبات الهداة ۳: ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۹۵. بشارة الاسلام: ۲۳۸.

۲. معانی الأخبار: ۳۴۶، ح ۱. بحار الانوار ۵۲: ۱۹۰، ب ۲۵، ح ۱۸.

۳. «... و یذبح السفیانی تحت شجرة أغصانها مدلاة في بحيرة طبرية مما يلي الشام».

۴. منتخب الأنوار المضيئة: ۱۹۲، ف ۱۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۸۶، ب ۲۷، ح ۱۹۹. اثبات الهداة ۳: ۵۸۴،

ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۸۲.

بیت المقدس می روند و همگی در آنجا به هم ملحق می شوند. آنگاه نماز به امامت ولی امر مسلمین برپا می شود...»<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۵۹۹) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسّیّار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام در خطبه‌ای فرمود:

«... خداوند او (دجال) را در شام بر سر گردنه‌ای به نام «افیق» خواهد کشت. قتل او هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته توسط کسی خواهد بود که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند»<sup>۲</sup>.

## فصل سوم

### لشکرکشی مهدی به قدس

### □ روایات اهل سنت:

(۶۰۰) عقد الدرر: امام علی علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام وارد بیت المقدس می شود»<sup>۳</sup>.

(۶۰۱) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعة، ابوزرعة: حضرت محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) فرمود:

«چون آن پناهنده به مکه از خسف<sup>[۴۰]</sup> آگاه گردد، با دوازده هزار نفر که ابدال هم بین آنها هستند خروج می کند، تا اینکه به ایلیا<sup>[۱۵]</sup> می رسند»<sup>۴</sup>.

(۶۰۲) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، هشم بن عبدالرحمن: علی علیه السلام فرمود:

۱. الفتن: ۱۶۱.

۲. کمال الدین ۲: ۵۲۵-۵۲۸، ب ۴۷، ح ۱. بحار الانوار ۱۴: ۳۴۸ و ۳۴۹، ب ۲۴، ح ۱۰.

۳. عقد الدرر: ۲۷۵، ب ۱۲، ف ۲.

۴. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۸۴، ب ۴، ف ۲. عرف السیوطی ۲: ۷۲. برهان المتقی: ۱۲۳، ب ۴، ف ۲، ح ۳۱.



«مهدی روانه می‌گردد، در بیت‌المقدس توقف و اتراق می‌نماید، و خزینه‌ها (اموال) به سمت او منتقل می‌گردد».<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۶۰۳) اثبات الهداة: سید هبة‌الله بن ابی محمد حسن موسوی، ابو الحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب الجریمی، ابو حبیبش هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، ابو سعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری: امیر مؤمنان علیه السلام خطبه‌ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه‌های آخرالزمان و اخبار فراوانی از آینده مثل حکومت بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و احوال دجال و سفیانی را ذکر نمود:

«... عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و با مهدی که از ذریه من است خواهد بود... و همه با هم حرکت کرده و به بیت‌المقدس می‌روند».<sup>۲</sup>

## فصل چهارم

### فتح مکه و مدینه

### □ روایات اهل سنت:

(۶۰۴) فتن ابن حنّاد: سعید ابو عثمان، جابر: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«... خداوند سرزمین حجاز را برای مهدی فتح می‌نماید، و او زندانی‌های بنی‌هاشم را آزاد می‌سازد».<sup>۳</sup>

(۶۰۵) فتن ابن حنّاد: الحکم بن نافع، جراح، أرطاة:

«مهدی قیام می‌نماید، وقتی به مدینه برسد هر که را از بنی‌هاشم در آنجا

۱. الفتن: ۹۶. عقد الدرر: ۱۲۹، ب. ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۰ و ۷۳. کنز العمال ۱۴:

۵۸۹، ح ۳۹۶۶۹.

۲. اثبات الهداة ۳: ۵۸۷، ب ۳۲، ف ۶۱، ح ۸۰۴ مستدرک الوسائل ۱۱: ۳۷۷، ب ۴۹، ح ۲۱. المهدي

الموعود المنتظر ۱: ۱۱۰ و ۱۱۱.

۳. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۱۴۵، ب ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۱. برهان المتقی: ۱۴۱، ب ۶، ح ۳.

هست نجات می دهد»<sup>۱</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۶۰۶) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، کابلی: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:  
«قائم در مکه بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت می گیرد، و در  
آنجا کارگزاری معین نموده، به سمت مدینه حرکت می کند. در راه به او  
خبر می دهند که کارگزارش به قتل رسیده. باز می گردد و قاتلان او را  
می کشد و پیش از این کاری نمی کند. آنگاه راه می افتد و بین دو مسجد  
(مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله) مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش  
دعوت می کند... سپاه سفیانی به قصد جنگ با او حرکت می کند، و خداوند  
آنها را در زمین فرو می برد».

و در روایت دیگری فرمود:

مهدی به طرف مدینه خارج می شود و تا هر مدت که بخواهد آنجا  
می ماند»<sup>۲</sup>.

## فصل پنجم

### فتح شام

### □ روایات اهل سنت:

(۶۰۷) فتن ابن حماد: رشدین، ابن لهیعة، عیاش بن عباس الزرقی، ابن زبیر، علی رضی الله عنه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند کسی را بر اهل شام مسلط می کند تا جمعیت آنها را به طوری  
متفرق سازد که اگر روباه‌ها با شامیان بجنگند بر آنها پیروز شوند، در آن  
موقع مردی از اهل بیتم با سه بیرق قیام می کند، کسانی که زیاد شمرند  
گویند تعداد آنها پانزده هزار و کسانی که کم شمرند گویند دوازده هزار

۱. الفتن: ۸۴

۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۸، ب ۲۶، ح ۸۳ اثبات الهداة ۳: ۵۸۳، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۷۴.

نفرند، علامت آنها «أَمِثٌ أَمِثٌ»<sup>۱۳۱</sup> است. هر کدام از صاحبان بیرق‌ها در پی حکومت است یا دیگران می‌خواهند او را به حکومت برسانند، پس خدا همه آنها را می‌کشد، آنگاه الفت و نعمت و آزادی بیان<sup>۱</sup> را به مسلمانان برمی‌گرداند.<sup>۲</sup>

(۶۰۸) العطر الوردی: حذیفه:

«مهدی به قصد شام حرکت می‌کند، در حالی که جبرئیل امیر مقدمه و میکائیل امیر مؤخره سپاه او است، اهل آسمان و زمین و پرندگان وحشی و ماهیان دریا به او شادمان می‌گردند».<sup>۳</sup>

(۶۰۹) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... (مهدی) با سپاهیان خود روانه می‌گردد و در شام اتراق می‌نماید. در آن زمان اصحاب اندلس مسجد آنجا را به آتش کشیده و تخریب نموده‌اند. او مدتی در دمشق اقامت می‌کند، و فرمان به بازسازی مسجد آنجا می‌دهد. در آن روزگار دمشق خیمه‌گاه مسلمانان، بهترین شهر روی زمین و محل آثار پیامبران، و بقایای صالحان بوده، از فتنه‌ها در امان، و بر دشمنانش پیروز است. بنابراین هر کس بتواند در آن شهر جایی برای خود تهیه کند، گرچه آغل گوسفندان باشد بهتر از ده باغ<sup>۴</sup> در مدینه است. نیکان عراق به دمشق نقل مکان می‌نمایند، آنگاه مهدی سپاهی به سمت طایفه کلب گسیل می‌دارد...».<sup>۵</sup>

۱ «و یرد الله علی المسلمین إفتهم و قاصتهم و بزارتهم». در روایت دیگری آمده: به آن حضرت گفتیم: «قاصه» و «بزاره» چیست؟ فرمود: حکومت را می‌گیرند، به طوری که هر کس بدون ترس و واهمه هر چه خواست می‌گوید.

۲. الفتن: ۹۶. المعجم الأوسط ۱: ۲۰۳، ح ۲۹۳. عقد الدرر: ۴۴، ب ۴، ف ۱. مقدمه ابن خلدون: ۲۵۲، ف ۵۳. ۳. العطر الوردی: ۶۴.

۴ الحیطان (ج الحائط): چهار دیواری، باغ نخلی که محصور باشد. (مجمع البحرین - حوط)  
۵. عقد الدرر: ۹۰-۹۹، ب ۴، ف ۲، و: ۱۳۷ و ۱۳۸، ب ۶، و: ۱۳۹، ب ۶. برهان المتقی: ۷۶ و ۷۷، ب ۱، ح ۱۴ و ۱۵.

(۶۱۰) فتن ابن حمّاد: حکم بن نافع، جراح، ارطاة (بدون اسناد به پیامبر):  
«اولین لشکر کشی مهدی... پس از آن به جانب شام رفته و آنجا را فتح  
می نماید...»<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۶۱۱) دلائل الامامة: ابو عبدالله حسین بن عبدالله، ابو علی حسن بن محمد نهاوندی، علی  
بن محمد بن نهید الحصینی، ابو علی الشهریاری، ابراهیم بن عبدالرحمن، جعفر بن قرم، هارون  
بن حمّاد، مقاتل، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«مهدی... آنها را می برد و به قتل می رسند، و فرزندان شان کنار در مسجد  
دمشق [به عنوان برده] فروخته می شوند...»<sup>۲</sup>

(۶۱۲) الزام الناصب: محمد بن احمد الأنباری، محمد بن احمد الجرجانی قاضی الری،  
طوق بن مالک به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام  
فرمود:

«... با سپاهیان خود روانه می گردد و در شام اتراق می نماید. در آن زمان  
اصحاب اندلس مسجد آنجا را به آتش کشیده و تخریب نموده اند. او  
(مهدی) مدتی در دمشق اقامت می کند، و فرمان به بازسازی مسجد آنجا  
می دهد. در آن روزگار دمشق خیمه گاه مسلمانان، بهترین شهر روی زمین و  
محل آثار پیامبران، و بقایای صالحان بوده، از فتنه ها در امان، و بر  
دشمنانش پیروز است. پس هر کس بتواند در آن شهر جایی برای خود تهیه  
کند گرچه آغل گوسفندان باشد بهتر از ده باغ<sup>۳</sup> در مدینه است. نیکان عراق  
به دمشق نقل مکان می نمایند، آنگاه مهدی سپاهی به سمت طایفه «کلب»  
گسیل می دارد...»<sup>۴</sup>

۱. الفتن: ۲۲۴. ۲. دلائل الامامة: ۲۴۹.

۳. الحیطان (ج الحائط): چهار دیواری، باغ نخلی که محصور باشد. (مجمع البحرین - حوط)

۴. الزام الناصب ۲: ۱۷۸ - ۲۱۳. کشف النوری: ۱۷۸ - ۱۸۳، ف ۲. منتخب الاثر: ۱۵۴، ف ۲، ب ۱،

## باب بیست و سوم

### جنگ‌های خارجی مهدی علیه السلام

این باب شامل سه فصل است:

#### فصل اوّل

#### نبرد با رومیان

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۱۳) صحیح مسلم: زهیر بن حرب، معلی بن منصور، سلیمان بن بلال، سهیل به نقل

از پدرش، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا آنگاه که [نظامیان] روم در اعماق<sup>[۱۰]</sup> یا دابق<sup>[۴۲]</sup> پیاده شوند. سپاهی متشکل از بهترین اهل زمین آن زمان از مدینه برای مقابله با آنها تجهیز می‌گردند. هنگامی که دو سپاه مقابل هم قرار گیرند، رومیان می‌گویند: از راه ما کنار روید و بگذارید با کسانی که از ما اسیر گرفتند بجنگیم. مسلمانان پاسخ می‌دهند: نه، به خدا قسم نمی‌گذاریم دست شما به برادرانمان برسد. پس با ایشان نبرد می‌کنند؛ یک سوم آنها شکست می‌خورند و می‌گریزند و خداوند هیچ گاه توبه ایشان را نمی‌پذیرد، یک سوم کشته می‌شوند که برترین شهدا نزد خداوند هستند، و یک سوم پیروز می‌شوند و دیگر هیچ گاه مورد فتنه قرار نمی‌گیرند، و قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> را فتح می‌نمایند. در حالی که شمشیرهایشان را به درخت زیتون آویزان کرده و غنائم آنجا را تقسیم می‌نمایند شیطان میان آنها بانگ می‌زند: مسیح به جای شما به خانه‌هایتان رفته! آنها خارج می‌شوند در حالی که این کارشان باطل

است، و هنگامی که به شام می آیند شیطان بیرون می رود. و در حال تنظیم صفوف برای جنگ هستند که نماز برپا می شود. عیسی بن مریم نازل می شود و به امامت او نماز می خوانند. پس چون دشمن خدا به عیسی علیه السلام نظر کند (از ترس یا خجالت) آب می شود، آنچنان که نمک در آب ذوب گردد، و اگر او را به حال خود رها سازد آنقدر ذوب می شود که هلاک گردد، اما خداوند او را به دست عیسی علیه السلام می کشد، و عیسی خون وی را بر سلاح خود به آنها نشان می دهد.<sup>۱</sup>

(۶۱۴) عقد الدرر: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن بیان ماجرای مهدی علیه السلام و فتوحات او فرمود:

«... با مسلمانان همراهش حرکت می کنند، به هر قلعه‌ای در بلاد روم رسند «لا اله الا الله» می گویند و دیوارهای آن فرومی ریزد. آنگاه در قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> اتراق می کنند و تکبیر می گویند، خلیج آن خشک و دیوار دور شهر خراب می شود. بعد به سمت رومیه<sup>[۵۴]</sup> حرکت می کنند. چون به نزدیکی آنجا رسد و بر آن مشرف گردد، مسلمانان سه مرتبه تکبیر سر می دهند، آنجا تبدیل به مُشتی ماسه می گردد که روی زمین مرتفعی ریخته باشد».<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۶۱۵) مختصر البصائر: کتابی از خطبه‌های مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدم که خط سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس بر آن بود... از ابوروح فرج بن فروة، مسعدة بن صدقة: حضرت جعفر بن محمد صادق علیه السلام خطبه‌ای از مولا یمان امیر مؤمنان علیه السلام به نام خطبه مخزون<sup>[۴۱]</sup> ذکر فرمود که در قسمتی از آن آمده بود:

«... و [لشکر] روم به روستایی که کنار دریا و نزد غار اصحاب کهف

۱. صحیح مسلم ۴: ۲۲۲۱، ح ۲۸۹۷، ح ۳۴. صحیح ابن حبان ۸: ۲۸۶، ح ۶۷۷۴. عقد الدرر: ۱۸۰، ب ۹، ح ۱. القول المختصر: ۱۴، ح ۶۱. ۲. عقد الدرر: ۱۳۹، ب ۶.

است روی آورد، خداوند آن جوانمردان را از غار به سوی ایشان برانگیزد<sup>[۲۰]</sup>. از میان ایشان مردی است به نام تملیخا و دیگری به نام کمسلمینا، و این دو نفر در خدمت قائم علیه السلام حاضر و تسلیم فرمان وی شوند. مهدی یکی از اصحاب کهف را به روم می‌فرستد که او بی‌دلیل و هدف باز می‌گردد. لذا دیگری را می‌فرستد و او پیروز باز می‌گردد. آن روز تأویل این آیه است: «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»<sup>۱</sup>.

(۶۱۶) غيبة النعمانی: ابوسلیمان احمد بن هوزده، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، محمد بن جعفر بن محمد علیه السلام: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «چون سپاهیان مهدی به خلیج رسند چیزی روی پاهایشان می‌نویسند و روی آب راه می‌روند. وقتی رومیان آنها را در آن حال ببینند گویند: اینها اصحاب اویند که روی آب راه می‌روند، خودش چگونه است؟! درهای شهر را برایشان می‌گشایند و آنها داخل شده، تا هر وقت بخواهند در آنجا حکومت می‌کنند»<sup>۲</sup>.

۱. «در آن روز هر که در آسمان و زمین است یا به اختیار خود یا به اجبار، تسلیم اوست». (آل عمران: ۸۳)

۲. مختصر بصائر الدرجات: ۱۹۵ - ۲۰۱. الايقاظ من الهجعة: ۲۸۹، ب ۹، ح ۱۱۱. بحار الانوار ۵۳: ۷۷-۸۶ ب ۲۹، ح ۸۶

۳. الغيبة: ۳۱۹ و ۳۲۰، ب ۲۱، ح ۸ دلائل الامامة: ۲۴۹. اثبات الهداة ۳: ۵۷۳، ب ۳۲، ف ۴۸، ح ۷۱۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۶۵، ب ۲۷، ح ۱۴۴.

## فصل دوم

### فتح قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup>

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۱۷) مصنف ابن ابی شیبہ: هاشم بن قاسم، عبدالرحمن بن ثابت بن ثوبان به نقل از پدرش، مکحول، جبیر بن نفیر، مالک بن یخامر، معاذ بن جبل: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آبادی بیت المقدس خرابی یثرب است، و خرابی یثرب خروج فتنه، و خروج فتنه فتح قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup>، و فتح قسطنطنیه خروج دجال است. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست بر ران یا شانه شخصی که با او سخن می گفت زد و فرمود:

این واقعیت دارد و حق است، همان طور که تو اکنون اینجایی، یا همان طور که تو اکنون اینجا نشسته ای.»

و خطاب آن حضرت به معاذ بود.<sup>۱</sup>

(۶۱۸) فتن ابن حماد: نعیم، بقیه و ابو مغیره، بشیر بن عبدالله بن یسار: عبدالله بن بسر مازنی - صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله - گوش مرا گرفت و گفت:

«ای برادر زاده، ممکن است تو در فتح قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> حاضر باشی؛ اگر چنین شد، مبادا غنیمت و بهره خود را از آنجا بر نداری! فاصله بین فتح قسطنطنیه و خروج دجال هفت سال است.»<sup>۲</sup>

(۶۱۹) فتن ابن حماد: ابو ایوب، أرطاة به نقل از شخصی: کعب ضمن حدیثی درباره مهدی علیه السلام و فتح بلاد روم گفت:

«در حالی که آنها غنائم قسطنطنیه را تقسیم می کنند، از ماجرای دجال

۱. المصنف ۱۵: ۱۳۵، ح ۱۹۳۲۳. مسند احمد ۵: ۲۳۲. سنن ابی داود ۴: ۱۱۰، ح ۴۲۹۴. مشکل الآثار ۱: ۲۱۷. ملاحم ابن المنادی: ۳۳. تاریخ بغداد ۱۰: ۲۲۳. الفردوس ۳: ۵۰، ح ۴۱۲۷.  
۲. الفتن: ۱۳۰ و ۱۴۷. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۴۶۲. عقد الدرر: ۲۲۱، ب ۹، ح ۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۷.



آگاه می‌شوند، بی‌درنگ هر چه در دست دارند می‌اندازند و می‌آیند تا [به سپاه] پیوندند...»<sup>۱</sup>

(۶۲۰) صحیح مسلم: زهیر بن حرب، معلی بن منصور، سلیمان بن بلال، سهیل به نقل از پدرش، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا آنگاه که [نظامیان] روم در اعماق<sup>[۱۰]</sup> یا دابق<sup>[۴۴]</sup> پیاده شوند. سپاهی متشکل از بهترین اهل زمین آن زمان از مدینه برای مقابله با آنها تجهیز می‌گردند. هنگامی که دو سپاه مقابل هم صف می‌کشند، رومیان می‌گویند: از راه ما کنار روید و بگذارید با کسانی که از ما اسیر گرفتند بجنگیم. مسلمانان پاسخ می‌دهند: نه، به خدا قسم نمی‌گذاریم دست شما به برادرانمان برسد. پس با ایشان نبرد می‌کنند؛ یک سوم آنها شکست می‌خورند و می‌گریزند و خداوند هیچ گاه توبه ایشان را نمی‌پذیرد، یک سوم کشته می‌گردند که برترین شهدا نزد خدایند، و یک سوم پیروز می‌شوند و دیگر هیچ گاه مورد فتنه قرار نمی‌گیرند، و قسطنطنیه را فتح می‌نمایند...»<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۶۲۱) غیبة النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هوزده، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، محمد بن جعفر بن محمد علیه السلام: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «مهدی سپاهی به قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> گسیل می‌دارد، چون به خلیج رسند چیزی روی پاهایشان می‌نویسند و روی آب راه می‌روند. وقتی رومیان آنها را در آن حال ببینند گویند: اینها اصحاب اویند که روی آب راه می‌روند، خودش چگونه است؟! درهای شهر را برایشان می‌گشایند و آنها

۱. الفتن: ۱۶۱ و ۱۴۹.

۲. صحیح مسلم ۴: ۲۲۲۱، ح ۲۸۹۷، ح ۳۴. صحیح ابن حبان ۸: ۲۸۶، ح ۶۷۷۴. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۴۸۲. السنن الواردة فی الفتن: ۱۱۴. مصابیح البغوی ۳: ۴۸۰، ح ۴۱۷۹. تذکرة القرطبی ۲: ۷۰۶.

داخل شده، تا هر وقت بخواهند در آنجا حکومت می کنند»<sup>۱</sup>.

(۶۲۲) ارشاد المفید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«چون قائم علیه السلام قیام کند... قسطنطنیه را فتح نماید»<sup>۲</sup>.

(۶۲۳) غيبة الطوسی: فضل بن شاذان، عبدالرحمن بن ابی هاشم، علی بن ابی حمزه،

ابو بصیر:

«... قسطنطنیه، رومیه<sup>[۵۴]</sup> و بلاد چین را خواهد کرد»<sup>۳</sup>.

## فصل سوم

### فتح کره زمین

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۲۴) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«(مهدی) قسطنطنیه، چین و کوه‌های دیلم را فتح خواهد کرد»<sup>۴</sup>.

(۶۲۵) فتن ابن حماد: عبدالله بن مروان، هشام بن عبدالرحمن: یک نفر که خود از

علی علیه السلام شنیده بود گفت: آن حضرت فرمود:

«عرب، عجم، جنگجویان و دیگر اقشار بدون درگیری مطیع مهدی

می شوند، و حتی در قسطنطنیه و دیگر شهرها مسجد بنا می شود، مردی از

اهل بیت او در اهل مشرق قیام می نماید، هشت ماه شمشیر کشیده مخالفان

را می کُشد و گوش و بینی آنها را می بُرد. آنگاه به سمت بیت المقدس

۱. الغيبة: ۳۱۹ و ۳۲۰، ب ۲۱، ح ۸ دلائل الامامة: ۲۴۹. اثبات الهداة ۳: ۵۷۳، ب ۳۲، ف ۴۸، ح ۷۱۲.

بحار الانوار ۵۲: ۳۶۵، ب ۲۷، ح ۱۴۴. ۲. الارشاد: ۳۶۵. بحار الانوار ۵۲: ۳۳۹ و ۵۵: ۹۱.

۳. غيبة الطوسی: ۲۸۳ و ۲۸۴. روضة الواعظین ۲: ۲۶۴. اعلام الوری: ۴۳۲، ب ۴، ف ۳. كشف الغمّة

۳: ۲۵۶. منتخب الأنوار المضيئة: ۱۹۴ و ۱۹۵، ف ۱۲.

۴. عقد الدرر: ۲۲۴، ب ۹، ف ۳، و: ۲۳۸ و ۲۳۹، ب ۱۱.

می‌رود و پیش از رسیدن به آنجا می‌میرد».<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۶۲۶) روضة الواعظین: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی قسطنطنیه، چین و کوه‌های دیلم را فتح می‌کند».<sup>۲</sup>

(۶۲۷) کمال الدین: علی بن احمد بن محمد بن عمران، محمد بن عبدالله کوفی، موسی بن

عمران نخعی به نقل از عمویش حسین بن یزید نوفلی، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش، ابوبصیر: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«... خداوند به دست او مشرق‌ها و مغرب‌ها (همه زمین) را فتح می‌کند... زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد، و در هر مکانی از زمین که غیر خداوند عزوجل را می‌پرستیدند، خداوند عبادت می‌شود، و دین فقط دین خدا باشد اگر چه مشرکان را خوش نیاید».<sup>۳</sup>

(۶۲۸) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابوعلی

نهادندی، ابو عبدالله زعفرانی، ابوطالب، حسن بن محبوب، محمد بن سنان، ابان بن تغلب: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم ما قیام کند، به هر کدام از کشورهای روی زمین، یک نفر می‌فرستد و می‌گوید: برنامه کار تو در کف دست است، [اگر در امر حکومت به مشکلی برخوردی که ندانستی چه کار کنی] به آن چیزی عمل کن که در کف دست می‌بینی».<sup>۴</sup>

(۶۲۹) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، جابر بن یزید: حضرت امام محمد

۱. الفتن: ۸۸ و ۹۶. عقد الدرر: ۱۲۹، ب. ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۰ و ۷۳. برهان المتقی:

۱۰۳، ب. ۴، ف. ۱، ح. ۴، و: ۱۲۴، ب. ۴، ف. ۲، ح. ۳۳. کنز العمال ۱۴: ۵۸۹، ح. ۳۹۶۶۹.

۲. روضة الواعظین ۲: ۲۶۴. اعلام الوری: ۴۳۲، ب. ۴، ف. ۳. كشف الغمة ۳: ۲۵۶.

۳. کمال الدین ۲: ۳۴۵ و ۳۴۶، ب. ۳۳، ح. ۳۱. الايقاظ من الهجعة: ۳۲۶، ب. ۱۰، ح. ۳۹.

۴. دلائل الامامة: ۲۴۹. اثبات الهداة ۳: ۵۷۳، ب. ۳۲، ف. ۴۸، ح. ۷۱۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۶۵، ب. ۲۷،

باقر علیه السلام فرمود:

«قائم در آنجا سه سپاه تشکیل می‌دهد: یکی را به قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> می‌فرستد که خداوند آنجا را برایش فتح می‌فرماید، یکی را به چین، و دیگری را به کوه‌های دیلم، که همه به فتح و پیروزی می‌رسند».<sup>۱</sup>

(۶۳۰) مختصر اثبات الرجعة: صفوان بن یحیی، محمد بن حمران: امام جعفر

صادق علیه السلام فرمود:

«قائم ما با رعب یاری، و با پیروزی پشتیبانی شود، زمین برای او پیچیده [و فاصله‌های طولانی برایش کوتاه] گردد، همه گنج‌ها برای او نمایان شده و خداوند دین خود را توسط او بر همه ادیان غالب می‌فرماید هرچند مشرکان را ناخوش آید. سلطنت او مشرق و مغرب را فراگیرد و تمامی ویرانی‌های زمین آباد شود».<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۸۸، ب ۲۷، ح ۲۰۶. اثبات الهداة ۳: ۵۸۵، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۹۵. بشارة الاسلام: ۲۳۸.

۲. مختصر اثبات الرجعة: ۲۱۶ و ۲۱۷، ح ۱۸ و ۱۱۷. اثبات الهداة ۳: ۵۷۰، ب ۳۲، ف ۴۴، ح ۶۸۶. أربعون الخاتون آبادی: ۱۸۲ و ۱۸۳، ح ۳۰. مستدرک الوسائل ۱۲: ۳۳۵، ب ۳۹، ح ۶، و: ۱۴: ۳۵۴، ب ۲۰، ح ۷. کشف النوری: ۲۲۲.

## باب بیست و چهارم

### احوال و اوصاف سپاه مهدی علیه السلام

این باب شامل چهار فصل است:

#### فصل اول

#### آمادگی و توان سپاه مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۳۱) فتن ابن حماد: ابن لهیعه، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل از پدرش،

حارث همدانی، عبدالله بن مسعود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... خداوند بر کافران غضب می فرماید... و به جبرئیل می گوید: به کمک

بندگانم برو! جبرئیل با یکصد هزار فرشته فرود می آید. پس به میکائیل

می فرماید: به کمک بندگانم برو! میکائیل با دویست هزار فرشته پایین

می آید. آنگاه به اسرافیل می فرماید: به کمک بندگانم برو! اسرافیل هم با

سیصد هزار ملک پایین می آید...»<sup>۱</sup>

(۶۳۲) عقد الدرر: عبدالله بن اسماعیل بصری به نقل از پدرش، الحسن:

«مهدی با چهار هزار نفر که لباسشان سفید و پرچم هایشان سیاه است قیام

کند، و خودش جلودار آنها خواهد بود»<sup>۲</sup>.

۱. الفتن: ۲۶۰.

۲. عقد الدرر: ۱۳۰، ب. ۵. الفتن: ۸۴ عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۸. الفتاوی الحدیثیة: ۳۰.

برهان المتقی: ۱۵۱، ب. ۷، ح. ۱۸.

(۶۳۳) فتن ابن حمّاد: رشدین، ابن لهیعة، عبدالرحمن بن سالم به نقل از پدرش، ابورومان و ابوثابت: علی علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«مردی از اهل بیت با بیست لشکر قیام می کند»  
و مقصودشان قیام در مکه بود.<sup>۱</sup>

(۶۳۴) معجم طبرانی: رشدین، ابن لهیعة، عیاش بن عباس الزرقی، ابن زبیر: علی علیه السلام:  
رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث مهدی و سپاه او فرمود:  
«... در آن موقع مردی از اهل بیت با سه بیرق قیام می کند، کسانی که زیاد  
شمرند؛ گویند تعداد آنها پانزده هزار و کسانی که کم شمرند؛ گویند دوازده  
هزار نفرند...»<sup>۲</sup>

(۶۳۵) العطر الوردی: حذیفه:  
«بین رکن و مقام با مهدی بیعت کنند، و او به قصد شام خارج می شود در  
حالی که جبرئیل پیشاپیش و میکائیل از پشت سر همراهی اش می کنند».<sup>۳</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۶۳۶) کمال الدین: حسین بن احمد بن ادریس به نقل از پدرش، احمد بن محمد بن  
عیسی، حسین بن سعید، ابن ابی عمیر، ابویوب، ابوبصیر: مردی کوفی از امام صادق علیه السلام  
پرسید: چند نفر با قائم خروج می کنند؟ می گویند سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب  
بدر همراه او قیام می کنند! آن حضرت فرمود:  
«قائم خروج نکند، مگر با افراد نیرومند؛ و افراد نیرومند از ده هزار نفر  
کمتر نیستند».<sup>۴</sup>

۱. الفتن: ۸۴ عقد الدرر: ۱۳۳، ب ۵.

۲. المعجم الأوسط: ۱: ۲۰۳، ح ۲۹۳. الفتن: ۹۶. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۵۳.

۳. العطر الوردی: ۶۴. الفتن: ۹۵.

۴. کمال الدین ۲: ۶۵۴، ب ۵۷، ح ۲۰. العدد القویة: ۶۵، ح ۹۲. اثبات الهداة ۳: ۴۹۱، ب ۳۲، ف ۵.

ح ۲۳۴. حلیة الابرار ۲: ۵۸۵، ب ۲۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۲۳، ب ۲۷، ح ۳۳.

(۶۳۷) **هدایة الخصبی**: صباح امری، حارث بن خضر، اصبع بن نباته: همراه امیرالمؤمنین علیه السلام می رفتیم، آن حضرت در بازار می گشت و مردم را امر به رعایت حقوق در پیمانه و وزن می فرمود، همین طور که می گشت و روز به نیمه رسیده بود، به مردی برخورد که نشسته و با دیدن آن حضرت برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان، با من به منزل بیایید تا با هم نهار بخوریم، و برای من به درگاه خداوند دعا کنید، گمان نمی کنم شما امروز صبحانه خورده باشید... تا اینجا که گوید: بیرون رفت و قدم می زد تا اینکه به قصر دارالاماره کوفه رسید، پا به زمین کوبید، زمین لرزید، آنگاه فرمود:

«به خدا سوگند، ای کاش می دانستید اینجا چه مکانی است! به خدا قسم وقتی قائم ما قیام نماید، دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر سفید دو لب از اینجا بیرون آید، که آنها را دوازده هزار نفر از مردم عجم بپوشند، پس [قائم] دستور می دهد هر کس را که بر خلاف عقیده آنهاست به قتل برسانند. من به این واقعه آگاهم و چنان به آن یقین دارم که به امروز یقین دارم.»<sup>۱</sup>

(۶۳۸) **بحار الانوار**: سید علی بن عبدالحمید، ابوبصیر: امام محمد باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

«...و آن سیصد نفر و عده کمی از اهل مکه با وی بیعت می کنند، آنگاه از مکه خارج می شود تا آنکه گویی در حلقه قرار می گیرد.

گفتم: حلقه چیست؟ فرمود:

ده هزار مرد، جبرئیل سمت راست او و میکائیل سمت چپ اوست، آنگاه پرچم آشکار را به اهتزاز در آورده و باز می نماید، این پرچم همان پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله «سحاب» است، و زرهش زره رسول خدا صلی الله علیه و آله «سابغه» است، و شمشیر رسول خدا «ذوالفقار» را می بندد.»<sup>۲</sup>

۱. الهدایة الكبرى: ۳۱.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۷، ب ۲۶، ح ۸۱ اثبات الهداة ۳: ۵۸۲ و ۵۸۳، ب ۲۳، ف ۵۹، ح ۷۷۳.

(۶۳۹) ارشاد: مفضل بن عمر جعفی: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «... در مکه با او بیعت می کنند و او همان جا می ماند تا تعداد ده هزار نفر یارانش کامل شود و از آنجا به مدینه رهسپار گردد».<sup>۱</sup>

(۶۴۰) تفسیر عیاشی: ضریس بن عبدالملک: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «پنج هزار فرشته ای که روز جنگ بدر به یاری حضرت محمد صلی الله علیه و آله آمدند هنوز به آسمان بالا نرفته اند، و بالا نروند تا آنگاه که صاحب امر را یاری رسانند».<sup>۲</sup>

## فصل دوم

### افسران و افراد سپاه مهدی

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۴۱) سنن دانی: ابن عقیان، احمد، سعید، نصر، علی بن معبد، خالد بن سلام شامی، عبدالکریم، محمد بن الحنفیة:

«... بیرق دیگری بیرون آید، که [افراد دنبال آن] لباسشان سفید و جلودارشان مردی از بنی تمیم است، و او مقدمات حکومت مهدی را فراهم می نماید...».<sup>۳</sup>

(۶۴۲) سنن ابی داود: هارون، عمرو بن ابی قیس، مطرف بن طریف، ابوالحسن، هلال

۱. الارشاد: ۳۶۳ و ۳۶۴. روضة الواعظین ۲: ۲۶۵. إعلام الوری: ۴۳۱، ب ۴، ف ۳. كشف القمّة ۳: ۲۵۴. الصراط المستقیم ۲: ۲۵۳، ب ۱۱، ف ۹. اثبات الهداة ۳: ۵۲۷، ب ۳۲، ف ۲۲، ح ۴۳۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۳۷، ب ۲۷، ح ۷۸.  
 ۲. تفسیر العیاشی ۱: ۱۹۷، ح ۱۳۸. اثبات الهداة ۳: ۵۴۹، ب ۳۲، ف ۲۸، ح ۵۵۳. البرهان ۱: ۳۱۳، ح ۵. بحار الانوار ۱۹: ۲۸۴، ب ۱۰، ح ۲۶. تفسیر نور الثقلین ۱: ۳۸۸، ح ۳۴۶.  
 ۳. السنن الواردة في الفتن: ۹۹. عقد الدرر: ۱۲۶، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۸. الفتاوی الحدیثیة: ۳۱. القول المختصر: ۶۹، ب ۱، ح ۱۸، و: ۲۰، ب ۳، ح ۴. برهان المتقی: ۱۵۱، ب ۷، ح ۱۷.



بن عمرو: از علی علیه السلام شنیدم که می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی به نام حارث بن حَرَاث از آن سوی نهر قیام می کند، فرمانده مقدمه لشکرش شخصی به نام منصور است، همان طور که قریش زمینه را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فراهم کردند، او زمینه را برای آل محمد علیهم السلام آماده می سازد»<sup>۱</sup>.

(۶۴۳) فتن ابن حَمَّاد: ولید بن مسلم، ابو عبدالله، عبدالکریم ابوامیه، محمد بن الحنفیة: «... از خراسان بیرق سیاه دیگری بیرون می آید که کلاه [صاحبان] آن سیاه و لباسشان سفید است. فرمانده خطّ مقدم آنها مردی از [بنی] تمیم به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب است. آنها اصحاب سفیانی را شکست می دهند...»<sup>۲</sup>.

(۶۴۴) فتن ابن حَمَّاد: عبدالله بن اسماعیل بصری به نقل از پدرش، الحسن: «مردی کوسه و گندم گون و میانه قامت به نام شعیب بن صالح که مولای <sup>[۱۱۰۵]</sup> بنی تمیم است... از شهر ری قیام می کند»<sup>۳</sup>.

(۶۴۵) فتن ابن حَمَّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعة، کعب بن علقمه، سفیان الکعبی: «نوجوانی با محاسن کم و زردرنگ زیر لوای مهدی علیه السلام قیام می کند»<sup>۴</sup>.

(۶۴۶) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام: «سپاهیان از مقابل او می آیند، وزیرانش همدانی، سپاهیانش خولانی، یاورانش حمیری، و سرگردانش مَضْرَی هستند و خداوند جمعیت او را با

۱. سنن ابی داود ۴: ۱۰۸، ح ۴۲۹۰. ملاحم ابن المنادی: ۴۲. مصابیح البغوی ۳: ۴۹۴، ب ۳.

ح ۴۲۱۶. جامع الاصول ۱۲: ۶۶، ب ۵، ف ۱، ح ۸۸۵۱ عقد الدرر: ۱۳۰، ب ۵.

۲. الفتن: ۸۴ السنن الواردة في الفتن: ۹۹. عقد الدرر: ۱۲۶، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲:

۶۷ و ۶۸. الفتاوی الحدیثیة: ۳۱.

۳. الفتن: ۸۴ عقد الدرر: ۱۳۰، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۸. الفتاوی الحدیثیة: ۳۰.

برهان المتقی: ۱۵۱، ب ۷، ح ۱۸.

۴. الفتن: ۸۵ عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۸. القول المختصر: ۲۲، ب ۳، ح ۱۵. برهان المتقی:

۱۵۱، ب ۷، ح ۲۱. فرائد فوائد الفکر: ۱۸، ب ۵.

تمیم زیاد، و با قیس پشتش را محکم می‌نماید، عقیل در مقدمه، و حارث دنباله لشکر (پیاده نظام) اویند، اما ثقیف و عدا ف با او مخالفت می‌کنند. سپاهیان روانه می‌گردند تا به نرمی و آرامش به «وادی القری» می‌رسند، که در آنجا پسر عمویش [سید] حسنی با دوازده هزار جنگجو به او می‌پیوندند.<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۶۴۷) الزام الناصب: محمد بن احمد الأنباري، محمد بن احمد الجرجاني قاضي الري، طوق بن مالك به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... با لشکریان حرکت می‌کند تا به عراق می‌رسد، و مردم اطراف او هستند، فرمانده خط مقدم سپاهش شخصی به نام عقیل، و سردار نیروهای پشتیبانی شخصی به نام حارث است، بعد مردی از اولاد حسن علیه السلام با دوازده هزار نفر به آن حضرت ملحق می‌شود و می‌گوید: پسر عمو، من به این امر سزاوارترم، زیرا من از نوادگان حسن علیه السلام هستم و او از حسین علیه السلام بزرگتر بود. مهدی می‌گوید: من مهدی هستم. او جواب می‌دهد: نشانه یا معجزه‌ای داری؟ آن حضرت با نگاه به پرنده اشاره می‌کند، همان‌جا داخل دستش می‌افتد و به قدرت خدای تعالی زبانش باز می‌شود و به امامت آن حضرت شهادت می‌دهد، آنگاه عصایی را در زمین مرتفع و بی‌آبی می‌کارد که بی‌درنگ سبز می‌شود و برگ می‌دهد، و نیز تکه سنگی از روی زمین برداشته با دست مالش می‌دهد و مثل شمع خمیر می‌کند. حسنی می‌گوید: امر از آن شماست. و با لشکریانش تسلیم آن حضرت می‌شوند...»<sup>۲</sup>

(۶۴۸) غیبة الطوسی: حدلم بن بشیر: به علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام گفتم:

۱. عقد الدرر: ۹۰-۹۹، ب ۴۷، ف ۲، و: ۱۳۷-۱۳۹، ب ۶. برهان المتقی: ۷۶ و ۷۷، ب ۱، ح ۱۴ و ۱۵.

فرائد فوائد الفکر: ۱۰، ب ۴. العطر الوردی: ۵۱.

۲. الزام الناصب ۲: ۲۲۰.

خروج مهدی علیه السلام و دلایل و نشانه‌های آن را برایم توصیف کنید. فرمود:

«قبل از قیام او، مردی به نام «عوف سلمی» در سرزمین جزیره قیام می‌کند، محل استقرار او «تکریت» است و در مسجد دمشق کشته می‌شود. آنگاه شعیب بن صالح از سمرقند خروج می‌کند...»<sup>۱</sup>

(۶۴۹) الايقاظ من الهجعة: امام علی علیه السلام فرمود:

«جابر، هرگاه... لشکرهای خراسان حرکت کنند و شعیب بن صالح تمیمی از میان طالقان بخروشد و در خوزستان با سعید سوسی بیعت کنند... آماده ظهور کسی باشید که بر کوه طور از داخل درخت با موسی علیه السلام سخن گفت، او ظاهر می‌شود و پرده از او کنار می‌رود»<sup>۲</sup>.

(۶۵۰) مختصر اثبات الرجعة: محمد بن ابی عمیر، سیف بن عمیرة، بکر بن محمد

آزدی: امام صادق علیه السلام فرمود:

«خروج سه نفر، یعنی خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز خواهد بود، که پرچم هیچ کدام از آنها به اندازه پرچم یمانی به هدایت نزدیک نیست، زیرا او هدایتگر به سوی حق است»<sup>۳</sup>.

(۶۵۱) غيبة النعمانی: ابوسلیمان احمد بن هوزة باهلی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق

نہاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، أبان بن عثمان: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع بود که علی علیه السلام آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند آن حضرت در بقیع است. علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین! و او را در سمت راست خود نشانند. پس از او جعفر بن ابی طالب آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند آن حضرت در بقیع است. جعفر نزد آن

۱. غيبة الطوسی: ۲۷۰. الخرائج ۳: ۱۱۵۵، ب ۲۰، ح ۶۱. منتخب الأنوار المضية: ۶۱، ف ۳، ح ۵۲.

بحار الأنوار ۵۲: ۲۱۳، ب ۲۵، ح ۶۵. بشارة الاسلام: ۸۳، ب ۵.

۲. الايقاظ من الهجعة: ۳۷۵، ب ۱۰، ح ۱۴۰.

۳. مختصر اثبات الرجعة: ۱۷. الارشاد: ۳۶۰. غيبة الطوسی: ۲۷۱. اعلام الوری: ۴۲۹، ب ۴، ف ۱.

الخرائج ۳: ۱۱۶۳، ب ۲۰، ح ۶۳. كشف الغمّة ۳: ۲۵۰. الصراط المستقیم ۲: ۲۵۰، ب ۱۱، ف ۸.

حضرت آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در سمت چپ خود نشانید. آنگاه عباس آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند پیامبر در بقیع است. عباس نزد آن حضرت آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مقابل خود نشانید. رو به علی علیه السلام کرد و گفت: ... بعد رو به جعفر کرد و فرمود: می خواهی تو را مژده و خبری دهم؟ عرض کرد: بله، ای رسول خدا. فرمود:

«اندکی پیش جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد: کسی که آن [پرچم] را به قائم می سپارد از نسل تو است...»<sup>۱</sup>

## فصل سوم

### بیرق‌ها و علم‌ها در سپاه مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۵۲) فتن ابن حمّاد: ابن لهیعة، اسرائیل بن عباد: حضرت محمد بن علی علیه السلام در حدیث از مهدی علیه السلام و اوصاف سپاهش فرمود:

«در آن موقع مردی از اهل یتیم با سه بیرق قیام می کند»<sup>۲</sup>.

(۶۵۳) فتن ابن حمّاد: محمد بن فضیل و عبدالله بن ادریس و جریر، یزید بن ابی زیاد، ابراهیم، علقمه، عبدالله: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که چند تن از جوانان بنی هاشم آمدند. رنگ آن حضرت تغییر کرد. گفتیم: ای رسول خدا، در چهره شما چیزی می بینیم که طاقت دیدن آن را نداریم! فرمود:

«... اصحاب پرچم‌های سیاه... آن را به مردی از اهل یتیم بسپارند»<sup>۳</sup>.

۱. الغیبة: ۲۴۷، ب ۱۴، ح ۱ و ۲. بحار الانوار ۵۱: ۷۶، ب ۱، ح ۳۴. منتخب الاثر: ۲۰۰، ف ۲، ب ۸، ح ۵.

۲. الفتن: ۹۶ و ۹۷.

۳. الفتن: ۸۴. میزان الاعتدال ۴: ۴۲۳، شماره ۹۶۹۵. المنار المنیف: ۱۴۹، ف ۵۰، ح ۳۴۱. فتن ابن

کثیر ۱: ۴۱. مقدّمه ابن خلدون: ۲۵۱، ف ۵۳. الفصول المهمة: ۲۹۴، ف ۱۲. الدر المنثور ۶: ۵۸.

الخصائص الكبرى ۲: ۱۱۹. برهان المتقی: ۹۰، ف ۲، ح ۶. کنز العمال ۱۴: ۲۶۷، ح ۳۸۶۷۷. ینایع

المودة: ۱۳۵، ب ۴۵ و ۱۹۳، ب ۵۶. الاذاعة: ۱۳۱. العطر الوردی: ۵۳. عقد الدرر: ۱۳۰، ب ۵.

(۶۵۴) فتن ابن حمّاد: محمد بن عبدالله ابو عبدالله التیهرتی، عبدالرحمن بن زیاد بن أنعم، مسلم بن یسار، سعید بن مسیب، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بیرق‌های کوچک سیاهی از طرف مشرق بیرون می‌آیند و با مردی از فرزندان ابوسفیان و یارانش می‌جنگند و مطیع مهدی علیه السلام می‌شوند».<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۶۵۵) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، ابوبصیر: امام محمد باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

«... از مکه خارج می‌شود تا آنکه گویی در حلقه قرار می‌گیرد.

گفتم: حلقه چیست؟ فرمود:

ده هزار مرد، جبرئیل سمت راست او و میکائیل سمت چپ اوست، آنگاه پرچم آشکار را به اهتزاز در آورده و باز می‌نماید، این پرچم همان پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله «سحاب» است».<sup>۲</sup>

(۶۵۶) دلائل الامامة: ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبری، ابو عبدالله محمد بن زید بن علی الخفري، محمد بن حسین بن حفص، اسماعیل بن اسحاق بن راشد، یحیی بن سالم، مطر بن خلیفه و صباح بن یحیی المزنی و مندل بن علی، یزید بن ابی‌زیاد، ابراهیم نخعی، علقمه، عبدالله بن مسعود: روزی در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که عده‌ای از جوانان بنی‌هاشم آمدند. با دیدن آنها دیدگان آن حضرت پر از اشک شد و رنگ مبارکش تغییر کرد. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا، چیز ناراحت‌کننده‌ای دیدید؟ فرمود:

«... اصحاب پرچم‌های سیاه... آن را به مردی از اهل بیتم بسپارند».<sup>۳</sup>

(۶۵۷) غیبة النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی، محمد بن موسی، احمد بن

۱. الفتن: ۹۱. ملاحم ابن المنادی: ۴۴. سنن الدانی: ۷۳. عقد الدرر: ۵۱، ب ۴، ف ۱.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۰۷، ب ۲۶، ح ۸۱ اثبات الهداة ۳: ۵۸۲ و ۵۸۳، ب ۲۳، ف ۵۹، ح ۷۷۳.

۳. دلائل الامامة: ۲۳۳ و ۲۳۵. العدد القویة: ۹۰، ح ۱۵۶ و ۹۱، ح ۱۵۷. بحار الانوار ۵۱: ۸۲، ب ۱،

ح ۳۷. منتخب الاثر: ۱۷۰، ف ۲، ب ۱، ح ۸۶ و ۸۷.

ابی احمد معروف به ابو جعفر و راق، اسماعیل بن عیاش، مهاجر بن حکیم، مغیره بن سعید: امام محمد باقر علیه السلام: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

«... پرچمهای زرد از مغرب می آید تا آنکه به شام می رسد... آنگاه که چنین شود منتظر خروج مهدی علیه السلام باشید».<sup>۱</sup>

(۶۵۸) ارشاد: فضل بن شاذان، معمر بن خلاد: حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:  
«گویا پرچمهای سبز رنگ را می بینم که از مصر می آیند تا به شامات روند و به فرزند صاحب وصیتها سپرده شوند».<sup>۲</sup>

(۶۵۹) مختصر اثبات الرجعة: محمد بن ابی عمیر، سیف بن عمیره، بکر بن محمد آزدی: امام صادق علیه السلام فرمودند:

«(در عصر ظهور) هیچ کدام از پرچمها به اندازه پرچم یمانی به هدایت نزدیک نیست، زیرا او هدایتگر به سوی حق است».<sup>۳</sup>

۱. الغیبة: ۳۰۵ و ۳۰۶، ب ۱۸، ح ۱۶. البدء والتاریخ ۲: ۱۷۷. غیبة الطوسی: ۲۷۷. الخرائج ۳: ۱۱۵۱، ب ۲۰، ح ۵۸ و ۷۶، ح ۱۲۷. منتخب الأنوار المضية: ۲۹، ف ۳. اثبات الهداة ۳: ۷۳۰، ب ۳۴، ف ۶، ح ۶۹. بحار الانوار ۵۲: ۲۱۶، ب ۲۵، ح ۷۳ و ۲۵۳، ب ۲۵، ح ۱۴۴.  
۲. الارشاد: ۳۶۰. كشف الغمة ۳: ۲۵۱. الصراط المستقیم ۲: ۲۵۰، ب ۱۱، ف ۸.  
۳. مختصر اثبات الرجعة: ۱۷. الارشاد: ۳۶۰. اعلام الوری: ۴۲۹، ب ۴، ف ۱. الخرائج ۳: ۱۱۶۳، ب ۲۰، ح ۶۳. كشف الغمة ۳: ۲۵۰. الصراط المستقیم ۲: ۲۵۰، ب ۱۱، ف ۸. اثبات الهداة ۳: ۷۲۸، ب ۳۴، ف ۶، ح ۵۷ و ۷۳۳، ب ۳۴، ف ۸، ح ۸۴.

## فصل چهارم

### ویژگی‌های هنگ و نفرهای سپاه مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۶۰) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف هنگهای سپاه مهدی علیه السلام فرمود:  
«گویی شیرانی هستند که از بیشه بیرون آمده باشند، دلهاشان چون پاره‌های آهن، اگر بخواهند کوه‌ها را از جا برکنند می‌توانند، یک شکل و یک لباس، و گویی همه از یک پدر هستند»<sup>۱</sup>.

(۶۶۱) فتن سلیلی: حسن بن علی مالکی، ابوالنصر علی بن حمید رافعی، محمد بن هشیم بصری، سلیمان بن عثمان نخعی، سعید بن طارق، سلمة بن انس، اصبع بن نباته: امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای از مهدی و قیام همراهانش سخن به میان آورد و نام‌های آنها را ذکر فرمود. ابوخالد حلبی به آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! خصوصیات او را برای ما بگویید. علی علیه السلام فرمود:

«گویی به آنها می‌نگرم که یک شکل و هم قد و در زیبایی مثل هم و یک لباس هستند، مثل اینکه به دنبال گمشده‌ای می‌گردند اما در کارشان متحیر مانده‌اند، تا اینکه [مهدی] از زیر پرده کعبه بیرون می‌آید... به او می‌گویند: تو مهدی هستی؟»<sup>۲</sup>.

(۶۶۲) حلیة الأولیاء: محمد بن احمد الجرجانی، عمران بن موسی السختیانی، عثمان بن ابی شیبہ، مالک بن اسماعیل، مسعود بن سعد جعفی، جابر: ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:  
«... چون قائم ما قیام کند و مهدی ما ظاهر گردد هر کدام از آنها از شیر باجرات تر و از نیزه برنده تر خواهند شد»<sup>۳</sup>.

۱. عقد الدرر: ۹۰، ب ۴، ف ۲، و: ۱۳۷ و ۱۳۸، ب ۶، و: ۱۳۹، ب ۶. برهان المتقی: ۷۶ و ۷۷، ب ۱، ح

۱۴ و ۱۵. فرائد فوائد الفکر: ۱۰، ب ۴. العطر الوردی: ۵۱.

۲. الفتن: ۱۴۵، ب ۷۹. منتخب الاثر: ۱۸۳، ف ۲، ب ۳، ح ۵.

۳. حلیة الاولیاء ۳: ۱۸۴. ینابیع المودة: ۴۴۸، ب ۷۸، و: ۴۸۹، ب ۹۴.

(۶۶۳) فتن ابن حمّاد: سعید بن عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«(اصحاب مهدی) عابدان شب و شیران روزند».<sup>۱</sup>

(۶۶۴) صحیح مسلم: زهیر بن حرب، معّلی بن منصور، سلیمان بن بلال، سهیل به نقل

از پدرش، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... سپاهی متشکل از بهترین اهل زمین آن روزگار، از مدینه برای مقابله

با آنها بیرون می آیند...».<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۶۶۵) اختصاص مفید: ابوالحسن محمد بن معقل، محمد بن عاصم، علی بن حسین،

محمد بن مرزوق، عامر سراج، سفیان ثوری، قیس بن مسلم، طارق بن شهاب، حذیفه: از رسول

خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«هنگام قیام قائم، نجباء از مصر، ابدال از شام، و طایفه‌هایی از عراق

[برای بیعت با او] خارج می‌شوند که عابدان شب و شیران روزند و

دلهاشان چون پاره‌های آهن است».<sup>۳</sup>

(۶۶۶) غیبة الطوسی: فضل بن شاذان، احمد بن عمر بن مسلم، حسن بن عقبه النهمی،

ابواسحاق بناء، جابر جعفی: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«بین آنها (سپاه مهدی) نجباء از مصر، ابدال از شام و اخیار از اهل عراق

هستند».<sup>۴</sup>

(۶۶۷) غیبة النعمانی: احمد بن هوزه ابوسلیمان، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن

۱. الفتن: ۹۵. عقد الدرر: ۱۴۵، ب. ۷. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۱. برهان المتقی: ۱۴۱،

ب. ۶، ح. ۳. ۲. صحیح مسلم ۴: ۲۲۲۱، ح. ۲۸۹۷، ح. ۳۴.

۳. الاختصاص: ۲۰۸. مجمع البیان ۴: ۳۹۸. اثبات الهداة ۳: ۵۵۷، ب. ۳۲، ف. ۳۳، ح. ۶۰۷ و: ۶۲۱،

ب. ۳۲، ف. ۲۲، ح. ۱۹۸. بحار الانوار ۵۲: ۱۸۶، ب. ۲۵، و: ۳۰۴، ب. ۲۶، ح. ۷۳. تفسیر نور الثقلین ۴: ۳۴۳،

ح. ۹۷. کشف النوری: ۱۸۵.

۴. غیبة الطوسی: ۲۸۴. تاج الموالید: ۱۵۱. اثبات الهداة ۳: ۵۱۷ و ۵۱۸، ب. ۳۲۷، ف. ۱۱، ح. ۳۷۸. بحار

الانوار ۵۲: ۳۳۴، ب. ۲۷، ح. ۶۴. منتخب الاثر: ۴۶۸، ف. ۶، ب. ۱۱، ح. ۲. آمالی المفید: ۳۰ و ۳۱، ح. ۴.



حماد انصاری، ابو جارود: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«یاران قائم سیصد و سیزده نفر و از غیر عرب هستند...»<sup>۱</sup>

(۶۶۸) کمال الدین: علی بن احمد بن موسی، محمد بن ابی عبدالله کوفی، محمد بن اسماعیل برمکی، اسماعیل بن مالک، محمد بن سنان، ابو جارود زیاد بن المنذر، حضرت ابو جعفر محمد باقر علیه السلام از پدران گرامی اش علیه السلام روایت کرد: امیر مؤمنان علیه السلام بر منبر بود و از یاران مهدی علیه السلام می گفت:

«... دل هر مؤمنی (که تحت نظر مهدی علیه السلام باشد) از پاره های آهن استوارتر گردد، و خداوند توانایی چهل مرد به وی دهد...»<sup>۲</sup>

(۶۶۹) اختصاص مفید: امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی، یاران مهدی علیه السلام را چنین وصف فرمود:

«... به هر مردی [که در رکاب قائم علیه السلام باشد] نیروی چهل مرد داده شود»<sup>۳</sup>

(۶۷۰) اختصاص مفید: جابر: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«... وقتی امر ما محقق گردد و مهدی ما قیام کند، هر کدام از آنها از شیر با جرأت تر و از نیزه برنده تر شود، دشمن ما را زیر پای خود لگد می کند و با دستانش او را می کشد»<sup>۴</sup>

۱. الغیبة: ۳۱۵، ب ۲۰، ح ۸ اثبات الهداة ۳: ۵۴۷، ب ۳۲، ف ۲۷، ح ۵۴۰. بحار الانوار ۵۲: ۳۶۹ و ۳۷۰، ب ۲۷، ح ۱۵۷.

۲. کمال الدین ۲: ۶۵۳، ب ۵۷، ح ۱۷. إعلام الوری: ۴۳۴، ب ۴، ف ۴. الخرائج ۳: ۱۱۴۹ و ۱۱۵۰، ح ۵۸. اثبات الهداة ۳: ۴۹۰ و ۴۹۱، ب ۳۲، ف ۵، ح ۲۳۰. حلیة الابرار ۲: ۵۸۲، ب ۲۰. بحار الانوار ۵۱: ۳۵، ب ۴، ح ۴. منتخب الاثر: ۱۸۶، ف ۲، ب ۴، ح ۲.

۳. الاختصاص: ۸ اثبات الهداة ۳: ۵۵۶، ب ۳۲، ف ۳۳، ح ۶۰۳.

۴. الاختصاص: ۲۶. اثبات الهداة ۳: ۵۵۷، ب ۳۲، ف ۳۳، ح ۶۰۶ و ۶۱۴، ب ۳۲، ف ۵، ح ۱۵۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۷۲، ب ۲۷، ح ۱۶۴ و ۵۲: ۳۱۸، ب ۲۷، ح ۱۷ و ۱۸۹ و ۱۹۰، ب ۲۶، ح ۲۲. بصائر الدرجات: ۲۴، ب ۱۱، ح ۱۷.

(۶۷۱) اثبات الهداة: سعید ابو عثمان، جابر: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«یاران مهدی عابدان شب و شیران روزند».<sup>۱</sup>

(۶۷۲) غيبة النعمانی: علی بن حسین، محمد بن یحیی عطار، محمد بن حسان رازی،

محمد بن علی صیرفی، عبدالرحمن بن ابی هاشم، عمرو بن ابی مقدم، عمران بن ظبیان،

ابویحیی حکیم بن سعد: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«یاران قائم جوان هستند و پیر میانشان نیست، مگر به مقدار سُرمه در

چشم یا نمک در توشه، و کمترین توشه نمک است».<sup>۲</sup>

---

۱. اثبات الهداة ۳: ۶۱۴، ب ۳۲، ف ۱۵، ح ۱۵۱.

۲. الغيبة: ۳۱۵، ب ۲۰، ح ۱۰. غيبة الطوسی: ۲۸۴. ملاحم ابن طاووس: ۱۴۴، ب ۷۷. اثبات الهداة ۳:

۵۱۷، ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۳۷۷. بحار الانوار ۵۲: ۳۳۳، ب ۲۷، ح ۶۳. منتخب الاثر: ۴۸۴، ف ۸، ب ۱، ح ۳.

## باب بیست و پنجم

### استقرار یک شبه حکومت مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۷۳) مصنف ابن ابی شیبہ: فضل بن دکین و ابوداود، یاسین عجللی، ابراهیم بن محمد بن الحنفیة به نقل از پدرش روایت کرد: علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را یک شبه درست می کند».<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۶۷۴) کمال الدین: ابو عباس محمد بن ابراهیم بن اسحاق مکتب، حسین بن ابراهیم بن عبدالله بن منصور، محمد بن هارون هاشمی، احمد بن عیسی، ابوالحسین احمد بن سلیمان رهاوی، معاویة بن هشام، ابراهیم بن محمد بن الحنفیة به نقل از پدرش محمد و او از پدرش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را یک شبه درست می کند».<sup>۲</sup>

۱. المصنف ۱۵: ۱۹۷، ح ۱۹۴۹۰ و ۱۹۴۹۱. الفتن: ۱۰۰ و ۱۰۳. مسند احمد ۱: ۸۴ تاریخ البخاری ۱: ۳۱۷، ح ۹۹۴. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۶۷، ب ۳۴، ح ۲۰۸۵. مسند ابی یعلی ۱: ۳۵۹، ح ۴۶۵. حلیة الاولیاء ۳: ۱۷۷. بیان الشافعی: ۴۷۸، ب ۲.

۲. کمال الدین ۱: ۱۵۲، ب ۶، ح ۱۵. دلائل الامامة: ۲۴۷. العمدة ۴۳۹، ح ۹۲۴. ملاحم ابن طاووس: ۷۱، ب ۱۵۵، و: ۱۶۳، ب ۱۹. الطرائف: ۱۷۸، ح ۲۸۴. كشف الغمة ۳: ۲۶۷. اثبات الهداة ۳: ۴۵۹، ب ۳۲، ف ۵، ح ۱۰۰، و: ۵۹۸، ب ۳۲، ف ۲، ح ۵۶، و: ۶۲۱، ب ۳۲، ف ۲۲، ح ۱۹۴.

## باب بیست و ششم دولت امام مهدی علیه السلام

این باب شامل سیزده فصل است:

### فصل اول مدت حکومت

□ روایات اهل سنت:

(۶۷۵) مصنف عبدالرزاق: معمر، ابوهارون، معاویة بن قره، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... مهدی هفت، هشت یا نه سال بین آنها خواهد بود»<sup>۱</sup>.

(۶۷۶) مسند احمد: ابوالنضر، ابومعاویه شیبان، مطر بن طهمان، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت پیا نشود تا آنگاه که مردی از اهل یتیم به حکومت رسد... مدت حکومت او هفت سال خواهد بود»<sup>۲</sup>.

(۶۷۷) مسند احمد: عبدالصمد، حماد بن سلمه، مطرف مَعْلَى، ابوالصدیق، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمین پر از ظلم و تجاوز شود، آنگاه مردی از عترت من قیام، و هفت یا نه [۱۱۲] سال حکومت می کند»<sup>۳</sup>.

۱. المصنف ۱۱: ۳۷۱، ۲۰۷۷۰. فتن ابن حماد: ۹۹. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۴۶۵. تذکرة القرطبی ۲:

۷۰۰. عقد الدرر: ۷۷، ب، ۱، و: ۴۳، ب، ۴، ف، ۱، و: ۱۴۱، ب، ۷، و: ۲۳۷، ۱۱. تذکرة الحفاظ ۳: ۸۳۸

۲. مسند احمد ۳: ۱۷. مسند أبی یعلیٰ ۲: ۳۶۷، ح ۱۱۲۸. صحیح ابن حبان ۸: ۲۹۱، ح ۶۷۸۷. ذکر

أخبار اصبهان ۱: ۸۴

۳. مسند احمد ۳: ۲۸ و ۷۰. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۵۸. السنن الواردة فی الفتن: ۹۳.

(۶۷۸) فردوس الأخبار: حذیفه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است... بیست سال حکومت می کند».<sup>۱</sup>

(۶۷۹) فتن ابن حنّاد: عبدالله بن مروان، هشتم بن عبدالرحمن به نقل از شخصی:

علی علیه السلام فرمود:

«مهدی سی یا چهل سال متولی حکومت مردم می شود».<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۶۸۰) دلائل الامامة: ابوالحسن محمد بن هارون بن موسی، ابوعلی حسین بن محمد

نهایندی، جریر، معد و راق، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیت بر اتم قیام خواهد کرد که پیشانی اش فراخ و نورانی و بینش باریک و قلمی با برآمدگی اندکی در وسط آن است. او همان طور که ستم در زمین فراگیر شود، عدالت را [به جای آن] برقرار سازد، و مدت حکومتش هفت سال خواهد بود».<sup>۳</sup>

(۶۸۱) دلائل الامامة: ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد طبری، ابوالحسن

محمد بن مظفر حافظ، عبدالرحمن بن اسماعیل، علی بن ابراهیم صوری، داود، سفیان، منصور،

ربیع بن خراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است... بیست سال حکومت می کند».<sup>۴</sup>

(۶۸۲) احتجاج طبرسی: زید بن وهب جهنی: هنگامی که حضرت امام حسن بن

علی علیه السلام در مدائن زخمی شدند، به خدمتشان رفتم، آن حضرت درد می کشید. گفتم: ای

فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم متحیرند، نظرتان چیست؟ فرمود:

«... تا آنگاه که خداوند در آخر الزمان مردی را برانگیزد<sup>[۲۰]</sup>... که چهل

۱. فردوس الاخبار ۴: ۴۹۶، ح ۶۹۴۰. بیان الشافعی: ۵۰۱، ب ۸ و ۵۱۳، ب ۱۷. ذخائر العقبی: ۱۳۶.

عقد الدرر: ۱۸، ب ۱، و ۳۴، ب ۳، و ۲۳۹، ب ۱۱. الصواعق المحرقة: ۱۶۴، ب ۱۱، ف ۱.

۲. الفتن: ۱۰۴. بیان الشافعی: ۴۹۵، ب ۶. عقد الدرر: ۲۴۰، ب ۱۱. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۹.

۳. دلائل الامامة: ۲۵۱ و ۲۵۸. ۴. دلائل الامامة: ۲۳۳.

سال در همه عالم حکومت کند. خوشا به حال کسی که دوران او را درک کند و سخنش را بشنود»<sup>۱</sup>.

(۶۸۳) بحار الانوار: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«قائم سیصد و نه سال حکومت می کند، یعنی به مقداری که اصحاب کهف در غار ماندند...»<sup>۲</sup>.

(۶۸۴) اِعلام الوری: ابو عبدالله محمد بن رهبان، ابوبشر احمد بن ابراهیم بن احمد عمی،

محمد بن زکریا بن دینار الغلابی، سلیمان بن اسحاق بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس به نقل از پدرش: روزی نزد هارون الرشید بودم که از مهدی یاد کرد و در مورد عدالت او بسیار سخن گفت. بعد گفت: به گمانم شما می پندارید مهدی پدر من است! پدرم از پدرش و او از جدش و او از ابن عباس و او از پدرش عباس بن عبدالمطلب برایم روایت کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی که از فرزندان من است قیام می کند... و تا هر وقت خدا بخواهد در زمین می ماند...»<sup>۳</sup>.

## فصل دوم

### حکومت جهانی

#### □ روایات اهل سنت:

(۶۸۵) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup>، چین و کوه های دیلم را فتح می کند»<sup>۴</sup>.

(۶۸۶) فتن ابن حماد: عبدالله بن مروان، هشم بن عبدالرحمن: شخصی که خود از

۱. الاحتجاج ۲: ۲۹۰. اثبات الهداة ۳: ۵۲۴، ب ۳۲، ف ۲۰، ح ۴۱۴. بحار الانوار ۴۴: ۲۰، ب ۱۸، ح ۴.  
۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۹۰، ب ۲۷، ح ۲۱۲. اثبات الهداة ۳: ۵۸۴، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۸۷.  
۳. اِعلام الوری: ۳۶۶، ف ۱. مناقب ابن شهر آشوب ۱: ۲۹۲. كشف الغمّة ۳: ۲۹۵. العدد القویة: ۸۹، ح ۱۵۴. اثبات الهداة ۳: ۵۹۱، ب ۳۲، ف ۱، ح ۵. غایة المرام: ۱۹۴، ب ۲۴، ح ۳۸ و ۱۹۵، ب ۲۴، ح ۴۴ و: ۶۹۴، ب ۱۴۱، ح ۲۱ و: ۴۰۷، ب ۱۴۱، ح ۱۶۴. حلیة الایرار ۲: ۷۲۰، ب ۵۴، ح ۱۲۷.  
۴. عقد الدرر: ۲۲۴، ب ۹، ف ۳ و: ۲۳۸، ب ۱۱.

علی علیه السلام شنیده بود برایم روایت کرد که ایشان فرمود:

«عرب، عجم، جنگاوران، رومیان و دیگر اقشار بدون درگیری مطیع او (مهدی) می‌گردند، و حتی در قسطنطنیه و دیگر شهرها مسجد بنا می‌شود».<sup>۱</sup>

(۶۸۷) فتن ابن حماد: *الحکم بن نافع به نقل از شخصی، کعب:*

«پادشاهی که در بیت المقدس است لشکری به سوی هند می‌فرستد و هند را فتح می‌کند، گنج‌های آنجا را تصرف نموده زینت بیت المقدس قرار می‌دهد. آن سپاه پادشاهان هند را در غل و زنجیر نزد او می‌آورند، و مشرق و مغرب (همه دنیا) برای او فتح می‌گردد، و تا موقعی که دجال خروج کند آن سپاه در هند می‌ماند».<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۶۸۸) احتجاج طبرسی: زید بن وهب جهنی: هنگامی که حضرت امام حسن بن علی علیه السلام در مدائن زخمی شدند، به خدمتشان رفتم، آن حضرت درد می‌کشید. گفتم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم متحیرند، نظرتان چیست؟ فرمود:

«... تا آنگاه که خداوند در آخر الزمان مردی را برانگیزد... و بر همه اهل زمین پیروزش نماید، به اختیار یا به اجبار ایمان آورند، زمین را پر از عدالت و مساوات و نور و برهان سازد، عرض و طول بلاد به او ایمان می‌آورند، و کافری نمی‌ماند مگر اینکه به او مؤمن شود و فاسدی نمی‌ماند، مگر آنکه درستکار گردد».<sup>۳</sup>

(۶۸۹) حلیة الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند... اسلام را به وسیله مهدی در مشرق، مغرب، جنوب و در قبله منتشر می‌سازد».<sup>۴</sup>

۱. الفتن: ۹۶. عقد الدرر: ۱۲۹، ب. ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۰ و ۷۳.

۲. الفتن: ۱۱۳. عقد الدرر: ۲۱۹، ب. ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۰ و ۷۳.

۳. الاحتجاج ۲: ۲۹۰. اثبات الهداة ۳: ۵۲۴، ب. ۳۲، ف. ۲۰، ح. ۴۱۴. بحار الانوار ۴۴: ۲۰، ب. ۱۸، ح. ۴.

۴. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰، ب. ۳۴ و ۶۹۲، ب. ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب. ۱۴۱، ح. ۳۸.

(۶۹۰) کمال الدین: علی بن احمد بن محمد بن عمران، محمد بن عبدالله کوفی، موسی بن عمران نخعی به نقل از عمویش حسین بن یزید نوفلی، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش، ابوبصیر: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«... خداوند به دست او مشرق‌ها و مغرب‌ها (همه زمین) را فتح خواهد کرد... زمین به نور پروردگارش روشن گردد، و در هر مکانی از زمین که غیر خداوند عزوجل را می‌پرستیدند، خداوند عبادت شود، و دین فقط دین خدا باشد اگر چه مشرکان را خوش نیاید»<sup>۱</sup>.

(۶۹۱) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابوعلی نهاوندی، ابوعبدالله زعفرانی، ابوطالب، حسن بن محبوب، محمد بن سنان، ابان بن تغلب: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«آنگاه که قائم ما قیام کند، به هر کدام از کشورهای روی زمین، یک نفر می‌فرستد... و می‌گوید: برنامه کار تو در کف دست است، [اگر در امر حکومت به مشکلی برخوردی که ندانستی چه کنی] به آن چیزی عمل کن که در کف دست می‌بینی»<sup>۲</sup>.

(۶۹۲) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، جابر بن یزید: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم در آنجا سه رایت (سپاه) تشکیل می‌دهد: یکی را به قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> می‌فرستد که خداوند آنجا را برایش فتح می‌فرماید، یکی به چین، و دیگری به کوه‌های دیلم که همه به فتح و پیروزی می‌رسند»<sup>۳</sup>.

(۶۹۳) مختصر اثبات الرجعة: صفوان بن یحیی، محمد بن حران: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«قائم ما با رعب یاری، و با پیروزی پشتیبانی شود، زمین برای او پیچیده

۱. کمال الدین ۲: ۳۴۵ و ۳۴۶، ب ۳۳، ح ۳۱. الايقاظ من الهجعة: ۳۲۶، ب ۱۰، ح ۳۹.

۲. دلائل الامامة: ۲۴۹. اثبات الهداة ۳: ب ۳۲، ف ۴۸، ح ۷۱۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۶۵، ب ۲۷، ح ۱۴۴.

۳. بحار الانوار ۵۲: ۳۸۸، ب ۲۷، ح ۲۰۶. اثبات الهداة ۳: ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۹۵. بشارة الاسلام: ۲۳۸.



[و فاصله‌های طولانی برایش کوتاه] گردد، همه گنج‌ها برای او نمایان شده و خداوند دین خود را توسط او بر همه ادیان غالب می‌فرماید، هرچند مشرکان را ناخوش آید. سلطنت او مشرق و مغرب را فراگیرد و تمامی ویرانی‌های زمین آباد شود.<sup>۱</sup>

## فصل سوم

### رضایت همگان از حکومت

(۶۹۴) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، معلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«شما را به مهدی بشارت دهم!... که اهل آسمان و زمین از او راضی می‌شوند».<sup>۲</sup>

(۶۹۵) فردوس الأخبار: حذیفه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی مردی از فرزندان من است... اهل آسمان و زمین و [حتی] پرنده‌گان در آسمان به خلافت او راضی و خشنود گردند».<sup>۳</sup>

### □ روایات شیعه:

(۶۹۶) دلائل الامامة: ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد طبری، ابوالحسن محمد بن مظفر حافظ، عبدالرحمن بن اسماعیل، علی بن ابراهیم صوری، داود، سفیان، منصور، ربیع بن خراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است... اهل آسمان و زمین و [حتی] پرنده‌گان در

۱. مختصر اثبات الرجعة: ۲۱۶ و ۲۱۷، ح ۱۸. أربعون الخاتون آبادی: ۱۸۲ و ۱۸۳، ح ۳۰. مستدرک الوسائل ۱۲: ۳۳۵، ب ۳۹، ح ۶، و: ۱۴: ۳۵۴، ب ۲۰، ح ۷.  
 ۲. مسند احمد ۳: ۳۷ و ۵۲. ملاحم ابن المنادی: ۴۲. مصنف عبدالرزاق ۱۱: ۳۷۱، ح ۲۰۷۷۰. فتن ابن حماد: ۹۹. المستدرک علی الصحیحین ۴: ۴۶۵. بیان الشافعی: ۵۰۵، ب ۱۰. عقد الدرر: ۶۲، ب ۴، ف ۱، و: ۱۵۶، ب ۷، و: ۱۶۴، ب ۸، و: ۲۳۷، ب ۱۱. فرائد السمطين ۲: ۳۱۰، ح ۵۶۱.  
 ۳. فردوس الاخبار ۴: ۴۹۶، ح ۶۹۴۰. بیان الشافعی: ۵۰۱، ب ۸، و: ۵۱۳، ب ۱۷. ذخائر العقبی: ۱۳۶. عقد الدرر: ۱۸، ب ۱، و: ۳۴، ب ۳، و: ۲۳۹، ب ۱۱. میزان الاعتدال ۳: ۴۴۹.

آسمان به خلافت او راضی و خشنود شوند»<sup>۱</sup>.

(۶۹۷) اختصاص مفید: ابوالحسن محمد بن معقل، محمد بن عاصم، علی بن حسین، محمد بن مرزوق، عامر سراج، سفیان ثوری، قیس بن مسلم، طارق بن شهاب، خذیفه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«در آن موقع (تشکیل حکومت مهدی) پرندگان در لانه‌هایشان و ماهی‌ها در دریا شادمان گردند...»<sup>۲</sup>.

## فصل چهارم

### اصحاب کف جزیء سران حکومت

□ روایات اهل سنت:

(۶۹۸) الدر المنثور: ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اصحاب کف یاوران مهدیند»<sup>۳</sup>.

(۶۹۹) عقد الدرر: امام ابواسحاق ثعلبی در آخر روایت اصحاب کف می‌گوید:

«در خوابگاهشان به خواب رفتند تا آخر الزمان که مهدی قیام کند. گفته می‌شود:

مهدی به آنها سلام خواهد کرد و خداوند عزوجل زنده‌شان می‌نماید»<sup>۴</sup>.

□ روایات شیعه:

(۷۰۰) مختصر البصائر: کتابی از خطبه‌های مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدم که خط سید

رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس بر آن بود... از ابوروح فرج بن فروة،

۱. دلائل الامامة: ۲۳۳ و ۲۵۲. غيبة الطوسی: ۱۱۱. اثبات الهداة ۳: ۵۰۲، ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۲۹۲، و:

۵۹۴، ب ۳۲، ف ۲، ح ۲۵، و: ۶۰۰، ب ۳۲، ف ۲، ح ۷۳.

۲. الاختصاص: ۲۰۸. مجمع البیان ۴: ۳۹۸. اثبات الهداة ۳: ۵۵۷، ب ۳۲، ف ۳۳، ح ۶۰۷، و: ۶۲۱، ب ۳۲،

ف ۲۲، ح ۱۹۸. بحار الأنوار ۵۲: ۱۸۶، ب ۲۵، و: ۳۰۴، ب ۲۶، ح ۷۳. تفسیر نور الثقلین ۴: ۳۴۳، ح ۹۷.

۳. الدر المنثور ۴: ۲۱۵. برهان المتقی: ۱۵۰، ب ۷، ح ۱۵. العطر الوردی: ۷۰.

۴. عقد الدرر: ۱۴۱، ب ۷. برهان المتقی: ۸۷، ب ۱، ح ۴۴.

مسعدة بن صدقة: جعفر بن محمد صادق علیه السلام خطبه‌ای از مولا یمان امیرالمؤمنین علیه السلام به نام خطبه مخزون<sup>[۱۴۱]</sup> ذکر فرمود که در قسمتی از آن آمده بود:

«... و [سپاه] روم به روستایی که کنار دریا و نزد غار اصحاب کهف است روی آورد، خداوند آن جوانمردان را از غار به سوی ایشان برمی‌انگیزد<sup>[۱۴۰]</sup>. یکی از ایشان مردی است به نام تملیخا و دیگری به نام کمسلمینا، و این دو نفر در خدمت قائم علیه السلام حاضر و تسلیم فرمان وی شوند. مهدی یکی از اصحاب کهف را به روم می‌فرستد که او بدون دلیل باز می‌گردد، لذا دیگری را می‌فرستد و او پیروز باز می‌گردد. آن روز تأویل این آیه است: «و له أسلم من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً»<sup>۱</sup>.

(۷۰۱) ارشاد القلوب: یونس بن احمد بن ریان، ابو مطلب بن محمد بن فضل، محمد بن سنان زهری، عبدالله بن عبدالرحمن أصم، مدلیج بن هارون بن سعید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که ضمن کلامی طولانی به عمر می‌فرمود... عمر گریست و گفت: از آنچه می‌گویی به خدا پناه می‌برم؛ آیا نشانه‌ای دارد؟ فرمود:

«... و اصحاب کهف برایش زنده می‌شوند»<sup>۲</sup>.

(۷۰۲) دلائل الامامة: ابو الحسن محمد بن هارون به نقل از پدرش، هارون بن موسی بن احمد، ابو جعفر محمد بن ابراهیم بن عبدالله القمی القطان معروف به ابن خزاز، محمد بن زیاد، ابو عبدالله خراسانی، ابو حسان سعید بن جناح، مسعدة بن صدقة: امام صادق علیه السلام اصحاب قائم علیه السلام را برای ابوبصیر چنین نام برد:

«... اصحاب کهف هفت نفر: مکسلمینا و یارانش...»<sup>۴</sup>.

(۷۰۳) حلیة الأبرار: ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱. «در آن روز هر که در آسمان و زمین است یا به اختیار خود یا به اجبار، تسلیم اوست». (آل عمران: ۸۳)

۲. مختصر بصائر الدرجات: ۱۹۵ - ۲۰۱. الايقاظ من ההجعة: ۲۸۹، ب ۹، ح ۱۱۱. بحار الانوار ۵۳: ۷۷-۸۶ ب ۲۹، ح ۸۶

۳. ارشاد القلوب ۲: ۲۸۶، فصل فی فضائله من طریق اهل البيت علیهم السلام.

۴. دلائل الامامة: ۳۱۴.

«عیسی علیه السلام مسئول امور مالی قائم می شود، و اصحاب کهف معاونان او  
(عیسی علیه السلام) خواهند بود.»<sup>۱</sup>

(۷۰۴) هدایة الخصیبی: یونس بن احمد بن زیات، ابو مطلب بن محمد بن مفضل،  
محمد بن سنان الزاهری، عبدالله بن عبدالرحمن اصم، مدیح بن هارون بن سعد، ابوطقیل عامر  
بن واثله: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که ضمن سخنانی طولانی فرمود:

«... مردی از فرزندان من ظاهر می گردد که زمین را پر از مساوات و  
عدالت کند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد، خداوند بقایای قوم  
موسی علیه السلام را برای [یاری] او می فرستد و اصحاب کهف را برایش زنده  
می فرماید.»<sup>۲</sup>

### فصل پنجم

#### تسخیر طبیعت در سایه حکومت مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۷۰۵) مصنف عبدالرزاق: معمر، ابن طاووس به نقل از پدرش:

«(در پناه حکومت مهدی) امنیت در زمین برقرار می گردد، به حدی که  
شیر همراه گاو ماده است و گاو آن را جفت خود انگارد، گرگ با گوسفند  
است و گوسفند آن را سگ گله خود پندارد، گزندگی هر گزنده‌ای از بین  
می رود، به حدی که انسان دست خود را روی سر اژدها (مار بزرگ)  
می گذارد و آسیبی نمی بیند، و کنیزکی شیر را فراری دهد همان طور که توله  
سگ کوچکی فرار کند... زمین به حالت خود در اول خلقت آدم علیه السلام  
باز می گردد، یک خوشه انگور را چندین نفر می خورند، و چندین نفر یک  
انار را می خورند.»<sup>۳</sup>

۱. حلیة الابرار ۲: ۶۲۰، ب ۳۴، و: ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

۲. الهدایة الکبری: ۳۱ و ۳۲. ارشاد القلوب ۲: ۲۸۶. حلیة الابرار ۲: ۶۰۱. مدینة المعاجز: ۱۳۳،  
ح ۳۹۷.

۳. المصنف ۱۱: ۳۹۹، ح ۲۰۸۴۰، و: ۴۰۱، ح ۲۰۸۴۴.

### □ روایات شیعه:

(۷۰۶) خرائج: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«ذو القرنین بنده صالح خداوند بود، با خدا به یکرنگی و صفا معامله کرد، خداوند هم با او مثل خودش رفتار نمود<sup>۱</sup> و ابرها را برایش مسخر فرمود و زمین برایش پیچیده شد<sup>۲</sup> و روشنایی گسترده گردید و در شب مانند روز می دید. همچنین خداوند برای تمام امامان بر حق، ابرها را مسخر کرده و ابرها آنان را برای مصالح مسلمانان و اصلاح میان آنان از مشرق به مغرب می برد.<sup>۳</sup>

مهدی علیه السلام هم همین گونه است، و به این جهت او را «صاحب مرأی و مسمع»<sup>۴</sup> نامند. او نوری دارد که دور را مانند نزدیک می بیند و از دور مانند نزدیک می شنود و در زمین گاهی با ابر به سیاحت می پردازد و گاهی با باد. زمین برای او پیچیده شود، و او بلا را در شرق و غرب زمین از مردم و شهرها دفع می کند.»<sup>۵</sup>

(۷۰۷) غیبة النعمانی: ابوسلیمان احمد بن هوزد، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی،

عبدالله بن حماد انصاری، محمد بن جعفر بن محمد علیه السلام: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مهدی سپاهی به قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> گسیل می دارد، چون به خلیج رسند چیزی روی پاهایشان می نویسند و روی آب راه می روند. وقتی رومیان آنها را در آن حال ببینند گویند: اینها اصحاب اویند که روی آب راه می روند، خودش چگونه است؟! درهای شهر را برایشان می گشایند و آنها داخل شده، تا هر وقت بخواهند در آنجا حکومت می کنند.»<sup>۶</sup>

□ ۱ «ناصح الله سبحانه فناصحته».

□ ۲ یعنی مسافت های طولانی برایش بسیار کوتاه شد.

□ ۳ ظاهراً متن روایت تا همین جاست و بقیه از توضیحات صاحب خرائج می باشد.

□ ۴ یعنی کسی که هر چه دیدنی است می بیند و هر چه شنیدنی است می شنود.

۵. الخرائج والجرائح ۲: ۹۳۰-۹۳۱، ب ۱۷.

۶. الغیبة: ۳۱۹ و ۳۲۰، ب ۲۱، ح ۸ دلائل الامامة: ۲۴۹. اثبات الهداة ۳: ۵۷۳، ب ۳۲، ف ۴۸، ح ۷۱۲.

بحار الانوار ۵۲: ۳۶۵، ب ۲۷، ح ۱۴۴.

(۷۰۸) الزام الناصب: محمد بن احمد الجرجانی قاضی الری، طوق بن مالک به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن ایراد خطبة الیان<sup>[۲۳]</sup> فرمود:

«... با لشکریان حرکت می‌کند تا به عراق می‌رسد، و مردم اطراف او هستند، سردار پیشروان سپاهش شخصی به نام عقیل، و سردار نیروهای پشتیبانی شخصی به نام حارث است، بعد مردی از اولاد حسن علیه السلام با دوازده هزار نفر به آن حضرت ملحق می‌شود و می‌گوید: پسرعمو، من به این امر سزاوارترم، زیرا من از نوادگان حسن علیه السلام هستم و او از حسین علیه السلام بزرگتر بود. مهدی به حسنی می‌گوید: من مهدی هستم. او در جواب گوید: نشانه یا معجزه یا علامتی داری؟ آن حضرت با نگاه به پرنده اشاره می‌کند، همان‌جا داخل دستش می‌افتد و به قدرت خدای تعالی زبانش باز می‌شود و به امامت آن حضرت شهادت می‌دهد، آنگاه عصایی را در زمین مرتفع و بی‌آبی می‌کارد که همان لحظه سبز می‌شود و برگ می‌دهد، و نیز تکه سنگی از روی زمین برداشته با دست مالش می‌دهد و مثل شمع خمیر می‌کند. حسنی می‌گوید: امر از آن شماست. و خودش و لشکریانش تسلیم آن حضرت می‌شوند...»<sup>۱</sup>

## فصل ششم

### عیسی علیه السلام وزیر اعظم دولت

□ روایات اهل سنت:

(۷۰۹) فتن ابن حماد: بقیه بن ولید، صفوان بن عمرو، شریح بن عبید: کعب در حدیثی که به خداوند نسبت داد گفت:

«... مسیح علیه السلام می‌گوید: نه، خودتان پیشنهاد اصحابتان شوید، من به عنوان وزیر [شما] مبعوث گردیده‌ام، و امیر نیستم. مسلمین با امام خود نماز

می‌گزارند و فرزند مریم علیها السلام هم به آن حضرت اقتدا می‌کند.<sup>۱</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۷۱۰) حلیة الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی علیه السلام ... مسئول اموال قائم علیه السلام می‌شود، اصحاب کهف معاونان او خواهند بود، او وزیر دست راست و حاجب و نائب قائم است، و به کرامت حجة بن الحسن امنیت را در مغرب و مشرق می‌گستراند...»<sup>۲</sup>

### فصل هفتم

#### عدالت در قضاوت و حقوق

#### □ روایات اهل سنت:

(۷۱۱) فتن ابن حنّاد: معتمر بن سلیمان، جعفر بن سیار شامی (بدون اسناد به

پیامبر صلی الله علیه و آله).

«مهدی حقوق را به صاحبانش برمی‌گرداند، حتی اگر حق کسی در دهان دیگری و بین دندان‌هایش باشد آن را از او گرفته و به صاحبش می‌دهد».<sup>۳</sup>

(۷۱۲) صحیح مسلم: واصل بن عبدالاعلی و ابوکریب و محمد بن یزید رفاعی، محمد

بن فضیل به نقل از پدرش، ابوحازم، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمین گنج‌های خود را مثل ستون‌های طلا و نقره بیرون می‌ریزد»<sup>۴</sup>.

شخص قاتل می‌گوید: برای این طلا و نقره بود که من مرتکب قتل شدم.

۱. الفتن: ۱۶۰. تاریخ البخاری ۷: ۲۳۴، ح ۱۰۰۲. صحیح مسلم ۴: ۲۲۵۳، ب ۲۰، ح ۲۱۳۷. سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۵۷، ب ۳۳، ح ۴۷۵. سنن الترمذی ۴: ۵۱۲، ب ۵۹، ح ۲۲۴۰. المعجم الكبير ۱: ۱۸۶، ح ۵۹۰.

۲. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰، ب ۳۴ و ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

۳. الفتن: ۹۸. عقد الدرر: ۳۶، ب ۳. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۸۳.

۴. □ در روایت «تقی الأرض أفلاذ کبدها أمثال الأسطوان من الذهب و الفضة ...» است.

کسانی که قطع رحم کرده‌اند می‌گویند: برای اینها بود که ما قطع رحم کردیم. دزدها می‌گویند: برای این طلا و نقره بود که دست ما قطع شد. بعد آنها به دنبال طلا و نقره می‌روند، ولی نمی‌توانند چیزی از آن بردارند.<sup>۱</sup>

### □ روایات شیعه:

(۷۱۳) محاسن برقی: محمد بن عبدالحمید به نقل از جماعتی، بشر بن غالب اسدی: حضرت امام حسین علیه السلام به من فرمود:  
«ای پسر غالب... آنگاه که قائم عادل قیام کند، عدالتش نیکوکار و گناهکار را فرامی‌گیرد».<sup>۲</sup>

(۷۱۴) غیبة النعمانی: احمد بن هوزه باهلی، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، عبدالله بن بکیر، حمران بن أعین: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:  
«گویی این دین شما را می‌بینم که پیوسته در حالی که در خون خویش دست و پا می‌زند در حرکت است [و با وضعی اسفبار از دسترس شما خارج می‌شود] و هیچ کس آن را به شما باز نمی‌گرداند، مگر مردی از ما اهل بیت. او هر سال دو نوبت به شما بخشش خواهد کرد و در هر ماه دو نوبت روزی به شما خواهد داد. در دوران او از حکمت بهره‌مند می‌شوید، تا آنجا که یک زن در خانه خود مطابق کتاب خدای تعالی و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [اجتهاد] و قضاوت می‌کند».<sup>۳</sup>

۱. صحیح مسلم ۲: ۷۰۱، ب ۱۷، ح ۱۰۱۳.

۲. المحاسن: ۶۱، ب ۸۰، ح ۱۰۴. بحار الانوار ۲۷: ۹۰، ب ۴، ح ۴۳.

۳. الغیبة: ۲۳۸ و ۲۳۹، ب ۱۳، ح ۳۰. حلیة الابرار ۲: ۶۴۲، ب ۴۴. بحار الانوار ۵۲: ۳۵۲، ب ۲۷،



## فصل هشتم

### عیسی علیه السلام، قاضی حکومت

#### □ روایات اهل سنت:

(۷۱۵) مصنف عبدالرزاق: معمر، زهری، سعید بن مسیب، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود:

«قسم به آنکه جانم در دست اوست، نزدیک است که فرزند مریم علیها السلام بین شما فرود آید. او که حاکم و امامی عادل است صلیب را شکسته، خنزیر (خوک) را می‌کشد و جزیه<sup>[۳۳]</sup> می‌گیرد، و آنقدر [به مردم] اموال می‌دهد که دیگر کسی قبول نمی‌کند»<sup>۱</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۷۱۶) حلیة الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«عیسی علیه السلام) بین اهل تورات به تورات، بین اهل انجیل به انجیل، بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقانشان قضاوت می‌کند»<sup>۲</sup>.

## فصل نهم

### صلح و آرامش جهانی

#### □ روایات اهل سنت:

(۷۱۷) مصنف عبدالرزاق: معمر، آیوب، ابن سیرین، ابوالجلد:

«مردم بر بهترین فرد بین خودشان متحد و هم‌نظر می‌شوند، و در حالی که آن مرد در خانه خود است، امارت با خرسندی نزد او می‌رود»<sup>۳</sup>.

۱. المصنف ۱۱: ۳۹۹، ح ۲۰۸۴۰، و: ۴۰۰، ح ۲۰۸۴۳. فتن ابن حماد: ۱۶۲ و ۱۶۳. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۱۴۴، ح ۱۹۳۴۱.

۲. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰، ب ۳۴، و: ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

۳. المصنف ۱۱: ۳۷۲، ب ۲۰۷۷۱. فتن ابن حماد: ۱۰. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۲۴۶، ح ۱۹۶۰۰.

(۷۱۸) فتن ابن حمّاد: ولید، ابورافع اسماعیل بن رافع به نقل از شخصی، ابوسعید خدری: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... [در حکومتش آنقدر آرامش برقرار است که] نه شخص خوابی را بیدار می کند و نه خونی می ریزد».<sup>۱</sup>

(۷۱۹) ینابیع المودّة: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«... (مهدی) کشورهای مسلمین را با امنیت اداره می کند، زمانه برای او بی آیش و باصفا می گردد، کلام او شنیده می شود و پیر و جوان از او فرمان می برند».<sup>۲</sup>

(۷۲۰) فردوس الأخبار: ابوهریره:

«خوشا زندگانی در حکومت مهدی، به آسمان برای باریدن و به زمین برای رویانیدن اذن داده می شود، پس اگر دانه‌ای در کوه [سنگی] صفا کاشته شود، جوانه خواهد زد، دیگر دشمنی و حسد در کار نیست، تا حدّی که انسان از کنار شیر رد می شود یا ماری را لگد می کند، اما آزاری از آنها نمی بیند».<sup>۳</sup>

(۷۲۱) فتن ابن حمّاد: یحیی، سیف بن واصل، ابویونس، ابورؤبه:

«مهدی چنان است که گویی عیش و نعمت به تهیدستان می چشاند».<sup>۴</sup>

(۷۲۲) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، هشتم بن عبدالرحمن: شخصی که خود از

علی علیه السلام شنیده بود برایم حدیث کرد که آن حضرت فرمود:

«عرب، عجم، جنگاوران، رومیان و دیگر اقشار بدون درگیری مطیع او (مهدی) می گردند، و حتی در قسطنطنیه<sup>[۸۸]</sup> و دیگر شهرها مسجد بنا می شود».<sup>۵</sup>

۱. الفتن: ۹۹. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۷. برهان المتقی: ۷۸، ب ۱، ح ۱۸.

۲. ینابیع المودّة: ۴۶۷.

۳. فردوس الاخبار ۲: ۴۵۰، ح ۳۹۴۳. الجامع الصغیر ۲: ۱۳۵، ح ۵۲۹۲. کنز العمال ۱۴: ۳۳۳، ح ۳۸۸۴۴. فیض القدیر ۴: ۲۷۵، ح ۵۲۹۲.

۴. «المهدی کأنما یعلق المساکین الزبد». ۵. الفتن: ۹۸.

۶. الفتن: ۹۶. عقد الدرر: ۱۲۹، ب ۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۷۰ و ۷۳. برهان المتقی:

۱۰۳، ب ۴، ف ۱، ح ۴، و: ۱۲۴، ب ۴، ف ۲، ح ۳۳. کنز العمال ۱۴: ۵۸۹، ح ۳۹۶۶۹.

□ روایات شیعه:

(۷۲۳) حلیة الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی ... به کرامت حجّة بن الحسن امنیت را در مغرب و مشرق می گستراند، به حدی که شیر و گوسفند، پلنگ و گاو، و گرگ و گوسفند با هم چرا می روند، و کودکان با مارها بازی می کنند...»<sup>۱</sup>

(۷۲۴) دلائل الامامة: ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابوعلی

حسن بن محمد نهاوندی، محمد بن علی بن عبدالکریم، ابوطالب عبدالله بن صلت، محمد بن علی بن عبدالله خیاط، مفضل بن عمر: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«آنگاه که قائم قیام کند، مؤمن پرنده را از آسمان به پایین می خواند، ذبح و کبابش می کند و گوشتش را می خورد اما استخوان هایش را نمی شکند. پس به آن می گوید: به اذن خداوند زنده شو! پرنده زنده شده و پرواز می کند، و همچنین آهوان در صحراها. قائم روشنایی و نور بلاد، و (مردم) به نور خورشید و ماه نیاز ندارند. روی زمین هیچ موجود آزار رساننده و بد و هیچ سمّ و فساد نمی ماند؛ چون دعوت آسمانی است نه زمینی، و شیطان نمی تواند در آن (دعوت های آسمانی) وسوسه وارد کند یا اقدامی انجام دهد. نه حسد می ماند و نه چیزی از فساد، و نه خاری بر درخت ها و روی زمین. زمین برپا می ماند و هر چه از آن بردارند همان وقت می روید و مثل اولش می شود. هر کس طبق میل و خواسته فرزندش با هر رنگی که او دوست دارد و بخواهد برایش لباس می گیرد. و شخص کافر اگر در لانه کفتار هم برود یا پشت تپه ای یا سنگی یا درختی پنهان شود، آن چیزی که وی خود را پشتش پنهان کرده به سخن می آید و می گوید: ای مؤمن، کافری پشت من است، او را بگیر. او را می گیرند و هلاک می کنند. و ابلیس هیکلی (بدنی) نخواهد داشت که در آن بماند (ظاهر گردد). مؤمنان با فرشتگان مصافحه می کنند، به آنها وحی می شود و به اذن خداوند مرده ها را زنده

۱. حلیة الأبرار ۲: ۶۲۰، ب ۳۴ و: ۶۹۲، ب ۵۴. غایة المرام: ۶۹۷، ب ۱۴۱، ح ۳۸.

کرده و گرد هم می آورند»<sup>۱</sup>.

## فصل دهم

### حکومتی سرشار از خیر و برکت

#### □ روایات اهل سنت:

(۷۲۵) مصنف عبدالرزاق: معمر، ابوهارون، معاویة بن قرة، ابو الصدیق ناجی، ابوسعید

خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«آسمان هرچه آب دارد به فراوانی می بارد، و زمین هرچه آب دارد

بیرون می آورد، تا آنجا که مردگان رشک زندگان را می برند»<sup>۲</sup>.

(۷۲۶) ینابیع المودة: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«در آن هنگام امامت او کامل و خلافتش استوار شده، و خداوند مردگان

را برمی انگیزد<sup>۱</sup>، پس صبح می کنند در حالی که فقط خانه هایشان دیده

می شود<sup>۳</sup>. زمین آباد و پاک گردیده به مهدی اش افتخار می کند، و به برکت

او نهرهای خود را جاری می سازد. فتنه و جنگ ها نابود و خیر و برکت

فراوان می گردد»<sup>۴</sup>.

#### □ روایات شیعه:

(۷۲۷) غیبة الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، علی بن عباس مقانعی، بکار بن احمد،

حسن بن حسین، سفیان جریری، عبدالمؤمن، حارث بن حصیرة، عمارة بن جوبین عبدی،

ابوسعید خدری: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«مهدی از عترت و اهل بیت من است، در آخرالزمان قیام می کند، آسمان

۱. دلائل الامامة: ۲۴۶. اثبات الهداة ۳: ۵۷۳، ب ۳۲، ف ۴۸، ح ۷۰۶. حلیة الابرار ۲: ۶۳۵، ب ۴۰، و:

۲. المصنف ۱۱: ۳۷۱، ح ۲۰۷۷۰. الفتن: ۹۹. ۶۸۱ و ۶۸۲، ب ۴۹.

۳. «فَأَصْبَحُوا لَا يَرُونَ إِلَّا مَا كَانَتْهُمْ». (احقاف: ۲۵)

۴. ینابیع المودة: ۴۶۷.

برای او آب‌های خود را می‌بارد و زمین بذرهای خود را برای او می‌رویاند»<sup>۱</sup>.

(۷۲۸) **اختصاص مفید:** ابوالحسن محمد بن معقل، محمد بن عاصم، علی بن حسین، محمد بن مرزوق، عامر سراج، سفیان ثوری، قیس بن مسلم، طارق بن شهاب، خدیفه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آن زمان... چشمه‌ها می‌جوشند و زمین مواد غذایی را دو برابر می‌رویاند»<sup>۲</sup>.

(۷۲۹) **احتجاج طبرسی:** زید بن وهب جهنی: هنگامی که حضرت امام حسن بن علی علیه السلام در مدائن زخمی شدند، به خدمتشان رفتم. آن حضرت درد می‌کشید. گفتم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم متحیرند، نظر تان چیست؟ فرمود:

«... تا آنگاه که خداوند در آخر الزمان مردی را برانگیزد... زمین رویاندنی‌هایش را برویاند، آسمان برکت خود را فروریزد و گنج‌ها برای او (مهدی) ظاهر شود...»<sup>۳</sup>.

(۷۳۰) **هدایة الخصبی:** یونس بن احمد بن زیات، ابو مطلب بن محمد بن فضل، محمد بن سنان، عبدالله بن عبدالرحمن اصم، مدلیج بن هارون بن سعید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که ضمن سخنانی طولانی به عمر فرمود:

«... مردی از فرزندان من ظاهر می‌شود و زمین را که پر از ظلم و ستم شده، از عدالت و مساوات پر می‌سازد... آسمان آب‌های خود را می‌بارد و زمین گیاهان خود را می‌رویاند...»<sup>۴</sup>.

۱. غیبة الطوسی: ۱۱۱. اثبات الهداة ۳: ۵۰۲، ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۲۹۴. بحار الانوار ۵۱: ۷۴، ب ۱، ح ۲۵. منتخب الاثر: ۱۶۹، ف ۲، ب ۱، ح ۸۱.

۲. الاختصاص: ۲۰۸. مجمع البیان ۴: ۳۹۸. اثبات الهداة ۳: ۵۵۷، ب ۳۲، ف ۳۳، ح ۶۰۷، و: ۶۲۱، ب ۳۲، ف ۲۲۷، ح ۱۹۸. بحار الانوار ۵۲: ۱۸۶، ب ۲۵، و: ۳۰۴، ب ۲۶، ح ۷۳.

۳. الاحتجاج ۲: ۲۹۰. اثبات الهداة ۳: ۵۲۴، ب ۳۲، ف ۲۰، ح ۴۱۴. بحار الانوار ۴۴: ۲۰، ب ۱۸، ح ۴.

۴. الهدایة الكبرى: ۳۱ و ۳۲. ارشاد القلوب ۲: ۲۸۶. حلیة الابرار ۲: ۶۰۱. مدینة المعاجز: ۱۳۳، ح ۳۹۷.

## فصل یازدهم تقسیم عادلانه اموال

### □ روایات اهل سنت:

(۷۳۱) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... (مهدی) اموال را درست تقسیم می کند.

شخصی گفت: تقسیم درست چگونه است؟ فرمود:

یعنی تقسیم به طور مساوی بین مردم...»<sup>۱</sup>

(۷۳۲) عقد الدور: جابر بن عبدالله: مردی خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت: این پانصد درهم را از من بگیرید، زکات اموالم است. امام علیه السلام به او فرمود:

«... وقتی مهدی ما اهل بیت قیام کرد، به طور مساوی تقسیم، و با رعیت به عدالت رفتار نماید، هر کس از او اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده و هر کس نافرمانی اش کند، خداوند را نافرمانی کرده»<sup>۲</sup>.

### □ روایات شیعه:

(۷۳۳) دلائل الامامة: ابوعلی نهاوندی، ابوعلی هشام بن علی سیرافی، عبدالله بن رجاء، همام، مُعلی بن زیاد، مُعلی به نقل از شخصی، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

«مهدی... اموال را بطور صحیح تقسیم می کند.

راوی گوید: گفتم: روش صحیحش چیست؟ حضرت فرمود:

یعنی به طور مساوی»<sup>۳</sup>.

۱. مسند احمد ۳: ۳۷ و ۵۲. ملاحم ابن المنادی: ۴۲. بیان الشافعی: ۵۰۵. ب ۱۰. عقد الدور: ۶۲. ب ۴، ف ۱.

۲. عقد الدور: ۳۹، ب ۳.

۳. دلائل الامامة: ۲۵۲. غیبة الطوسی: ۱۱۱. اثبات الهداة ۳: ۵۰۲. ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۲۹۲، و: ۵۹۴. ب ۳۲، ف ۲، ح ۲۵، و: ۶۰۰، ب ۳۲، ف ۲، ح ۷۳.

(۷۳۴) غیبة النعمانی: علی بن حسین، محمد بن یحیی، محمد بن حسان رازی، محمد بن علی صیرفی، حسن بن محبوب، عمرو بن شمر، جابر: مردی خدمت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت: خدا نگهدارتان باشد، این پانصد درهم را از من بگیرید؛ زکات مالم است. امام علیه السلام به او فرمود:

«هنگامی که قائم اهل بیت قیام کرد، به طور مساوی تقسیم نموده و در میان رعیت با دادگری رفتار می‌کند... و اموال از داخل و خارج زمین نزد او گرد آمده و انباشته می‌شود، پس به مردم می‌گوید: بیایید بگیرید! این چیزی است که به خاطر آن قطع رحم کردید و خون‌های ناحق ریختید و برای آن، کارهایی که خداوند حرام فرموده بود مرتکب شدید، پس به آنان چیزی می‌بخشد که هیچ کس پیش از او نبخشیده است و زمین را همان‌گونه که از ظلم و ستم و بدی پر شده، از عدالت و برابری و نور پر می‌سازد».<sup>۱</sup>

## فصل دوازدهم

### سخاوت و بخشش فراوان به مردم

#### □ روایات اهل سنت:

(۷۳۵) مسند ابی‌یعلی: سلیمان بن عبدالجبار ابویوب، سهل بن عامر، فضیل بن مرزوق، عطیة، ابوسعید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان امامی خواهد آمد که بخشنده‌ترین مردم است. هر کس نزدش رود دامانش را پر نماید، و از فراوانی خیر و برکت در مردم، ناراحتی همه این است که زکات مالشان را چه کسی می‌گیرد (چون فقیری نمی‌ماند که زکات را به او بدهند)».<sup>۲</sup>

۱. الغیبة: ۲۳۷، ب ۱۳، ح ۲۶. علل الشرائع: ۱۶۱، ب ۱۲۹، ح ۳. عقد الدرر: ۳۹، ب ۳. اثبات الهداة ۳: ۴۹۷، ب ۳۲۷، ف ۱۰، ح ۲۶۸، و: ۵۴۰، ب ۳۲، ف ۲۷، ح ۵۰۷. حلیة الابرار ۲: ۵۵۶، ب ۱۴. بحار الانوار ۵۱: ۲۹، ب ۲، ح ۲، و ۵۲: ۳۵۰ و ۳۵۱، ب ۲۷، ح ۱۰۳.  
۲. مسند ابی‌یعلی ۲: ۳۵۷، ح ۱۱۰۵. عرف السیوطی ضمن الحاوی ۲: ۶۳.

(۷۳۶) فتن ابن حَمَّاد: ابو معاویه، اعمش، عطیه، ابوسعید خدری: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:  
«در آخرالزمان و موقعی که آشوبها پدید آید، مردی از اهل بیتم قیام  
کند که بخشش و عطایش فراوان و بی شمار باشد».<sup>۱</sup>

(۷۳۷) فرائد الفوائد: ابوسلمة بن عبدالرحمن بن عوف از پدرش روایت کرد: رسول  
خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«(مهدی) اموال را به فراوانی عطا می کند».<sup>۲</sup>

### □ روایات شیعه:

(۷۳۸) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، جابر: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:  
«وقتی قائم ظاهر و وارد کوفه گردد خداوند هفتاد هزار صدیق از پشت  
کوفه<sup>۳</sup> برمی انگیزد<sup>[۲۰]</sup> تا اصحاب و یاوران او باشند. او سواد<sup>[۶۳]</sup> را به  
اهلش بازمی گرداند، و هر سال دو مرتبه به مردم عطا می کند، و هر ماه دو  
مرتبه به آنها آرزاق می دهد، و بین مردم مساوات برقرار می نماید، به حدی  
که کسی یافت نمی شود نیازمند به زکات باشد، و دارندگان زکاتشان  
را برای نیازمندی که شیعه مهدی هستند می آورند، ولی آنها نمی پذیرند.  
اصحاب زکات، اموال را در کیسه کرده و به خانه های نیازمندان می برند،  
ولی آنها می گویند: ما نیازی به پول های شما نداریم.

و حدیث را ادامه داد تا آنجا که فرمود:

اموال از داخل و خارج زمین نزد او گرد آمده و انباشته می شود، پس به  
مردم گفته می شود: بیایید بگیرید! این چیزی است که به خاطر آن قطع رحم  
کردید و خون های ناحق ریختید و برای آن مرتکب کارهای حرام شدید!

۱. الفتن: ۱۰۰. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۵: ۱۹۶، ح ۱۹۴۸۵. السنن الواردة في الفتن: ۸۲ دلائل النبوة

۶: ۵۱۴. عقد الدرر: ۶۱ و ۶۲، ب ۴، ف ۱. ۲. فرائد فوائد الفكر: ۲۴۴، ب ۲.

۳ □ احتمالاً مقصود، اموات مدفون در قبرستان دارالسلام نجف است.



مهدی آنقدر به آنان می بخشد که هیچ کس پیش از او نبخشیده است».<sup>۱</sup>

## فصل سیزدهم

### بعد از مهدی علیه السلام

#### □ روایات اهل سنت:

(۷۳۹) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابوالصدیق،

ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... زندگی بعد از او هیچ خیر و فایده‌ای ندارد».<sup>۲</sup>

#### □ روایات شیعه:

(۷۴۰) دلائل الامامة: ابوعلی نهاوندی، ابوعلی هشام بن علی سیرافی، عبدالله بن رجاء،

همام، مُعلی بن زیاد، مُعلی به نقل از شخصی، ابوالصدیق ناجی، ابوسعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

«... بعد از او دیگر زندگی ارزشی ندارد - یا فرمود: - پس از سال‌های

حکومت او در زندگی خیری نیست».<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار ۵۲: ۳۹۰، ب ۲۷، ح ۲۱۲.

۲. مسند احمد ۳: ۳۷ و ۵۲. ملاحم ابن المنادی: ۴۲. بیان الشافعی: ۵۰۵، ب ۱۰. عقد الدرر: ۶۲.

ب ۴، ف ۱. فرائد السمطين ۲: ۳۱۰، ح ۵۶۱. میزان الاعتدال ۳: ۹۷. الفصول المهمة: ۲۹۷، ف ۱۲.

۳. دلائل الامامة: ۲۵۲ و ۲۴۹. غيبة الطوسی: ۱۱۱. اثبات الهداة ۳: ۵۰۲، ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۲۹۲، و:

۵۹۴، ب ۳۲، ف ۲، ح ۲۵، و: ۶۰۰، ب ۳۲، ف ۲، ح ۷۳.

## پی‌نوشت‌های مترجم<sup>۱</sup>

[۱] آمِد (۳۶۳): شهری قدیمی با ساختمان‌های سنگی در بلندی‌های ساحل دجله.  
(معب)

[۲] أَبَقَع (۳۱۸): مردی زیرک و سیّاس است که گرفتار بلا نمی‌شود. (قاموس)

[۳] ابوالجحاف (۲۶، ۱۶۹، ۲۵۴): داود بن ابی عوف کوفی برجمی. در کتب رجال هم «ابوالجحاف» آمده هم «ابوالجحاف».

[۴] إِحْتِبَاء (۱۸۸): در گذشته رسم بوده وقتی جایی برای تکیه نمی‌یافتند هنگام نشستن و استراحت، زانوها را در سینه جمع کرده با عمامه یا تکه پارچه‌ای دور کمر و زانوها را می‌بستند. به این حالت نشستن «احتباء» گفته می‌شود.

[۵] احساء (۳۶۳): سرزمینی شامل ساحل شرقی در کشور عربستان از مرزهای کویت تا قطر. (منج)

[۶] أَدْرَح (۳۶۳): شهری است در اطراف شام و از نواحی بلقا. (معب)

[۷] إِرَم (۴۹۱): نام یکی از شهرهای قوم عاد بوده، شهری آباد و بی‌نظیر و دارای قصرهای بلند و ستونهای کشیده. در قرآن کریم با عنوان «ارم ذات العماد» از آن یاد شده است. (تفسیر المیزان، سوره فجر: ۷)

[۸] ارمیا عليه السلام (۴۹۱): یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود. (منج)

[۹] أَسْبَاط (۱۶): «الأسباط» غالباً بر دوازده فرزند حضرت یعقوب عليه السلام اطلاق می‌شود. این کلمه چهار مرتبه در قرآن تکرار شده است؛ برای اطلاع بیشتر، ر. ک: کتب تفسیر، ذیل (بقره: ۱۳۶ و ۱۴۰ / آل عمران: ۸۴ / نساء: ۱۶۳).

۱. اعداد داخل پرانتز، شماره احادیث است / معب = معجم البلدان / منج = المنجد فی اللغة و الاعلام.

- [۱۰] اعماق (۶۱۳ و ۶۲۰): شهری است بین حلب و انطاکیه. (قاموس)
- [۱۱] افرنجه (۳۶۳): ملتی بزرگ و نصرانی و دارای کشوری پهناور هستند، و در مجاورت رمیه و روم سکنی دارند. (معب)
- [۱۲] امام (باب اول): بدلیل وضوح قرینه یعنی «حقانیت و عدالت» امام، آن را مطلق ذکر فرمودند، و الا بدیهی است هر انسانی همان طور که به نوعی آلهه و معبودی دارد، امامی هم دارد، پس مقصود در اینجا امام و پیشوای به حق است که صلاحیت هدایت دیگران به راه راست را داشته باشد. (رک: بقره، ۱۲۴ / و نیز: المیزان، ج ۱، ذیل همین آیه)
- [۱۳] اَمِثْ اَمِثْ (۳۳۳ و ۶۰۷): یعنی «بمیران بمیران» یا «بکُش بکُش»، فال نیکی است برای مرگ دشمن و پیروزی. این علامت در یکی از جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله (جنگ بنی الملوّح) رمز مسلمانان بود تا در تاریکی شب بتوانند نیروهای خودی را تشخیص دهند. (وسائل الشیعة ۱۵: ۱۳۸)
- [۱۴] ایلون (۲۴۴): در نسخه‌ای «بابلون» است، و شاید تصحیف «بابلون» باشد که نام قدیمی دیار مصر بوده. (حاشیه دلائل الامامة)
- [۱۵] ایلیا (۳۷۲، ۵۹۱، ۶۰۱): «ایلیا» نام دیگر بیت المقدس است.
- [۱۶] باغه (۳۶۴): از شهرهای اندلس (اسپانیا). (معب)
- [۱۷] بالس (۳۶۳): از شهرهای شام، واقع در بین حلب و رقه. (معب)
- [۱۸] بُخْتُ نَصْرَ (۲۴۰): مرکب است از دو نام بُخت (به معنای پسر) و نَصْر (که نام بتی است)، یعنی پسر بت نَصْر. گفته می‌شود او را در حالی که طفلی بیش نبوده کنار بت نَصْر یافته بودند. وی در حوالی ۶۱۲ ق.م با دختر هوو خشر پادشاه ماد ازدواج کرد و در سال ۶۰۵ به جنگ فرعون مصر رفت و او را مغلوب ساخت و بر مصر مسلط شد (لغت نامه دهخدا). او همان پادشاهی است که بیت المقدس را ویران ساخت. (لسان العرب: نصر)
- [۱۹] بدلیس (۳۶۳): شهری از توابع ارمنیه. (معب)
- [۲۰] برانگیختن (۱۸، ۶۲، ۱۵۳، ۱۸۸، ۲۴۹، ۲۹۹، ۳۲۶، ۳۶۷، ۶۱۵، ۶۸۲، ۷۲۶): در زبان عربی از ماده «بَعث» و به معانی ذیل است: فرستادن، روانه کردن، گسیل داشتن،

- اعزام کردن، به نمایندگی فرستادن، برانگیختن، فراخواندن، به پا کردن.
- [۲۱] برجان (۳۶۳): شهری در حاشیه خزر. (معب)
- [۲۲] برقه (۳۶۳ و ۳۶۴): سرزمینی پهناور بین اسکندریه و افریقیه که از جمله شهرهای آن انطابلس است. (معب)
- [۲۳] بشارت (باب سوم): نوید دادن، مزده دادن، خبر خوش دادن، دلشاد کردن.
- [۲۴] بلخ (۳۶۳، ۳۶۴، ۴۴۰): از شهرهای افغانستان.
- [۲۵] بوسنج (۳۶۴): از روستاهای ترمذ، و ترمذ شهری است در کرانه شمالی رود جیحون (امودریا) در شمال ایران. (معب و منج)
- [۲۶] بیداء (۴۲۳ - ۴۲۸): نام زمینی خشک و بی‌گیاه بین مکه و مدینه است، به مکه نزدیک تر بوده و از سمت شرق مقابل ذی‌الحلیفه قرار دارد. (معب)
- [۲۷] تابعین (۱۵۵): «تابعی» در اصطلاح مسلمانانی را گویند که «صحابه» را دیده و از آنها پیروی کرده باشند، و «صحابی» مسلمانی است که به خدمت پیغمبر اسلام ﷺ رسیده و محضر آن حضرت را درک کرده باشد. (فرهنگ عمید)
- [۲۸] تدمر (۳۶۳): شهری در وسط صحرای سوریه. (منج)
- [۲۹] تفلیس (۳۶۴): پایتخت جمهوری گرجستان. (منج)
- [۳۰] جابروان (۳۶۴): شهری در آذربایجان و نزدیک تبریز. (معب)
- [۳۱] جامده (۳۶۳): روستای بزرگی در حومه واسط از جانب بصره. (معب)
- [۳۲] جاهلیت (مردن به مرگ جاهلی) (۱ - ۷): عبارت «مات میده جاهلیت» به این معناست که همانند مردم زمان جاهلیت (پیش از اسلام) مُرده و از حقایق اسلام بویی نبرده و چیزی نفهمیده است.
- [۳۳] جزیه (۵۵۴ و ۷۱۵): خراج زمین، و مالیات سرانه که در قدیم دولت‌های اسلامی از مردم غیر مسلمان که اهل کتاب بودند و در ممالک اسلامی زندگی می‌کردند و اهل ذمه نامیده می‌شدند می‌گرفتند. (فرهنگ عمید)
- [۳۴] حجّتی ندارد (۳ و ۴): یعنی برای اعمال خود در درگاه خداوند توجیه و عذری ندارد. اما کسی که از امام عادل اطاعت می‌کند، خودِ امام دلیل او در محکمه خداوند است.

[۳۵] حَرَّان (۳۶۳ و ۳۶۴): شهری بزرگ و معروف از جزیره اقور که در راه موصل و شام و روم واقع گردیده. (معب)

[۳۶] حَسَن (۲۴۴): شاید تصحیف «الحسنی» است که نام قصری در دار الخِلافة بغداد بوده، و یا «الحسنا» که کوهی نزدیک یَنبَع است. (حاشیه دلائل الامامة)

[۳۷] حَصین بن مَخارق (۱۸۰ و ۲۲۹): نام این شخص در کتب رجال به سه صورت: «حسین، حصین، حضین» آمده. شیخ طوسی رحمته الله در رجال خود او را از اصحاب امام کاظم علیه السلام اما واقفی مذهب می داند.

[۳۸] حَلوان (۲۴۴ و ۳۶۴): «حلوان» به چند مکان اطلاق می شود: حلوان العراق: آخرین مرزهای عراق. حلوان: یکی از روستاهای مصر که مُشرف بر نیل است. حلوان: شهرکی در قوهستان در آخرین حدود خراسان. (حاشیه دلائل الامامة)

[۳۹] حَنانَه (۳۶۳): منطقه‌ای در غرب موصل عراق. (معب)

[۴۰] خَسَف (احادیث باب ۱۱ و ۱۶، و حدیث ۵۹۱ و ۶۰۱): فرورفتن قسمتی از زمین با هرچه روی آن است. (نک: عنکبوت، ۴۰)

[۴۱] خطبه مخزون (۳۶۷، ۶۱۵، ۷۰۰): این خطبه را امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام زوایت کرده‌اند. در نهج البلاغه ذکر نشده و از منابع مهم آن کتاب «مختصر البصائر» می باشد. خطبه‌ای است طولانی شامل خبر از احوال آینده از جمله قیام مهدی. قسمتی از این خطبه چنین است: «العجب کلّ العجب بین جمادی و رجب». (ذریعه، ج ۷، ص ۲۰۵)

[۴۲] خطبة لؤلؤه / لؤلؤیه (۲۴۷): این خطبه در نهج البلاغه ذکر نشده، اما در متابعی معتبر چون بحار الانوار (جلدهای ۳۱، ۴۱ و ۵۲)، کفایة الاثر و مناقب ابن شهر آشوب (ج ۲) موجود می باشد.

[۴۳] خطبة البیان (۳۷۷ و ۷۰۸): از خطبه‌های مشهوری است که به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده‌اند، نسخه‌های متعدّد و متفاوتی از آن موجود می باشد، اما سید رضی رحمته الله این خطبه را در نهج البلاغه نیاورده است. ابن شهر آشوب نیز با آنکه برخی خطبه‌های مشهور آن حضرت را - که در نهج البلاغه نیامده - ذکر نموده، یادی از این خطبه نکرده است، اما شروح متعدّدی بر آن نگاشته‌اند. خطبة البیان هفتاد کلمه دارد

و با این جملات شروع می‌شود: «الحمد لله بدیع السموات و فاطرها، و ساطع المدحیات...». به قولی «خطبة الیّان» و «خطبة الافتخار» یکی است. (ذریعه ۷: ۲۰۰ / کشف الظنون ۱: ۷۱۵)

[۴۴] دابق (۶۱۳ و ۶۲۰): روستایی است در چهار فرسخی حلب. (معب)

[۴۵] دمباط (۳۶۳ و ۳۶۴): شهری قدیمی بین تنیس و مصر در زاویه‌ای بین دریای شور روم و نیل. (معب)

[۴۶] دورق (۳۶۳): شهری در خوزستان. (معب)

[۴۷] دیتور (۳۶۳): از شهرهای مهم کوهستانی در کردستان ایران.

[۴۸] ذراع (۴۶۳): هر ذراع بین پنجاه تا هفتاد سانتیمتر است.

[۴۹] ذی طوی (۳۵۵ و ۵۰۸): کوهی مجاور شهر مکه است.

[۵۰] رأس العین (۳۶۳): شهر بزرگ معروفی است که بین حرّان و نصیبین و دینسر واقع شده. (معب)

[۵۱] رحبه (۵۹۳): آثار شهری در کنار فرات اوسط. بنیانگذار آن مالک بن طوق تغلبی است و در زمان حکومت مأمون عباسی تأسیس شد. به «رحبه مالک» نیز معروف است. (منج)

[۵۲] رقه (۳۶۳): شهر معروفی است بر ساحل فرات که سه روز تا حرّان فاصله دارد. (معب)

[۵۳] رمله (۳۶۳): شهر بزرگی در فلسطین. (معب)

[۵۴] رومیه (۴۸۷، ۶۱۴، ۶۲۳): شهری است در مدائن یا در روم. (قاموس)

[۵۵] ریا (۱۸۱): ریا یعنی خود را به نیکوکاری جلوه دادن بر خلاف حقیقت، تظاهر به نیکوکاری و پا کدامنی. (دیگران او را در حال انجام کار نیک می‌بینند)

[۵۶] زبید (۳۶۳): شهری معروف در یمن که در زمان حکومت مأمون عباسی تأسیس شد. (معب)

[۵۷] زوراء (۳۶۳): شهری در عراق. نک: حدیث ۲۴۷.

[۵۸] سرات (۳۶۳): کوه‌ها و زمین‌های وسیعی بین تعامه و یمن. (معب)

[۵۹] سعیر (۲۶۱): احتمالاً نام محلی است که در معاجم نیامده، شاید هم تصحیف

- «سعد» باشد که محلی در نزدیکی مدینه و کوهی در حجاز و شهری است که در آن زره می سازند، و «سعد» محلی در نزدیکی یمامه است. و «سغد» مکان معروفی است در سمرقند. (القاموس المحيط)
- [۶۰] سلوی (۴۹۱): نام پرنده‌ای است. (مفردات راغب) بلدرچین. (فرهنگ لاروس) در سوره بقره: ۵۷، اعراف: ۱۶۰ و طه: ۸۰ از آن یاد شده است.
- [۶۱] شمه (۱۸۱): شمه یعنی اینکه شخص، کار نیکو بکند و خود را سر زبان‌ها بیندازد تا به نیکوکاری مشهور شود. (دیگران او را در حال انجام کار نیک نمی بینند و فقط وصف کارش را می شنوند)
- [۶۲] سنجار (۳۶۴): شهری معروف از نواحی جزیره که سه روز راه تا موصل فاصله دارد. (معب)
- [۶۳] سواد (۷۳۸): قریه‌ها و روستاهای اطراف کوفه. (کتاب العین، سود)
- [۶۴] سوره (۳۶۳): موضعی کنار بغداد. (معب)
- [۶۵] سیار (۳۶۳): شتراری در نجد که جنگلی در آن رخ داد. (معب)
- [۶۶] سیراف (۳۶۳ و ۳۶۴): شهری با شکوه بر ساحل دریای فارس که در گذشته از بندرهای هند بود. (معب)
- [۶۷] صاع (۴۷۰ و ۴۹۱): چهار برابر مُد، و معادل ۲۸۳۲ گرم.
- [۶۸] صور (۳۶۳): از شهرهای مرزی معروف مسلمانان است، که مشرف بر دریای شام. دریا از همه طرف آن را احاطه نموده بجز طرفی که دروازه آن است. (معب)
- [۶۹] صیداء (۳۶۳): از شهرهای ساحلی لبنان.
- [۷۰] طبریه (۴۱۹، ۴۲۱، ۴۸۳، ۴۹۱، ۵۹۲، ۵۹۷): دریاچه‌ای در فلسطین که رود اردن از آن می‌گذرد. (منج) و به قولی همان دریاچه خزر است.
- [۷۱] طرطوس (۳۶۳): شهری در شام (سوریه) مشرف بر دریا در نزدیکی مرقب و عکا. (معب)
- [۷۲] طنجه (۳۶۳): شهری در مملکت مغرب واقع در تنگه طارق. (منج)
- [۷۳] عامر (۳۶۳): کوهی در مکه. (معب)
- [۷۴] عانه (۳۶۳): شهری معروف بین رقه و هیت که تحت سلطه الجزیره است. (معب)

[۷۵] عَدَن (۲۷۷، ۲۸۲، ۳۶۳): شهری معروف واقع در ساحل اقیانوس هند (خلیج عدن) در جنوب یمن. (معب)

[۷۶] عرار (۳۶۳): موضعی در دیار باهله از سرزمین یمامه. (معب)

[۷۷] عسقلان (۳۶۳): شهری ساحلی در سوریه و از توابع فلسطین، بین غزه و بیت‌جبرین. (معب)

[۷۸] عسکر مکرم (۳۶۳): یکی از محله‌های حومه اهواز است. (الانساب: ۳)

[۷۹] عکبرا (۳۶۳ و ۳۶۴): از شهرهای عراق.

[۸۰] عین الشمس (۲۴۴): شهر فرعون مصر که سه فرسخ با فسطاط فاصله دارد. (حاشیه دلائل الامامة)

[۸۱] غُثَاء (۲۵۸): غُثَاء: زباله، کفی که جلو سیل می‌آید، برگ‌های خشک و پوسیده درختان که سیل آنها را به هر طرفی می‌برد. (اقراب الموارد)

[۸۲] فاریاب (۳۶۴): شهری مشهور در خراسان از توابع جوزجان و نزدیک بلخ در غرب جیحون. (معب)

[۸۳] فرغانه (۳۶۴): شهری بزرگ در ماوراء النهر. (معب)

[۸۴] فسطاط (۳۶۳ و ۳۶۴): اولین شهری که اعراب در مصر در نزدیکی بابلون بر ساحل شرقی نیل ساختند. (منج)

[۸۵] قاعوس (۲۴۴): شاید تصحیف «القاعون» باشد که کوه بلندی در اندلس (اسپانیا) است. (حاشیه دلائل الامامة)

[۸۶] قذف (باب ۱۱، فصل ۵): قذف آن موضعی است که فرود آید یا لغزش پیدا کند (اقراب الموارد). در اینجا شاید مقصود ریزش چیزی مثلاً سنگ از آسمان باشد.

[۸۷] قراح (۳۶۳): در بغداد چندین محله آباد است که آنها را قراح گویند. (معب)

[۸۸] قسطنطنیه / قسطنطنیه (باب ۲۳، فصل ۲): همان استانبول (آستانه) است که پیش از آن به بیزانس معروف بود. در قرن هفتم (ق.م) توسط رومیان بنا گردید. به سال ۳۳۰ قسطنطنین آنجا را پایتخت امپراتوری روم شرقی قرار داد و نام خود را بر آنجا گذاشت، و تا وقتی توسط عثمانی‌ها (۱۴۵۳م) فتح شد، مرکز امپراتوری بیزانس بود. (منج)



- [۸۹] قَطْوَان (۱۳۵): قَطْوَان محلی نزدیک کوفه است که در آنجا عباهای سفید با الیاف و کرک‌های کوتاه می‌سازند. (مجمع البحرین)
- [۹۰] قَطِيف (۳۶۳): از شهرهای عربستان. (منج)
- [۹۱] قُفص (۲۶۱): مردمانی سارق هستند که در اطراف کرمان ساکن‌اند. (القاموس المحيط)
- [۹۲] قُلْزُم (۳۶۴): لنگرگاهی قدیمی در مصر، در شمال دریای سرخ. (منج)
- [۹۳] قَلْقِیلا (۳۶۳): محله‌ای نزدیک بیت المقدس.
- [۹۴] قَوْص (۳۶۳): از شهرهای بزرگ مصر که از آن تا فسطاط ۱۲ روز راه است. (معب)
- [۹۵] قَوْمَس (۳۶۴): منطقه‌ای وسیع در پایین کوه‌های طبرستان که مرکز آن دامغان است و بین ری و نیشابور قرار دارد. (معب)
- [۹۶] کازرون (۳۶۳): از شهرستان‌های استان فارس امروزی.
- [۹۷] کَرخ (۳۶۳): از مناطق غربی بغداد.
- [۹۸] مُد (۴۷۰): یک چهارم صاع، و معادل ۷۰۸ گرم.
- [۹۹] مراد (۳۶۳): از قبایل جنوب ساکن بین نجران و مأرب. (منج) قلعه‌ای نزدیک قرطبه اندلس (اسپانیا). (معب)
- [۱۰۰] مَرَج (۳۶۳): شهری است در لیبی.
- [۱۰۱] مَسْخ (۱۹۸، ۲۱۹، ۳۰۹): لاغر و رنجور کردن. تبدیل صورتی به زشت‌ترین صورت‌ها. انتقال نفس ناطقه از بدن انسان به بدن حیوان دیگری که در پاره‌ای از اوصاف با او مناسب باشد. (فرهنگ لاروس)
- [۱۰۲] مَنّ (۴۹۱): شهدی گیاهی و شیرین مزه. در سوره‌های بقره: ۵۷ - اعراف: ۱۶۰ - طه: ۸۰ از آن یاد شده است. (مفردات راغب)
- [۱۰۳] موصل (۳۶۳ و ۳۶۴): شهرکی در ساحل شرقی دجله. (معب)
- [۱۰۴] موقان (۳۶۴): منطقه‌ای کوهستانی در آذربایجان. (معب)
- [۱۰۵] مولى (۱۴، ۱۱۵، ۲۳۵، ۳۶۴، ۴۴۵، ۴۸۷): «مولى» غالباً در کلام علمای رجال، مسلمان غیر عرب را گویند. اما وقتی گفته می‌شود «مولى بنی فلان» یعنی شخصی که غلام قبیله‌ای است یا با آنها پیمانی دارد. (معجم الثقات من جامع الرواة: ۱۶)

[۱۰۶] مؤاخذه به خاطر اعمال قبل و بعد از مسلمان شدن (۷): از رسول خدا ﷺ به تواتر نقل شده که فرمود: «الاسلامُ یَجِبُ ما قَبْلَهُ» (اسلام چیزهای قبل از خود را قطع می‌کند)، به این معنی که وقتی فرد غیر مسلمانی اسلام را می‌پذیرد، به محض مسلمان شدن، هرچه از حق الله (واجبات و محرمات) برگردنش بوده از او ساقط می‌گردد. اما عمومیت آن روایت مقید به روایت ذکر شده است، یعنی فرد مسلمان در صورتی از اسلامش نفع می‌برد که به ائمه حق اقتدا نماید، در غیر این صورت، نه تنها به خاطر اعمال قبلش مؤاخذه می‌گردد، بلکه در مورد اعمال بعد از مسلمانی هم باید جواب بدهد که با چه ملاکی و به دستور چه کسانی عمل نموده. البته با تأمل در متن حدیث شریف، می‌توان استفاده کرد: کسی که پس از پذیرفتن اسلام به امام حق اقتدا ننماید، اصلاً مسلمان نشده است.

[۱۰۷] نَرْد (۱۸۱): در روایت «الکوبه» است که در لغت علاوه بر «نرد» به معنای «شطرنج» و «طبل میان باریک» نیز آمده.

[۱۰۸] نصیبین (۳۶۳ و ۳۶۴): شهری آباد از بلاد جزیره که سر راه قافله‌های موصل به شام قرار دارد. (معرب)

[۱۰۹] واسط (۳۶۳): یکی از استان‌های عراق.

[۱۱۰] هجر (۳۶۳): مرکز بلاد بحرین که سه روز تا سرین فاصله دارد. (منج)

[۱۱۱] هرات (۳۶۳ و ۳۶۴): شهری در شمال غربی افغانستان.

[۱۱۲] هفت یا نه (۲۳ و ۶۷۷): تردید در هفت سال و نه سال شاید به این دلیل است که در گذشته نقطه گذاری نبوده، بنابراین چون دو عدد «سَبْع=۷» و «تِسْع=۹» هر دو چهار دندانه دارد در برخی مواقع مشتبه شده است.

[۱۱۳] یافا (۳۶۴): شهری ساحلی از توابع فلسطین، بین قیساریه و عکا. (معرب)

[۱۱۴] یَسَع (۴۶۳): یکی از پیامبران الهی به این نام است که در قرآن کریم (انعام: ۸۶-ص: ۴۸) هم از ایشان یاد شده. اما این شخصی که در روایت آمده معلوم نیست همان جناب یسع پیامبر است یا شخص دیگری به این نام!

[۱۱۵] یمامه (۳۶۳): از واحه‌های عربستان که امروزه به «العارض» معروف است. (منج)

## فهرست آیات

- ارم ذات العباد، ۲۱۷  
أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ، ۱۳۱  
أَزِفَتِ الْأَرْفَقَةُ، ۱۳۲  
أَلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، ۱۳۲  
أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً...، ۸۶، ۱۵۶  
خَائِفًا يَتَرَقَّبُ، ۶۶  
فَأَصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسَاكِينَهُمْ، ۳۰۳  
فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ...، ۸۳  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ۷۸، ۲۶۴  
وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ...، ۱۵  
وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ، ۵۳  
وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً، ۲۶۵، ۲۹۴  
وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، ۱۴۸، ۲۳۰، ۲۳۳  
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، ۱۷  
وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ، ۹۵  
وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، ۲۶  
يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ، ۲۰  
يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ...، ۱۲۴، ۱۲۸، ۲۳۷، ۲۴۲

## فهرست اعلام

ابراهیم بن صفیر، ۱۶۴	مهدی، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳
ابراهیم بن علی، ۱۶۱	۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴
ابراهیم بن عمر، ۱۶۱	۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶
ابراهیم بن محمد، ۱۶۶	۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۸
ابراهیم بن مسعود، ۱۶۵	۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۵، ۸۹، ۹۲
ابراهیم بن یوسف، ۱۶۱	۹۵، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲
انقع، ۱۳۸	۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۲
ابلیس، ۳۰۲	۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۷۲
ابن حجر، ۱۳	۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۶، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵
ابن صائد، ۱۹۸	۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۴
ابن عباس، ۳۴، ۱۲۰	۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱
ابن مسعود، ۱۱۷	۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۰
ابوالقاسم، ۷۷	۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۸
ابو ثعلبه خُشَنی، ۱۰۴	۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۸
ابو خالد حلّیبی، ۱۷۳، ۱۵۷، ۶۵	آدم، ۱۱، ۱۳۷، ۲۱۶
ابوداود، ۱۳	آلبرت اینشتین، ۱۲
ابوداود شعشاع، ۱۶۶	آبان بن محمد، ۱۶۳
ابوذر، ۲۲۸	ابراهیم، ۵۸، ۱۳۸
ابوسعید خدری، ۴۱، ۴۴، ۵۶، ۷۰، ۲۳۴	ابراهیم بن اسحاق، ۱۶۳
ابوسفیان، ۱۱۳، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۵، ۲۵۷، ۲۷۹	ابراهیم بن صباح، ۱۶۰

بخاری، ۱۳	ابو عبدالله گنجی، ۱۳
بُخت نَصْر، ۱۰۶	ابولبابه بن مدرک، ۱۶۱
بدر، ۴۱، ۴۴، ۵۶، ۸۶، ۱۳۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵	ابونعیم اصفهانی، ۱۳
۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۳، ۲۱۳، ۲۲۴، ۲۲۵	احمد، ۱۳، ۱۵۷
۲۲۶، ۲۳۴، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۷۲، ۲۷۴	احمد بن حمید، ۱۶۳
برتراند راسل، ۱۲	احمد بن ریحان، ۱۶۵
برنارد شاو، ۱۲	احمد بن سکنده، ۱۶۰
بشیر، ۱۰۴	احمد بن سلیمان، ۱۶۴
بکر بن حر، ۱۶۶	احمد بن عمر، ۱۶۰، ۱۶۱
بکر بن خالد، ۱۶۵	احمد بن مسلم، ۱۶۴
بکر بن عبدالله، ۱۶۵	احمد بن ملیح، ۱۶۶
بلیل بن مالک، ۱۶۲	احمد بن هارون، ۱۶۲
بلیل بن وهاب، ۱۶۱	اخوص بن محمد، ۱۶۲
بندار بن خلیل، ۱۶۰	آدس بن محمد، ۱۶۶
بنی اسرائیل، ۲۴، ۲۵، ۶۳، ۲۱۷	ارم بن علی، ۱۶۲
بنی امیه، ۳۷، ۱۸۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۳۱، ۲۴۱	ارمیا، ۲۱۷
۲۵۹	ازدجاه بن وایص، ۱۶۷
بنی تمیم، ۱۶۹، ۲۷۴، ۲۷۵	اسحاق، ۱۵۷
بنی عباس، ۱۱۲، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۶۹، ۱۷۸، ۲۰۴	اسرائیل قطان، ۱۶۲
۲۰۵، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۵۹	اسرافیل، ۲۷۱
بنی هاشم، ۴۲، ۵۷، ۱۴۹، ۲۵۹، ۲۷۸	اشعث بن مالک، ۱۶۴
بور بن زائده، ۱۶۴	اشعری، ۱۱۷
بهرام بن سرح، ۱۶۱	اصبغ بن نباته، ۱۹۸
بهرام بن علی، ۱۶۲	اکتب، ۱۰۹
ترک بن شبه، ۱۶۱	اکلب، ۱۰۹
ترمذی، ۱۳	ام سلمه، ۱۹۱، ۲۲۸
تملیخا، ۲۹۴	بادصبا بن سعد، ۱۶۳

حارث، ۱۷۱، ۲۷۶، ۲۹۷	تمیم، ۲۷۶
حارث بن ابی ربیعہ، ۱۹۱	تمیم بن الیاس، ۱۶۵
حارث بن حرّاث، ۱۶۸، ۲۷۵	تیمور بن حرث، ۱۶۶
حارث بن میمون، ۱۶۵	ثقیف، ۲۷۶
حاکم نیشابوری، ۱۲	جاب بن سعید، ۱۶۵
حامد، ۱۶۳	جابر، ۴۹، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۵۰، ۲۲۲، ۲۷۷
حیب بن حنان، ۱۶۶	جابر بن سفیان، ۱۶۶
حجر بن عبدالله، ۱۶۴	جابر بن علی احمر، ۱۶۰
حذیفہ، ۱۰۳، ۱۰۴	جبرئیل، ۲۹، ۵۵، ۵۸، ۱۷۱، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷
حذیفہ بن یمان، ۱۴۴	۱۹۲، ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۷۱
حرب، ۱۸۵	۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۸، ۲۷۹
حرب بن صالح، ۱۶۰	جبریل حداد، ۱۶۱
حرب بن عبدالله، ۱۶۵	جحد بن زیت، ۱۶۳
حرّ بن جمیل، ۱۶۶	جریر بن رستم، ۱۶۰
حر بن زبرقان، ۱۶۵	جعفر، ۵۱، ۵۲، ۱۵۷، ۱۶۶
حرسی بن سعید، ۱۶۶	جعفر الشاہ، ۱۶۰
حرشام بن کردم، ۱۶۲	جعفر بن ابی طالب، ۵۳، ۱۷۱، ۲۷۷
حسکة بن ہاشم، ۱۶۲	جعفر بن زکریا، ۱۶۶
حسن، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵	جعفر بن سعید، ۱۶۵
۱۵۷، ۱۷۱، ۲۱۴، ۲۷۶، ۲۹۷	جعفر بن طرخان، ۱۶۱
حسن بن حسن، ۱۶۲	جعفر بن عبدالرحمن، ۱۶۳
حسن بن علی، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۰۴	جلال الدین سیوطی، ۱۳
حسنى، ۱۷۰، ۱۷۲، ۲۷۶، ۲۹۷	جموح، ۱۰۹
حسین، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵	جمهور بن حسین، ۱۶۱
۵۹، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۷۲، ۲۱۴، ۲۷۶، ۲۹۷	جمیل بن عامر، ۱۶۱
حسین بن علوان، ۱۶۶	جواد بن بدر، ۱۶۳
حسین بن علی، ۲۴، ۴۵، ۱۲۴، ۱۶۲، ۲۵۷	جور، ۱۶۰

حفص، ۱۵۷	خلیل بن نصر، ۱۶۱
حلال بن حمید، ۱۶۶	خور بن طرخان، ۱۶۶
حماد بن جابر، ۱۶۶	خوشب بن جریر، ۱۶۰
حماد بن جمهور، ۱۶۴	خیثمه، ۵۸
حماد بن محمد، ۱۶۵	دانیال بن داود، ۱۶۶
حمدان بن کر، ۱۶۲	داود، ۱۵۷، ۲۱۲
حمزه، ۵۱، ۵۲	داود بن جریر، ۱۶۱
حمزة بن طاهر، ۱۶۵	داود بن محق، ۱۶۳
حمزة بن عباس، ۱۶۱	دجال، ۲۴، ۴۵، ۵۷، ۵۸، ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۲۳،
حمزة بن عبدالمطلب، ۵۲	۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۴۶، ۱۹۵، ۱۹۶،
حمید بن ابراهیم، ۱۶۱	۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳،
حمید بن قیس، ۱۶۴	۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۹،
حمید بن نافع، ۱۶۲	۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۷،
حمید قدوسی، ۱۶۶	۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۹۰
حواشة بن فضل، ۱۶۵	درید، ۱۵۷
حوید بن بشر، ۱۶۲	دهیم بن جابر بن حمید، ۱۶۰
حیدر بن ابراهیم، ۱۶۵	ذوالفقار، ۲۲۸، ۲۷۳
خالد، ۱۶۱، ۱۸۵	ذوالقرنین، ۲۹۶
خالد بن سعید بن کریم، ۱۶۰	رتاب بن جلد، ۱۶۴
خالد بن عبدالقدوس، ۱۶۵	ربا بن حفص، ۱۶۵
خالد بن عیسی، ۱۶۱	ربیعة بن علی، ۱۶۵
خالد بن یزید، ۱۷۹	رهبانی، ۱۰۹
خالد قوانس، ۱۶۲	ریاش بن سعید، ۱۶۱
خدوع، ۱۰۹	زائده بن هبه، ۱۶۶
خراسانی، ۱۷۰، ۱۹۷، ۲۷۷	زرارة بن ابراهیم، ۱۶۱
خلیع، ۱۰۹	زرارة بن جعفر، ۱۶۲
خلیل بن سید، ۱۶۴	زرود بن سوکن، ۱۶۱

زکریا بن حبه، ۱۶۱	سلیمان، ۲۱۶
زهیر بن طلحه، ۱۶۶	سلیمان بن حر، ۱۶۶
زیاد بن رزین، ۱۶۳	سلیمان بن داود، ۱۶۵، ۲۱۶، ۲۱۷
زیاد بن صالح، ۱۶۱	سلیمان بن دیلمی، ۱۶۲
زیاد بن عبدالرحمن، ۱۶۰	سلیمان بن صبیح، ۱۶۳
زیادةالله بن رزق الله، ۱۶۶	سلیمان بن طلیق، ۱۶۱
ساحمة، ۱۸۵	سلیم بن وحید، ۱۶۳
سبره، ۴۵	سمعان، ۱۶۲
سحاب، ۲۷۹، ۲۷۳	سمعان بن فاخر، ۱۶۱
سحیق بن سلیمان، ۱۶۰	سمیم بن مطر، ۱۶۳
سَرِّی بن اغلب، ۱۶۶	سوید بن یحیی، ۱۶۴
سعد، ۱۶۰	سهل بن رزق الله، ۱۶۱
سعید بن عثمان، ۱۶۲	سهل بن علی، ۱۶۲
سعید بن علی، ۱۶۶	سیّاب بن عبّاس، ۱۶۳
سعید بن مسیب، ۴۲	سیار، ۱۰۹
سعید سوسی، ۲۷۷، ۱۵۰	شاکر بن عبیده، ۱۶۵
سقّاح، ۱۰۹	شاه بن بزرج، ۱۶۶
سفیانی، ۱۰۸، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۷	شاهد بن بندار، ۱۶۱
۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴	شاهویه بن حمزه، ۱۶۱
۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۰۴، ۲۰۵	شیبیب بن عبدالله، ۱۶۵
۲۲۱، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵	شدّاد، ۱۵۷
۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۵، ۲۷۷	شدید، ۱۵۷
سلم، ۱۶۰	شرحیل بن جمیل، ۱۶۵
سلمان، ۴۳، ۴۴، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۹، ۹۰	شرحیل سعدی، ۱۶۴
۱۰۷، ۱۴۳، ۲۲۸	شعبة بن علی، ۱۶۳
سلمان بن یعقوب، ۱۶۳	شعیب، ۲۱۶
سلم بن سلیم، ۱۶۰	شعیب بن صالح، ۱۵۰، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۱۹، ۲۵۳



عاصم بن خلیط، ۱۶۳	۲۷۷، ۲۷۵
عاملی، ۱۳	شعیب بن موسی، ۱۶۴
عبادة بن مهور، ۱۶۱	شهمرد بن حمران، ۱۶۰
عباس، ۱۷۱، ۲۷۸	شیصبان، ۱۰۹
عباس بن بقر، ۱۶۲	صائد بن صید، ۱۹۸
عباس بن عبدالمطلب، ۲۸۹	صالح بن الرحال، ۱۶۰
عباس بن فضل، ۱۶۰	صالح بن جریر، ۱۶۲
عباس بن هاشم، ۱۶۲	صالح بن شعیب، ۱۶۹، ۲۱۹، ۲۷۵
عبدالاعلی بن ابراهیم، ۱۶۲	صالح بن طیفور، ۱۶۵
عبدالرحمن، ۲۴	صالح بن نعیم، ۱۶۲
عبدالرحمن بن اعطف، ۱۶۶	صالح بن هارون، ۱۶۴
عبدالرحمن بن عوف، ۲۲۸	صباح، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۵۵
عبدالرزاق، ۱۵۷	صخر بن عبدالصمد، ۱۶۷
عبدالصمد، ۱۵۷	صدوق، ۱۳
عبدالعظیم بن عبدالله، ۱۶۲	صعصعة بن صوحان، ۲۴، ۴۵، ۱۲۴، ۱۲۶
عبدالکریم بن غند، ۱۶۵	صقر بن اسحاق، ۱۶۲
عبدالله، ۱۵۷	صهیب بن عباس، ۱۶۶
عبدالله بن بسر، ۲۶۶	صیاح، ۱۸۸
عبدالله بن زریق، ۱۶۳	ضرار بن سعید، ۱۶۶
عبدالله بن صاعد، ۱۶۶	طاشف بن علی، ۱۶۰
عبدالله بن صفوان، ۱۹۱	ظاهر بن عمرو، ۱۶۲
عبدالله بن عمر، ۱۹	طبرانی، ۱۳
عبدالله بن عمرو، ۱۲۵	طبرسی، ۱۳
عبدالله بن عمیر، ۱۶۱	طلحة بن سعید، ۱۶۵
عبدالله بن قرط، ۱۶۱	طلحة بن طلحه، ۱۶۲
عبدالله بن مسعود، ۲۴	طوسی، ۱۳
عبدالله بن مطیع، ۱۹	ظلام، ۱۰۹

- عبدالله بن يحيى، ۱۶۲  
 عبدالمطلب، ۴۲، ۵۱، ۵۲  
 عبيد بن محمد، ۱۶۳  
 عبيدة بن علقمة، ۱۶۵  
 عتاب بن مالك، ۱۶۳  
 عثار، ۱۰۹  
 عثمان، ۱۸۵، ۱۸۰  
 عثمان بن علي، ۱۶۲  
 عذاف، ۲۷۶  
 عريان بن خفان، ۱۶۳  
 عريب بن عبدالله، ۱۶۰  
 عضم بن عيسى، ۱۶۵  
 عقبه بن وفر، ۱۶۱  
 عقيل، ۱۷۱، ۲۷۶، ۲۹۷  
 علام، ۱۰۹  
 علاء بن حميد، ۱۶۳  
 علقمة بن ابراهيم، ۱۶۵  
 علقمة بن مدرک، ۱۶۱  
 علي، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵،  
 ۵۶، ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۱۳۲، ۱۵۷  
 علي بن ابي طالب، ۲۵، ۳۷، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۲،  
 ۵۵، ۶۲، ۷۰، ۱۰۶، ۱۲۶، ۲۵۷  
 علي بن احمد، ۱۶۲  
 علي بن جعفر، ۱۶۲  
 علي بن حمويه، ۱۶۲  
 علي بن خالد، ۱۶۰  
 علي بن زائدة، ۱۶۴  
 علي بن سندی، ۱۶۱  
 علي بن عبدالصمد، ۱۶۰  
 علي بن علقمة، ۱۶۳  
 علي بن كلثوم، ۱۶۱  
 علي بن معاذ، ۱۶۴  
 علي بن موسى، ۱۶۴  
 علي كوراني، ۱۷  
 عمّار، ۲۱۴  
 عمارة بن معتر، ۱۶۰  
 عمر، ۱۶۸، ۲۹۴، ۳۰۴  
 عمران بن خالد، ۱۶۲  
 عمر بن خطاب، ۶۲  
 عمر بن عمير، ۱۶۱  
 عمرو بن عمر، ۱۶۲  
 عمرو بن فروه، ۱۶۵  
 عنبرة بن قرطه، ۱۶۴  
 عنبسه، ۱۸۵، ۱۸۰  
 عوف، ۸۷، ۸۹، ۱۱۹  
 عوف سلمی، ۱۷۰، ۲۷۷  
 عياص بن عاصم، ۱۶۴  
 عيسى، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۶۷،  
 ۶۸، ۱۲۶، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴،  
 ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۲  
 عيسى بن تمام، ۱۶۵  
 عيسى بن مريم، ۲۴، ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۶،  
 ۷۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۴۷، ۱۴۸،  
 ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲

کرد بن حنیف، ۱۶۳	۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹
کردوس ازدی، ۱۶۰	۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۹، ۲۶۴
کردوس بن جابر، ۱۶۳	عیسی بن موسی، ۷۰، ۱۶۱
کردین بن شیبان، ۱۶۲	عینوق، ۱۰۹
کلیب، ۱۸۵	غالب، ۲۹۹
کلیب شاهد، ۱۶۰	غسان بن محمد، ۱۶۲
کلینی، ۱۳	غلفان، ۱۵۷
کسلمینا، ۱۶۸، ۲۹۴	غوث اعرابی، ۱۶۵
لقیط بن فرات، ۱۶۳	فاطمه، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۵۲، ۵۶، ۵۹
ماسح بن عبدالله، ۱۶۲	۲۳۴
مالک بن حرب، ۱۶۱	فرعون، ۱۳۸
مالک بن خلید، ۱۶۶	فزاره بن بهرام، ۱۶۱
ماهان بن کثیر، ۱۶۶	فضل بن عمیر، ۱۶۳
مأجوج، ۱۲۳، ۱۲۵	فیاض بن ضرار، ۱۶۵
مبارک بن معمر، ۱۶۲	قحطانی، ۱۰۴
مترف، ۱۰۹	قدیم، ۱۵۷
متقی هندی، ۱۳	قرعان بن سوید، ۱۶۰
متوکل بن عبدالله، ۱۶۵	قریش، ۲۳، ۲۵، ۴۲
مجوس، ۳۷	قُفص، ۱۱۵
مجح بن خربوذ، ۱۶۱	قودة الأعلم، ۱۶۵
محمد، ۱۵، ۳۲، ۳۹، ۵۲، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۲	قیس، ۲۷۶
۱۰۵، ۱۱۰، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۷۸، ۲۲۳	کائن بن حنید، ۱۶۱
محمد بن جیهار، ۱۶۱	کامل بن عفیر، ۱۶۴
محمد بن حماد، ۱۶۱	کامل بن هشام، ۱۶۲
محمد بن خالد، ۱۶۲	کبش، ۱۰۹
محمد بن روایة، ۱۶۵	کثیر، ۱۶۱
محمد بن عبدالله، ۶۳	کدید، ۱۰۹

- محمد بن عمر، ۱۶۰  
 محمد بن مسلم، ۶۷، ۱۳۳  
 محمود بن محمد، ۱۶۲  
 محمود بن عبدالرحمن، ۱۶۰  
 مرجئة بن عمرو، ۱۶۵  
 مروان، ۱۲۵  
 مروان بن جمیل، ۱۶۱  
 مروان بن علابه، ۱۶۲  
 مرّة، ۱۸۵  
 مریم، ۵۸، ۲۴۲، ۲۹۸، ۳۰۰  
 مستصعب، ۱۰۹  
 مسرف، ۱۰۹  
 مسکان بن جبلة، ۱۶۲  
 مسلم، ۱۳  
 مسلم بن هوامرد، ۱۶۴  
 مسیح، ۲۶۳  
 مصطلم، ۱۰۹  
 مطرف بن عمر، ۱۶۵  
 مظفر، ۱۰۹  
 معاذ بن جبرئیل، ۱۶۱  
 معاذ بن سالم، ۱۶۱  
 معاذ بن علی، ۱۶۶  
 معاذ بن معاذ، ۱۶۴  
 معاذ بن هانی، ۱۶۰  
 معاویه، ۱۸۵، ۲۵۷  
 مقداد، ۲۲۸  
 مقلاص، ۱۰۹  
 مکسلمینا، ۱۶۶، ۲۹۴  
 ملیح بن سعد، ۱۶۴  
 ملیخا، ۱۶۸  
 منذر بن زید، ۱۶۶  
 منزل بن عمران، ۱۶۴  
 منصور، ۱۶۸، ۲۷۵  
 موسی، ۶۶، ۶۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۱۲، ۲۱۶،  
 ۲۱۷، ۲۷۷، ۲۹۵  
 موسی بن داود، ۱۶۱  
 موسی بن زرقان، ۱۶۳  
 موسی بن عمران، ۱۶۲، ۲۱۶  
 موسی بن عون، ۱۶۶  
 موسی بن کردویه، ۱۶۳  
 موسی بن مهدی، ۱۶۱  
 مؤنث، ۱۰۹  
 مهتور، ۱۰۹  
 مهدی بن هند، ۱۶۴  
 مهدی بن هند بن عطارد، ۱۶۴  
 میسرة بن غندر، ۱۶۵  
 میکائیل، ۵۵، ۱۷۱، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۶، ۲۵۵،  
 ۲۶۱، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۹  
 نجم بن عقبه، ۱۶۷  
 نزال بن سبره، ۲۴، ۴۵، ۱۲۴، ۱۲۷  
 نزل بن حزم، ۱۶۲  
 نسایی، ۱۳  
 نصر بن حواس، ۱۶۴  
 نصر بن منصور، ۱۶۳

نظار، ۱۰۹	یحیی، ۱۵۷
نفس زکیه، ۱۷۸	یحیی بن بدیل، ۱۶۵
نوح، ۱۳۸، ۱۹۶	یحیی بن خالد، ۱۶۱
نوح بن جویر، ۱۶۴	یحیی بن زکریا، ۱۳۸، ۱۸۴
نوری، ۱۳	یحیی بن نعیم، ۱۶۴
نوفل بن عمرو، ۱۶۴	یرکرد، ۱۶۱
وسیم، ۱۰۹	یزید، ۱۸۵
وکایا بن سعد، ۱۶۵	یزید بن درست، ۱۶۱
وهب بن خربند، ۱۶۳	یزید بن قادر، ۱۶۷
هارون، ۲۱۷	یزید بن معاویه، ۱۹، ۲۵۷
هارون الرشید، ۲۸۹	یسع، ۲۰۶
هارون بن صالح، ۱۶۵	یعقوب، ۱۵۷
هارون بن عمران، ۱۶۲، ۱۶۳	یمانی، ۱۷۰، ۱۷۲، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۹۰
هانی، ۱۶۳	یوسف، ۶۶، ۶۸
هبل بن کامل، ۱۶۳	یوسف بن صریا، ۱۶۰
هبة الله بن زریق، ۱۶۳	یوسف بن یعقوب، ۶۷
هشام بن فاخر، ۱۶۵	یونس بن صقر، ۱۶۴
همام بن فرات، ۱۶۵	یونس بن متا، ۶۷
هند، ۱۸۵	یونس بن یوسف، ۱۶۴
یا جوج، ۱۲۳، ۱۲۵	

## فهرست مکان‌ها

افریقیه، ۱۱۵	آبادان، ۱۵۸
افیق، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۵۸	آبد، ۱۵۸
اکرعه، ۲۲۸	آمل، ۱۵۷
انبار، ۱۵۸	ابدح، ۱۵۷
اندلس، ۱۱۵، ۲۶۲	آبله، ۱۶۵
انطاکیه، ۱۵۸، ۱۶۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷	ابهر، ۱۵۸
اهواز، ۱۵۷، ۱۶۵	احساء، ۱۵۹
آیلون، ۱۰۸	ادنه، ۱۵۸
ایلیا، ۱۶۹، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۸	اذرح، ۱۵۹
بارود، ۱۶۰	اردبیل، ۱۵۸
باستان، ۱۵۷	اردن، ۱۸۱
باغه، ۱۶۴	ارمنیه، ۱۱۵، ۱۵۸
بالس، ۱۵۸، ۱۵۹	اسکندریه، ۱۵۹
بالسین، ۱۶۵	اسمه، ۱۵۷
بدلیس، ۱۵۸	اسوان، ۱۶۴
برجان، ۱۵۸	اصطخر، ۱۶۵
برقه، ۱۵۹، ۱۶۴	اصفهان، ۱۵۷، ۱۹۷، ۲۰۹
برگری، ۱۵۸	اعماق، ۲۶۳، ۲۶۷
بروجرد، ۱۵۷	افرنجه، ۱۵۹

حبشه، ۱۱۵	بریده، ۱۶۷
حجاز، ۶۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۵۴، ۲۵۹	بزیع، ۱۶۰
حران، ۱۵۸، ۱۶۴	بصره، ۵۲، ۱۵۷، ۱۶۶
حلب، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۸۱	بعلبک، ۱۶۴
حلوان، ۱۰۸، ۱۶۶	بقیع، ۱۷۱، ۲۷۷
حمص، ۱۵۹، ۱۸۱	بلخ، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۹۷
حمیم، ۱۵۹	بوسنج، ۱۶۲
حنانه، ۱۵۸	بیت المقدس، ۵۷، ۵۸، ۱۵۹، ۱۶۹، ۲۰۳، ۲۰۴
حیره، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۶۵	۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۳۹، ۲۴۰
خراسان، ۱۱۵، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۹	۲۴۱، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۹۰
۱۹۶، ۲۱۹، ۲۷۵، ۲۷۷	بیداء، ۱۹۱
خرقان، ۱۶۲	تألیف، ۱۶۳
خلاط، ۱۶۳	تبوک، ۱۵۸
خمزی، ۱۵۸	تدمر، ۱۵۸
خوزستان، ۱۵۰، ۲۷۷	تفلیس، ۱۶۳
خوی، ۱۵۸	تکریت، ۱۷۰، ۲۷۷
دابق، ۲۶۳، ۲۶۷	تلیس، ۱۶۴
دارالرزق، ۱۶۱	تیس، ۱۶۴
دامغان، ۱۵۷	جابران، ۱۶۳
دانشاه، ۱۶۰	جامده، ۱۵۸
دجله، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۵	جرم، ۲۲۱، ۲۴۶
دجیل، ۱۰۹	جزیره العرب، ۱۲۳، ۱۲۶
دریای طبریه، ۲۱۷	جموح، ۱۵۸
دکار، ۱۵۹	جیحون، ۱۱۵
دمشق، ۶۳، ۱۳۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۰	جیزه، ۱۶۵
۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۳۸	چین، ۱۲، ۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹

سرخس، ۱۵۷، ۱۶۷	۲۳۹، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۷
سرخیس، ۱۵۸	دمیاط، ۱۵۹، ۱۶۴
سرن‌دیب، ۱۶۶	دورق، ۱۵۷
سروانیه، ۱۶۶	دیلم، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۹
سعیر، ۱۱۵	دینور، ۱۵۷
سلاط، ۱۶۶	ذو شفا، ۱۳۸
سلماس، ۱۵۸	ذی طوی، ۱۵۴
سمرقند، ۱۵۷، ۱۷۰، ۲۷۷	رابعه، ۱۶۴
سمیاط، ۱۶۳	رأس العین، ۱۵۸
سنجار، ۱۶۳	ربذه، ۱۶۵
سند، ۱۱۵، ۱۶۳	رقه، ۱۵۸
سندرا، ۱۶۶	رکن، ۲۴۷
سوراء، ۱۵۸	رمله، ۱۵۹
سوریه، ۱۵۹	روم، ۶۶، ۱۴۶، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۶۳
سیار، ۱۵۷	۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۹۴
سیحون، ۱۱۵	رومیه، ۲۶۸
سیراف، ۱۵۷، ۱۶۶	رها، ۱۶۴
سیستان، ۱۶۱، ۱۹۸	ری، ۱۶۲، ۲۷۵
شاخ، ۱۵۸	ریدار، ۱۶۵
شام، ۸-۱۰، ۱۱۵، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶	زبید، ۱۵۹
۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۲	زنج، ۱۶۱
۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸	زوراء، ۱۰۹، ۱۵۸
۲-۲، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۵، ۲۴۷	ساوه، ۱۵۷
۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲	سدره، ۲۵۵
۲۶۴، ۲۷۲، ۲۸۰، ۲۸۲	سرات، ۱۵۸
شوری، ۱۶۳	سراف، ۱۶۰



عراق، ۲۴، ۱۱۵، ۱۴۳، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۴۵،	شوش، ۱۵۹
۲۴۷، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۶، ۲۸۲، ۲۹۷	شوستر، ۱۵۷
عرفات، ۱۵۹	شیراز، ۱۵۷، ۱۶۶
عسقلان، ۱۵۹	شیروان، ۱۵۹
عسکر مکرم، ۱۵۷	صانعان، ۱۶۰
عَکَا، ۱۵۹	صریح، ۱۵۸
عُکَبْرَا، ۱۵۸، ۱۶۶	صفین، ۲۱۴، ۲۳۰، ۲۳۷
علالی، ۱۵۹	صقلیة، ۱۶۶
عمّان، ۱۵۷	صنعاء، ۱۶۵
عین الشمس، ۱۰۸	صور، ۱۵۹
غرر، ۱۶۱	صویقان، ۱۶۰
غزّه، ۱۵۹	صیداء، ۱۵۸
غَسّان، ۲۴۴	طازبند، ۱۶۰
فارس، ۱۵۸	طالقان، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۱، ۲۷۷
فارقین، ۱۵۸	طاهی، ۱۶۵
فاریاب، ۱۶۱	طبریه، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۱۵، ۲۵۵، ۲۵۷
فرات، ۱۰۹، ۱۱۵	طبریة، ۱۶۴
فرغانه، ۱۶۷	طرابلس، ۱۶۵
فسطاط، ۱۵۹، ۱۶۴	طرطوس، ۱۵۸
فلسطین، ۱۶۴، ۱۸۱، ۲۰۳	طنجه، ۱۵۹
قادسیه، ۱۵۸	طوس، ۱۶۰
قاعوس، ۱۰۸	طُوی، ۲۲۴
قبیج، ۱۵۸	عامر، ۱۵۹
قبرس، ۱۵۹	عانه، ۱۵۷
قبط، ۱۱۵	عدن، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۵۹
قراح، ۱۵۷	عرار، ۱۵۸

۳۰۷، ۲۷۳	قرمیس، ۱۵۹
۱۶۲، ۱۵۸، ۱۵۷، گرگان	قزوین، ۱۵۸
لد، ۲۰۳	قسطنطنیه (قسطنطنیه)، ۲۰۷، ۲۲۰، ۲۴۶
محلّه، ۱۵۹	۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹
مدائن، ۳۰۴، ۲۹۰، ۲۸۸، ۱۶۶	۲۷۰، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۶، ۳۰۱
مدینه، ۱۹، ۴۸، ۹۰، ۷۰، ۱۰۷، ۱۴۳، ۱۵۹، ۱۶۵	قسوان، ۱۵۹
۱۷۲، ۱۸۰، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۲۰	قصر، ۱۵۸
۲۲۲، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲	قصور، ۱۵۸
۲۶۳، ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۸۲	قطیف، ۱۵۹
مراد، ۱۵۸	قلزم، ۱۶۵
مراغه، ۱۵۸	قلقلا، ۱۵۸
مرج، ۱۵۷	قم، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۲
مرو، ۱۵۹، ۱۶۰	قندیل، ۱۶۵
مرورود، ۱۶۰	قورص، ۱۵۸
مسجد الحرام، ۷۷، ۲۲۴، ۲۶۰	قوص، ۱۵۹
مسجد النبی، ۷۷، ۲۶۰	قوس، ۱۶۲، ۱۶۴
مصر، ۱۲، ۷، ۱۰، ۸، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۷۳	قیروان، ۱۵۹، ۱۶۴
۲۴۷، ۲۸۰، ۲۸۲	قیموت، ۱۵۹
مغلتایا، ۱۵۸	کازرون، ۱۵۸
مقام، ۲۴۷	کراز، ۱۵۹
مگه، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۹۱، ۲۰۱	کرتا، ۱۶۵
۲۰۶، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲	کرخ، ۱۵۷
۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹	کرعه، ۲۲۸
۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴	کعبه، ۶۲، ۸۰، ۸۹، ۱۵۹، ۱۹۲، ۲۲۶، ۲۴۸
۲۷۹	۲۸۱
ملزن، ۱۶۵	کوفه، ۵۵، ۷۰، ۹۸، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۵۸، ۱۶۵

منارجرد، ۱۵۸	وادی یابس، ۱۷۷، ۱۷۸
موصل، ۱۵۸، ۱۶۳	واسط، ۱۵۸
موقان، ۱۶۳	هجر، ۱۵۹
مولیان، ۱۶۵	هرات، ۱۵۷، ۱۶۲
نجارین، ۱۶۰	همدان، ۱۵۷، ۱۶۳
نجف، ۵۵	هند، ۱۱۵، ۲۹۰
نسور، ۱۵۸	یافا، ۱۶۴
نصیبین، ۱۵۸، ۱۶۳	یثرب، ۲۶۶
نهاوند، ۱۵۷	یخشب، ۱۶۶
نیشابور، ۱۶۱	یلمورق، ۱۶۳
نیل، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۵۸، ۱۶۵	یمامه، ۱۵۷، ۱۵۹
وادی القری، ۱۶۵	یمن، ۱۱۵، ۲۲۸

## كتابنامه

۱. قرآن كريم.

۲. نهج البلاغة.

(الف)

۳. اثبات الهداة: عاملی، محمد بن الحسن الحر، المطبعة العلمية، قم.

۴. الاحتجاج: طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضى، مشهد، ۱۴۰۳ ه.ق.

۵. احقاق الحق و ازهاق الباطل: حسينی مرعشى تستری، سيد نورالله، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم.

عمر الاختصاص: شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، كنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

۷. الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة: قنوجى بخارى، محمد صديق حسن، دار الكتب

العلمية، بيروت.

۸. ارشاد القلوب الى الصواب: ديلمى، حسن بن ابي الحسن، مؤسسه شريف رضى، قم، ۱۴۱۲ ه.ق.

۹. الارشاد في معرفة حجج الله على العباد: شيخ المفيد، محمد بن محمد بن نعمان، كنگره شيخ مفيد،

قم، ۱۴۱۲ ه.ق.

۱۰. الأصول الستة عشر: تحقيق حسن المصطفى، تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.

۱۱. إعلام الورى بأعلام الهدى: طبرسى، ابوعلی فضل بن الحسن، دار الكتب الاسلامية، طهران.

۱۲. الزام الناصب: يزدى حائرى، على، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.

۱۳. الأمالی الشجرية (الخميسية): شجرى، يحيى بن الحسين، عالم الكتب بيروت و مكتبة المتنبى قاهرة.

۱۴. الأمالی: صدوق، محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى، دار المكتبة الاسلامية، ۱۳۶۲ ه.ش.

۱۵. الأمالی: طوسى، ابو جعفر محمد بن الحسن، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۶. الأمالی: شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، كنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

۱۷. الايقاظ من الهجعة: عاملی، محمد بن الحسن الحر، دار الكتب العلمية، قم.

(ب)

١٨. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار: مجلسي، محمد باقر، مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٤٠٤ هـ.ق.

١٩. البدء و التاريخ: بلخي مقدسي، ابوزيد احمد بن سهل (مطهر بن طاهر)، كتابخانه اسدي، تهران.

٢٠. البرهان في تفسير القرآن: بحراني توبلي، سيد هاشم بن سليمان بن اسماعيل، چاپخانه علمي، قم.

٢١. البرهان في علامات مهدي آخر الزمان: متقي هندي جونپوري، علاء الدين علي بن حسام الدين، شركت رضوان، تهران.

٢٢. بشارة الاسلام: كاظمي، سيد مصطفي آل سيد حيدر، كتابخانه نينوا، تهران.

٢٣. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى: طبري، ابو جعفر محمد بن ابي القاسم، منشورات المكتبة الحيدرية، النجف، ١٣٨٣ هـ.ق.

٢٤. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام: صفار قمي، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي، قم، ١٤٠٤ هـ.ق.

٢٥. البيان في أخبار صاحب الزمان: قرشي گنجي شافعي، محمد بن يوسف بن محمد، ضميمه كفاية الطالب از مؤلف، دار احياء تراث اهل البيت عليهم السلام، تهران.

(ت ث)

٢٦. تاج المواليد: طبرسي، ابو علي فضل بن الحسن بن الفضل، ضمن «المجموعة النفيسة»، كتابخانه آيت الله مرعشي، قم، ١٤٠٦ هـ.ق.

٢٧. تاريخ بغداد: خطيب بغدادي، ابوبكر احمد بن علي، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٧ هـ.ق.

٢٨. التاريخ الكبير: جعفي بخاري، اسماعيل بن ابراهيم، دار الكتب العلمية، بيروت.

٢٩. تاريخ مواليد الأئمة و وفياتهم: بغدادي، ابو محمد عبدالله بن نصر بن خشاب، كتابخانه آيت الله مرعشي، قم، ١٤٠٦ هـ.ق.

٣٠. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة: حسيني استرآبادي نجفي، سيد شرف الدين علي، مدرسه امام مهدي.

٣١. التبيان في تفسير القرآن: طوسي، ابو جعفر محمد بن الحسن، مكتب الاعلام الاسلامي.

٣٢. تحف العقول عن آل الرسول: حرّاني، ابو محمد حسن بن علي بن الحسين بن شعبة، انتشارات جامعه

مدرسين، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.

۳۳. تذكرة الحفاظ: ذهبى، ابو عبدالله شمس الدين، دار احياء التراث العربى، بيروت.
۳۴. التذكرة في أحوال الموتى و أمور الآخرة: قرطبي، محمد بن احمد بن ابي بكر، دار الكتب العلمية، بيروت.
۳۵. التصريح بما نواتر في نزول المسيح: كشميرى هندی، محمد انور شاه، مكتبة المطبوعات الاسلامية، حلب.
۳۶. تفسير الصافي: كاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى (فيض)، كتابخانه صدر، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۳۷. تفسير العياشي: سلمى سمرقندى، محمد بن مسعود بن عياش، المكتبة العلمية الاسلامية، تهران، ۱۳۸۰ هـ.ق.
۳۸. تفسير القمي: قمي، ابو الحسن على بن ابراهيم، مؤسسه دار الكتاب، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳۹. تفسير فرات الكوفي: كوفى، فرات بن ابراهيم بن فرات، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۴۰. تفسير نور الثقلين: حويزى، على بن جمعه، مؤسسه اسماعيليان، قم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۴۱. تلخيص المتشابه في الرسم: خطيب بغدادى، احمد بن على بن ثابت، مؤسسة طلاس، دمشق.
۴۲. تهذيب الأحكام في شرح المقنعة: طوسى، ابو جعفر عبدالله بن الحسن، دار الكتب الاسلامية، تهران، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۴۳. تهذيب تاريخ دمشق الكبير: بدران، عبدالقادر، دار المسيرة، بيروت.
۴۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: صدوق، محمد بن على بن الحسين بن بابويه، انتشارات شريف رضى، قم، ۱۳۶۴ هـ.ش.
- (ج)
۴۵. جامع الأخبار: شعيرى، تاج الدين، انتشارات رضى، قم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۴۶. جامع الأصول من أحاديث الرسول: ابن اثير، مبارك بن محمد، دار احياء التراث العربى، بيروت.
۴۷. جامع البيان في تفسير القرآن: طبرى، محمد بن جرير بن يزيد، دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۴۸. الجامع الصغير من أحاديث البشير النذير: سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، دار الفكر، بيروت، ۱۴۰۱ هـ.ق.

(ح خ)

٤٩. الحاوي للفتاوي: سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن، دار الكتب العلمية، بيروت.
٥٠. حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار: بحراني، سيد هاشم بن سليمان بن اسماعيل، مؤسسه معارف اسلامي، قم، ١٤١١ هـ.ق.
٥١. حلية الأولياء و طبقات الأصفياء: ابو نعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، دار الكتاب العربي، بيروت.
٥٢. الخرائج و الجرائح: راوندي، قطب الدين ابوالحسين سعيد بن هبة الله، مؤسسه امام مهدي، قم، ١٤٠٩ هـ.ق.
٥٣. الخصائص الكبرى: سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن، دار الكتب العلمية، بيروت.
٥٤. الخصال: صدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه قمي، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ١٤٠٣ هـ.ق.

(د ذ ر)

٥٥. الدرّ المشور في التفسير بالمأثور: سيوطي، جلال الدين، دار المعرفة، بيروت.
٥٦. دلائل الامامة: طبري، ابو جعفر محمد بن جرير بن رستم، مؤسسه بعثت، قم، ١٤١٣ هـ.ق.
٥٧. دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة: بيهقي، ابوبكر احمد بن الحسين، دار الكتب العلمية، بيروت.
٥٨. ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى: طبري، محبت الدين احمد بن عبدالله، مكتبة القدسي، قاهره، ١٣٥٦ هـ.ق.
٥٩. ذكر أخبار اصبهان: اصفهاني، ابو نعيم احمد بن عبدالله، چاپخانه بريل، ١٩٣٤ م.
٦٠. الروض الأنف في تفسير السيرة النبوية لابن هشام: خثعمي، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله، دار الجيل، القاهرة.
٦١. روضة الواعظين: نيشابوري، محمد بن القتال، انتشارات رضى، قم.

(س ش)

٦٢. سنن ابن ماجه: قزويني، محمد بن يزيد، دار الفكر، بيروت.
٦٣. سنن الترمذي: ابو عيسى محمد بن عيسى بن مسوره، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٣ هـ.ق.
٦٤. سنن الدارقطني: دار قطني، علي بن عمر، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٩٩٦ م.
٦٥. سنن النسائي: نسائي، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن علي، دار الفكر، بيروت، ١٩٣٠ م.
٦٦. السنن الواردة في الفتن: مقرئ داني، ابو عمرو عثمان بن سعيد.
٦٧. سنن أبي داود: سيستاني، سليمان بن اشعث، دار الفكر، بيروت، ١٩٩٠ م.

۶۸. شرح المقاصد: شافعي تفتازاني، مسعود بن عمر بن عبدالله، مطبعة القدسي، القاهرة.
۶۹. شرح دعای رجبیه: نجابت شیرازی، حاج شیخ حسنعلی، انتشارات حوزه علمیه شهید محمدحسین نجابت، شیراز، ۱۳۷۷ ه.ش.
۷۰. شرح نهج البلاغة: مدائنی (ابن ابی الحديد)، عزالدین ابو حامد بن هبة الله الحسين بن ابی الحديد، کتابخانه آية الله مرعشي، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.

### (ص ط)

۷۱. صحيح ابن حبان: تميمي بُستي، ابو حاتم محمد بن حبان، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۹۹۳ م.
۷۲. صحيح البخاري: جعفي بخاري، اسماعيل بن ابراهيم، دار الفكر، بيروت، ۱۴۰۱ ه.ق.
۷۳. صحيح مسلم: قشيري نيسابوري، ابو الحسين مسلم بن حجاج، دار الفكر، بيروت.
۷۴. الصراط المستقيم الى مستحقّي التقديم: عاملي نباطي، زين الدين ابو محمد علي بن يونس، کتابخانه حيدريه، نجف، ۱۳۸۴ ه.ق.
۷۵. الصواعق المحرقة على أهل الرفض و الضلال و الزندقة: هيثمي، ابن حجر، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الأولى، ۱۹۹۷.
۷۶. الطبقات الكبرى: بصري زهري، محمد بن سعد بن منيع، دار صادر، بيروت.
۷۷. الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف: سيد ابن طاووس، علي بن موسى، چاپخانه خيام، قم، ۱۴۰۰ ه.ق.

### (ع غ)

۷۸. العدد القويّة لدفع المخاوف اليومية: حلي، رضی الدين علي بن يوسف بن مطهر، کتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، قم، ۱۴۰۸ ه.ق.
۷۹. عرائس المجالس: ثعلبي، ابواسحاق احمد بن محمد، المكتبة الشعبية للطباعة و النشر، بيروت.
۸۰. العرف الوردی في أخبار المهدي: سيوطي، جلال الدين، دار الكتب العلمية، بيروت. ضميمه كتاب الحاوي للفتاوى.
۸۱. العطر الوردی: بليسي شافعي، محمد بن محمد بن احمد، المطبعة الأميرية، بولاق.
۸۲. عقد الدرر في أخبار المنتظر: مقدسي سلمی شافعي، يوسف بن يحيى بن علي، مكتبة عالم الفكر، القاهرة.
۸۳. علل الشرائع و الأحكام: صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه قمي، المكتبة الحيدرية، النجف.



١٤. عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب امام الأبرار: حلي، يحيى بن الحسن (ابن بطريق)، مؤسسه نشر اسلامي (وابسته به جامعه مدرسین)، قم، ١٤٠٧ هـ.ق.

١٥. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال: بحراني اصفهاني، عبدالله، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٧ هـ.ق.

١٦. عيون أخبار الرضا عليه السلام: شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه، انتشارات جهان ايران، ١٣٧٨ هـ.ق.

١٧. غاية المرام في حجة الخصام عن طريق الخاص و العام: بحراني، سيد هاشم بن سليمان بن اسماعيل، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت.

١٨. الغيبة: طوسي، ابو جعفر محمد بن الحسن، مؤسسه معارف اسلامي، قم، ١٤١١ هـ.ق.

١٩. الغيبة: نعماني، شيخ محمد بن ابراهيم، انتشارات صدوق، تهران، ١٣٩٧ هـ.ق.

### (ف ق)

٩٠. الفائق في غريب الحديث: زمخشري، جارالله محمود بن عمر، دار المعرفة، بيروت.

٩١. الفتاوى الحدیثية: هيتمي، احمد بن حجر، مطبعة التقدم العلمية، مصر.

٩٢. فتح الباري: عسقلاني، احمد بن علي بن محمد بن حجر، دار احياء التراث العربي، بيروت.

٩٣. الفتن: مروزي، نعيم بن حماد، دار الفكر، بيروت، ١٤١٤ هـ.ق.

٩٤. الفتن: سليبي، ابو صالح بن احمد بن عيسى، نسخه الكترونيكي.

٩٥. فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين عليه السلام: جويني خراساني، ابراهيم بن محمد بن المؤيد، مؤسسة المحمودي للطباعة و النشر، بيروت.

٩٦. فرائد فوائد الفكر: مرعي بن يوسف بن ابي بكر، مؤسسه معارف اسلامي، قم.

٩٧. فردوس الأخبار بمأثور الخطاب: ديلمی همدانی (کیا)، ابوشجاع شیرویه بن شهر دار بن شیرویه، دار الكتب العلمية، بيروت.

٩٨. الفصول المهمة في أصول الأئمة: حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علي، مؤسسه معارف اسلامي امام رضا عليه السلام، قم، ١٤١٨ هـ.ق.

٩٩. فيض القدير شرح الجامع الصغير: مناوي، محمد (عبدالرؤوف)، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٥ هـ.ق.

۱۰۰. القول المختصر في علامات المهدي المنتظر: هيثمي، احمد بن حجر، مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام، نجف اشرف.

### (ك ل)

۱۰۱. الكافي: كليني رازی، ابو جعفر محمد بن يعقوب، دار الكتب الاسلامية، تهران، ۱۳۶۵ هـ.ق.

۱۰۲. الكامل في ضعفاء الرجال: جرجاني، ابو احمد عبدالله بن عدي، دار الفكر.

۱۰۳. كتاب سليم بن قيس الكوفي: كوفي هلالی عامري، سليم بن قيس، انتشارات الهادي، قم، ۱۴۱۵ هـ.ق.

۱۰۴. كشف الأستار عن زوائد البزار على الكتب الستة: هيثمي، نورالدين علي بن ابي بكر، مؤسسة الرسالة، بيروت.

۱۰۵. كشف الأستار عن وجه الغائب عن الأبصار: نوري طبرسي، ميرزا حسين بن محمد تقی، انتشارات نينوا، تهران.

۱۰۶. كشف الغمة في معرفة الائمة: اربلي، ابو الحسن علي بن عيسى بن ابي الفتح، كتابخانه بني هاشم، تبريز، ۱۳۸۱ هـ.ش.

۱۰۷. كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين عليه السلام: علامه حلي، جمال الدين حسن بن يوسف بن مطهر، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ هـ.ق.

۱۰۸. كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر: خزاز قمي، ابو القاسم علي بن محمد بن علي، انتشارات بيدار، قم.

۱۰۹. كمال الدين و تمام النعمة: شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه قمي، دار الكتب الاسلامية، قم، ۱۳۹۵ هـ.ق.

۱۱۰. كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال: هندی، علاء الدين علي متقی بن حسام الدين، مؤسسة الرسالة، بيروت.

### (م)

۱۱۱. مجمع البيان في تفسير القرآن: طبرسي، فضل بن الحسن، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.

۱۱۲. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: هيثمي، نورالدين علي بن ابي بكر، منشورات دار الكتاب العلمية، بيروت، ۱۹۸۸ م.

١١٣. المحاسن: برقي، احمد بن محمد بن خالد، دار الكتب الاسلامية، قم، ١٣٧١ هـ.ق.
١١٤. المختصر: حلي، عز الدين حسن بن سليمان، منشورات المطبعة الحيدرية، نجف، ١٣٧٠ هـ.ق، ١٩٥١ م.
١١٥. مختصر اثبات الرجعة: نيشابوري، فضل بن شاذان، مجلة تراثنا، رقم ١٥.
١١٦. مختصر بصائر الدرجات: حلي، عز الدين حسن بن سليمان، منشورات المطبعة الحيدرية، النجف، ١٣٧٠ هـ.ق.
١١٧. مختصر تاريخ دمشق لابن عساكر: ابن منظور، محمد بن مكرم، دار الفكر، دمشق.
١١٨. مدينة المعاجز: بحراني، سيد هاشم بن سليمان، مؤسسه معارف اسلامي، ١٤١٣ هـ.ق.
١١٩. المستجاد من كتاب الارشاد: حلي، حسن بن مطهر، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي، قم، ١٤٠٦ هـ.ق.
١٢٠. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: نوري طبرسي، ميرزا حسين بن محمد تقى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤٠٨ هـ.ق.
١٢١. المستدرک على الصحيحين في الحديث: حاكم نيشابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، دار المعرفة، بيروت، ١٤٠٦ هـ.ق.
١٢٢. مسند الحميدي: حميدي، ابوبكر عبدالله بن زبير، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٩٨٨ م.
١٢٣. مسند أبي داود الطيالسي: طيالسي، ابو داود، دار الحديث، بيروت.
١٢٤. مسند أبي يعلى الموصلي: تميمي موصلي، احمد بن على بن المثنى، دار المأمون للتراث، دمشق.
١٢٥. مسند أبي عوانة: اسفرائيني، يعقوب بن اسحاق، دار المعرفة، بيروت.
١٢٦. مسند احمد: احمد بن حنبل، دار الفكر، بيروت.
١٢٧. مشارق أنوار اليقين في اسرار امير المؤمنين عليه السلام: برسي، الحافظ رجب، انتشارات فرهنگ اهل بيت عليهم السلام، تهران.
١٢٨. مشكل الآثار: طحاوي، ابو جعفر احمد بن محمد بن سلامة، مجلس دائرة المعارف النظامية، دار صادر، بيروت.
١٢٩. مصابيح السنة: فراء بغوي، حسين بن مسعود بن محمد، دار المعرفة، بيروت.
١٣٠. مصنف ابن أبي شيبة: عبدالله بن محمد بن ابي شيبة، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٩ هـ.ق.
١٣١. المصنف: صنعاني، عبدالرزاق بن همام، المكتب الاسلامي، بيروت.
- ١٣٢- معاني الاخبار: صدوق، ابو جعفر محمد بن على بن بابويه قمي، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ١٣٦١ هـ.ق.

۱۳۳. المعجم الأوسط: طبرانی، سليمان بن احمد بن ايوب، مكتبة المعارف، الرياض.
۱۳۴. معجم البلدان: حموي رومي، شهاب الدين ياقوت بن عبدالله، دار احياء التراث العربي، بيروت، ۱۳۹۹ هـ.ق.
۱۳۵. معجم الثقات من جامع الرواة: دستغيب حسيني، سيد علي محمد، انتشارات فلاح، شيراز، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۳۶. المعجم الصغير: طبرانی، سليمان بن احمد بن ايوب، دار الكتب العلمية بيروت.
۱۳۷. المعجم الكبير: طبرانی، سليمان بن احمد بن ايوب، الدار العربية، بغداد.
۱۳۸. مقتضب الاثر: جوهری، احمد بن عبيدالله بن عياش، كتابخانه طباطبائي، قم.
۱۳۹. مقدمة ابن خلدون: مغربي، عبدالرحمن بن خلدون، دار الفكر، بيروت.
۱۴۰. الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر: ابن طاووس، رضى الدين على بن موسى، منشورات مؤسسة الاعلمى، بيروت.
۱۴۱. الملاحم و الفتن: ابن المنادى، ابو الحسن احمد بن جعفر بن عبيدالله البغدادي، نسخه الكترونيكى.
۱۴۲. المنار المنيف في الصحيح و الضعيف: ابن قيم جوزيه، محمد بن ابي بكر حنبلى دمشقى، مكتب المطبوعات الاسلامية، حلب.
۱۴۳. مناقب آل ابي طالب: ابن شهر آشوب، ابو جعفر رشيدالدين محمد بن على، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۱۴۴. مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام: ابن مغازلى، على بن محمد بن محمد واسطى شافعى، انتشارات اسلاميه، تهران.
۱۴۵. منتخب الاثر في الامام الثاني عشر عليه السلام: صافى گلپايگانى، لطف الله، كتابخانه صدر، تهران.
۱۴۶. منتخب الأنوار المضيئة في الحكمة الشرعية ...: نيلى نجفى، على بن عبدالكريم، چاپخانه خيام، قم، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۱۴۷. المنجد في اللغة و الاعلام: جمع من المؤلفين، المطبعة الكاثوليكية، عاريا (البنان)، ۱۹۸۲.
۱۴۸. من لا يحضره الفقيه: صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۴۹. المهدي الموعود المنتظر عند علماء اهل السنة و الامامية: عسكرى، نجم الدين جعفر بن محمد، دار الزهراء، بيروت.
۱۵۰. المهذب البارع في شرح المختصر النافع: اسدى حلى، جمال الدين ابو العباس احمد بن فهد، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ هـ.ق.

١٥١. ميزان الاعتدال في نقد الرجال: ذهبي، عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، دار المعرفه، بيروت، ١٣٨٢ هـ.ق.

### (ن و هـ ي)

١٥٢. نوادر الأصول في معرفة أحاديث الرسول صلى الله عليه وآله: ترمذي، ابو عبدالله محمد الحكيم، دار صادر، بيروت.

١٥٣. النهاية في غريب الحديث و الاثر: ابن اثير، مبارك بن محمد جزري، مؤسسه اسماعيليان، قم، ١٣٦٤ هـ.ق.

١٥٤. نهاية البداية و النهاية في الفتن و الملاحم: ابن كثير، اسماعيل بن عمر، مكتبة النصر الحديثه، الرياض.

١٥٥. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة: عاملي، محمد بن الحسن الحرّ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤٠٩ هـ.ق.

١٥٦. الهداية الكبرى: خصيبي، ابو عبدالله حسين بن حمدان، مؤسسة البلاغ، بيروت، ١٩٩١ م.

١٥٧. ينابيع المودة: قندوزي حنفي، سليمان بن ابراهيم، انتشارات اسوه، قم، ١٤١٦ هـ.ق.